

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ و سیاست در عصر پهلوی

اسنادی از زبان و ادبیات فارسی و نخبگان فرهنگی

ریاست جمهوری

معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی

اداره کل پژوهش و اسناد

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
موضوع

ایران، ریاست‌جمهوری. دفتر رئیس‌جمهور. اداره‌کل پژوهش و اسناد
فرهنگ و سیاست در عصر پهلوی / مجری طرح ریاست‌جمهوری، معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی،
اداره‌کل پژوهش و اسناد؛ زیر نظر علی‌اکبر هراتی؛ تهیه و تنظیم رضا مختاری اصفهانی
تهران: ریاست‌جمهوری، اداره‌کل پژوهش و اسناد، نشر جمهوری ایران، ۱۴۰۳
ص ۲۱۸
: 978-622-7469-52-3 ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
فیبا
: کتابنامه به صورت زیرنویس
: سیاست فرهنگی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۰۴ -- ۱۳۵۷ اسناد و مدارک
Cultural policy -- Iran -- History -- 1925 - 1979 -- Sources
مشاهیر -- ایران -- قرن ۱۴ -- نامه‌ها
Celebrities -- Iran -- 20th century -- Correspondence
ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک
Iran -- History -- pahlavi, 1925 - 1978 -- Sources
هراتی، علی‌اکبر، ۱۳۵۲
: مختاری اصفهانی، رضا، ۱۳۵۳
ایران، ریاست‌جمهوری. مرکز پژوهش و اسناد. نشر جمهوری ایران
DSR۱۴۷۵ :
۹۵۵/۰۸۲۲۰۸۵ :
۹۶۴۱۸۸۹ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

شناسه افزوده
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



نشر جمهوری ایران

اداره‌کل پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

عنوان اثر : فرهنگ و سیاست در عصر پهلوی؛ اسنادی از زبان و ادبیات فارسی و نخبگان فرهنگی

مجری طرح: معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور

زیر نظر: علی‌اکبر هراتی

به کوشش: رضا مختاری اصفهانی

طرح جلد: رضا حضارمقدم

صفحه‌آرا: مژگان زرین‌صدف

ناشر: نشر جمهوری ایران (اداره‌کل پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)

چاپ اول: ۱۴۰۳

قیمت : ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸۶۲۲۷۴۶۹۵۲۳

نشانی: تهران، خیابان لبافی‌نژاد، بین ابوریحان و دانشگاه، پلاک ۱۶۴؛ تلفن: ۶۶۴۰۲۸۳۶

فهرست

پیشگفتار	خ
مقدمه	ذ
راهنمای اسناد	ض
اسناد	ا
تصویر نمونه اسناد	۲۲۷

پیشگفتار

تاریخ‌نگاری مدرن در تصویرسازی از گذشته نیاز مبرمی به اسناد دارد؛ منبع مهمی که در زمان وقوع حادثه تولید شده و پرده از بسیاری از وقایع برمی‌دارند. اسناد برخلاف دیگر منابع تاریخی، به‌ویژه خاطرات، بر ساخته روایات پسینی نیستند. در این میان، اگرچه مطبوعات نیز در همان زمان وقوع حادثه به افراد و حوادث پرداخته‌اند، اما بیشتر از مسائلی سخن می‌گویند که اجازه انتشار داشته‌اند یا آکنده از ظاهرسازی و تملق اصحاب قدرت هستند. این وضعیت تنها در دوره آزادی مطبوعات متفاوت می‌شود؛ دوره‌ای که مطبوعات به جز وقایع روز، درباره گذشته نیز مطالب و اسناد افشاگرانه منتشر می‌کنند. چنانچه مطبوعات پس از شهریور بیست تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چنین وضعیتی داشتند.

اسناد اما فاقد بسیاری از آسیب‌های دیگر منابع تاریخی، مانند پرده‌پوشی، هستند. خوشبختانه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی گشایش آرشیوهای اسنادی و رجوع به اسناد در پژوهش‌های تاریخی افزون شده است. یکی از آرشیوهای اسنادی فعال در این باره، آرشیو اداره کل پژوهش و اسناد ریاست‌جمهوری است. این اداره کل علاوه بر خدمات پژوهشی به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی، پژوهشگران و دانشجویان، اقدام به انتشار مجموعه کتاب‌های اسنادی در موضوعات مختلف کرده است. این مجموعه‌ها تصویری نسبتاً کامل از دوره پهلوی در حوزه‌های گوناگون بر ساخته‌اند؛ تصویری که فارغ از جانبداری، تحلیل‌های ناصواب و غیرمستند است. کتاب حاضر، فرهنگ و سیاست در عصر پهلوی، نیز با چنین نگاهی فراهم آمده است.

نام مجموعه برگرفته از ارتباط دوسویه نهاد سیاست با نهاد فرهنگ است؛ ارتباطی که به نهاد سیاست اعتبار می‌بخشد و آن را در تصمیمات و اقداماتش هدفمند می‌سازد. فرهنگ در حکم نرم‌افزاری است که توجه به آن، نهاد سیاست را تلطیف می‌کند و با جامعه پیوند می‌دهد. اسناد کتاب ناظر بر مکاتبات بعضی چهره‌ها و نخبگان فرهنگی با دولتمردان سلطنت پهلوی است؛ مکاتباتی که گاه در پیچ‌وخم نظام بوروکراتیک بی‌نتیجه می‌مانند. بخش دیگری از اسناد، گزارش‌هایی از روند تشکیل و فعالیت‌های نهادها و بنیادهای فرهنگی مانند فرهنگستان ایران و بنیاد فرهنگ ایران است. بعضی اسناد هم روایتی از تقاضاهای اهالی فرهنگ از دولتمردان در نابسامانی روزگار و تنگی معیشت است. ناگفته پیداست اسناد کتاب تنها اسناد بازیابی‌شده در آرشیو اداره‌کل را دربرمی‌گیرد. از همین رو، اسناد بسیاری از بزرگان ادب و فرهنگ این دوره در اثر حاضر نیامده است. این فقدان یا ناشی از نبود چنین مکاتباتی از سوی برخی نام‌آوران عرصه فرهنگ با دولت است یا اینکه در تحولات و آشفتگی‌های گزیرناپذیر پس از انقلاب اسلامی بخشی از اسناد نهاد دولت در مراکز اسنادی دیگر پراکنده شده یا از بین رفتند. گفتنی است اسناد کتاب به سیاق کتاب‌های پیشین اداره‌کل با ترتیب تاریخی - موضوعی تنظیم شده‌اند. در این تنظیم، اسناد مرتبط به یک موضوع در پیوست با هم چیش شده‌اند تا تصویری روشن از سرنوشت یک نامه یا اقدام بدهند. امید است این مجموعه مانند کتاب‌های اسنادی پیشین منتشره توسط اداره‌کل، در فهم تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه در حوزه فرهنگ، راهگشا باشد. در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌داند که اداره‌کل پژوهش و اسناد ریاست‌جمهوری از نظرات و پیشنهادهای خوانندگان و صاحب‌نظران برای رفع نواقص یا اصلاح معایب استقبال می‌نماید.

علی‌اکبر هراتی

مدیرکل پژوهش و اسناد ریاست‌جمهوری

مقدمه

فرهنگ و سیاست اگر چه از یک جنس نیستند، اما تلازم این دو می‌تواند به ارتقای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور بینجامد. نهادهای علمی و فرهنگی علاوه بر پرورش فکری جامعه، بازوی توانایی برای نهاد سیاست هستند. فرهنگ نهادی نرم‌افزاری است که موجب می‌شود اهل سیاست کمتر به خشونت توسل جویند. عالمان و ادیبان حلقه واسط میان حاکمان و توده‌ها هستند. استحکام این حلقه دوام و بقای حکومت و جامعه را تضمین می‌کند. همان گونه که گسستن این پیوند می‌تواند به فروریختن بسیاری از پیوندها منجر شود. یکی از مهم‌ترین دلایل ناکامی انقلاب مشروطه به بی‌توجهی نخبگان و دولت‌ها به امر فرهنگ بازمی‌گشت. اکثریت جامعه از بی‌سوادی رنج می‌برد و جمعیت شهرنشین برای تبدیل شدن به شهروند به ارتقای فرهنگی نیاز داشت. هرج و مرج داخلی و مداخلات خارجی اما فرصتی برای این امور باقی نگذاشت.

با گذشت زمان وضعیت برای شاخصه مهمی مانند زبان فارسی نیز وخیم شد. زبان فارسی از روزگاران قدیم عامل پیوند تمامی اقوام و مذاهب ایرانی بود تا آنجا که نویسندگان قانون اساسی مشروطه، برخلاف تأکید بر تشیع به‌عنوان مذهب رسمی، لزومی بر ذکر زبان رسمی ندیدند؛ چه درباره زبان فارسی معارض و چالشی وجود نداشت. این زبان نه تنها گستره جغرافیایی ایران که ایران فرهنگی از شبه‌قاره هند تا عراق و عثمانی (سلف ترکیه) را در بر می‌گرفت. بخشی از این تهدید از جانب اتحاد جماهیر شوروی بود که از یک سو، شعار انترناسیونالیسم می‌داد و از سوی دیگر، در پوشش آزادی ملت‌ها، ملت‌سازی جعلی را تبلیغ و ترویج می‌کرد.

از همین رو، در دستورالعمل‌هایی که در اواخر دوره قاجاریه برای نجات ایران ارائه می‌شد، توجه به زبان فارسی جایگاه خاصی داشت. حتی روشنفکری مانند سیدحسن تقی‌زاده با وجود تأکید بر

غربی شدن ایرانیان در تمامی شئون، حفظ زبان فارسی را از اصول مهم می دانست. بر این اساس، زبان فارسی در هویت‌سازی دوره سلطنت رضاشاه در مرتبه اولی بود. فردوسی هم به‌عنوان نمادی برای حفظ این زبان شمرده شد؛ چه حکیم توس نقطه اتصال توده‌ها و نخبگان بود که شاهنامه‌اش در ایلات و عشایر ایرانی مانند بختیاری‌ها و قشقایی‌ها خوانده می‌شد. با توجه به چنین جایگاهی، در دوره رئیس‌الوزاری رضاخان، مجلس پنجم برای شناسایی محل دفن فردوسی و ساخت آرامگاه برای او قانونی تصویب کرد. این قانون در دوره سلطنت رضاشاه اجرا و آرامگاه به هنگام برگزاری کنگره هزاره فردوسی افتتاح شد. هرچند برخی از افراد و انجمن‌ها تغییر خط فارسی را در نظر داشتند، اما این طرح با اقبال مواجه نشد و بعضی از قائلان به تغییر خط، مانند عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی اول، از نظر پیشین خود عدول کردند. البته تمرکزگرایی فرهنگی تنها شامل زبان فارسی و گسترش آن از طریق نهادهای فرهنگی و مذهبی مانند فرهنگستان ایران، کانون پرورش افکار و مؤسسه وعظ و خطابه نبود، بلکه این تمرکزگرایی غالب امور فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گرفت. انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی غیردولتی زیر سیطره دولت درآمدند و فرهنگ دولتی حاکم شد؛ به‌طوری که ریاست فرهنگستان ایران به محمدعلی فروغی، رئیس‌الوزرا، سپرده شد. به جز حسن وثوق که از رجال سابق بود، دیگر رؤسای این نهاد وزرای فرهنگ وقت بودند.

فرهنگستان در راستای تحقق ناسیونالیسمی بود که مهم‌ترین نمادش زبان فارسی بود. این ناسیونالیسم که بیشتر وجه باستان‌گرایانه داشت، برای «پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی» می‌کوشید. البته این الفاظ در نگاه بعضی از اعضای جوان فرهنگستان بیشتر لغات عربی و تا حدودی ترکی بود. از آنجاکه تجدد غربی دیگر شاخصه ایدئولوژی سلطنت رضاشاه بود، شمار فراوانی از لغات جدید مربوط به ابزار مدرن به زبان فارسی وارد می‌شد؛ لغاتی که نیاز به معادل‌سازی یا تلفظ به شکل فارسی داشتند. از همین رو، فرهنگستان موظف به «تهیه دستور زبان و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یا رد لغات خارجی» و همچنین «جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران» بود. فرهنگستان ایران تنها به زبان رسمی التفات نداشت، که در بندی از اساسنامه‌اش خرده‌فرهنگ‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته بود: «جمع‌آوری لغات و اصطلاحات و اشعار و امثال و قصص و نوادر و ترانه‌ها و آهنگ‌های ولایتی». بنیانگذاران فرهنگستان ایران آن را به‌مثابه نهادی راهنما برای زبان و ادبیات فارسی می‌دیدند: «هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نشر و اختیار آنچه از ادبیات گذشته پسندیده است و رد آنچه منحرف می‌باشد و راهنمایی برای آینده.»^۱

پس از شهریور ۱۳۲۰ با توجه به اشغال کشور، بسیاری از این نهادها به محاق رفتند. با پایان اشغال، بعضی از این نهادها مانند انجمن آثار ملی و فرهنگستان ایران احیا شدند. مؤسسات جدیدی مانند بنیاد فرهنگ ایران نیز تأسیس شدند تا به گسترش فرهنگ ایرانی و زبان فارسی همت گمارند. بنیاد فرهنگ ایران از پی اقدامات سیاسی و اجتماعی محمدرضا شاه در نیمه دوم دهه سی و اوایل دهه چهل تأسیس شد. شاه که در آرزوی رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ بود، از اواسط دهه چهل ملزومات این تمدن را پی ریخت. ایدئولوژی سلطنت محمدرضا شاه برخلاف ایدئولوژی سلطنت پدرش، وجوهی از فرهنگ و تمدن ایران باستان و ایران دوره اسلامی به همراه تجدید غربی داشت؛ هرچند در اواخر دهه پنجاه وجه باستانگرایی آن پررنگ‌تر شد. شاه که پس از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله خود را در قامت کوروش، شاه هخامنشی، می‌دید، درصدد تغییر تاریخ هجری خورشیدی به تاریخ شاهنشاهی با مبدأ حوادث دوره کوروش برآمد؛ تصمیمی که با وجود مخالفت بعضی از اندیشمندان به اجرا درآمد.^۱

بر این اساس، در جهت ایدئولوژی سلطنت پهلوی مؤسسات مختلفی در حوزه‌های فلسفی، جامعه‌شناسی و علوم دیگر فعال شدند، اما فعالیت بنیاد فرهنگ ایران «درباره زبان و تاریخ و ادبیات و هنر ایران» بود. این بنیاد با ریاست پرویز ناتل خانلری با «دانشمندان و ادیبان کشورهای همسایه و فارسی‌زبان و چند مؤسسه علمی ... در اروپا و آمریکا» همکاری می‌کرد. هدف این بنیاد آن بود که «بر نفوذ فرهنگ ایران در این کشورها بیفزاید.»^۲ از اقدامات بنیاد فرهنگ ایران تألیف «فرهنگ بزرگ و کامل فارسی» در شاخه‌های مختلف بود. همچنین این بنیاد به زبان‌های ایرانی پیش از اسلام توجه خاص داشت و واژه‌نامه‌های متعددی به چاپ رساند. تصحیح و چاپ نسخه‌های خطی کهن در علوم مختلف از دانشمندان ایرانی مسلمان از دیگر اقدامات بنیاد فرهنگ ایران است.^۳

گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تنها منحصر به مؤسساتی چون بنیاد فرهنگ ایران نبود. بعضی از کارگزاران سیاسی و فرهنگی به طور شخصی در این باره دغدغه داشتند. محمدتقی قمی از مدیران رادیو تهران که در مصر رحل اقامت افکنده بود، علاوه بر تدریس تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاه الازهر، دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه را پایه‌گذاری کرده بود. قمی نماینده‌ای شایسته برای فرهنگ ایرانی و مذهب تشیع بود. محمود جم، سفیر ایران در قاهره، درباره فعالیت‌های او به ابراهیم حکیمی، نخست‌وزیر، نوشت: «آقای قمی که مدتی در جامع الازهر بوده و از دیپلمه‌های علوم معقول و منقول مدرسه عالی سپهسالار می‌باشند، جوانی است بسیار آراسته و فاضل و می‌توان گفت این شخص برای شناساندن شیعه و رفع اختلاف بین مسلمین با یک حس

۱. سند شماره ۵۶ و ضمایم آن.

۲. سند شماره ۴۶/۲.

۳. سند شماره ۴۸/۱.

وطن‌پرستی همت گمارده است و واقعاً هم بیانات او به قدری مؤثر واقع شده است که دول حجاز، یمن و سایر ممالک عربی نماینده به اداره‌ای که به‌عنوان دارالتقریب قمی تشکیل گردیده، اعزام نموده‌اند...»^۱

سعید نفیسی نیز در دورهٔ بیماری و روزگار کهنسالی همچنان در اندیشهٔ فرهنگ ایرانی بود. او در کشورهای مختلف از جمله اتحاد جماهیر شوروی با اقبال مواجه بود؛ به طوری که عبدالسعد قباروف، صدر هیأت وزیران جمهوری تاجیکستان شوروی، در پیام تسلیت به مناسبت درگذشتش نوشت: «او برای توسعهٔ ادبیات ایران و تاجیکستان و همچنین تاریخ این دو ملت هم‌کیش و تحکیم دوستی و همکاری بین ملت ایران و شوروی زحمات زیادی کشیده بود.»^۲ بدیع‌الزمان فروزانفر هم با احاطه‌ای که بر علوم دینی و ادبیات پارسی داشت، در گسترش روابط فرهنگی ایران با کشورهای عربی و افغانستان می‌کوشید. او علاوه بر شرکت در مجامع علمی دنیای عرب،^۳ برای روابط ایران و افغانستان پیشنهادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشت.^۴ همچنان که محمدرضا میرتیمور، سرکنسول ایران در کوئته و کلات پاکستان، به تحکیم روابط فرهنگی ایران با اقوام مختلف در این کشور می‌اندیشید. او به‌درستی ورای عالم سیاست به نقش و تأثیر ایران فرهنگی پی برده بود. از همین رو به مقامات وزارت متبوع خود نوشت: «...اکنون آرزو دارم مسئولین دستگاه‌های فرهنگی و اجرای سیاست فرهنگی دولت ایران در زمینهٔ نشر زبان و ادبیات فارسی این حقیقت را مرکز خاطر محترم سازند که پاکستان به طور عموم و منطقهٔ کوئته و کلات علی‌الخصوص از لحاظ فرهنگی از ایران جدا نیست و اگر اوضاع و احوال سیاسی دنیا مرزی بین این دو منطقه گذاشته است، در عالم ادب و فرهنگ حقاً چنین مرزی وجود ندارد و یا اگر [به] تعبیری بتوان برای آن مرزی قائل شد، مرزی است بسیار شکننده و قابل رسوخ.» با توجه به چنین وضعیتی، میرتیمور از نهادها و وزارتخانه‌های مختلف تقاضا داشت از طرق مختلف از جمله ارسال کتاب‌ها، نشریات و فیلم سینمایی و اعزام تیم‌های ورزشی، به‌ویژه فوتبال، در تحکیم فرهنگ ایرانی در این منطقه بکوشند.^۵

دغدغهٔ اهالی فرهنگ به همراه بعضی از متولیان امور فرهنگی و کارگزاران سیاسی اما مانعی مهم پیش رو داشت. افراد و نهادهای فرهنگی همواره با قلت منابع مالی مواجه بودند. محمدتقی قمی سالیان متوالی در تمنای مساعدت مالی بود، اما مکاتباتش با دربار و دولت و نامه‌های برخی از

۱. سند شمارهٔ ۳/۱۷.

۲. سند شمارهٔ ۴۵/۱.

۳. سند شمارهٔ ۳۵ و شمارهٔ ۴۰.

۴. سند شمارهٔ ۲۰/۱.

۵. سند شمارهٔ ۲۵/۱.

رجال دولتی در حمایت از او چندان نتیجه‌ای در بر نداشت.^۱ نهایت، آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی به حمایت و مساعدت از دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه برخاست. سعید نفیسی هم پس از عمری تلاش بی‌وقفه همواره چشم به کمک‌های دولت و دربار دوخته بود؛ کمک‌هایی که با وقفه همراه بود.^۲ بنیاد فرهنگ ایران با وجود آنکه به فرمان شاه تأسیس شده و ریاست عالیّه آن با فرح پهلوی بود، از کمبود بودجه رنج می‌برد.^۳

اسناد مجموعه حاضر تصویری مستند از فعالیت‌های فرهنگی بعضی از رجال علمی و ادبی کشور و مشکلات آنان است. این فعالیت‌ها در مکاتبات و احکام دولتی تصویر شده است. بعضی از اسناد هم سخنان یا نامه‌های سیاستمداران در خصوص مسائل فرهنگی از جمله زبان یا رسم‌الخط فارسی است. امید که این مجموعه در شناخت اهالی فرهنگ و ادب دوره معاصر برای اهل تحقیق و پژوهش راهگشا باشد.

۱. سند شماره ۳ و ضمایم آن.

۲. اسناد شماره ۲۳، ۲۴ و ۴۳.

۳. سند شماره ۴۶ و ضمایم آن.

راهنمای اسناد

۱. درخواست علی‌اکبر دهخدا از وزیر دربار، عبدالحسین تیمورتاش، درباره نظام وظیفه برادرزاده‌اش..... ۳
۲. تغییر واژگان و انتخاب اسامی جدید توسط فرهنگستان در حوزه‌های مختلف..... ۵
۳. مکاتبات محمدتقی قمی، دبیر کل دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، با دربار و نخست‌وزیری در خصوص تخصیص کمک به فعالیت‌های فرهنگی و علمی وی..... ۱۴
۴. تصویبنامه هیأت وزیران در خصوص پرداخت هزینه پذیرایی از وزیر فرهنگ افغانستان توسط فرهنگستان ایران..... ۳۲
۵. پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت رنه گروسه فرانسوی در فرهنگستان ایران..... ۳۳
۶. پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت احمد حامد الصراف عراقی در فرهنگستان ایران؛ به انضمام تصویبنامه هیأت وزیران در این باره..... ۳۵

۷. پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت اردل آبروی بریتانیایی در فرهنگستان ایران؛ به انضمام سوابق علمی او..... ۳۶
۸. مکاتبه وزارت فرهنگ با نخست‌وزیری در خصوص تأمین اعتبار برای شرکت سعید نفیسی در کنگره بین‌المللی خاورشناسان در استانبول..... ۳۸
۹. نامه علی‌اکبر دهخدا به محمد مصدق درباره اعطای ده‌هزار تومان کمک مالی به دولت. ۴۰
۱۰. انتصاب حسین خطیبی به ریاست کل دفتر نخست‌وزیر..... ۴۲
۱۱. انتصاب حسین خطیبی به سرپرستی امور مالی و اداری مجلس..... ۴۳
۱۲. نامه وزارت امور خارجه به نخست‌وزیری در خصوص اعلام صحت و سقم گزارش روزنامه پرچم از سخنرانی‌های سعید نفیسی در مسکو..... ۴۴
۱۳. گزارش حسین گل‌گلاب، دبیر فرهنگستان ایران، از فعالیت‌های این فرهنگستان..... ۴۵
۱۴. مکاتبات در خصوص عضویت مارچیونس‌آف وینچستر در فرهنگستان ایران..... ۵۳
۱۵. گزارش دایره تجسس رکن دوم ستاد ارتش از وضعیت اداری و آموزشی وزارت فرهنگ و تخلفات برخی از مدیران آن..... ۵۸
۱۶. مکاتبات مربوط به دعوت مؤسسه روابط فرهنگی رومانی از ذبیح‌الله صفا برای سفر به این کشور و مخالفت ساواک با آن..... ۶۴
۱۷. تقاضای دانشگاه تهران مبنی بر بازگشت به کار سعید نفیسی..... ۶۶
۱۸. تصویبنامه دولت در خصوص سفر بدیع‌الزمان فروزانفر و هیأت همراه برای شرکت در جشن استقلال افغانستان..... ۶۸

۱۹. تقاضای سعید نفیسی برای ترمیم حقوق بازنشستگی اش؛ به انضمام پاسخ وزارت فرهنگ در این باره.....۶۹
۲۰. گزارش و پیشنهادهای بدیع‌الزمان فروزانفر در خصوص روابط ایران و افغانستان.....۷۱
۲۱. مکاتبات دربارهٔ برقراری شهریهٔ مناسب برای همسر علی‌اکبر دهخدا.....۷۳
۲۲. مکاتبات مربوط به تأمین اعتبار سفر لطفعلی صورتگر و پرویز ناتل خانلری به هند جهت شرکت در مراسم بزرگداشت رایبندرانات تاگور.....۷۵
۲۳. مکاتبات اداره کل انتشارات و رادیو در خصوص استخدام حق‌الزحمه‌ای سعید نفیسی در دورهٔ بازنشستگی وی.....۷۸
۲۴. نامه‌های سعید نفیسی به دربار و نخست‌وزیر، علی‌امینی، در خصوص پرداخت کمک‌هزینه به وی در اروپا؛ به انضمام مکاتبات در این باره.....۸۱
۲۵. گزارش سرکنسولگری ایران در کویتۀ پاکستان از وضعیت زبان فارسی در این منطقه و فعالیت‌های فرهنگی ایران در آنجا.....۸۶
۲۶. پیشنهاد سفارت ایران در تونس مبنی بر اعزام استاد زبان فارسی برای تدریس در دانشگاه این کشور.....۹۲
۲۷. نامهٔ نخست‌وزیری به وزارت فرهنگ در خصوص تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به توسعهٔ فرهنگ ایران در ترکیه.....۹۳
۲۸. تقاضای گذرنامهٔ خدمت برای ایرج افشار جهت مأموریت مطالعاتی به دعوت دانشگاه هاروارد.....۹۴
۲۹. تقاضای گذرنامهٔ خدمت برای عبدالحسین زرین‌کوب جهت سفر مطالعاتی به اروپا.....۹۵

۳۰. پیام تبریک پرویز ناتل خانلری به امیراسدالله علم به مناسبت انتصاب وی به ریاست دانشگاه پهلوی شیراز..... ۹۶
۳۱. پاسخ حسنعلی منصور، نخست‌وزیر، به پیام تبریک نوروزی بدیع‌الزمان فروزانفر و استادان دانشکده علوم معقول و منقول..... ۹۸
۳۲. نامه ابراهیم گرانفر به نخست‌وزیر، حسنعلی منصور، درباره تصحیح یا تغییر الفبا..... ۹۸
۳۳. نامه بدیع‌الزمان فروزانفر به نخست‌وزیر، حسنعلی منصور، در خصوص وضعیت معیشتی خانواده محمدابراهیم آیتی بیرجندی، استاد دانشگاه تهران..... ۱۰۰
۳۴. سخنان پیش از دستور شوکت‌الملک جهانبانی، نماینده مجلس، درباره اختلاف رسم‌الخط در کتاب‌های درسی؛ به انضمام پاسخ وزارت فرهنگ..... ۱۰۱
۳۵. مکاتبات مربوط به سفر بدیع‌الزمان فروزانفر به کویت..... ۱۰۷
۳۶. سخنان پیش از دستور احمد اخوان، نماینده مجلس، درباره لزوم تشکیل فرهنگستان... ۱۰۹
۳۷. گزارش سفارت ایران در کویت از مصادره بعضی از کتاب‌های فارسی توسط اداره سانسور وزارت ارشاد کویت..... ۱۱۲
۳۸. گزارش سفارت ایران در کویت از دیدار بدیع‌الزمان فروزانفر با مقامات فرهنگی و سیاسی این کشور..... ۱۱۳
۳۹. مکاتبات مربوط به دوره کارآموزی کارکنان مؤسسه فرانکلین کابل در چاپخانه‌های تهران..... ۱۱۴
۴۰. موافقت محمدرضا شاه با سفر بدیع‌الزمان فروزانفر به عراق به دعوت دانشگاه بغداد..... ۱۱۶
۴۱. پیام تبریک سعید نفیسی به امیرعباس هویدا به مناسبت عید نوروز..... ۱۱۷

۴۲. گزارش پرویز ناتل خانلری، دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، از سفر به افغانستان و شرکت در سمینار ترجمه..... ۱۱۸
۴۳. نامه سعید نفیسی به امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر، در خصوص افزایش حقوق بازنشستگی اش..... ۱۲۹
۴۴. نامه سعید نفیسی به محمدرضا شاه در خصوص وضعیت معیشتی اش..... ۱۳۱
۴۵. پیام تسلیت صدر هیأت وزیران جمهوری تاجیکستان شوروی به مناسبت درگذشت سعید نفیسی..... ۱۳۲
۴۶. مکاتبات بنیاد فرهنگ ایران در خصوص کمبود بودجه این بنیاد..... ۱۳۴
۴۷. نامه وزارت علوم به سازمان امور اداری و استخدامی در خصوص برقراری مستمری اضافه برای همسر سعید نفیسی..... ۱۴۶
۴۸. گزارش اقدامات و فعالیت‌های بنیاد فرهنگ ایران..... ۱۴۸
۴۹. سخنان قبل از دستور سناتور شمس‌الملوک مصاحب در خصوص زبان فارسی..... ۱۵۹
۵۰. پیشنهاد امیرعباس هویدا مبنی بر اعطای نشان به حسین خطیبی..... ۱۶۸
۵۱. پیام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر، در خصوص بزرگداشت اقبال لاهوری..... ۱۶۸
۵۲. فهرست هیأت همراه نخست‌وزیر در سفر به افغانستان..... ۱۷۳
۵۳. مکاتبات مربوط به تندنویسی و اختصارنویسی در فارسی..... ۱۷۵
۵۴. تبریک نخست‌وزیر به شجاع‌الدین شفا و پرویز ناتل خانلری برای دریافت جایزه ادبی فردوسی..... ۱۹۰

۵۵. پیشنهاد شورای عالی فرهنگ و هنر به محمدرضا شاه برای عضویت عیسی صدیق در هیأت امنای بنیاد مولوی؛ به انضمام سوابق وی..... ۱۹۱
۵۶. نامه دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزارت فرهنگ در خصوص درخواست استادان زبان شناس افغان برای همکاری با فرهنگستان زبان ایران..... ۱۹۲
۵۷. مکاتبات مربوط به تغییر تقویم از هجری خورشیدی و مبدأ آن؛ به انضمام نظرات شاهرخ مسکوب و محمدابراهیم باستانی پاریزی درباره آن..... ۱۹۵
۵۸. مکاتبات مربوط به برگزاری دوره آموزش زبان فارسی توسط بنیاد فرهنگ ایران برای استادان و دانشجویان هندی..... ۲۰۲
۵۹. پاسخ فرهنگستان زبان ایران در خصوص پیشنهاد کنفرانس ملی کار مبنی بر انتخاب واژه کارآما به جای کارفرما..... ۲۱۰
۶۰. طرح ایجاد کانون پژوهش ریاضیات ایران..... ۲۱۳
۶۱. مکاتبات مربوط به ادامه ریاست غلامحسین مصاحب بر مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم..... ۲۱۷
۶۲. نامه سناتور پرویز یارافشار به فرهنگستان زبان ایران در خصوص به فارسی برگرداندن نام شهرها و روستاها..... ۲۱۹
۶۳. نامه خانبابا بیانی به نخست‌وزیر، جمشید آموزگار، در خصوص استفاده از نام ماه‌ها به جای عدد در مکاتبات اداری..... ۲۲۲
۶۴. نامه نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو، ذبیح‌الله صفا، به نخست‌وزیر، جمشید آموزگار، در خصوص تشکیل مجمع منطقه‌ای یونسکو در آسیا درباره امور جوانان..... ۲۲۵

اسناد

سند شماره ۱

درخواست علی اکبر دهخدا از وزیر دربار، عبدالحسین تیمورتاش، درباره نظام وظیفه برادرزاده اش

تصدقت شوم. در موقع تشرف دو مطلب تقاضا شده بود که به عرض برسانم و فراموش شد. اینک
جسارتاً تذکر می‌دهد:

۱. آقای دهخدا استدعا می‌نماید که راجع به مسأله مربوط به نظام وظیفه پسر یحیی دهخدا اقدام
و توجهی که فرموده‌اید، مستحضرش فرمایند که فوق‌العاده در انتظار است.

۲. اسم جواد، برادرزاده آقای حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی، در جزو پیشنهادی این‌جانب [برای]
وزیرمختاری پاریس منظور بوده که توسط حضرت آقای وزیر معارف برای انتخاب بیست نفر در
هیأت [دولت] طرح خواهد شد. تقاضا دارم که در این مورد نیز عطف توجه فرمایید.

بنده صمیمی [امضا: قاسم صوراسرافیل]

[حاشیه پایین، به خط عبدالحسین تیمورتاش: در دوسیه تقاضای آقای دهخدا ضبط شود.

سند شماره ۱/۱

تصدقت شوم. دهخدا کمتر عرض حاجت می‌کند و پناهگاه او هم منحصر است.
[حاشیه پایین، به خط عبدالحسین تیمورتاش: اداره نظام وظیفه، الآن ضمانت نکنند. سه ماهه
مدارک را فرستاده تا خود او را بفرستند. بنابراین مانعی ندارد، مهلت بدهید.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۵/۲۷، نمره اندیکاتور: ۲۸۰۷

سند شماره ۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۲۷/ماه ۱۳۱۱/۵، تاریخ خروج: ۲۷/ماه ۱۳۱۱/۵، نمره کتاب: ۲۸۰۸

اداره محترمه کل نظام وظیفه

آقای میرزاعلی اکبرخان دهخدا راجع به اخوی زاده خود، پسر میرزایحیی خان موسوم به پرویز، که در بادکوبه اشتغال به تحصیل دارد، شرحی به این جانب نوشته و چنین اظهار می دارد که میرزایحیی خان با پسر خود به مرخصی به تهران آمده و به تصور این که موعد اعلان دعوت مشمولین نظام حسب المعمول همه ساله در مهرماه خواهد بود، مدارک لازمه تحصیلی پرویز را تهیه نکرده و همراه نیاورده است و حال که به بادکوبه مراجعت خواهد نمود، اسناد و مدارک لازمه را تهیه و ارسال خواهد داشت و ضمناً آقای میرزاعلی اکبرخان دهخدا ضمانت می کنند که یا سه ماهه مدارک مزبوره را به آن اداره محترمه ارائه دهند و یا خود پرویز را تسلیم نمایند. با این ترتیب، این جانب تصور می کنم که موافقت با تقاضای فوق و دادن مهلت مانعی نخواهد داشت.

[امضای پیش نویس: م. شکوهی]

سند شماره ۱/۳

[شیر و خورشید]

وزارت جنگ، اداره نظام وظیفه عمومی، دایره ناحیه مرکز، دارالانشا

به تاریخ: ۸/ماه ۱۳۱۱/۶، نمره: ۸۶۱۶/۱۷۸۹۹

مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکت

عطف به مرقومه محترمه نمره ۲۸۰۸، ۱۱/۵/۲۷ راجع به پرویزخان (دهخدا)، اخوی زاده آقای میرزاعلی اکبرخان، از وزارت جلیله معارف نیز شرحی واصل گردیده بود. به طور مقرر برای صدور تذکره، عزیمت مشارالیه به بادکوبه به اداره تشکیلات نظمیه مملکتی شرح لازم صادر گردید.

از طرف رئیس اداره نظام وظیفه عمومی، سرهنگ بقایی [امضا]

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی]

تاریخ: ۱۰/۶/۱۳۱۱، نمره اندیکاتور: ۲۱۷۱

سند شماره ۲

تغییر واژگان و انتخاب اسامی جدید توسط فرهنگستان در حوزه‌های مختلف

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه، اداره حسابداری

به تاریخ: ۱۵/۶/۱۳۱۶، شماره: ۲۵۴۴۴

اداره تعویض املاک

در صفحه دوم دفترچه لغت‌های نو در ستون لغت‌های نو در مقابل کلمه امضا، کلمه نمونه چاپ شده است. چون طبق ابلاغیه ریاست وزرا، لغت امضا تغییر نکرده، لذا دفترچه را اصلاح کرده و در برابر امضا همان کلمه امضا را بنویسید. مقصود از کلمه نمونه که در مقابل کلمه امضا چاپ شده، نمونه امضا است که به فرانسه SPECIMEN گفته می‌شود.

از طرف کفیل وزارت مالیه، صالح

[حاشیه پایین، اول]: آقای مهاجر، دفترچه لغات نو را بفرستید. ۱۶/۶/۲۱

[حاشیه پایین، دوم]: آقای بنوعیزی، در دفترچه یادداشت نمایید. ۱۶/۷/۳

سند شماره ۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

به تاریخ: ۲۷/۷/۱۳۱۶، شماره: ۱۰۸۰۲، بخشنامه

وزارت مالیه

واژه‌هایی که اخیراً فرهنگستان وضع و مورد تصویب واقع گردیده، در پایین برای اطلاع درج می‌شود:

بلوک	دهستان	ولایت	شهرستان
ناحیه	استان	بازرس استان	استاندار
نایب‌الحکومه	فرمانگزار		

رئیس‌الوزرا، محمود جم

۱۳۱۶/۸/۱، ۳۲۲۰۴

رونوشت برای اطلاع به اداره تعویض املاک ارسال می‌شود. رئیس اداره دفتر وزارتی، بهنیا

[حاشیه پایین:] آقای بنوعیزی، در کتابچه‌ای که فرهنگستان راجع به لغت‌های جدید طبع کرده، یادداشت نمایید و به آقایان اعضا هم اطلاع بدهید. ۱۶/۸/۱۳

سند شماره ۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

به تاریخ: ۱۳۱۶/۹/۳۰، شماره: ۴۶۷۳۰، بخشنامه

اداره تعویض املاک

در بخشنامه شماره ۱۲۵۴۰ ریاست وزرا که به شماره ۳۸۳۲۶ وزارتی در تاریخ ۹ آذرماه ۱۳۱۶ به آن اداره ابلاغ شده، به جای کلمه گچساران کلمه گچساران ماشین شده، لازم است این اشتباه را تصحیح نمایید.

رئیس اداره دفتر وزارت مالیه، عبدالحسین بهنیا [امضا]

[حاشیه پایین:] آقای بنوعیزی، در کتابچه مربوطه یادداشت نمایید. ۱۶/۱۰/۴

سند شماره ۲/۳

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

به تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۱۶، شماره: ۱۴۴۲۴، بخشنامه

وزارت مالیه

به موجب پیشنهاد وزارت جنگ در نود و هشتمین جلسه عمومی فرهنگستان دو کلمه ذیل انتخاب و از تصویب پیشگاه مبارک همایونی هم گذشته است:

اداره محاکمات و دعاوی ارتش: اداره داری

مدعی‌العموم: دادستان

مقرر فرمایید از این به بعد لغات مزبور را استعمال و به کار برند.

رئیس‌الوزرا، محمود جم

شماره ۴۴۷۶۶، به تاریخ: ۲۰ دی ۱۳۱۶

رونوشت برای اطلاع اداره تعویض املاک ارسال می‌شود.

رئیس اداره دفتر وزارتی، بهنیا

چاپخانه یمنی

[حاشیه پایین: آقای بنوعیزی، به آقایان اعضا ابلاغ نماید. ۱۶/۱۱/۴]

سند شماره ۲/۴

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

به تاریخ: ۱۳۱۶/۱۲/۱۹، شماره: ۳۹۱

مقام ریاست وزرا

به موجب پیشنهاد وزارت مالیه و وزارت جنگ، برای «خزعل آباد» و «خزعلیه» دو نام جدید اختیار شد و از تصویب پیشگاه همایون شاهنشاهی نیز گذشت:

به جای خزعل آباد: خسروآباد

به جای خزعلیه: خرم کوشک

متمنی است مقرر فرمایند از این به بعد آن دو محل را به نام‌های جدید بخوانند.

رئیس فرهنگستان ایران، حسن وثوق

۵۷۳۳۹، ۲۵ اسفند ۱۳۱۶

رونوشت برای اطلاع به اداره تعویض املاک ارسال می‌شود.

رئیس اداره دفتر وزارت مالیه، بهنیا

[حاشیه پایین، اول: آقای بنوعیزی، به آقایان اعضا ابلاغ و در دفتر مربوطه یادداشت نماید.

۱۶/۱۲/۲۶

[حاشیه پایین، دوم: بایگانی شود. ۱۶/۱۲/۲۸]

سند شماره ۲/۵

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

۱. لغات اداری

ملاحظات	لغات جدید	لغات سابق
	پروانه	لیسانس به معنی اجازه نامه
	آموزشگاه	مدرسه به معنی اعم
	دانشجو	محصل مدارس عالی
	گواهینامه	تصدیق به معنی اعم
	بهداشت	حفظ الصحه و صحیه
	نشانی ها	قراین و امارات
	دارایی	آکتیف در مالیه و اقتصاد
	بدهی	پاسیف در مالیه و اقتصاد
مقصود یادآوری به طرف مکاتبه برای تسریع جواب و انجام امر است که سابقاً به جای آن تذکاریه استعمال می شده.	یادآوری	راپل
مراد دفتری است که مراسلات صادره در آن ثبت و به مأمورین توزیع داده می شود.	دفتر رسید	دفتر ارسال مراسلات
	رسیده	وارد
	فرستاده	صادر
مقصود لفافه کاغذی است محتوی نوشته های اداری که چند عدد از آنها را در یک جزوه دان (کارتن) می گذارند.	پوشه	شمیز
محفظه مقوایی محتوی چند پوشه	جزوه دان	کارتن
(به فتح اول و سوم) اسناد راجع به یک کار یا یک شخص که یک جا جمع آوری می شود.	پرونده	دوسیه
	آمار	احصاییه و احصا
	آمارگر	مأمور احصاییه

	آمارشناس	متخصص احصاییه
این اصطلاح در خود وزارت پست نیز معمول است.	پیک	چاپار
به معنی دستوری که وزرا و رؤسای مؤسسات در ذیل مراسله‌ها می‌نویسند.	پی‌نوشت	آپوستیل
	مرزدار	افراد گارد سرحدی
	ادارهٔ مرزداری	ادارهٔ گارد سرحدی
	کارپردازی	ادارهٔ مباشرت، ملزومات
	کارپرداز	رئیس مباشرت، متصدی ملزومات
	گزارش	راپورت
	دفتر	کابینه
	کارکنان	پرسنل (مجموع اعضای یک اداره)
	ادارهٔ کارگزینی	ادارهٔ پرسنل
	کارگزین	رئیس پرسنل
	شناسنامه	ورقهٔ هویت
	زایچه	ورقهٔ ولادت
	فهرست	رپرتوار
	دفتر نماینده	دفتر اندیکاتور
	بایگانی	ضبط
	بایگان	ضبطاً
	خبرگزاری	آژانس اخبار
	مهر (ابزار و نقش مهر)	استامپ
	شفاخانه	پست صحی امدادی مدارس
	درآمد	عایدات

	هزینه	مخارج
	دبیرخانه	دارالانشا
	انجمن شهرداری	انجمن بلدی
	نمایندگان شهر	وکلاى انجمن بلدی
مقصود بازدید مالیات‌ها است.	دایرة بازدید	دایرة ممیزی
	بارکشی	نقلیه
از شعب اداره شهرداری	شعبه سنگ و اندازه و نرخ	شعبه اوزان و مقیاس‌ها و نرخ
	زمین‌پیما	مساح
	ارزیاب	مقوم
	رفتگر (به ضم اول)	مأمور تنظیف
	آتش‌نشان	مأمور اطفاییه
	رسته (به فتح اول)	صنف
مجموع اصناف و کسبه که در اداره شهرداری شعبه خاصی برای امور آنها هست.		کسبه، اصناف

لغات خارجی که استعمال آنها در فارسی جایز شناخته شده

ملاحظات	لغات جدید	لغات سابق
	دکتر	دکتر
	بانک	بانک
آلت قابل انفجاری که در دریا برای تخریب کشتی دشمن گذاشته می‌شود.	مین	مین
	میکروب	میکروب
	پاکت ^۱	پاکت

۱. یک صفحه در پرونده نبود.

ملاحظات	لغات جدید	لغات سابق
	جنبش	حرکت
	پوسته	قشر
	دنده	ضلع
	جناغ سینه	استخوان سینه

لغاتی که جنبه اداری دارد و مورد استعمال عموم است:

	بررسی	مطالعه
	سود ویژه	منفعت خالص
	سود ناویژه	منفعت غیرخالص
	زیان	ضرر
	پزشک	طیب
دام به معنی حیوانات اهلی است در مقابل دد به معنی حیوانات وحشی.	دامپزشک	بیطار
	جانوران	حیوانات
	سود	نفع
	سود و زیان	نفع و ضرر
به معنی... ^۱ که از صرفه جویی در مخارج تولید می شود.	پس انداز	ذخیره
به معنی سرمایه که در شرکتها و مؤسسات مالی احتیاطاً ذخیره می شود.	اندوخته	ذخیره
	فرسودگی	اسقاط شدن به معنی فرسودگی، ضایع شدن، کهنه شدن

۱. در اصل چنین است.

	کالا	مال التجاره
	کارگزاری	آژانس معاملات
	نامه	مرقومه، مراسله
	دستمزد	اجرت، حق الزحمه
	پای مُرد	حق القدم
	برچسب	اتیکت (علایم ملحقه به اشیاء)
	چشم پزشکی	کحّال
مشروبات به طور کلی	نوشابه	مشروب
	چاپخانه	مطبعه
	چاپ	طبع
	شهر	بلد
این لغت باقی می ماند.	دایه	دایه
	خواربار	ارزاق
	کشتارگاه	مسلخ
	نانواخانه	خبّازخانه
	پوست کن	سلاخ
	گوشت فروش	قصاب
	نانوا	خبّاز
	ارزیابی	تقویم
	ارزیافت	نتیجه عمل تقویم
	آبیار	میراب
	سرآبیار	سر میراب
	درودگر	نجّار
	سنگ تراش	حجّار
	کوچه	کوچه

راه	راه	این لغت باقی می‌ماند.
گذر یا پاساژ	تیمچه	
چهارراه	چهارراه	این لغت باقی می‌ماند.
میدان	میدان	به معنی میدان‌های داخل شهر
میدان	اسپریس	(به فتح اول و سکون ثانی و ثالث) میدان چوگان‌بازی، مانور و اسب‌دوانی.
تئاتر	تماشاخانه	به طور عموم
بازار	بازار	باقی مانده است.
مسجد	مسجد	کلمه سابق ابقا شده است.
معبّر	گذر	
ارباب صنایع ظریفه	هنرپیشگان (جمع)	هنرپیشه مفرد آن خواهد بود.
متصدی کاردستی	دست‌دوز	
کارگر با آلات و افزار	افزارمند	

سند شماره ۲/۶

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

لغات راجع به نظمیه

لغت جدید

اداره شهربانی

اداره سرکلانتری

اداره آگاهی

کارآگاه

زندان

زندانبان

زندانی

لغات سابق

اداره نظمیه

اداره پلیس

اداره تأمینات

پلیس مخفی

محبس

مستحفظ زندان

محبوس

مدیر زندان	مدیر محبس
گذرنامه	تذکره
پاسگاه	پست (محل)
نگاهبانی	کشیک (وظیفه)
نگاهبان	کشیکچی
کلانتری	کمیساریا
کلانتر	کمیسر
نشانی	علامت مخصوص
انگشت‌نگاری، مهر انگشت	داتیلوسکپی
پاس‌بخش	عوض‌کننده
وارسی، بازرسی	تفتیش
بازرس	مفتش
بازجویی	تفتیش کتبی، اقتراح، تحقیق
بازجو، بازدید، بازپرس	محقق

سند شماره ۳

مکاتبات محمدتقی قمی، دبیر کل دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، با دربار و نخست‌وزیری در خصوص تخصیص کمک به فعالیت‌های فرهنگی و علمی وی

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و تبلیغات

به تاریخ: ۸/ماه/۱۳۲۱، شماره: ۴۸۶۹/۳۵۵۷

جناب آقای نخست‌وزیر

در تعقیب نامه شماره ۳۳۲۱/۴۱۰۷ ک، مورخ ۵ آذرماه ۱۳۲۱ راجع به آقای محمدتقی قمی، استاد پیشین دانشگاه الازهر، که زحمت فراوانی برای شناساندن کشور ایران و امور تبلیغاتی کشیده و از هر حیث شایستگی معاونت این اداره را داشته و با تصویب آن مقام هم از ۳ آذرماه ۱۳۲۱ بدین سمت منصوب شده است. چون تاکنون اقدامی از بابت حقوق ایشان نشده، بنابراین پیشنهاد و

استدعای تصویب مبلغ چهارهزار ریال را به طور ماهیانه دربارهٔ ایشان می‌نماید تا بهتر تشویق و دلگرم به کار شوند.

رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات، امیرسپه‌ام‌الدین غفاری [امضا]

[حاشیهٔ پایین، اول]: با سابقه به عرض برسد. ۲۱/۱۰/۸

[حاشیهٔ پایین، دوم]: بایگانی.

[مهر]: ورود به دفتر ریاست وزرا

نمره: ۲۸۸۶۸، به تاریخ: ۲۱/۱۰/۹

سند شماره ۳/۱

[تاریخ: ۲۳/شهریور ۱۳۲۲]

مقام محترم جناب آقای نخست‌وزیر

با تقدیم ادب و احترام، خاطر مبارک را مصدّع و عنایت خاص عالی را خواستار است. شاید به استحضار عالی رسیده است که بنده قبل از تصدی شغل تبلیغاتی چندین سال را در طی مسافرت خارجی خود در مصر گذرانده و در دانشگاه آنجا سمّت تدریس و عنوان دانشگاهی به دست آورده. خوشبختانه در این مسافرت از نظر نشر ادبیات ایران و خدماتی دیگر نسبت به کشور خود موفقیت‌هایی نصیب گردید که قطع نظر از اطلاعات فرهنگستان و وزارت فرهنگ، شخص اعلیٰ حضرت همایونی به مناسبت مسافرت به آن کشور گواه بزرگی هستند. آنچه به دست آمد، درسایه خلوص عقیدت و داشتن یک هدف و مقصد انجام گرفت که بالأخره همان نظر موقعی که وضعیت خانوادگی و کارهای شخصی به‌عنوان مرخصی از آن دانشگاه به تهرانم کشاند، ناچارم داشت که به این پست تبلیغاتی تن در داده شاید بتواند آنچه در فکر داشته، تا حدی به کار بندد و به شهادت خدا نظری جز این در قبول این کار نبود. متأسفانه موانع بسیار بود و موفقیتی به دست نیامد. فقط کاری که توانست، آن بود که آنچه می‌کند، بدون آرایش و تظاهر شخصی و نظر خاص باشد و اطلاعاتی هم برای خود به دست آورد که شاید خود زمینه و مطالبه‌ای برای یک تبلیغات حقیقی شود، ولی بدین پست دلی گرم نداشته بوده‌ام. با احساس کوچکترین عدم تمایل خود را برکنار دانسته و نه تنها به کوچکترین تشبّث متشبّث نیست، بلکه صلاح خود را جز آنچه شده، نمی‌داند و موضوعی را هم که فعلاً به عرض می‌رساند، موضوعی است که یقین دارم موافقت با آن مورد تردید آن مقام نخواهد شد: از دانشگاه مصر به‌عنوان مرخصی به تهران آمده و غیر از

سِمَت دانشگاهی که بدان وسیله به نشر ادبیات ایران در یک کشور موفق شد، نمایندگی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی را که در مصر چاپ می‌شود، دارد و برای حفظ حقوق فرهنگی ایران و ایرانیان در آن دایره‌المعارف در ذکر اسامی رجال و آثار ایران سهم به موجبی در آن دایره‌المعارف دارم. کمک‌خرجی که از تبلیغات برای مسافرت‌م پیشنهاد شده، با مخارج این مبلغ ناچیز است، ولی ضمیمه‌شدن با حقوق شخصی از دانشگاه و قناعت کاری انجام توانیم داد. از این پیشنهاد متجاوز از یک ماه می‌گذرد و با این که شفاهاً موافقت فرموده‌اید، ولی تصویب کتبی آن را ابلاغ نفرموده‌اند. نظر به مصالح نه رضایت بنده، تقاضای بذل عنایت را تجدید و با اجازه‌ی عالی احترامات فائقه پایان می‌دهد.

[امضا: محمدتقی قمی]

[حاشیه‌ی راست، اول:] به عرض برسد.

[حاشیه‌ی راست، دوم:] آقای خواجه نوری، رئیس اداره‌ی تبلیغات، مبلغی برای مساعدت به آقای قمی

در بودجه‌ی اداره‌ی تبلیغات وجود دارد یا نه؟ [امضا: علی سهیلی]

[حاشیه‌ی بالا، اول:] آقای نصر، آیا محل داریم؟ [امضا: ناخوانا] ۷/۱۴

[حاشیه‌ی بالا، دوم:] بنا به دستور آقای خاوری، رئیس کل، و حذف سی و سه‌هزار تومان از بودجه‌ی

این اداره، محل حقوق آقای قمی در بودجه‌ی سال ۱۳۲۲ [۱] از تاریخ ۷ مرداد حذف شده است. [امضا:

ناخوانا]

[حاشیه‌ی بالا، سوم:] به همین مضمون گزارش تهیه کنید. [امضا: ناخوانا] ۷/۱۴

سند شماره ۳/۲

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و تبلیغات

به تاریخ: ۱۷/۷/۱۳۲۲، شماره: ۱۷۵۸/۱۸۳، پیوست: ۱ برگ

جناب آقای نخست‌وزیر

با کمال احترام، عین نامه‌ی آقای محمدتقی قمی را حضور مبارک مرجوع و معروض می‌دارد که در

اواخر سال گذشته بنا به تصویب هیأت وزیران، نامبرده با ماهی چهارهزار ریال به سمت معاونت

فنی این اداره استخدام گردیدند. از مردادماه سال جاری بر اثر تقلیل بودجه‌ی اداره‌ی تبلیغات، مبالغی از

مخارج زاید کاسته شد و از جمله پست معاونت اداره و بودجه‌ی آن حذف شد و با تصویب آن مقام

محترم، آقای سپهری، رئیس اداره رادیو، در ضمن انجام وظایف سابق، کارهای معاونت این اداره را هم بدون دریافت حقوق علی حده انجام می‌دهند. در هر صورت، متأسفانه محلی در بودجه این اداره برای مساعدت به آقای قمی موجود نیست مگر این که از اعتبار خود دولت برای مأموریت ایشان به مصر کمکی بشود.

رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات، [براهیم] خواجه نوری [امضا]

[حاشیه پایین]: به عرض برسد. ۲۲/۷/۱۸

[حاشیه بالا، اول]: آقای دکتر نخعی، آقای قمی را خواسته، تعطیلی را به ایشان اطلاع دهید. متأسفانه اعتبار دولت هم تمام شده. درین باب فعلاً کاری نمی‌توان کرد.

[حاشیه بالا، دوم]: بایگانی شود.

[مهر]: ورود به دفتر ریاست وزرا

به تاریخ: ۲۲/۷/۱۹، شماره: ۱۵۱۶۸

سند شماره ۳/۳

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره حسابداری

تاریخ: ۲۳/۳/۶ [۱۳]، شماره: ۸۸۳۷/۷۰۱۱

جناب آقای نخست‌وزیر

در پاسخ مرقومه ۱۰۹۰، به تاریخ ۱۳۲۳/۱/۲۷ متضمن عریضه‌ای که آقای محمدتقی قمی به پیشگاه علیاحضرت ملکه راجع به تقاضای تهیه وسایل مسافرت خود به مصر تقدیم داشته است، به استحضار خاطر محترم می‌رساند: آقای قمی در چند سال پیش مدتی در مصر اقامت داشته و در آن موقع وجود ایشان در آنجا برای مناسبات فرهنگی بین دو کشور ایران و مصر مفید و مؤثر بوده است و با نیاز به بسط و توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور رفتن ایشان به آنجا کاملاً بموقع و سودمند خواهد بود و برای همین منظور وزارت فرهنگ در بودجه سال ۳۲۱ [۱] خود ماهی سه‌هزار ریال اعتبار منظور کرده بود، ولی چون در آن سال مسافرت آقای قمی صورت نگرفت، از این اعتبار استفاده نشده و در سال بعد و سال جاری هم در بودجه منظور نگردیده. فعلاً تقاضای آقای قمی این است که برای مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه [ال] زهر به مصر اعزام و ماهی شش‌هزار ریال به ارز به انضمام هزینه مسافرت از تهران تا قاهره از طرف دولت به ایشان

پرداخته شود. لذا مراتب را به عرض می‌رساند که هرگاه اساس این تقاضا مورد موافقت قرار گیرد، چون در بودجه وزارت فرهنگ محلی موجود نیست، مستدعی است مقرر فرمایند تصویبنامه آن از اعتبار دولت صادر گردد.

کفیل وزارت فرهنگ [امضا: علی ریاضی]

[حاشیه بالا، اول:] به عرض برسد.

[حاشیه بالا، دوم:] پیشینه. ۳/۸

[حاشیه راست، اول:] آقای فخرایی. ۲۳/۳/۲۲

[حاشیه راست، دوم:] به وزارت فرهنگ نوشته شود موافقت حاصل است. در تأمین اعتبار با دارایی مذاکره شده و اقدام نمایند. [امضا: محمد ساعد مراغه‌ای]

سند شماره ۳/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

وزارت فرهنگ

عطف به نامه شماره ۱۲۹۹۱/۲۷۹۰، مورخ اول مرداد ۲۴، اشعار می‌دارد: با استحضاری که جناب آقای وزیر فرهنگ از وضع اعتبار دولت دارند، این موافقت میسر نیست. البته وقتی وسایل فراهم شود، تجدیدنظر خواهد شد. و ضمناً رونوشت نامه شماره ۲۰۱۲، ۲۴/۵/۱۶ وزارت دربار شاهنشاهی و رونوشت عریضه مورخ ۲۴/۲/۳۰ آقای محمدتقی قمی، معاون سابق اداره تبلیغات، برای مزید اطلاع به پیوست فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر

[حاشیه پایین:] آقای نصر، پس از گذشتن لایحه دو دوازدهم مرداد شهریور که تبصره‌هایی هم راجع به هزینه هیأت اعزامی و سفر است و دو سه کنگره... دارد، یادآوری فرمایید. پس از تصویب این لایحه ممکن است از محل اعتبار دولت مساعدت شود. [امضا: محسن صدر] ۲۴/۶

سند شماره ۳/۵

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۲۴/۵/۱۶، شماره: ۲۰۱۲

جناب آقای نخست‌وزیر

آقای محمدتقی قمی، معاون سابق اداره تبلیغات، در سال گذشته عریضه [ای] از شرح خدماتی که در کشور مصر دایر به شناساندن اوضاع و احوال فرهنگی ایران انجام داده‌اند، به پیشگاه مبارک تقدیم و ضمناً استدعای فراهم آوردن موجبات حرکت و بازگشت خود را به مصر نموده بودند. عین عریضه ایشان ضمیمه نامه شماره ۴۸، مورخ ۱۳۲۳/۱/۲۲ به منظور استحضار و اتخاذ تصمیم مقتضی نسبت به مسئول مشارالیه برای نخست‌وزیر وقت فرستاده شده. اینک نامبرده مجدداً عریضه دیگری به پیشگاه مبارک ملوکانه معروض داشته است که با ارسال رونوشت آن توجه جناب‌عالی را به سوابق موضوع جلب و خواهشمند است مقرر فرمایید اقدامی را که میسر و مصلحت باشد، نسبت به تقاضای نامبرده معمول و نتیجه را به دربار شاهنشاهی اعلام دارند.

از طرف وزیر دربار شاهنشاهی [امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا:] به عرض برسد.

[حاشیه پایین:] آقای دکتر فاطمی، در نامه که درین موضوع از وزارت فرهنگ نوشته شده] بود، دستوری داده شد. از این قرار جواب وزارت دربار شاهنشاهی صادر شود. [امضا: محسن صدر] ۵/۲۳
[حاشیه راست:] آقای قلمزن، سابقه را ملاحظه و جواب دربار شاهنشاهی را تهیه فرمایید. ۲۴/۵

سند شماره ۳/۶

[تاج]

دربار شاهنشاهی

رونوشت عریضه آقای محمدتقی قمی، مورخه: ۱۳۲۴/۲/۳۰

پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی

با تقدیم نهایت توقیر و احترامات فائقه به پیشگاه ملوکانه، به شرف عرض می‌رساند: شاید قطع نظر از علاقه به موضوعی که معروض می‌افتد، ادب اقتضا داشته است جریان امری را که موجب اراده و اوامر اعلی حضرت همایونی جریان یافته، زودتر ازین به عرض مبارک رسانده باشد تا علاوه بر

استحضار خاطر شاهانه، از مختصر موضوعی که در پیشگاه مبارک سابقه داشته است، در راه‌حل یکی از مشکلات عمومی و اجتماعی که عبارت از عدم علاقه بعضی از مجریان و کندی زایدالوصف جریان است، از پیشگاه مبارک چاره‌جویی شده باشد. اعلی حضرت همایونی در فروردین ماه سال گذشته (۲۳) به نخست‌وزیری وقت اصدار امر فرمودند که وسایل مراجعت و مسافرت این بنده را به مصر فراهم دارند. و این توجه ملوکانه از نظر مراتبی بود که به عرض رسیده و سوابق آن در بایگانی وزارت دربار موجود و خدمات صادقانه‌ام را در نزدیکی فرهنگ دو کشور تأیید می‌داشت و نمونه‌های بارزی که داشت از قبیل ایجاد پست ادبیات ایران در دانشگاه الازهر و چند سال تدریس در این دانشگاه، موفقیت به دریافت نمایندگی و اختیارات از هیأت دایره‌المعارف اسلامی برای نشر فرهنگ ایرانی در آن نشریه که بزرگترین هاتف اسلامی است و نشر رسالات و نشریات در اطراف ادبیات و رجال دانش ایران که علاوه بر اطلاع وزارت خارجه و فرهنگ، کمتر کسی درین کشور از آن بی‌اطلاع است. چنان که همین وزارت فرهنگ پس از آن که در اثر گرانی مصر و عدم مساعدت مالی این دولت و عدم تکافوی حقوق دانشگاهی به مخارج به‌عنوان مرخصی از دانشگاه به تهران آمد، کمک‌خرج متنابعی در بودجه آن سال خود منظور داشت. منتها متأسفانه وقتی بودجه آن سال به تصویب مجلس رسید که سال پایان یافته و برای سال بعد هم دیگر قابل پرداخت نبود. در سال بعد هم که مع‌الاسف وزارتخانه صورت دیگری داشت، این رقم کوچک را در بودجه منظور نداشتند. این بود که جریان به عرض ملوکانه رسیده و در نتیجه توجه شاهانه، [به] نخست‌وزیری وقت ابلاغ گردید و توجه ملوکانه هم بر اثر توجه به خدماتم در راه کشور و فرهنگ بود و بس. از اینجا است که باید به عرض رساند که این گونه موضوع که احتیاج به سرعت داشت، با چه نحو یک سال وقت را گذرانده، موضوع در هیأت وزیران مطرح و بالأخره تصویب شد که از محل اعتبار دولت این مسافرت تأمین گردد. نظر وزارت فرهنگ برای میزان کمک خواسته شد. چند ماه جواب این نامه در آن وزارتخانه که متأسفانه با کفیل بی‌علاقه و عجیب و غریبی اداره می‌شد، ماند تا به بهای پنج‌هزار ریال نظر دادند. از اینجا یک جریانی بین وزارت دارایی (دکتر میلیسپو) و وزارت فرهنگ ایجاد شد که وزارت دارایی نظر داشت این مبلغ در بودجه فرهنگ گذاشته شود و فرهنگ نظر داشت که از محل اعتبار دولت پرداخت گردد. خلاصه، یک سال گذشت و جز رد و بدل دو نامه بین دو وزارتخانه و هر یک به فاصله چند ماه اثری گذاشته نشد. بنده در تهران ماندم و وزارت فرهنگ هم برای اواخر سال جوابی فرستاد که به پیوست برای تأیید عرایضم از نظر مبارک خواهد گذراند. اینک مراتب معروض و چنان که عرض گزارشات و توضیحات لازمی در نظر مبارک محتاج

به عرض باشد، اجازه خواهند فرمود که تشرف حاصل و به عرض برساند شاید بتواند با تأییدات خداوند سهم لایقی را در راه فرهنگ دو کشور و کشورهای اسلامی در عهد اعلی حضرت جوانبخت به عهده گیرد تا اوامر مطاع چه صدور یابد.

محمدتقی قمی

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۳/۷

[شیر و خورشید]

دفتر نخست‌وزیر

تاریخ نوشتن: ۱۳۲۴/۶/۲۰ [۱۳]

وزارت دربار شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۲۰۱۲، ۲۴/۵/۱۶ متضمن رونوشت عریضه تقدیمی آقای محمدتقی قمی، معاون اداره تبلیغات، اشعار می‌دارد: وزارت فرهنگ طی گزارش جریان امر، پیشنهاد نمود که از محل اعتبار دولت هزینه سفر ایشان از تهران به قاهره تأمین گردد. با وضعیت اعتبار دولت، موافقت با این پیشنهاد میسر نشد. بنابراین وقتی که وسایل فراهم گردد، در این باب تجدیدنظر به عمل خواهد آمد.

نخست‌وزیر

[امضای پیش‌نویس: محمد پیرنهاد]

سند شماره ۳/۸

اسدالله یمین اسفندیاری

[تاریخ: ۱۳۲۴/۶/۱۱]، نمره: ۳۵۱۲

جناب آقای صدر، نخست‌وزیر

آقای محمدتقی قمی که از فضلا و دانشمندان می‌باشند و پیشینه بسیار خوبی هم در دانشگاه الازهر قاهره دارند، از قرار، وزارت فرهنگ شرحی به جناب عالی مرقوم داشتند که دستور فرمایند اعتبار مکفی برای هزینه مسافرت و حقوق ایشان منظور دارند که به قاهره مسافرت نمایند. اینک به منظور فراگرفتن اطلاعات و از لحاظ تحکیم روابط فرهنگی کشور ایران با کشور مصر، تمنا دارد

با پیشنهاد وزارت فرهنگ موافقت فرموده، از نتیجه این‌جانب را نیز مستحضر فرمایند، موجب مزید امتنان است.

یمین اسفندیاری [امضا]

[حاشیهٔ پایین، اول]: آقای صدیقی، این امر سابقه دارد. در همین چندروزه اقدام شده، مراجعه فرمایند. ۲۴/۶/۲۱

[حاشیهٔ پایین، دوم]: سابقه. ۲۴/۶/۲۵

[مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا

نمره: ۹۸۹۷، به تاریخ: ۲۴/۶/۲۱

سند شماره ۳/۹

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

وزارت دارایی

هیأت وزیران در جلسه ...^۱ مهرماه ۱۳۲۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۹۹۱/۲۷۹۰ وزارت فرهنگ تصویب نمودند که ماهی شش‌هزار ریال به ارز به انضمام هزینهٔ مسافرت از تهران تا قاهره به آقای محمدتقی قمی که برای مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر می‌روند، از موقع حرکت به مصر از محل اعتبارات ۱۳۲۴ دولت تأدیه شود.

[حاشیهٔ پایین]: در جلسهٔ دهم دی‌ماه ۱۳۲۴ هیأت وزیران مطرح و مقرر شد که در بودجهٔ سال ۱۳۲۴ وزارت فرهنگ اعتبار لازم پیش‌بینی شود. [امضا: محسن صدر] ۱۳۲۴/۱۰/۱۰

سند شماره ۳/۱۰

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۴/۱۰/۱۹، شماره: ۸۵۹۸، پیش‌نویس است.

وزارت فرهنگ

پیشنهاد شماره ۱۲۹۹۱/۳۷۹۰ مربوط به پرداخت ماهیانه شش هزار ریال به‌عنوان حقوق و هزینه سفر از محل اعتبار دولت به آقای محمدتقی قمی در جلسه دهم دی‌ماه ۱۳۲۴ هیئت وزیران مطرح و مقرر گردید که در بودجه سال ۱۳۲۵ وزارت فرهنگ اعتبار لازم پیش‌بینی شود.

نخست‌وزیر

[حاشیه پایین، اول]: تجدید شود. ۲۴/۱۰/۱۵

[حاشیه پایین، دوم]: تجدید شد. ۲۴/۱۰/۲۲

[حاشیه پایین، سوم]: ارسال شد. ۲۴/۱۰/۳۰

سند شماره ۳/۱۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۵/۱/۱۵، شماره: ۷۰۴/۱۲۶۱

وزارت فرهنگ

هیأت وزیران در جلسه مورخه ۲۴/۱۲/۲۷ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۹۹۱/۳۷۹۰ وزارت فرهنگ تصویب نمودند که ماهی شش هزار ریال به ارز به انضمام هزینه مسافرت از تهران به قاهره به آقای محمدتقی قمی که دارای مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر می‌روند، از موقع حرکت به مصر از محل اعتبارات سال ۱۳۲۵ دولت تأدیه شود.

از طرف نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۳/۱۲

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

به تاریخ: ۱۳۲۵/۱۲/۲، شماره: ۲/۶۹۸۹۰

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر

برطبق تصویبنامه شماره ۱۲/۱۳۳۵، به تاریخ ۱۳۲۵/۱/۱۵ مقرر گردید ماهی شش‌هزار ریال به انضمام هزینه مسافرت از تهران به قاهره به آقای محمدتقی قمی که برای مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر می‌رود، از موقع حرکت به مصر به ارز از اعتبار ۱۳۲۵ دولت پرداخت شود. به موجب تصویبنامه نامبرده، درخواست اداره حسابداری نخست‌وزیری حواله مبلغ ۱۳۹۹ ریال و ۴۶ دینار عراقی بابت هزینه سفر آقای قمی از تهران به مصر پرداخت و نسبت به حقوق مشارالیه هم همه‌ماهه از تاریخ پنجم تیر الی حال ماهی ۶۰۰۰ ریال از اعتبار ۱۳۲۵ دولت حواله می‌شود و تصور می‌رفت مأموریت مزبور موقت می‌باشد و اینک معلوم می‌شود مأموریت مشارالیه موقتی نبوده و تا آخر سال تحصیلی در مأموریت مزبور خواهند بود و چون پرداخت حقوق مأموریت ثابت از اعتبار دولت موقعیت ندارد، لهذا چنانچه اجازه می‌فرمایند، وزارت فرهنگ حقوق مشارالیه در بودجه آن وزارت تأمین و پرداخت نمایند.

از طرف وزیر دارایی [امضا: ناخوانا]

[حاشیه راست، اول:] از نظر مبارک حضرت اشرف آقای نخست‌وزیر بگذرد، چنانچه اجازه فرمایند، شرح لازم به وزارت فرهنگ نوشته شود. [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، دوم:] به عرض رسید. فرمودند مخارج و حقوق این شخص بالأخره باید پرداخت شود و پرداخت‌کننده دولت است. از بودجه وزارت فرهنگ یا وزارت دارایی اثری در اصل موضوع ندارد. وزارت دارایی اقدام و حقوق مشارالیه را کماکان پرداخت نمایند. [امضا: ناخوانا]

[حاشیه راست، سوم:] به عرض جناب آقای [عزیزالله] نیک‌پی برسانید. [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] اداره حسابداری. ۱۳۲۵/۵/۱۲/۱۰

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۴۵۳۶۶، تاریخ: ۲۵/۱۲/۵

سند شماره ۳/۱۳

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

تاریخ: ۱۳۲۶/۱/۳۱، شماره: ۱/۹۳۴

وزارت فرهنگ

در سال گذشته طبق تصویبنامه شماره ۱۲/۱۳۳۵، به تاریخ ۱۳۲۵/۱/۱۵ هیأت وزیران مقرر گردید که ماهی شش هزار ریال به ارز و هزینه مسافرت از تهران به قاهره به آقای محمدتقی قمی که برای مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر به مصر اعزام می‌گردد، از اعتبار ۱۳۲۵ دولت اقدام گردید. اینک به طوری که اداره حسابداری نخست‌وزیری می‌نویسد، چون مأموریت نامبرده ادامه دارد و در هذمه‌السنه هم بایستی در مأموریت مزبور باقی باشد، لذا پرداخت حقوق مشارالیه بیش از شش ماه از اعتبار دولت برخلاف آیین‌نامه و تبصره ماده ۵۰ قانون بودجه سال ۱۳۲۲ کل کشور می‌باشد. بنابراین خواهشمند است دستور فرمایید حقوق نامبرده را ضمن بودجه سال ۱۳۲۶ وزارت فرهنگ پادار و تأمین فرموده و از نتیجه این وزارت را مستحضر فرمایند. وزیر دارایی

رونوشت در جواب نامه شماره ۴۵۲۶۶، به تاریخ ۱۳۲۵/۱/۹ به دفتر نخست‌وزیری فرستاده می‌شود. از طرف وزیر دارایی [مهر امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول]: پیشینه. ۱۳۲۶/۲/۳

[حاشیه پایین، دوم]: اداره حسابداری. ۱۳۲۶/۲/۸

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۴۰۸، تاریخ: ۱۳۲۶/۲/۲

سند شماره ۳/۱۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۶/۲/۱۴، شماره: ۲۴۰۸

هیأت وزیران در جلسه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۶ پیرو تصویبنامه شماره ۷۰۴/۲۷۵، مجدداً تصویب نمودند که ماهانه شش هزار ریال به ارز به آقای محمدتقی قمی که برای مطالعات فرهنگی و

تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر رفته‌اند، از اول هذه‌السنه از محل اعتبارات ۱۳۲۶ دولت تأدیه شود. وزارت فرهنگ مکلف است مبلغ مزبور را در بودجه ۱۳۲۶ خود منظور نموده و پس از تصویب به حساب اعتبارات دولت واریز نماید. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

از طرف نخست‌وزیر [امضا: عزیزالله نیک‌پی]

سند شماره ۳/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، تليفون: ۵۸۹۸۴

[تاریخ: ۱۳۶۷/۳/۱۹ - ۱۹۴۸/۱/۳۰، رقم القید: ۳۷۸]

جناب آقای حکیمی، نخست‌وزیر معظم

با تقدیم احترامات فائقه به استحضار عالی می‌رساند: به طوری که چندی قبل در ضمن نامه‌ای از دفتر مخصوص شاهنشاهی اشعار داشته بودند، برای کمک‌هزینه دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه ماهیانه مبلغ شش هزار ریال در هیأت دولت به تصویب رسیده که از اعتبار دولت به ارز پرداخت شود و نیز اخیراً در طی نامه‌ای همین معنی را رئیس محترم دولت سابق متذکر و به تصویب‌نامه هیأت وزیران دایر به پرداخت کمک‌هزینه ماهیانه دارالتقريب اشاره می‌کند. در صورتی که تا این تاریخ چنین مبلغی به دارالتقريب نرسیده و هنوز دارالتقريب ماهیانه‌ای دریافت نداشته است و همواره انتظار داشته است که علی‌الاول این سهمیه از مدت‌ها پیش به او رسیده باشد که هرچندی یک بار مبالغی بدهی بابت این سهمیه تولید نشود. تصور می‌کنم تشابهی که از حیث مبلغ بین کمک‌هزینه شخصی این جانب است، زیرا آن هم مبلغ شش هزار ریال و از اعتبار دولت (به پیشنهاد وزارت فرهنگ از مدت‌ها قبل از تأسیس دارالتقريب) پرداخت شده، موجب اشتباه متصدیان تهیه تصویب‌نامه شده باشد که تصور کرده‌اند مقصود از این کمک‌هزینه دارالتقريب همان است. در حالی که دارالتقريب یک مؤسسه جهانی اسلامی و مستقلى است و دارای اعضایی از تمامی فرق و مذاهب اسلامی می‌باشد که یک نفر آنها محمدتقی قمی است. منتها حسن نظر آن رجال اسلامی کشورهای مختلف شامل این فرد شیعی و ایرانی شده و او را به دبیرکلی برگزیده‌اند که امیدوار است در این راه آنچه را در قوه دارد، از خدمتگزاری به دین و ملت خود در حدود وظیفه‌ای که در

این سازمان دینی دارد، غفلت نکند. در پایان خاطر مبارک را معطوف می‌دارد که بر اثر نرسیدن کمک‌مقرری و ثابت‌بودن مخارج هرچند یک بار بدهی تولید چنان‌که مجدداً فعلاً ۲۵۰ پوند مقروض و در اول فوریه ۳۰۰ می‌شود.

با تجدید احترام

[افزوده به متن اصلی:] نهایت از این فرصت خوشوقتم که مراتب ارادت و خلوص شخصی خود را حضورتان تقدیم دارد. [امضا: محمدتقی قمی]
القاهره. الزمالک ۱۹ ش، حشمت‌پاشا.

سند شماره ۳/۱۶

یادداشت

ورقه کپی

از آن نظر که موقعی تصور نشود و این اشتباه پیش نیاید که فکر کنند شاید مستمری مرتبی از تهران برای دارالتقرب به وسیله بنده می‌رسیده است، خصوص آن‌که در چند کاغذ از تهران نوشته بودند، مقتضی بود که برای سابقه در پرونده دارالتقرب به طور رسمی از دارالتقرب این شرح را صادر و اسناد کنم که رونوشت آن برای آتیه و رفع سوءتفاهم در پرونده اینجا بماند. حال تا نظر مبارک چه باشد. اگر اقدام فرموده‌اید و ان‌شاءالله تعالی به جایی رسیده است، این نامه حضور خودتان بماند و چنانچه نظر مبارک این شد که این نامه هم تأثیری خواهد داشت، بدیهی است با لطف مخصوص و نظر خاصی که به دارالتقرب دارید، شخصاً با توضیحاتی به جناب آقای نخست‌وزیر لطف می‌فرمایید. ولی پس از فضل الهی، امیدم به اقدامات آن وجود مبارک است و این عریضه از نظر جریان دارالتقرب صادر شد و بس.

[امضا: محمدتقی قمی]

سند شماره ۳/۱۷

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۲۶/۱۲/۲، شماره: ۵۷۳۰

جناب آقای حکیمی، نخست‌وزیر

با عطف به نامه شماره ۲۳۸۱۸، ۱۳۲۶/۱۱/۲۸ به استحضار خاطر شریف می‌رساند: خدمات آقای قمی در قاهره بسیار خوب و جالب توجه است و به نظر مخلص، بودن ایشان در آنجا برای کشور بی‌نهایت مفید، بلکه لازم و ضروری می‌باشد، زیرا در ممالک عربی خاصه در مصر از شیعه و عقاید ایرانی‌ها اطلاعات صحیحی ندارند و اکثریت شیعیان و ایرانی‌ها را صاحب عقاید فاسد و رفتار آنها را بدعت می‌پندارند. آقای قمی که مدتی در جامع الازهر بوده و از دیپلمه‌های علوم معقول و منقول مدرسه عالی سپهسالار می‌باشند، جوانی است بسیار آراسته و فاضل و می‌توان گفت این شخص برای شناساندن شیعه و رفع اختلاف بین مسلمین با یک حس وطن‌پرستی همت گمارده است و واقعاً هم بیانات او به قدری مؤثر واقع شده است که دول حجاز، یمن و سایر ممالک عربی نماینده به اداره‌ای که به‌عنوان دارالتقریب قمی تشکیل گردیده، اعزام نموده‌اند و موقعی که مخلص در قاهره بودم، اقدام شده بود که فقه شیعه هم در الازهر تدریس شود و مخلص معتقدم هر مساعدتی نسبت به آقای قمی در این مورد بشود، خدمت به اسلام و ایرانیت است.

وزیر دربار شاهنشاهی [امضا: محمود جم]

[حاشیه پایین، اول:] با سابقه به عرض برسانید. ۲۶/۱۲/۵

[حاشیه پایین، دوم:] فوری است. با پیشینه به عرض می‌رسد.

[حاشیه پایین، سوم:] به فوریت صادر و پرداخت شود. ۲۶/۱۲/۸

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۲۴۳۱۸، به تاریخ: ۱۳۲۶/۱۲/۴

سند شماره ۳/۱۸

[تاج]

دربار شاهنشاهی

رونوشت گزارش جناب آقای دکتر غنی، مورخه ۱۳۲۷/۱/۱۴، شماره: ۱۵۵/۵۷

دفتر مخصوص شاهنشاهی

به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، یک سال و نیم است مؤسسه‌ای دینی و اسلامی به نام دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه در قاهره تأسیس شده است و با داشتن اعضایی که از مذاهب مختلف اسلامی که هریک دارای موقعیت برجسته و شخصیت مذهبی و نفوذ اجتماعی هستند (از قبیل آقایان محمدعلی علویه پاشا از وزیران سابق و رئیس اتحاد عربی و هیأت وادی النیل العلیا للدفاع عن فلسطین و سیدامین الحسینی، مفتی اعظم فلسطین، و شیخ عبدالمجید سلیم، مفتی اعظم سابق مصر و رئیس فعلی دارالافتای الازهر، و شیخ محمود شلتوت، از مدرسین مهم الازهر، و حلمی عیسی پاشا از وزیران سابق مصر، و سیدعلی المؤید، وزیر فرهنگ یمن و نماینده آن کشور در جامعه عرب، و عده‌ای از شیوخ و رؤسای مذاهب مصر و اعضای جماعت کبار علمای الازهر که در اینجا مشغول کار هستند و عده‌ای از رجال و روحانیون سایر کشورهای اسلامی که اعضای پیوسته جمعیت می‌باشند) مشغول کار می‌باشند و برنامه آن هیأت رفع سوءتفاهمات موجوده بین مذاهب مختلف اسلامی مخصوصاً بین سنی و شیعه و معرفی غیرمغرضانه فرق اسلامی به همدیگر می‌باشد و چون در اغلب اعضای این جمعیت روح ایمان به این فکر دیده می‌شود و به اضافه به علم و معرفت و تقوا و متانت اخلاقی اشتهار تام دارند و در طبقات مختلف جامعه و جاهت کامل دارند، امیدواری کامل هست که بتوانند فوق‌العاده مفید واقع شوند و چون از رنگ‌های سیاسی و هیاهو و جنجال احزاب برکنار است، فعلاً مقام اجتماعی پیدا نموده، اهمیت آن نیز روز به روز بیشتر می‌شود به حدی که اخیراً والاحضرت سیف‌الاسلام عبدالله، فرزند مرحوم امام یحیی، پادشاه یمن، برای رفع اختلاف سوءتفاهم موجوده بین دولت یمن و جمعیت اخوان المسلمین مصر، جمعیت مزبور را به وساطت خواست و جلسه‌ای برای آن کار اخیراً در دارالتقريب تشکیل گردید و قرار شد در این باب اقدام نمایند. (گزارش آن جداگانه به وزارت امور خارجه فرستاده شده است) از طرف دیگر، هرگاه در نظر بگیریم که اقلیت شیعه مخصوصاً شیعیان ایرانی در میان اکثریت سنی کشورهای اسلامی تا چه اندازه گرفتار بدبینی و اتهامات شده‌اند که هنوز عده زیادی از آنها در مسلمان بودن شیعیان شک دارند، می‌توانیم به اهمیت این مؤسسه که رؤسای مذاهب مختلف سنی و امامی و زیدی در آن برای این منظور مقدس دور هم جمع می‌شوند، پی ببریم و به فواید آن در ایجاد

نزدیکی و همبستگی بین سنی و شیعه متوجه گردیم و به نفع و برکت آن امیدوار شویم و چنانچه بنا شود رفع اتهاماتی از شیعه و ایرانی بشود، بهترین وسیله این است که این اظهارات از دهان عرب‌های سنی‌مذهب (که اکثر این هیأت از آنها تشکیل شده است) و از این قبیل هیأت‌ها که جنبه جمعیت‌های مذهبی را دارد و از صورت هیأت‌های دولتی و تبلیغاتی دور است، شنیده شود. خاصه آن که مردمان معروف صاحب تقوا و حُسن شهرت باشند. حاصل آن که با اطمینان می‌توان گفت که فکر تأسیس این هیأت‌ها حقاً فکر بسیار عالی بوده که به مرحله عمل درآمده و در این مدت کوتاه تا این حد موفقیت حاصل کرده است. آقای محمدتقی قمی در این هیأت با سمت دبیرکلی نفوذ کامل و اختیارات تامه دارند. همت و فکر آقای قمی (که شخصی متین و روشنفکر و باتجربه هستند و با روش متین و عاقلانه و معتدل خود اعضای جمعیت را مجذوب خود نموده و در بین طبقه علما و روحانیون مصری و عرب محبوبیت و موقعیت بسیار خوبی به دست آورده و روحانیت ایرانی و شیعه به وسیله ایشان در بین ازهری‌ها و سایر علمای سنی وزن و احترام خاصی پیدا کرده است) در تأسیس این هیأت و مؤسسه سهم مهمی داشته است به حدی که پس از تأسیس دارالتقریب به پاس خدمات ایشان، اعضای جمعیت به اتفاق آراء دبیرکلی این مؤسسه را مادام‌العمر به ایشان سپردند و اکنون با کمک معاونینی در آنجا مشغول کار می‌باشند و این خود یک حُسن نظری است که نظیر آن دیده نشده و سابقه نداشته است که یک هیأت عرب و سنی‌مذهب به یک نفر ایرانی و شیعه چنین حُسن نظری ابراز و چنین اختیاراتی تفویض نمایند. البته تصدیق می‌فرمایند که وجود یک نفر شیعه و ایرانی آن هم یک نفر مؤثر و بانفوذ و همه‌کاره در این هیأت برای تمام شیعیان خصوصاً ایرانیان بسیار مفید، بلکه لازم و ضروری است و حقاً می‌توان گفت که آقای قمی صالح‌ترین اشخاصی است برای این کار و تا به حال به بهترین صورتی با کمال متانت و آرامی و حُسن نیت و فداکاری نقش خود را بازی کرده است، ولی تاکنون به طور شایسته از ایشان قدردانی نشده است و حال آن که شایسته همه‌گونه کمک مادی و معنوی بوده و هست. لذا خواهشمند است در این باب مطالعه فرمایند که به چه نحو می‌توان با این مؤسسه مفید کمک نمود و از هر محلی که ممکن است، اعتباری برای کمک به این مؤسسه در نظر بگیرند که هم در راه این منظور عالی تشریک مساعی نموده باشیم و هم با دادن سهم خود در مخارج اداره این هیأت این بار را از دوش آقای قمی برداشته باشیم. متمنی است هرچه زودتر از نتیجه تصمیمی که در این باب اتخاذ می‌فرمایند، این سفارت را مستحضر دارند.

سفیر کبیر، دکتر قاسم غنی

سند شماره ۳/۱۹

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل کارگزینی

تاریخ: ۲۷/۱/۲۵ [۱۳]، شماره: ۱۳۱۷/۳۲۹۱

هیأت وزیران

به طوری که استحضار دارند، از طرف وزارت فرهنگ به آقای محمدتقی قمی مأموریت داده شده که به منظور تکمیل مطالعات فرهنگی و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر به مصر عزیمت نماید و طبق تصویبنامه شماره ۷۰۴، ۲۵/۱/۱۵ هیأت وزیران نیز مقرر گردید ماهیانه شش هزار ریال به ارز کمک هزینه از اعتبار دولت در سال ۲۵ به او پرداخت و همچنین به موجب تصویبنامه شماره ۲۴۰۸، ۲۶/۲/۱۵ تصویب گردید که کمک هزینه سال ۱۳۲۶ ایشان در ضمن بودجه سال ۱۳۲۶ وزارت فرهنگ (جزء اضافات) منظور شده و پس از تصویب به حساب اعتبارات دولت واریز نماید. اینک برای این که نامبرده بتواند مطالعات خود را در مصر تکمیل نموده و در سال ۱۳۲۷ نیز در آن کشور مطالعه و تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر مصر بپردازد، طرح تصویبنامه ضمیمه را تهیه نموده، به ضمیمه تقدیم می‌دارد. متمنی است طرح مزبور را در هیأت وزیران تصویب فرمایند تا از این راه در پرداخت کمک هزینه او تأخیر نشده و بتوانند وظایف محوله به خود را انجام و مطالعات خود را تکمیل نماید.

وزیر فرهنگ [امضا: علی اکبر سیاسی]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۱۸، تاریخ: ۲۷/۱/۲۶

سند شماره ۳/۲۰

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۷/۳/۱۷، شماره: ۱۶۱۸/۳۶۳

هیأت وزیران در جلسه ۱۵ خردادماه ۱۳۲۷ پیرو تصویبنامه شماره ۲۴۰۸، ۱۳۲۶/۲/۱۵ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۱۷/۳۲۹۱، ۱۳۲۷/۱/۲۵ وزارت فرهنگ تصویب نمودند که حقوق اسفندماه ۱۳۲۶ آقای محمدمتقی قمی که برای تدریس ادبیات ایران در دانشگاه الازهر و مطالعات فرهنگی به کشور مصر عزیمت نموده، به قرار ماهی شش هزار ریال به ارز پرداخته شده و از لحاظ این که اقامت او در مصر ضروری است، مدت مأموریت نامبرده از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۷ با حقوق سابق که اعتبار آن ضمن بودجه وزارت فرهنگ منظور است، برای مدت یک سال دیگر تمدید شود.

وزیر مشاور [امضا: مصطفی عدل] وزیر کشور [امضا: احمد امیراحمدی] وزیر امور خارجه [امضا: موسی نوری اسفندیاری] وزیر فرهنگ [امضا: علی اکبر سیاسی] وزیر کشاورزی [امضا: باقر شاهرودی] وزیر پست و تلگراف و تلفن [امضا: محمدعلی وارسته]

سند شماره ۴**تصویبنامه هیأت وزیران در خصوص پرداخت هزینه پذیرایی از وزیر فرهنگ****افغانستان توسط فرهنگستان ایران**

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

تاریخ: ۱۳۲۸/۱/۳۱، شماره: ۳۳۹۷، ضمیمه: نامه شماره ۱۶۹ وزارت امور خارجه و طرح تصویبنامه

جناب آقای نخست‌وزیر

با تقدیم عین نامه شماره ۱۶۹، به تاریخ ۱۳۲۸/۱/۲۲ وزارت امور خارجه متضمن طرح تصویبنامه پرداخت مبلغ هفت هزار و هشتصد و چهل ریال و پنجاه دینار (۷۸۴۰۵۰) هزینه پذیرایی آقای نجیب‌الله خان، وزیر فرهنگ افغانستان، که به وسیله فرهنگستان ایران در تهران به عمل آمده است، معروض می‌دارد: وزارت دارایی با پرداخت هزینه پذیرایی نامبرده از اعتبار سال ۱۳۲۸ دولت موافقت دارد. متمنی است طرح تصویبنامه ضمیمه را تصویب و امر به ابلاغ فرمایند.

از طرف وزیر دارایی [امضا: ناخوانا]

[مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۱۴۱۳، به تاریخ: ۲۸/۲/۱

سند شماره ۴/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

وزارت دارایی

هیأت وزیران در جلسه سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۸ بنا بر پیشنهاد شماره ۱۶۹/ت، مورخ ۲۸/۱/۲۲ وزارت امور خارجه مبلغ هفت هزار و هشتصد و چهل ریال و پنجاه دینار هزینه پذیرایی فرهنگستان ایران از آقای نجیب‌الله خان، وزیر فرهنگ افغانستان، که هنگام اقامت ایشان در تهران طبق برنامه تنظیمی وزارت امور خارجه به عمل آمده است، از محل اعتبار ۱۳۲۸ دولت پرداخت گردد. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

از طرف نخست‌وزیر، دکتر فاطمی

رونوشت برای اطلاع اداره حسابداری نخست‌وزیری فرستاده می‌شود.

از طرف نخست‌وزیر، دکتر فاطمی

سند شماره ۵

پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت رنه گروسه فرانسوی

در فرهنگستان ایران

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

تاریخ: ۲۹/۶/۶ [۱۳]، شماره: ۱۲۷۵۱/۶۷۴۷

هیأت وزیران

چون آقای رنه گروسه (Rene Grauset)، دانشمند معروف فرانسوی و عضو فرهنگستان فرانسه، نظر به خدمات شایانی که در راه معرفی ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران انجام داده‌اند، در سید و سی و چهارمین جلسه عمومی فرهنگستان ایران به عضویت وابسته آن فرهنگستان انتخاب شده‌اند،

علی‌هذا ضمن ایفاد یک نسخه از سوابق ممتد علمی ایشان که به زبان فرانسه تهیه شده، طرح تصویب‌نامهٔ مربوطه برای طرح در هیأت وزیران به پیوست تقدیم می‌شود.

وزیر فرهنگ، دکتر شمس‌الدین جزایری [امضا]

[ورود به دفتر]: نمرهٔ ۲۸۴/۷، ۲۹/۶/۷

سند شمارهٔ ۵/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۹/۶/۷، شماره: ۶۷۸-۲۸۴/۷

وزارت فرهنگ

هیأت وزیران در جلسهٔ ۲۹/۶/۶ نظر به پیشنهاد شمارهٔ ۱۲۷۵۱، مورخهٔ ۲۹/۶/۶ وزارت فرهنگ، تصویب نمودند که به پاس خدمات گرانبهایی که آقای رنه گروسه، دانشمند نامی فرانسوی و عضو فرهنگستان فرانسه، در راه معرفی ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران انجام داده‌اند، به عضویت وابستهٔ فرهنگستان ایران انتخاب و معرفی شوند. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

نخست‌وزیر

رونوشت جهت اطلاع به... فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر

سند شماره ۶

پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت احمد حامد الصراف
عراقی در فرهنگستان ایران؛ به انضمام تصویبنامه هیأت وزیران در این باره

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۳۵۸۲/۲۹/۹/۱، شماره: ۱۳۵۸۲

هیأت وزیران

نظر به این که آقای احمد حامد الصراف، دانشمند عراقی، که خدمات برجسته‌ای برای شناساندن تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران انجام داده و کتابی نیز در شرح زندگانی و رباعیات حکیم عمر خیام به زبان عربی تألیف فرموده‌اند و بعلاوه عضو فرهنگستان سوریه نیز می‌باشند، در سیصد و سی و پنجمین جلسه عمومی فرهنگستان ایران به عضویت وابسته فرهنگستان انتخاب شده‌اند. علی‌هذا طرح تصویبنامه ضمیمه برای طرح در هیأت وزیران به پیوست تقدیم می‌شود.

وزیر فرهنگ، دکتر شمس‌الدین جزایری [امضا]

[ورود به دفتر]: نمره ۹۸۳/۷، ۲۹/۹/۲

سند شماره ۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۳۵۸۲/۲۹/۹/۲، شماره: ۹۸۳/۷

طرح تصویبنامه

هیأت وزیران در جلسه ۲۹/۹/۱ نظر به پیشنهاد شماره ۱۳۵۸۲، مورخه ۲۹/۹/۱ وزارت فرهنگ، تصویب نمودند که به پاس خدمات برجسته‌ای که آقای احمد حامد الصراف، دانشمند عراقی و عضو فرهنگستان سوریه، در راه شناساندن تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران انجام داده‌اند، به عضویت وابسته فرهنگ ایران انتخاب و مفتخر شوند.

[امضاکنندگان: جهان‌شاه صالح، امیرقاسم اشراقی، شمس‌الدین جزایری، ابراهیم مهدوی، عبدالله

هدایت، جعفر شریف امامی، محمدعلی بوذری و امیراسدالله علم]

سند شماره ۷

پیشنهاد وزارت فرهنگ به هیأت وزیران در خصوص عضویت اردل آربری
بریتانیایی در فرهنگستان ایران؛ به انضمام سوابق علمی او

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۳۲۹/۹/۱ [۱۳]، شماره: ۱۳۵۷۸

هیأت محترم وزیران

چون آقای پروفیسور اردل آربری انگلیسی، عضو فرهنگستان بریتانیا، که از سال‌های ۴۶-۱۹۴۴ استاد زبان فارسی دانشگاه لندن بوده و از سال ۱۹۴۷ استاد زبان فارسی در دانشگاه کمبریج می‌باشد، در سیصد و سی و پنجمین جلسه عمومی فرهنگستان به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب شده‌اند. علی‌هذا ضمن ایفاد خلاصه‌ای از سوابق مشارالیه، طرح تصویبنامه مربوط برای تصویب هیأت وزیران به ضمیمه تقدیم می‌دارد.

از طرف وزیر فرهنگ، دکتر شمس‌الدین جزایری [امضا]

[ورود به دفتر]: نمره ۱۰۰۰/۷، ۲۹/۹/۲

سند شماره ۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

فرهنگستان ایران، دبیرخانه

مختصری از شرح حال آقای پروفیسور آربری و بعضی از تألیفات او

متولد ۱۹۰۵

استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن ۴۶-۱۹۴۴

استاد زبان فارسی در دانشگاه کمبریج از ۱۹۴۷

عضو فرهنگستان بریتانیا از ۱۹۴۹

صورت بعضی از کتب و تألیفات او:

ترجمه مجنون و لیلی شرقی به شعر انگلیسی در ۱۹۳۳

- فهرست کتب تصوف عربی و نسخ اخلاقی کتابخانه وزارت هندوستان در ۱۹۳۶
- ترجمه رباعیات باباطاهر به شعر انگلیسی در ۱۹۳۷
- فهرست کتب چاپی کتابخانه وزارت هندوستان در ۱۹۳۷
- عشاق نامه عراقی متن و ترجمه به شعر انگلیسی در ۱۹۳۹
- مقدمه تاریخ تصوف در ۱۹۴۳
- کتاب قرائت فارسی با لغات و حواشی در ۱۹۴۴
- ترجمه دو فصل اول گلستان سعدی به انگلیسی در ۱۹۴۵
- پنجاه غزل از حافظ با ترجمه به انگلیسی و مقدمه و حواشی در ۱۹۴۷
- گل‌های سرخ جاویدان؛ منتخب از شعرای متصوف ایران ترجمه شعر [به] انگلیسی در ۱۹۴۸
- ترجمه زبور عجم محمد اقبال به انگلیسی در ۱۹۴۹
- ترجمه رباعیات جلال‌الدین مولوی به انگلیسی در ۱۹۴۹
- رباعیات عمر خیام چاپ نسخه خطی قرن هفتم با ترجمه تطبیقی در ۱۹۴۹
- [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

طرح تصویبنامه

هیأت وزیران در جلسه...^۱ نظر به پیشنهاد شماره... مورخه... وزارت فرهنگ تصویب کردند که نظر به خدماتی که آقای پروفسور آردل آربری، عضو فرهنگستان بریتانیا و استاد زبان فارسی در دانشگاه کمبریج، در راه معرفی ادبیات ایران انجام داده‌اند، به عضویت وابسته فرهنگستان ایران انتخاب و مفتخر شوند.

۱. در اصل چنین است.

سند شماره ۸

مکاتبه وزارت فرهنگ با نخست‌وزیری در خصوص تأمین اعتبار برای شرکت سعید نفیسی در کنگره بین‌المللی خاورشناسان در استانبول

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره‌کل تعلیمات عالیه و روابط فرهنگی

تاریخ: ۳۰/۲/۲۴ [۱۳]، شماره: ۵۰۶۷/۱۲۹۶

جناب آقای نخست‌وزیر

به فراری که آقای سعید نفیسی طی مشروحۀ مورخ ۳۰/۲/۵ اطلاع می‌دهند، در سال جاری از ۸ تا ۱۵ سپتامبر (۱۶ تا ۲۳ شهریور) بیست و دومین کنگره بین‌المللی خاورشناسان در استانبول منعقد می‌گردد و از ایشان نیز رسماً و مستقیماً دعوت کرده‌اند که در کنگره مزبور شرکت نمایند. آقای سعید نفیسی ضمن اشاره به اهمیت کنگره و این که ترکیه اساساً در مسائل فرهنگی راجع به ایران دعاوی دارند و سال‌ها است افتخار نمایندگی ایران را در جلسات آن داشته‌اند و دولت همواره از تهیه لوازم و وسایل سفر دریغ نورزیده است، تقاضا دارند که وسیله عزیمت ایشان از هم‌اکنون از طرف این وزارت تهیه و فراهم شود. چون نظر به وضع مالی کنونی انجام تقاضای آقای نفیسی برای وزارت فرهنگ غیرمقدور است، لذا ضمن تأیید تقاضای ایشان، متمنی است دستور فرمایند مبلغی از اعتبار دولت را در حدود بیست و پنج‌هزار ریال که ده‌هزار ریال آن قابل تبدیل به ارز باشد، برای تهیه وسایل مسافرت آقای سعید نفیسی که از هر حیث صلاحیت و شایستگی احراز نمایندگی ایران را در کنگره مزبور دارند، تخصیص داده و این وزارت را از نتیجه مستحضر سازند.

وزیر فرهنگ [امضا: کریم سنجابی]

[حاشیۀ پایین، اول]: اداره امور. ۳۰/۲/۲۵

[حاشیۀ پایین، دوم]: به عرض رسید. ۳۰/۲/۲۵

[حاشیۀ پایین، سوم]: پرداخت این مبلغ میسر نیست.

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۳۷۹۶، تاریخ: ۳۰/۲/۲۵ ۱۳۳۰

سند شماره ۸/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ ثبت: ۳۰/۲/۲۸ [۱۳]، شماره عمومی: ۳۷۹۶

وزارت فرهنگ

عطف به نامه شماره ۵۰۶۷/۱۷۹۶، ۳۰/۲/۲۴ راجع به دعوتی که از آقای سعید نفیسی برای شرکت در بیست و دومین کنگره بین‌المللی خاورشناسان منعقد در استانبول به عمل آمده است، اشعار می‌دارد: پرداخت مبلغ مورد تقاضا از اعتبار دولت مقدور نیست. خواهشمند است در صورت امکان، از محل اعتبارات آن وزارتخانه اقدامی که مقتضی باشد، معمول دارند.

نخست‌وزیر

[امضای پیش‌نویس: غلامرضا دبیران] ۳۰/۲/۲۶

سند شماره ۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

تاریخ: ۳۰/۳/۶ [۱۳]، شماره: ۵۴۷۹/۳۳۷۸

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۳۷۹۶، ۳۰/۲/۲۸ اشعار می‌دارد: چون به قراری که طی مشروحه سابق به استحضار رسید، اعتبارات وزارت فرهنگ بسیار محدود و محلی برای پرداخت هزینه سفر آقای سعید نفیسی در اختیار ندارد، توجه آن جناب را به تقاضای آقای سعید نفیسی معطوف و تمنا دارد مقرر فرمایند هزینه مسافرت ایشان را به میزانی که تقاضا شده، از محل اعتبارات دولت تأمین نموده و نتیجه را به استحضار این وزارت برسانند.

وزیر فرهنگ، دکتر کریم سنجابی [امضا]

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۶۴۳۰، تاریخ: ۱۳۳۰/۳/۱۶

سند شماره ۸/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۰/۳/۲۲ [۱۳]، شماره: ۶۴۳۰

وزارت فرهنگ

عطف به نامه شماره ۵۴۷۹/۳۳۷۸، ۳۰/۳/۶ راجع به پرداخت هزینه سفر آقای سعید نفیسی، اشعار می‌دارد: چنانچه شرکت ایشان را آن وزارت در بیست و دومین کنگره بین‌المللی خاورشناسان منعقد در استانبول لازم می‌دانند، شایسته است از محل اعتباراتی که در اختیار وزارت فرهنگ می‌باشد، هزینه مسافرت را تأمین فرمایند.

نخست‌وزیر

[حاشیه پایین: به جای پیش‌نویس است. امضا: غلامرضا دبیران]

سند شماره ۹

نامه علی‌اکبر دهخدا به محمد مصدق درباره اعطای ده هزار تومان کمک مالی به دولت

[تاریخ: ۹ آذرماه ۱۳۳۰]

قربانت شوم

اگر دل یک کتاب چند هزار صفحه‌ای بود، دلم می‌خواست که آن کتاب را به ضمیمه این نامه به شما بفرستم تا معلوم شود همه صفحات آن مشحون از ذکر جمیل و تمجید و تجلیل بشردوستی و وطن‌پرستی و شجاعت و فداکاری اعلی‌حضرت شاه و شخص شخیص شما است. باور بفرمایید شب‌هایی را که می‌دانستم شما در آیرپلان^۱ هستید، بیش از ده بار از خواب می‌جستم و برای سلامت شما دعا می‌کردم. در تاریخ ایران این شاه و وزیر باید الی‌الابد نمونه ملت‌پروری و حسن سیاست باشند و ان‌شاءالله تعالی حتماً خواهند بود. یک دوره از چاپ‌شده‌های کتاب لغت برای تبریک ورود شما برای یادگار دوستانه تقدیم کردم و مبلغ ده هزار تومان هم برای تاریخ سلخ بهمین ۱۳۳۰ برای این که از خریداران یوسف بشمار بیایم، برای مصارف ملی بلاعوض تقدیم داشتم. این

آخرین چیزی است که از مال دنیا دارم و از کوچکی آن شرمسارم. این که تا امروز شرفیاب نشده و روی مبارک شما را نبوسیده‌ام، علت، ناخوشی است.

قربانت، علی اکبر دهخدا [امضا]

سند شماره ۹/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۰/۹/۱۳، شماره: ۱۳۱۳۶، پیوست: یک برگ چک

استاد دانشمند، جناب آقای علی اکبر دهخدا دامت افاضاته

نامه شریف عزّووصول ارزانی داشت. از مضامین عالیّه آن بهره‌مند و از الطاف کامله متشکر شدم. اگر سرّی در موفقیت این جانب در قسمتی از آمال ملی باشد، مرهون پشتیبانی عالی حضرت شاه و محبت و خوش‌بینی افرادی مانند جناب‌عالی و قاطبه ملت بوده است. علاوه بر آن که حُسن درایت و شجاعت پادشاه مهربان مستلزم حُسن کفایت و شهامت کارکنان دولت است، در ممالک دموکراسی نیک و بد دولت‌ها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و خردمندان ملت‌ها است که در رأس آنها باز شخص شخیص شاه قرار دارند.

ضمناً از مراتب فتوت و رادمردی جناب‌عالی متشکرم که در عین بحران منافع و فقدان منابع مالی خود با ارسال چک یکصد هزار ریال در کمک به آمال ملی پیشوا شده‌اید. اما به مناسبت نزدیکی ایام انتشار اوراق بهادار قرضه ملی، اجازه می‌خواهم که آن را مسترد کنم تا در موقع خود معادل آن از آن اوراق خریداری فرمایید. قطع دارم که آثار این ایثار در پیشرفت منویات ملی بسیار خواهد بود.

دکتر محمد مصدق

[حاشیه پایین: ۱۳۳۰/۹/۱۳ صادر شد. به جای مینوت است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۰

انتصاب حسین خطیبی به ریاست کل دفتر نخست‌وزیر

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۶، شماره: ۱۰۹۱۲

مجلس شورای ملی

چون در نظر است به آقای دکتر حسین خطیبی، رئیس اداره روزنامه رسمی، در نخست‌وزیری سِمَتی واگذار شود، خواهشمند است با حفظ سِمَت رئیس اداره روزنامه رسمی، به ایشان مأموریت دهند که وظیفه جدید را عهده‌دار گردد و ضمناً چون ایشان در سِمَت جدید حقوقی دریافت نخواهند داشت، از حقوق و مزایای ریاست اداره روزنامه رسمی کماکان استفاده خواهند نمود و امور آن اداره را نیز تحت نظر خواهند داشت. لطفاً مراتب را هرچه زودتر اطلاع دهند تا ابلاغ مأموریت ایشان صادر شود.

نخست‌وزیر

[حاشیه پایین: به جای پیش‌نویس است. ۳۲/۴/۶]

سند شماره ۱۰/۱

جناب آقای دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر

در پاسخ مرقومه شماره ۱۰۹۱۲، ۳۲/۴/۸ دایر به تقاضای مأموریت‌دادن به آقای دکتر حسین خطیبی، رئیس اداره روزنامه رسمی، برای احراز سِمَت جدیدی در نخست‌وزیری، بدین‌وسیله موافقت مجلس شورای ملی را اعلام داشته و ایشان را با حفظ سِمَت و حقوق و مزایای فعلی که از بودجه مجلس شورای ملی دریافت خواهند داشت، موقتاً به اختیار نخست‌وزیری گذارده و کماکان مسئولیت اداره روزنامه رسمی را نیز به عهده خواهند داشت.

نایب رئیس مجلس شورای ملی [امضا: محمد ذوالفقاری]

[حاشیه پایین: به عرض رسید. ۳۲/۴/۷]

سند شماره ۱۰/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ ثبت: ۱۳۳۲/۴/۷، شماره عمومی: ۱۰۹۲۶

آقای دکتر حسین خطیبی، استاد دانشگاه

از این تاریخ به سمت ریاست کل دفتر نخست‌وزیر منصوب می‌شود.

نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع دانشگاه تهران / مجلس شورای ملی / حسابداری نخست‌وزیری فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر [مهر امضا: محمد مصدق]

سند شماره ۱۱**انتصاب حسین خطیبی به سرپرستی امور مالی و اداری مجلس**

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۲۷، شماره: ۱۸۰۴۸

آقای دکتر حسین خطیبی، رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

به موجب این ابلاغ، سرپرستی امور مالی و اداری مجلس شورای ملی در دوره فترت به عهده شما واگذار می‌شود که تحت نظر مستقیم این‌جانب وظایف محوله را انجام نمایید. در طی این مدت کلیه ادارات مجلس تحت نظر شما وظایف خود را انجام خواهند داد. مقتضی است نهایت دقت را در وظایف محوله بخصوص در کنترل امور مالی به کار برده، گزارش امور مجلس را مستقیماً به اطلاع این‌جانب برسانید.

نخست‌وزیر

رونوشت به وزارت دارایی ارسال می‌شود.

نخست‌وزیر

رونوشت به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر

سند شماره ۱۲

نامه وزارت امور خارجه به نخست‌وزیری در خصوص اعلام صحت و سقم گزارش
روزنامه پرچم از سخنرانی‌های سعید نفیسی در مسکو

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۳۳/۱۰/۱۹]، شماره عمومی: ۳۵۳۵/۴

وزارت امور خارجه

در شماره ۵۷ روزنامه پرچم خاورمیانه شرحی راجع به آقای سعید نفیسی درج شده که لازم است صحت و سقم آن معلوم شود. بنابراین خواهشمند است:

۱. راجع به سخنرانی ایشان از رادیو مسکو هرگونه اطلاعی دارید یا ممکن باشد تحصیل فرمایید، به دفتر نخست‌وزیری اعلام فرمایید.

۲. راجع به کسانی که روزنامه نامبرده مدعی است سال گذشته از طرف آقای سعید نفیسی در بلاد عربی منتشر شده، از نماینده ایران در ممالک عربی امر به تحقیق فرموده و دستور فرمایید در صورت صحت، یک جلد از کتاب نامبرده را به وسیله آن وزارتخانه یا مستقیماً به دفتر نخست‌وزیری ارسال دارند.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره انتشارات و تبلیغات

ریاست دفتر کل نخست‌وزیر

در پاسخ نامه شماره ۳۵۳۵/۴، مورخ ۲۳/۱۰/۲۲ اشعار می‌دارد: اظهارات آقای سعید نفیسی در دومین کنگره نویسندگان شوروی ضمن نشریات رادیو مسکو که به وسیله اداره کل تبلیغات جمع‌آوری و تنظیم و به این وزارتخانه و آن دفتر کل فرستاده شده، منعکس است. به نظر این وزارتخانه، در این اظهارات نکته مهم و قابل ایرادی موجود نیست. در خصوص کتاب از جناب آقای

کازمی، وزیرمختار سابق دولت شاهنشاهی در دمشق، تحقیق شد. به طوری که ایشان اظهار می‌دارند، آقای سعید نفیسی چنین کتابی که روزنامهٔ پرچم خاورمیانه متذکر شده، ننوشته است. از طرف وزیر امور خارجه [امضا: ناخوانا]

[حاشیهٔ پایین: سابقه.

[مهر: ورود به دفتر محرمانهٔ نخست‌وزیر

به تاریخ: ۳۳/۱۰/۲۸، شماره: ۳۶۱۱/۴

سند شمارهٔ ۱۲/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۳۳/۱۰/۲۵]، شمارهٔ عمومی: ۳۶۱۱/۴

ریاست شهربانی کل کشور

در شمارهٔ ۵۷ روزنامهٔ پرچم خاورمیانه تحت عنوان «سعید نفیسی علیه ایران سخنرانی می‌کند» دو خبر راجع به سخنرانی آقای سعید نفیسی در مسکو و انتشار جزوه‌هایی در بلاد عربی درج شده است که از طرف وزارت خارجه هر دو موضوع تکذیب شد. مقتضی است از مدیر روزنامهٔ مزبور توضیح خواسته شود که این اخبار را از کجا و چه مأخذی کسب کرده است و نتیجهٔ اقدام را برای اتخاذ تصمیم اعلام فرمایید.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

[حاشیهٔ راست: امضا شد، ولی خبر گویا از رادیو مسکو بوده که این قبیل عناوین را با وسایل مخصوص و غیرمجاز می‌گیرند.

سند شمارهٔ ۱۳

گزارش حسین گل گلاب، دبیر فرهنگستان ایران از فعالیت‌های این فرهنگستان

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

تاریخ: ۳۵/۶/۴ [۱۳]، شماره: ۲۹۶۶۵

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۴۷۱۷، مورخ ۳۵/۵/۲۳ راجع به وضع فرهنگستان ایران، اینک رونوشت گزارش آقای گل گلاب، دبیر فرهنگستان، به ضمیمه اساسنامه فرهنگستان برای استحضار خاطر شریف تقدیم می‌گردد. البته وزارت فرهنگ برای تجدید حیات فرهنگستان و انجام وظایفی که طبق اساسنامه برای آن مقرر است، کمال موافقت را دارد. ولی برای این که فرهنگستان بتواند مجدداً به فعالیت خود بپردازد، ابتدا باید بیست تن اعضای پیوسته به جای اعضای متوفی برطبق تصویبنامه هیأت وزیران انتخاب بشود. انجام این منظور محتاج تهیه لیستی از اسامی اشخاص شایسته و دانشمند کشور می‌باشد تا از میان آنان افراد مورد نیاز انتخاب گردند.

وزیر فرهنگ، دکتر مهران [امضا]

[حاشیه پایین، اول:] سابقه. ۳۵/۶/۵

[حاشیه پایین، دوم:] به عرض برسد. ۶/۶

[حاشیه پایین، سوم:] فرمودند تأکید شود این کار را بنمایند و لیست را هرچه زودتر تهیه کنند.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۵/۶/۵، شماره: ۹۹۷

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

اداره دفتر نخست‌وزیری

اساسنامه فرهنگستان ایران که مربوط به نامه شماره ۲۹۶۶۵، ۳۵/۵/۴ می‌باشد، به ضمیمه تقدیم می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید ضمیمه نامه مزبور گردد.

اداره دبیرخانه اداره کل دفتر وزارتی، ۳۵/۶/۴

[حاشیه پایین:] ضمیمه گردید. ۶/۴

سند شماره ۱۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

جناب آقای دکتر مهران، وزیر فرهنگ

حسب الامر گزارش مختصر وضع فرهنگستان را تقدیم می‌دارد: فرهنگستان ایران در خرداد ۱۳۱۴ به موجب اساسنامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران رسید، تشکیل و به موجب فرمان همایونی ریاست آن به مرحوم محمدعلی فروغی واگذار شد. در ۱۳۱۵ مرحوم حسن وثوق به ریاست انتخاب شد. در ۱۳۱۷ به دستور اعلی حضرت فقید فرهنگستان منحل و مقرر فرمودند اعضای آن مطابق همان اساسنامه اولیه، انتخاب و به عرض برسد. وزیر فرهنگ وقت همان اعضای اولیه را با چندین اعضای پیوسته جدید انتخاب نمود و خود کفالت آن را داشت و پس از تغییر آقای علی اصغر حکمت، مرحوم مرآت و پس از آن، مرحوم تدین کارهای ریاست فرهنگستان را بر عهده داشتند.

در زمان وزارت مرحوم تدین در سال ۱۳۲۰ قرار شد رئیس فرهنگستان در جلسه عمومی با اکثریت دوثلت آراء انتخاب و پس از تصویب وزارت فرهنگ و تأیید هیأت وزیران، فرمان همایونی صادر شود. مرحوم محمدعلی فروغی به ریاست و آقای دکتر امیراعلم و آقای دکتر صدیق به نیابت ریاست انتخاب گردیدند. پس از فوت مرحوم فروغی، مرحوم حسین سمیعی ادیب السلطنه با همان تشریفات به ریاست انتخاب شد و در ۱۳۲۵ یک بار دیگر هم انتخاب گردید.

دوره ریاست مرحوم سمیعی در ۱۳۲۸ به پایان رسید و چون جلسه عمومی به واسطه فوت عده زیادی از پیوستگان و مسافرت عده دیگر به حد نصاب نمی‌رسد، انتخاب رئیس به تعویق افتاد. جناب آقای دکتر امیراعلم چند مرتبه جلسات را دعوت کردند و بعضی کارهای مختصر انجام گرفت و یک بار هم اعلی حضرت همایون شاهنشاهی تمام پیوستگان را احضار و تأیید فرمودند که اعضا تکمیل شود. وقایع چندساله اخیر موجب آن شد که در این موضوع اقدامی به عمل نیامد. در زمان وزارت آقای دکتر آذر قرار شد صورتی برای تکمیل اعضا تهیه شود. آن صورت در جلسه محدود از اعضای پیوسته فرهنگستان در منزل جناب آقای دکتر صدیق تهیه شد، ولی از طرف وزیر فرهنگ وقت اقدامی به عمل نیامد.

دبیرخانه فرهنگستان که از ۱۳۱۴ تصدی آن بر عهده این جانب بوده، دارای یک منشی و یک ماشین نویس و یک پیشخدمت و یک سرایدار بود که حقوق آنها از طرف وزارت فرهنگ پرداخت

می‌شد. در این چند سال اخیر هر یک از آنها به واسطه بی‌تکلیفی تقاضای انتقال نمودند. یک نفر به دانشگاه منتقل شد و آقای قیصری نامی به جای او مأمور شد، ولی به مجرد ورود، شروع به تخلفات عجیب نمود که به وزارت فرهنگ عودت داده شد. چون ماشین‌نویس و پیشخدمت هم کاملاً بیکار بودند و حقوق بیهوده می‌گرفتند، در تیرماه امسال به وزارت فرهنگ معرفی شدند تا کاری به آنها رجوع شود و پول دولت بیهوده مصرف نشود. فعلاً اتاق‌های فرهنگستان مقفل است و کلیدهای آن را این‌جانب نزد خود نگاه داشته و سرایدار را مأمور حفاظت آنها نموده‌ام.

اگرچه جناب آقای دکتر صدیق و جناب آقای حجازی مکرر راجع به فرهنگستان مذاکراتی فرموده‌اند، ولی هیچ‌گونه اقدام مؤثری ننموده و از حدود حرف تجاوز نکرده است. جناب آقای دکتر امیراعلم به واسطه کسالت همیشه از اقدام خودداری فرموده‌اند.

از چهل تن اعضای پیوسته فرهنگستان فعلاً بیست تن در قید حیاتند، از این قرار:

جناب آقای دکتر امیراعلم

جناب آقای دکتر متین دفتری

جناب آقای دکتر صدیق

جناب آقای علی اصغر حکمت (مسافر)

جناب آقای دکتر محمود حسابی

جناب آقای سیدمحمد حجازی

جناب آقای مسعود کیهان

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی

جناب آقای جمال‌الدین اخوی

جناب آقای فروزانفر

جناب آقای دکتر رضازاده شفق

جناب آقای عبدالعظیم قریب

آقای سعید نفیسی

تیمسار سرلشکر احمد نخجوان

تیمسار سرلشکر غلامحسین مقتدر

آقای ابراهیم پوردادود

آقای دکتر غلام‌علی رعدی (مسافر)

آقای جلال‌الدین همایی

آقای حاجی سیدکاظم عصّار

آقای حسین گل‌گلاب

اعضای پیوسته که در ظرف این چند سال به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، از این قرارند:

مرحوم دکتر پرتو اعظم

مرحوم دکتر نصر

مرحوم ادیب‌السلطنه سمیعی

مرحوم سیدمحمد تدین

مرحوم احمد اشتری

مرحوم محمدعلی فروغی

مرحوم رشید یاسمی

مرحوم دکتر قاسم غنی

مرحوم حاجی سیدمحمد فاطمی

مرحوم منصورالسلطنه عدل

مرحوم حاجی سیدنصرالله تقوی

مرحوم حسنعلی مستشار

مرحوم محمد قزوینی

مرحوم غلامحسین رهنما

مرحوم ملک‌الشعرا بهار

مرحوم علی‌اکبر دهخدا

مرحوم محتشم‌السلطنه اسفندیاری

مرحوم احمد بهمنیار

مرحوم عباس اقبال

سند شماره ۱۳/۳

اساسنامه فرهنگستان ایران

مصوب خردادماه ۱۳۱۴

ماده اول: برای حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی انجمنی به نام «فرهنگستان ایران» تأسیس می‌شود.

ماده دوم: وظایف فرهنگستان به قرار ذیل است:

ترتیب فرهنگ به قصد ردّ و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی.

اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در این که حتی‌الامکان فارسی باشد.

پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی.

تهیه دستور زبان و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یا ردّ لغات خارجی.

جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران.

جمع‌آوری الفاظ و اصطلاحات از کتب قدیم.

جمع‌آوری لغات و اصطلاحات و اشعار و امثال و قصص و نوادر و ترانه‌ها و آهنگ‌های ولایتی.

جستجو و شناساندن کتب قدیم و تشویق به طبع و نشر آنها.

هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر و اختیار آنچه از ادبیات گذشته پسندیده است

و ردّ آنچه منحرف می‌باشد و راهنمایی برای آینده.

تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی.

تشویق دانشمندان به تألیف و ترجمه کتب سودمند به فارسی فصیح و مأنوس.

مطالعه در اصلاح خط فارسی.

ماده سوم: فرهنگستان دارای دو قسم عضو «پیوسته» و «وابسته» خواهد بود.

پیوستگان اعضای هستند که مقررأ در جلسات حاضر و فرهنگستان از آنان تشکیل می‌شود.

وابستگان اعضای هستند که افکار خود را به وسیله مکاتبه به فرهنگستان می‌رسانند.

ماده چهارم: فرهنگستان با ۲۴ نفر عضو پیوسته شروع به کار خواهد کرد و لدی‌الاقضا ممکن

است عده پیوستگان به ۵۰ نفر برسد.

ماده پنجم: عضو پیوسته باید ایرانی و سن او لااقل سی و پنج باشد.

ماده ششم: انتخاب اعضای پیوسته وقتی به عمل می‌آید که بیش از نصف اعضای پیوسته به عضویت داوطلب رأی مخفی داده و هیأت وزیران این انتخاب را به پیشنهاد وزارت فرهنگ تصویب نماید.

ماده هفتم: فرهنگستان یک نفر رئیس خواهد داشت که به موجب فرمان همایونی منصوب خواهد شد و دارای دو نفر نایب رئیس و دو نفر منشی خواهد بود که با اکثریت نسبی پیوستگان برای دو سال انتخاب می‌شوند. طرز انتخاب هیأت رئیسه و همچنین وظایف آنان را نظامنامه داخلی معین خواهد نمود.

ماده هشتم: فرهنگستان برطبق ماده ۵۸۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ دارای شخصیت حقوقی خواهد بود و رئیس نماینده فرهنگستان می‌باشد.

ماده نهم: فرهنگستان دارای دبیرخانه‌ای خواهد بود که رئیس و اعضای آن از طرف وزارت فرهنگ منصوب می‌شوند.

ماده دهم: اعضای وابسته از میان علما و ادبای داخله و خارجه انتخاب می‌شوند. عضویت آنان مانند عضویت اعضای پیوسته مادام‌العمر خواهد بود.

ماده یازدهم: جلسات رسمی فرهنگستان با حضور نصف بعلاوه یک از پیوستگان حاضر در تهران منعقد خواهد شد.

ماده دوازدهم: فرهنگستان برحسب وظایفی که دارد، ممکن است به کمیسیون‌های جزء تقسیم شود. در صورت لزوم از اشخاص خارج نیز برای مشاورت و معاونت می‌تواند دعوت نماید. ماده سیزدهم: فرهنگستان می‌تواند جلسات تشریفاتی داشته باشد و تماشاگران ممکن است در این جلسات حاضر شوند.

ماده چهاردهم: پیوستگان ممکن است لباس مخصوصی داشته، در جشن‌ها و تشریفات دولتی بدان ملبس گردند. شکل این لباس در نظامنامه جداگانه معین خواهد شد.

ماده پانزدهم: بودجه فرهنگستان در ضمن بودجه وزارت فرهنگ منظور خواهد شد، ولیکن عضویت فرهنگستان افتخاری خواهد بود.

ماده شانزدهم: مقررات لازم برای اجرای وظایف فرهنگستان و نظامنامه‌های راجع به هیأت رئیسه و کمیسیون‌ها و نظامات داخلی و غیره پس از پیشنهاد فرهنگستان و تصویب وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

چاپخانه بانک ملی ایران

سند شماره ۱۳/۴

اساسنامه انجمن روابط فرهنگی بین‌المللی

مصوب ۱۲ بهمن ۱۳۲۱

ماده اول: فرهنگستان ایران هیأتی به نام «انجمن فرهنگی بین‌المللی» مرکب از چند تن از پیوستگان برای ایجاد روابط بین فرهنگستان ایران با فرهنگستان‌های کشورهای خارجه یا مجامع مشابه آن تشکیل می‌دهد.

ماده دوم: انجمن برای انجام‌دادن وظایف خود می‌تواند از پیوستگان فرهنگستان و دانشمندان صلاحیت‌دار ایرانی و خارجی استفاده کند.

ماده سوم: انجمن موظف است از کتاب‌ها و انتشاراتی که از کشورهای مختلف برای فرهنگستان جلب می‌کند، کتابخانه منظمی تشکیل دهد و سعی کند همه آثاری را که درباره فرهنگ ایران در خارج انتشار یافته، به مرور در این کتابخانه گرد آورد.

ماده چهارم: انجمن مأمور است کتب و سایر مطبوعات شایسته ایران را در دسترس مراکز فرهنگی جهان بگذارد.

ماده پنجم: انجمن مأموریت دارد برای ایجاد آشنایی در میان اعضای فرهنگستان و دانشمندان کشورهای دیگر و تجلیل و تشویق فضایی خارجی علاقه‌مند به فرهنگ ایران وسایل مقتضی به کار برد.

ماده ششم: انجمن می‌تواند در معرفی فرهنگستان ایران در ممالک دیگر به وسیله ارسال مقررات رسمی و انتشارات فرهنگستان و یا ترجمه آنها اقدام کند.

ماده هفتم: انجمن مجاز است هر یک از دانشمندان خارجی را که برای عضویت وابسته فرهنگستان شایسته بدانند، پیشنهاد کند.

ماده هشتم: دبیرخانه فرهنگستان مکلف است وسایل اجرای وظایف این انجمن را در هر موقع فراهم سازد و تسهیلات لازم را بکند.

ماده نهم: تهیه اعتبارات لازم برای اجرای وظایف این انجمن بنا بر پیشنهاد انجمن و تصویب فرهنگستان خواهد بود.

سند شماره ۱۴

مکاتبات در خصوص عضویت مارچینوس اف وینچستر در فرهنگستان ایران

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳/۴/۲۷]، [شماره: ۳۷۹۳]، یادداشت

جناب آقای دکتر عیسی صدیق

رونوشت نامه مورخه ۹ ژوئیه ۱۹۵۶ دستورزاده دکتر جلال پادری به پیوست ارسال می‌گردد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید، در این نامه دکتر پادری پیشنهاد می‌کند که همشیره ایشان، مارچینوس اف وینچستر به عنوان عضو افتخاری وارد فرهنگستان ایران بشود. خواهشمند است نظریه خود را راجع به این پیشنهاد با ذکر شرایط ورود و عضویت افتخاری فرهنگستان جواباً اطلاع دهید.

نخست‌وزیر

سند شماره ۱۴/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۳۵/۴/۳۰]، [شماره: ۳۸۰۹]، یادداشت

جناب آقای دکتر مهران وزیر فرهنگ

رونوشت و ترجمه نامه مورخه ۹ ژوئیه مارچینوس اف وینچستر به پیوست ارسال می‌گردد. خواهشمند است نظر خود را راجع به پیشنهادهای ایشان اعلام فرمایید.

نخست‌وزیر

سند شماره ۱۴/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

ترجمه، [تاریخ: ۹ ژوئیه ۱۹۵۶]

جناب آقای علاء

در ابتدا تریکات صمیمانه خودم و برادرم، دستورزاده، را برای موفقیتی که درباره رأی اعتماد مجلس حاصل نموده‌اید، تقدیم می‌کنم.

امیدوارم نامه قبلی این‌جانبه راجع به طرح‌های مجسمه‌های هخامنشی که تقاضا کرده بودم، رسیده باشد. چون قصد دارم برای قبر خودم که در شهر باستانی وینچستر ساخته خواهد شد، از آنها استفاده کنم. اگر چنین طرح‌هایی موجود نیست، استدعا دارم چند قطعه از عکس‌هایی که اداره باستان‌شناسی ایران از آن مجسمه‌ها انداخته است، برایم ارسال دارید.

امروز موضوع دیگری را می‌خواهم به اطلاع جناب‌عالی برسانم که یقین دارم مورد توجه خواهد بود. در ملاقاتی که اخیراً در دهلی نو با دوستان محترم خود، آقایان دکتر صدیق و عباس مسعودی (مدیر اطلاعات) و دکتر مهران، نموده‌ام، هر سه نفر آقایان اظهار داشتند که خوب است کتاب تألیف خود من به نام «زن‌های قهرمان ایران باستان» به فارسی ترجمه شود و این کار را فرهنگستان ایران ممکن است به عهده بگیرد. از این فکر بسیار مسرور شدم و قول دادم که پس از مراجعت به انگلیس در این موضوع به جناب‌عالی بنویسم. حالا با کمال خوشوقتی تذکر می‌دهم که اگر فرهنگستان ایران مایل است این کار را بکند، حق ترجمه را به آنها خواهم داد. خیلی خوشوقت می‌شوم که جناب‌عالی با دوستان نامبرده و اعضای فرهنگستان درباره این پیشنهاد مشورت نموده، به زودی تصمیم آنها را به این‌جانبه اطلاع دهید.

اگر فرهنگستان تصمیم بگیرد کتاب را به زبان فارسی منتشر کند، حاضرم برای مدت سه ماه پلاک علامت خانوادگی تاریخی وینچستر را به آنها قرض بدهم که با طلا روی جلد کتاب چاپ کنند و همچنین پلاک صفحه اول و ۱۴ عکس که کتاب را با آنها زینت بدهند. مدت سه ماه را از این لحاظ ذکر می‌کنم که فرهنگستان هند نیز کتاب را بعداً به زبان گجراتی که زبان ولایت خودم می‌باشد، ترجمه خواهد کرد و احتیاج به آنها خواهد داشت. خوب است فرهنگستان ایران نسخ فارسی کتاب را به همان اندازه و سبک نسخه انگلیسی آن چاپ کند. ولی البته این موضوع را کاملاً به سلیقه خود آنها واگذار می‌کنم چون ممکن است با صنعتی که ایرانی‌ها در صنعت طبع و تجلید دارند، از چاپ انگلیسی آن هم بهتر شود.

در پایان به خود اجازه می‌دهم راجع به دو مطلب کاملاً مختلف اظهار نظر کنم: به عقیده من، موقع مقتضی است که دولت ایران تحت سرپرستی قابل جناب‌عالی به مجلس پیشنهاد کند که ولایت قدیم کردستان که دو بار تقسیم شده است، تحت حکومت ایران وحدت پیدا کند، چون از نقطه نظر تاریخ و جغرافیا و زبان و فرهنگ قسمتی از ایران می‌باشد. موقع مناسب است چون دول دیگری در این امر مداخله دارند، تمام عضو پیمان بغداد می‌باشند و اگر در جلسه آتیه این موضوع پیشنهاد شود، ممکن است با نظر خوبی مطرح گردد.

پیشنهاد دوم این است که لایحه‌ای به مجلس ببرند که روز ششم فروردین (۲۶ مارس) یعنی روز تولد زردشت، بزرگترین فرد ایرانی نه تنها از لحاظ پیغمبری که اولین مذهب بزرگ دنیا را تأسیس کرد، بلکه از لحاظ این که رهبر سیاسی مهمی بود که تحت نفوذ او ایران اولین حکومت عظیم را در دنیا و عهد هخامنشی ایجاد کرد و همچنین تمدن بزرگی که تا امروز ادامه دارد، به وجود آورد. آن روز در ایران عید عمومی اعلام شود. همان طوری که در هندوستان ایرانی‌هایی که ۱۳۰۰ سال پیش به آنجا رفتند، آن روز را عید می‌شمارند.

خوشوقت می‌شوم اگر جناب‌عالی نظریه خود را راجع به این موضوع و راجع به پیشنهادی که درباره نشر کتابم به زبان فارسی نمودم، اعلام فرمایید.

با تقدیم احترامات

بیسی وینچستر، مارچینوس اف وینچستر

سند شماره ۱۴/۳

[شیر و خورشید]

مجلس سنا

تاریخ: ۱۳۳۵/۵/۶

جناب آقای نخست‌وزیر

در جواب مرقومه شماره ۳۷۹۳، مورخ ۲۷ تیر ۱۳۳۵ راجع به پیشنهاد آقای دکتر پادری، تصدیق می‌دهد: چنان که خاطر شریف مستحضر است، چند سال است که فرهنگستان ایران در اثر نداشتن اعتبار و عدم توجه وزارت فرهنگ دایر نیست و در حال تعطیل است، در صورتی که مؤسسه مذکور برای کشوری چون ایران از ضروریات بشمار می‌رود.

مطابق اساسنامه و آیین‌نامه‌های موجود، فرهنگستان دو قسم عضو دارد به نام پیوسته و وابسته. اعضای وابسته از میان دانشمندان و ادبای داخله و خارجه طبق پیشنهاد سه نفر از اعضای پیوسته و تأیید کمیسیونی از فرهنگستان و تصویب خود فرهنگستان (با مهره سفید و سیاه) انتخاب می‌شوند. دانشمندان خارجی و مستشرقین که به سمت وابستگی فرهنگستان پیشنهاد می‌شوند، باید در انتشار زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایران در خارجه اقدام مهمی کرده و یا کتاب جالب توجهی تألیف کرده باشند که برای پیشرفت مقاصد معنوی و نمایاندن مقام علمی و ادبی ایران مؤثر باشد. شرح خدمات و مدارک شایستگی کسانی که پیشنهاد می‌شوند، باید به نظر کمیسیون برسد. بنا به مراتب فوق، اولاً، فرهنگستان عضو افتخاری ندارد. ثانیاً، از خدمات مارچینوس اف وینچستر (که کتابی درباره زنان ایران قبل از اسلام طبع کرده‌اند) اطلاع صحیحی در دست نیست تا بتوان اظهار نظر کرد. ثالثاً، اگر اطلاعات صحیح هم برسد و بانوی مذکور واجد شرایط عضویت وابسته باشند، پیشنهاد آن مستلزم دایرشدن خود فرهنگستان خواهد بود.

[امضا: عیسی صدیق]

[حاشیه راست، اول:] به عرض برسد.

[حاشیه پایین، اول:] سابقه. ۳۵/۵/۷

[حاشیه پایین، دوم:] ضمیمه شد. ۵/۸

[حاشیه راست، دوم:] رونوشت این نامه برای وزیر فرهنگ ارسال شود که چرا فرهنگستان دایر

نیست و این اسم بی‌مسما چه معنی دارد؟

[حاشیه راست، سوم:] ملاحظه فرمودند.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۵/۵/۷، شماره: ۴۷۱۷

سند شماره ۱۴/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ ۷ مرداد ۱۳۳۵ [۵]، [شماره: ۴۳۱۵]، یادداشت

به عرض برسد: راجع به تقاضای عضویت این خانم در فرهنگستان جوابی به برادر ایشان که این تقاضا را کرده بود، نوشته شد که موضوع باید مطالعه شود. ضمناً رونوشت نامه دکتر پادری برای دکتر عیسی صدیق فرستاده شد که نظریه خود را بدهند.

نامهٔ قبلی مارچینوس راجع به ترجمهٔ کتاب ایشان به فارسی و چند مطلب دیگر بود. رونوشت آن را برای دکتر مهران فرستادیم که مطالعه و رسیدگی کنند.

[امضا: عزیزه عضدی]

سند شمارهٔ ۱۴/۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۳۵/۵/۷]، [شماره: ۴۳۱۵]، یادداشت

جناب آقای دکتر مهران، وزیر فرهنگ

رونوشت نامهٔ مورخهٔ ۹ ژوئیهٔ ۱۹۵۶ دکتر پادری به ضمیمه ارسال می‌گردد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید، نامبرده در این نامه پیشنهاد می‌کند که خواهر ایشان، مارچینوس آف وینچستر عضو افتخاری فرهنگستان ایران بشود. خواهشمندم موضوع را مطالعه و نظریهٔ خود را اعلام فرمایید.
نخست‌وزیر

سند شمارهٔ ۱۴/۶

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۳۵/۵/۲۳]، [شماره: ۴۷۱۷]

جناب آقای دکتر مهران، وزیر فرهنگ

جناب آقای دکتر عیسی صدیق، سناتور محترم، به مناسبتی ضمن نامهٔ مورخ ۳۵/۵/۶ اطلاع می‌دهند که چند سال است فرهنگستان ایران در اثر نداشتن اعتبار و عدم توجه وزارت فرهنگ در حال تعطیل است. موضوع مورد توجه واقع گردید و لازم شد سؤال شود این اسم بی‌مسما چه معنی دارد؟ به طوری که استحضار دارند، به واسطهٔ ترقیات و پیشرفت‌های حاصله در تمام شئون دنیا دایرهٔ زبان‌ها بسط پیدا می‌کند و به لغات جدید نیاز حاصل می‌شود. خصوصاً زبان فارسی که به علت عدم مرکز وضع لغات لازم، به هرج و مرج غریبی دچار شده و هر کس لغات بی‌موقع و نامأنوسی را برای ذکر مقصود خود اتخاذ می‌کند. خواهشمند است دستور فرمایید در این باب مطالعه‌ای بشود و جریان قضیه و نظریهٔ متخذه را ابلاغ فرمایند.

نخست‌وزیر

[امضای پیش‌نویس: ناخوانا]

سند شماره ۱۵

گزارش دایره تجسس رکن دوم ستاد ارتش از وضعیت اداری و آموزشی وزارت

فرهنگ و تخلفات برخی از مدیران آن

رکن دوم ستاد ارتش، دایره تجسس

اطلاعات رسیده مربوط به وزارت فرهنگ

در این موقع که وزارت فرهنگ سال تحصیلی ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ را آغاز نموده، در محافل و مجالس گفتگوهای درباره کادر فرهنگ و دسته‌بندی‌هایی که در فرهنگ به وجود آمده، شنیده می‌شود که از لحاظ استحضار، اهم آنها در این گزارش منظور می‌گردد:

الف) باندهای موجود در فرهنگ:

۱. درخشش، رئیس جامعه فارغ‌التحصیلان دانشسراهای عالی.
۲. آقای معرفت با قسمتی از فارغ‌التحصیلان دانشسراهای عالی.
۳. آقای حکمی با فرهنگیان حومه.
۴. آقای رضا عنایتی، سردسته فرهنگیان متفق.
۵. آقای محمدعلی نقیب‌زاده، رئیس سابق دانشسرای مقدماتی ورامین.
۶. آقای موسوی، سردسته فرهنگیان ایران.
۷. آقای جعفری، برادر جعفری، وزیر سابق فرهنگ. (تعداد افراد ردیف ۱ به تنهایی چند مقابل مجموع ردیف‌های ۲ الی ۷ می‌باشد).
۸. آقای مجدپور، رئیس کانون فرهنگیان (بهرامی هم جزو اینها بود)، بیطرف است. برحسب اقتضای روز کار می‌کند.

هر یک از دستجات بالا از نواقص موجود در فرهنگ انتقاداتی نموده و تلاش می‌نمایند که جمعیت خود را زیاده‌تر نمایند.

ب) نواقص موجود در طرز سیستم کار اداری وزارت فرهنگ:

۱. نرسیدن بازرسان اداری به مدارس.
۲. تشکیل دادن ادارات غیرلازم مثل مدیریت کل در استان‌ها و استقلال دادن به فرهنگ شهرستان‌ها و وجود اداره فرهنگ شهرستان‌ها در مرکز و اعزام بازرسین به فرهنگ استان‌ها که به عقیده مطلعین به امور فرهنگ، یکی از این دو سازمان (فرهنگ شهرستان‌ها در مرکز و مدیریت کل فرهنگ استان‌ها) زاید است.

۳. تغییرات و انتقالاتی که در فرهنگ حومه تهران و شهرستان‌ها داده می‌شود، بدین معنی که شهرستان و بلوکی را مدتی تابع فرهنگ یک شهرستان و پس از مدتی تابع شهرستان دیگر می‌نمایند.

۴. مسلط‌نبودن کارگزینی وزارت فرهنگ به ترتیب و تنظیم پرسنل.

۵. مسلط‌نبودن اداره بازرسی فرهنگ به کادر آموزشی و اداری.

ج) نواقص کادر آموزشی که موجب نارضایتی مردم را فراهم نموده:

۱. کتاب‌های آموزشی اخیراً به صورتی درآمده که معلمین هر شهرستان بنا بر سلیقه و تمایل خودشان با جرح و تعدیل مختصری از کتاب‌های سابق به وسیله کتابفروش‌ها چاپ نموده و دانش‌آموزان بایستی از این کتاب‌ها استفاده کنند و به طوری که شایع است، در این مورد بین مؤلفین و کتابفروش‌ها و بعضی از معلمین سوءاستفاده‌ها و سازش‌هایی وجود دارد و چنان که موضوع چاپ کتاب در تهران تولید سروصدای زیاد نموده و گفته می‌شود شرکت علمی (علمی شخصی است که زندگی او روی رشوه‌دادن بنا شده) در تهران که کتاب‌های فرهنگی را چاپ نموده، یک میلیون و پانصد هزار ریال به فرهنگی‌ها و دویست هزار ریال به واسطه کار رشوه داده است و در نتیجه، کتابها بیش از چهار ریال تمام نشده و دوازده ریال فروخته می‌شود، یعنی در هر جلد هشت ریال سوءاستفاده می‌کند. مضافاً به این که کتاب‌های تهیه شده از لحاظ کاغذ و جلد نامرغوب و اشتباهات زنده‌ای هم دارد. چنان که زیر شکل تاج، توت و زیر شکل قورباغه، گیلاس و زیر شکل موش، آلبالو و زیر شکل جوراب، روباه نوشته شده و همچنین کتاب جغرافیا نقشه آن رنگی تهیه شده است و شکل نان را به رنگ آبی کشیده‌اند و مخصوصاً که بعضی از کتاب‌ها قریب بیست ورق از آخر آن کسر است و انتقادکنندگان در این باره بر این اتکا می‌کنند که چون این کتاب‌ها به کشورهای عراق و افغانستان و پاکستان می‌رود، برای کشور موهن و زنده است. علاوه بر این، شایعاتی که در این مورد بین مردم وجود دارد، مسأله مهم و بسیار قابل اهمیت این است که بنا بر سلیقه و بند و بست معلم هر کلاس، در یک مدرسه کتاب‌های متنوع تدریس می‌شود. مثلاً در کلاس‌های متوسطه هر یک از دبیرهای ریاضی بنا به میل خودشان کتاب تألیف شخص مورد نظرشان را تدریس می‌نمایند و هرگاه در وسط سال شاگردی از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر به علی منتقل شود، به واسطه تغییر و اختلاف کتاب امکان قبولی برای آن غیرمتصور است و به طور خلاصه وضع تهیه و چاپ کتاب‌های فرهنگی به صورتی درآمده که شرح و

بسط آن در این مختصر نمی‌گنجد و یکی از علل نارضایتی اولیای اطفال همین مسأله می‌باشد و اظهار عقیده می‌کنند که بایستی مانند زمان شاه فقید [رضاشاه] در تمام فرهنگ کشور یک سیستم کتاب تدریس شود تا کلیه اشکالات موجود برطرف شود.

۲. موضوع اساسی که موجب نارضایتی عمومی را فراهم نموده، تدریس حروف الفبا و ترکیب آن برای شاگردان ابتدایی است، زیرا در وضع حاضر دو نفر معلم کلاس اول ابتدایی الفبای فارسی را یک‌جور تدریس نمی‌کنند و زیاد دیده شده که شاگردها تا کلاس دوم و سوم اشکال الفبا را نشانخته و قادر به ترکیب کلمه نیستند و این موضوع که به منزله پایه و اساس تعلیم شاگردان ابتدایی است و با اهمیتی که دارد، تاکنون از طرف وزارت فرهنگ توجهی به آن نشده است.

۳. یکی از علل نارضایتی مردم این است که می‌گویند فرهنگ عملاً می‌خواهد استعدادهای افراد را با مشکلاتی که ایجاد نموده، خفه نماید. مثلاً وزارت فرهنگ امتحان مدارس را با داشتن معلمین و سازمان مرتب داخلی نموده، ولی در امتحان افراد متفرقه که با داشتن شغل روزانه، شب‌ها به زحمت در کلاس‌های شبانه ملی درس می‌خوانند و اغلب هم با استعداد و هوش سرشار هستند، امتحانات این دسته را نهایی قرار داده‌اند. در صورتی که با توجه به اشکالات موجود در تدریس کتاب‌های مختلف و وجود امتحان نهایی بسا اتفاق افتاده که شاگرد خوب موضوعی را که در امتحان نهایی منظور شده، در کتاب خودش نخوانده و در نتیجه، مردود می‌گردند.

۴. یکی از مواردی که نسبت به وزارت فرهنگ در محافل و مجالس مورد گفتگو و بحث قرار گرفته، دستور اخیر وزارت فرهنگ مبنی بر پول گرفتن از دانش‌آموزان در دبیرستان‌های دولتی است. در این باره گفته می‌شود وزارت فرهنگ عملاً در نهضت مردم در مبارزه با بی‌سوادی و پیشرفت در علم مشکلاتی ایجاد می‌کند. به این معنی که هرگاه فرض شود دبیرستان‌های وزارت فرهنگ، ملی باشد و از شاگردان پول بگیرند، لاقلاً بایستی شهریه دانش‌آموزان را ماهیانه بگیرند نه سالیانه. در صورتی که دبیرستان‌های دولتی حق ورودی و شهریه سالیانه را در موقع نام‌نویسی یک‌جا می‌گیرند و پرداخت حق ورودی و شهریه سالیانه که در حدود سه‌هزار و پانصد ریال می‌گردد، برای یک خانواده متوسط که لاقلاً دو فرزند دبیرستانی داشته باشد، کمرشکن و مشکل است و این موضوع را مخالف امر شاهنشاه مبنی بر مبارزه با بی‌سوادی تلقی و استدلال می‌کنند در کشوری که دانشگاه آن با هزینه دولت اداره می‌شود،

- چگونه دبیرستان‌هایش بایستی ملی [و] دولتی باشند و این اشکالات را از ناحیه شورای عالی فرهنگ که از عده‌ای منتفد و ثروتمند تشکیل شده، می‌دانند. گفته می‌شود این آقایان نمی‌توانند تصور گرفتاری‌های مردم طبقه سوم و چهارم اجتماع را بنمایند.
۵. مردم می‌گویند برنامه وزارت فرهنگ از شهریور ۱۳۲۰ به این طرف به تدریج تنزل کرده و چنانچه برنامه وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ را با برنامه امروز متخصصین فن تطبیق نمایند، به خوبی آشکار می‌گردد که سطح معلومات کلاس نه سال ۱۳۱۸ بیش از سطح معلومات یک نفر کلاس ششم متوسطه امروز است.
۶. مردم می‌گویند وزارت فرهنگ است که افراد دانش‌آموز را بی‌هنر و پشت‌میزنشین تربیت می‌کند. افراد دانش‌آموز و اولیای آنها چه گناهی دارند و هرگاه وزارت فرهنگ برنامه‌های هنری و حرفه‌ای ترتیب و جزو برنامه قرار دهد، دانش‌آموزان برنامه‌های حرفه‌ای فراگرفته و پس از خاتمه تحصیل هم سربار اجتماع و دولت نخواهند شد.
۷. یکی از مواردی که موجب نارضایتی طبقه ۳ و ۴ شده و مخصوصاً روحانیون از سادگی و احساسات آنها استفاده می‌کنند، عدم توجه وزارت فرهنگ به برنامه مذهبی مدارس است. مثلاً شاگردی که تصدیق کلاس ششم ابتدایی را گرفته، نمی‌تواند یک صفحه قرآن بخواند و یا عقاید مذهبی را بیان کند و روحانیون همین موضوع را دستاویز قرار داده، مردم را نسبت به برنامه مذهبی وزارت فرهنگ بدبین می‌کنند.
۸. به طور کلی می‌توان روحیه مردم را نسبت به وزارت فرهنگ به این نحو خلاصه کرد که هرگاه هر یک از افراد کشور قدرت و توانایی مالی داشته باشند که اطفال خودشان را در مدارس ملی جهت تعلیم و تربیت بگذارند، کسی مایل نیست که فرزندش را در مدارس ابتدایی یا متوسطه دولتی بگذارد. دلیل بر این مطلب ازدیاد مدارس ملی است که به وضع غیرمنتظره‌ای در حال ترقی و پیشرفت می‌باشند.
۹. تندروی‌هایی که بعضی از معلمین نسوان در بین مردم از خود نشان می‌دهند، یعنی این خانم آموزگارها تسلط بر نفس نداشته و قادر نیستند در محیط تعلیم و تربیت و محلی که در آنجا کار می‌کنند، خود را محفوظ دارند و اغلب اتفاق افتاده که بعضی از اعمال مخالف شئون معلمی از آنها سر می‌زند که موجب تنفر و انزجار مردم را فراهم می‌نماید.
- (د) نارضایتی‌های معلمین از وزارت فرهنگ:

۱. از قانون ۲۸ ساعت کار در هفته به شدت انتقاد می‌نمایند. از جمله می‌گویند معلمی که سی سال خدمت نموده، نمی‌تواند با جوان بیست ساله کار کند و هر کلاس شصت نفر شاگرد دارد، معلم بایستی املا و انشای آنها را در منزل تصحیح کند و وقت مطالعه داشته باشد. با اجرای این قانون، گذشته از این که به معلمین لطمه جانی می‌زنند، به افراد اجتماع نیز زیان می‌رساند و گفته می‌شود در این مورد بخصوص سی‌هزار معلم شاکمی و هم‌صدا می‌باشند.
۱. توضیح: عده‌ای هم در این باره به آقای معرفت مراجعه، آقای معرفت آنها را به صبر و بردباری دعوت و گفته‌اند با متانت این کار درست می‌شود، عجله نکنید. و ضمناً زمزمه اعتصاب معلمین هم در این باره شنیده می‌شود و گفته‌اند که اگر تا اواسط آبان‌ماه تجدیدنظر در این قانون نشود، معلمین اعتصاب می‌نمایند.
۲. آموزگاران و دبیران شهرستان‌ها به واسطه نداشتن وسایل تفریح و ناراحت‌بودن خانواده آنها از بی‌حجابی و همچنین نبودن دانشکده برای اطفال آنها و وجود سلسله مراتب با وزارت فرهنگ که موجب محروماندن آنها از مزایای خدمتی و گرفتن امتیازات بموقع است و به این جهت است که به وسایل گوناگون متشبه می‌گردند که از شهرستان‌ها به مرکز منتقل گردند.
۳. در سازمان اداری وزارت فرهنگ مقررات و مشکلاتی وجود دارد که یک فرد آموزشی حتی برای کارهای ضروری خود میل ندارد به وزارت فرهنگ برود و در حقیقت از خانه خودشان گریزانند.
۴. وجود دستجات و باندبازی که در وزارت فرهنگ خواه و ناخواه به وجود آمده و هر یک از صاحب‌منصبان وزارت فرهنگ درصدد جمع‌آوری عده‌ای دور خودش برآمده، موجب شده که معلمین نسبت به وزارت فرهنگ بدبین گردند.
۵. آقای وزیر فرهنگ دوشیزه پروین فاضل معروف به جوان را قبل از استخدام در لیست دانشجویانی که از معلمین به آمریکا می‌روند، گنجانده و این دوشیزه به آمریکا می‌رود. بعداً که سروصدای این کار درمی‌آید، در تابستان استخدامش می‌کنند. در صورتی که طبق آیین‌نامه استخدامی وزارت فرهنگ، استخدام از مهر لغایت اسفند هر سال است و استخدام دوشیزه مزبور برخلاف آیین‌نامه است و این دوشیزه فاقد دیپلم هم می‌باشد.

۶. بودن افسر فرمانداری نظامی را در وزارت فرهنگ موهن می‌دانند و می‌گویند اگر وزارت فرهنگ به وظایف خود عمل نماید، احتیاج به افسر فرمانداری نظامی در داخل وزارتخانه ندارد.
۷. آقای فاطمی، مدیرکل دفتر آقای مهران، در اصفهان پرونده اختلاس و محکومیت اداری دارد.
۸. آقای نیساری شخصی است بورس‌باز و کارمند نامطلوبی است و در عراق به قدری کثافت‌کاری و دزدی کرده است که بالأخره وزارت امور خارجه عذرش را خواست. خرابکاری این شخص در زمان دکتر آذر بوده و پرونده جعل هم دارد و اسم خود را در لیست اشخاصی که باید به اروپا بروند، جعل کرد و هنوز پرونده‌هایش موجود است. مع‌ذلک آقای وزیر فرهنگ پست مهمی را به چنین شخصی داده است.
۹. آقای دکتر مهران موقعی که مدیرکل اداری در اصفهان بود، از نظر دزدی و قماربازی معروف به کریم خالدار است و در حکومت مصدق سرپرست دانشجویان در پاریس بوده و به دستور دکتر آذر شخصاً اعلامیه بر ضد اعلی‌حضرت همایونی و اساس مشروطیت بین دانشجویان پخش می‌کرد و حتی پلیس پاریس این جریان را به ایران اطلاع داده است و در حکومت سپهبد زاهدی جرأت نمی‌کرد به تهران بیاید.
۱۰. آقای وزیر فرهنگ مبلغ پنج‌میلیون تومان داده جام شراب شاه خشایارشا^۱ را خریده است. در عین حال که به مقدسات ملی و مذهبی فرهنگی‌ها احترام می‌گذارند، چنانچه این مبلغ [به] مصرف توسعه مدارس می‌رسید، برای کشور مفیدتر بود.
۱۱. آقای احمد مهران که فعلاً وکیل مجلس شورای ملی است، علاوه بر حقوق مدیرکلی که از وزارت فرهنگ می‌گیرد، به عنوان سرپرستی دبیرستان انوشیروان ماهی بیست‌هزار ریال هم از آن دبیرستان حقوق می‌گیرد و دبیرستان انوشیروان با استفاده از قدرت آقای احمد مهران بهترین معلمین را از وزارت فرهنگ گرفته‌اند که در دبیرستان مجاناً تدریس نمایند. در صورتی که دبیرستان انوشیروان در حدود هفت‌میلیون ریال حق ورودی از دانش‌آموزان گرفته است و همچنین گفته می‌شود آقای احمد مهران از تربیت بدنی هم ماهی پنج‌هزار ریال و از دبیرستان نراقی هم متغیر رسم ماهیانه مبلغی می‌گیرد.

۱۲. آقای دکتر مهران در حکومت مصدق چهارمیلیون اعتبار ساختمانی گرفت و دو دستگاه ساختمان در وزارت فرهنگ (فعالاً اداره بازرسی و شورای عالی فرهنگ می‌باشد) ساختند. در این ساختمان آقای مهران مهندس جعفریان را که شخص فاسدی است، رئیس ساختمان کرده و بعداً او را برکنار نمود. در این ساختمان به همدستی مهندس مزبور اختلاس نموده و پرونده آن در وزارت فرهنگ موجود است. م.م

سند شماره ۱۶

مکاتبات مربوط به دعوت مؤسسه روابط فرهنگی رومانی از ذبیح‌الله صفا برای سفر به این کشور و مخالفت ساواک با آن

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۷/۳۶ [۱۳]، شماره: ۳۱۵۵۶/ر/۲۸۶۲

جناب آقای نخست‌وزیر

سفارت رومانی طی یادداشتی اطلاع می‌دهد که مؤسسه روابط فرهنگی رومانی با کشورهای خارجه از آقای دکتر ذ. صفا، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو، دعوت نموده است که در ماه دسامبر ۱۹۵۷ یا ژانویه ۱۹۵۸ برای بازدید رومانی به مدت ۱۵ روز به آن کشور مسافرت نمایند. خواهشمند است مقرر فرمایند از هر نظری که نسبت به دعوت مذکور اتخاذ می‌فرمایند، وزارت امور خارجه را مستحضر دارند.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: مرتضی مشفق کاظمی]

[حاشیه پایین: موافقت حاصل است. امضا: منوچهر اقبال]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۱۳۶۷/۲۱/۳۶، شماره: ۱۴۳۸۵

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۱۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۶۷/۲۱/۳۶]، شماره عمومی: ۱۴۳۸۵

وزارت امور خارجه

عطف به نامه ۳۱۵۵۶/۲۸۶۲، مورخ ۳۶/۷/۱۷ متذکر می‌گردد که با قبول دعوت و عزیمت آقای دکتر صفا در ماه دسامبر ۱۹۵۷ یا ژانویه ۱۹۵۸ موافقت حاصل است.

نخست‌وزیر [مهر امضا: منوچهر اقبال]

[حاشیه پایین:] تحریر شد. ۷/۲۰

[مهر:] صادر شود. م- معدل

سند شماره ۱۶/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری، سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

تاریخ: ۳۶/۸/۵ [۱۳]، شماره: ۵۱۵۷ ب- ۳

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً پیرو گزارش شماره ۳۱۵۵۶/۲۸۶۲، ۳۶/۷/۱۷ وزارت امور خارجه راجع به دعوت سفارت رومانی در تهران از آقای دکتر ذبیح‌الله صفا، به استحضار می‌رساند: چون طبق نظر کلی و تصمیمات متخذه در کنفرانس کراچی قرار است این قبیل مبادلات با کشورهای کمونیستی به حداقل تقلیل یابد، لذا به نظر سازمان، چنانچه به نحوی به این تقاضای سفارت رومانی جواب رد داده شود، به صلاح کشور خواهد بود.

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سرتیپ علوی کیا [امضا]

[حاشیه پایین:] رونوشت برای استحضار وزارت خارجه ارسال فرمایند. [مهر امضا: منوچهر اقبال]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۸۰۰/۴، تاریخ: ۳۶/۸/۷

[مهر:] محرمانه [مهر:] صادر شود. م- معدل

سند شماره ۱۶/۳

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۱۱، شماره: ۳۸۰۶۲/ر/۳۱۳۶

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به رونوشت نامه شماره ۲۸۰۰/۴، ۱۳۳۶/۸/۷ راجع به دعوت مؤسسه روابط فرهنگی رومانی با کشورهای خارجی از آقای دکتر ذبیح‌الله صفا، استاد دانشگاه و دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو، به استحضار خاطر محترم می‌رساند که موافقت آن جناب با قبول دعوت مزبور ضمن مرقومه شماره ۱۴۳۸۵، در تاریخ ۳۶/۷/۲۱ به وزارت امور خارجه ابلاغ شد و در نتیجه، اقدام مقتضی معمول گردید.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: مرتضی مشفق کاظمی]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۹۱۱/۴، تاریخ: ۳۶/۸/۱۳

سند شماره ۱۷

تقاضای دانشگاه تهران مبنی بر بازگشت به کار سعید نفیسی

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

تاریخ: ۳۶/۱۲/۱۹ [۱۳]، شماره: ۵۱۷۳۲/۴، فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

با ارسال رونوشت نامه شماره ۵۷۱۵، ۳۶/۱۲/۱۷ دانشکده ادبیات، استدعا دارم دستور فرمایید تبصره‌ای مبنی بر بازگشت آقای سعید نفیسی، استاد بازنشسته دانشکده ادبیات، به خدمت ضمن یکی از لوایحی که اکنون در مجلس شورای ملی تحت رسیدگی است، اضافه نمایند.

رئیس دانشگاه، دکتر فرهاد [امضا]

[حاشیه پایین، اول: جناب آقای اشرف احمدی، رسیدگی نمایند. [امضا: منوچهر اقبال]

[حاشیه پایین، دوم: نظر وزارت دارایی خواسته شود. [امضا: علی اشرف احمدی]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۱، شماره: ۳۴۹۴

[مهر: بازرسی شد.

سند شماره ۱۷/۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

تاریخ: ۱۷/۱۲/۳۶ [۱۳]، شماره: ۵۷۱۵

ریاست محترم دانشگاه

پیرو مذاکرات حضوری به استحضار می‌رساند: چون با توسعه روزافزون دانشکده ادبیات و تأسیس دوره‌های دکتری احتیاج به استادان دانشمند آزموده روز به روز بیشتر می‌شود و از روزی که دانشمند محترم آقای سعید نفیسی خود را بازنشسته کرده و به دانشکده نیامده‌اند، تعیین جانشین ایشان میسر نگردیده است. خواهشمند است اقدام فرمایند ضمن یکی از لوایحی که فعلاً در مجلس مطرح است، تبصره‌ای دایر به بازگشت ایشان به خدمت رسمی دانشگاه اضافه شود تا این دانشکده بتواند از وجود این دانشمند محترم استفاده نماید.

رئیس دانشکده ادبیات

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۷/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۲۴/۱۲/۳۶ [۱۳]، تاریخ پیش‌نویس: ۳۶/۱۲/۲۱، شماره عمومی: ۲۴۹۴۰]

وزارت دارایی

دانشکده ادبیات طی نامه شماره ۵۷۱۵، ۳۶/۱۲/۱۷ که به ضمیمه نامه شماره ۵۱۷۳۲/۴، ۳۶/۱۲/۱۶ دانشگاه تهران واصل گردیده، تقاضا نموده چون از روزی که آقای سعید نفیسی بازنشسته شده، تعیین جانشین ایشان میسر نگردیده. لذا ضمن یکی از لوایحی که فعلاً در مجلس مطرح است، تبصره‌ای دایر به بازگشت ایشان به خدمت رسمی دانشگاه اضافه شود. رونوشت نامه‌های مزبور به پیوست ارسال می‌گردد. دستور فرمایید مندرجات آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، نسبت به موضوع اظهار نظر نمایند.

نخست‌وزیر

[امضای پیش‌نویس: ناخوانا]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۱۸

تصویبنامه دولت در خصوص سفر بدیع الزمان فروزانفر و هیأت همراه برای شرکت در جشن استقلال افغانستان

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی، اداره کل بودجه

به تاریخ: ۱۳۳۷/۷/۱۹، شماره: ۲۰۰۷۷

دانشگاه تهران

عطف به نامه شماره ۲۵۲۳۶/۴، به تاریخ ۱۳۳۷/۷/۷ موضوع موافقت با طرح تصویبنامه اعزام و پرداخت فوق العاده و بهای بیت هوایمای رفتن و برگشتن هیأتی به ریاست آقای بدیع الزمان فروزانفر، استاد و رئیس دانشکده معقول و منقول، و عضویت آقای سید محمد شیخ الاسلامی، استاد، و خواجه احمد احراری، معلم دانشکده مذکور، برای شرکت در جشن استقلال کشور افغانستان و با توجه به این که اشعار داشته‌اید برطبق دستور جناب آقای نخست‌وزیر، هیأت مذکور به کشور افغانستان اعزام شده‌اند، با طرح تصویبنامه پیشنهادی (مطابق نمونه طرح تصویبنامه اصلاحی ضمیمه) موافقت حاصل است. دستور فرمایید طرح مذکور را از طریق وزارت فرهنگ به هیأت محترم دولت تقدیم [و] در صورت تصویب به مورد اجرا گذارند.

وزیر دارایی

رونوشت به ضمیمه طرح مذکور برای اطلاع به اداره کل دفتر نخست‌وزیری ارسال می‌شود.

از طرف وزیر دارایی [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول: جناب آقای اشرف احمدی. ۷/۱۶]

[حاشیه پایین، دوم: آقای تخادری.]

[حاشیه پایین، سوم: بماند تا اصل برسد. ۷/۲۳]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۳۷/۷/۲۱، شماره: ۱۵۹۰۰

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۱۹

تقاضای سعید نفیسی برای ترمیم حقوق بازنشستگی اش؛ به انضمام پاسخ وزارت فرهنگ در این باره

Professor SAID NAFICY

تهران، ۲۷ شهریورماه ۱۳۳۷

جناب آقای نخست‌وزیر

خاطر عالی از خدمات چهل و پنج ساله شهبانه‌روزی این خدمتگزار و کوشش جان‌فروشی که برای اعتلای نام ایران و ایرانی در شرق و غرب جهان کرده است، بهتر و بیشتر از هر کس آگاه است و درین مدت جز حداقلی که منظور بوده است، توقعی دیگر نداشته است. اخیراً که قانونی از مجلس گذشته است که حقوق بازنشستگان را مطابق آخرین پرداخت هر رتبه‌ای بپردازند، در اداره بازنشستگی اشکالی ناروا کرده‌اند. عین عبارت قانونی این است: «دولت مکلف است هر موقع به هر عنوان تغییری در حقوق کارمندان شاغل داده می‌شود، حقوق کارمندان بازنشسته و وراث آنها را به همان نسبت ترمیم نماید.» در اداره بازنشستگی گفته‌اند که این قانون درباره استادان دانشگاه و قضات اجرا نمی‌شود و با آن که درباره دیگران عطف به ماسبق کرده و اجازه پرداخت تفاوت را از اول فروردین‌ماه امسال یعنی از روزی که میزان کنونی عملی شده است، داده‌اند، درباره استادان دانشگاه این ترتیب را معمول نمی‌دارند. خاطر عالی کاملاً آگاه است که میزان کنونی حقوق استادان دانشگاه از اول فروردین‌ماه ۱۳۳۵ عملی شده است و حقاً می‌بایست در رعایت مدلول قانون حقوق بازنشستگان دانشگاه را نیز از همان تاریخ بپردازند و تفاوت این مدت را منظور دارند. این‌جانب توقع ناروا و افزون از آنچه قانون اجازه داده است، ندارد و از حضور عالی تمنا دارد به پاس خدمات جان‌فروشی این مدت که همواره یکی از صدیق‌ترین و پرکارترین و جانفشان‌ترین خدمتگزاران ایران بوده‌ام، شخصاً توجه خاصی درین باره مبذول بفرمایید و اگر لازم شده است، تصویب‌نامه‌ای درباره این خدمتگزار صادر شود. ازین سرپرستی و عنایت دریغ نفرمایید تا درین پیری و فرسودگی با همان شور و حدت و شوق روزهای جوانی خدمات خود را به پایان برساند. ازین توجه مخصوص کمال امتنان را خواهد داشت.

سعید نفیسی [امضا]

[حاشیه پایین، اول:] جناب آقای وزیر فرهنگ، رسیدگی و اظهار نظر بفرمایید. [امضا: منوچهر اقبال]

۳۷/۸/۱۴

[حاشیهٔ پایین، دوم:] جناب آقای زرین، معاون دارایی، به این کار رسیدگی نمایید و هر اقدامی ممکن است، برای رفع اشکال بازنشستگی بفرمایید. ۲۲ آبان

[حاشیهٔ پایین، سوم:] نمرهٔ ۵۹۹۹، ۳۷/۸/۲۵ دفتر معاونت کل دارایی

[حاشیهٔ راست:] دستور فرمایید ادارهٔ بازنشستگی و کارگزینی مستند نماید و هرچه زودتر اطلاع دهد تا به جناب آقای نخست‌وزیر داده شود. ۲۵ آبان

[حاشیهٔ بالا:] آقای صدیقی، همان‌طوری که مقام معاونت ثابت دستور فرمودند، این موضوع را در بازنشستگی تعقیب و استناد آنها را بخواهید و از کارگزینی دانشگاه هم استفسار نمایند و نتیجه را هرچه زودتر گزارش فرمایند. ۸/۲۶

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۷/۸/۱۵، شماره: ۱۶۶۵۵

سند شمارهٔ ۱۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل کارگزینی

تاریخ: ۳۷/۹/۲۵ [۱۳]، شماره: ۵۸۴۱۸/۸

مقام عالی نخست‌وزیری

با اعادة مرجوعهٔ شمارهٔ ۱۶۶۶۵۵ - ۳۷/۸/۱۵ موضوع درخواست ترمیم حقوق بازنشستگی جناب آقای سعید نفیسی، استاد بازنشستهٔ دانشگاه، به عرض می‌رساند: نمایندهٔ این وزارت مأموریت رسیدگی و تعقیب موضوع در وزارت دارایی گزارش می‌دهد که طی دستور شمارهٔ ۹۸۱۱/۲، ۳۷/۸/۲۵ آن مقام در مورد پزشکان و قضات و فرهنگیان که رتبهٔ آموزشی داشته و قبل از ترمیم حقوق، طبقات فوق‌الذکر بازنشسته شده‌اند، کمیسیونی در وزارت دارایی با حضور آقای برزگر، مدیرکل وزارت دارایی، و رئیس اداره کل بازنشستگی و نمایندگان وزارت فرهنگ و دادگستری و بهداری تشکیل شد، مقرر گردید تا تاریخ ۳۷/۱۰/۳ صورت کلیهٔ بازنشستگان ذی‌نفع و میزان تفاوت حقوق بازنشستگی هر یک با اشل سابق و جدید تهیه و اعتبار کلیه برآورد شود. مراتب متعاقباً به عرض خواهد رسید.

از طرف وزیر فرهنگ [امضا: ناخوانا]

[حاشیة پایین به خط منوچهر اقبال:] جناب آقای اشرف احمدی، این موضوع مربوط به دستوری است که به وزارت دارایی راجع به قضاوت و پزشکان بازنشسته سابق داده شد. در همان پرونده بایگانی شود.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۷/۹/۲۷، شماره: ۲۱۱۴۶

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۲۰

گزارش و پیشنهادهای بدیع‌الزمان فروزانفر در خصوص روابط ایران و افغانستان

[تاج]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

[تاریخ:] ۳۷/۸/۱۰ [۱۳]، نمره: ۵۲۱، [پیوست:] چهار برگ گزارش، محرمانه

جناب آقای دکتر اقبال، نخست‌وزیر

حسب‌الامر مطاع مبارک ملوکانه، گزارش آقای فروزانفر در چهار صفحه لغاً برای مطالعه جناب‌عالی ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا: رحیم هیراد]

در کمیسیون هیأت مطرح و قرار شد دستگاه‌های مربوط اقدام لازم به عمل آورند. [امضا: منوچهر

اقبال] ۳۷/۸/۱۷

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۴۶۵۴/۴، تاریخ: ۳۷/۸/۲۰

سند شماره ۲۰/۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

یادداشت

۱. تعیین مرکزی مرکب از اشخاص مطلع و بصیر به اوضاع و احوال گذشته و فعلی افغانستان و سوابق ایران با آن کشور.
۲. این هیأت پس از مطالعه سوابق و بررسی اوضاع اصولی برای خطامشی دولت در مورد افغانستان پیش‌بینی کرده، به عرض پیشگاه مبارک خواهد رسانید. توضیحاً به عرض می‌رساند که چنین استنباط می‌شود که دولت افغانستان خطامشی خود را از مدتی پیش معین کرده است.
۳. گزارش‌های مختلف مربوط به افغانستان را بررسی نموده، نظر خود را معروض خواهد داشت.
۴. اخبار و مقالات مربوط به افغانستان را قبل از انتشار در رادیو و جراید دقیقاً بررسی خواهد کرد.
۵. برای آن که مردم افغانستان به وضع ایران و ترقیات آن بهتر آشنا شوند و با زندگانی عقب‌افتاده خود مقایسه کنند، مقتضی است که مأمورین دولت شاهنشاهی تسهیلات ممکنه را معمول دارند.
۶. رفتار مأمورین مرزی و شهربانی بالنسبه به مسافرین افغانی دوستانه، بلکه فوق‌العاده مهرآمیز باشد.
۷. در مشهد که غالباً افغان‌ها بدانجا سفر می‌کنند، اشخاصی به‌عنوان راهنما به جهت پذیرایی و راهنمایی و تعهد و مراقبت آنان گمارده شوند تا از اجحاف کسبه و متصدیان مهمانخانه‌ها و تحریک سوءظن در مسافرین افغانی جلوگیری کنند.
۸. مأمورین دولت شاهنشاهی مسافرین محترم و متنقذ را از هر طبقه پیش از عزیمت و ورود به ایران معرفی کنند تا نسبت به آنان توجه بیشتر مبذول گردد.
۹. بسیار بجاست اگر در مشهد و تهران هتل‌های مناسبی برای مسافرین افغانی با رعایت مقتضیات مذهبی منظور گردد. اجرای این نظر (بند ۷) از طرف آستان قدس در مشهد بیشتر است.

۱۰. امور مربوط به مسافرین کاملاً به صورت عادی انجام گیرد و وضع طوری نباشد که خود را تحت مراقبت فرض کنند و یا راهنما را مرتبط به دولت تصور نمایند.
۱۱. امور مرزی به مسئولیت یک نفر حاکم مستقل که گارد مسلح گمرک و شهربانی و ژاندارمری مسئول وی باشند، انجام گیرد و به هر صورت کلیه امور مرزی مرکز ثابت داشته باشد.
۱۲. چنان که مشاهده شد، اکثر مردم افغانستان از آزادی و تحول اوضاع مذهبی ایران بی‌خبرند. رفع این اشتباه و چاره این بی‌خبری به وسایل مقتضی ضرورت دارد.
۱۳. هرگاه دولت شاهنشاهی موفق شود که پرده ضخیم بی‌اطلاعی را از پیش چشم مردم افغانستان بردارد، تشکیل جبهه مؤتلف و فدراسیون امکان بیشتر خواهد یافت.
۱۴. برای حصول چنین نتیجه شگرفی مراقبت در امر منابع (بخصوص در خراسان) و نشریات، رادیو و جراید و سعی در این که سخنان زنده درباره خلفای سه‌گانه و عایشه و حفصه گفته و نوشته نشود. (علما و رجال افغانستان از این امر بسیار گله‌مندند).
۱۵. قبل از رفع سوءتفاهم و نزدیکی دو دولت و حل اختلافات، کتمان مسأله فدراسیون به حصول نهایی آن کمک بسیار خواهد کرد.

سند شماره ۲۱

مکاتبات درباره برقراری شهریه مناسب برای همسر علی‌اکبر دهخدا

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل حسابداری

تاریخ: ۱۳۸/۱۰/۴ [۱۳]، شماره: ۴۶۹۹۲/۲-ح-س

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۱۷۴۹۸، ۳۸/۸/۲۸، به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، برای کمک به بازماندگان مرحوم دهخدا مبلغ چهارصد هزار ریال در بودجه سال ۳۸ منظور و به تصویب رسیده است، ولی وزارت دارایی پرداخت آن را موکول به صدور تصویبنامه دولت می‌داند. متمنی است تصویبنامه ارسالی ضمن نامه شماره ۳۴۱۹۱/۲، ۳۷/۸/۷ را مجدداً در هیأت محترم وزیران مطرح و تصویب آن را ابلاغ فرمایند تا در صورت تخلیه خانه مذکور مبلغ فوق به وراثت آن مرحوم پرداخت گردد.

وزیر فرهنگ [امضا: محمود مهران]

[حاشیهٔ پایین، اول:]: جناب آقای اشرف احمدی، اقدام بفرمایید. [امضا: منوچهر اقبال]

[حاشیهٔ پایین، دوم:]: در تصویبنامه‌ها، سابقه ضمیمه و جزو کارهای دولت بگذارید. [امضا: علی اشرف احمدی]

[حاشیهٔ پایین، سوم:]: سابقه.

[حاشیهٔ پایین، چهارم:]: پیوست شد.

[مهر:]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۸/۱۰/۱۱، شماره: ۲۵۷۶۲

[مهر:]: بازرسی شد.

سند شمارهٔ ۲۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، اداره کل وزارتی

تاریخ: ۳۸/۱۰/۲۷ [۱۳]، شماره: ۳۱۵۰۱/دو، ضمیمه: ۱ برگ

جناب آقای نخست‌وزیر

با تقدیم رونوشت نامهٔ شمارهٔ ۴/۴۲۷۵۶، مورخ ۳۸/۱۰/۲۲ دانشگاه تهران در خصوص برقراری شهریهٔ مناسب دربارهٔ بانو عذرا دهخدا، عیال مرحوم علی‌اکبر دهخدا، مستدعی است در صورت تصویب، مقرر فرمایند موضوع به صورت تبصره‌ای در لایحهٔ بودجهٔ کل کشور منظور گردد.

وزیر فرهنگ، دکتر مهران [امضا]

[حاشیهٔ پایین، اول:]: خیلی فوری، جناب آقای اشرف احمدی، در هیأت دولت مطرح بفرمایید. [امضا:

منوچهر اقبال]

[حاشیهٔ پایین، دوم:]: در تبصره‌های بودجه منظور شد. بایگانی. [امضا: علی اشرف احمدی]

[مهر:]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۸/۱۰/۲۸، شماره: ۲۸۱۲۲

[مهر:]: بازرسی شد.

سند شماره ۲۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

تاریخ: ۲۲/۱۰/۳۸ [۱۳]، شماره: ۴/۴۲۷۵۶

وزارت فرهنگ

چنان که اطلاع دارند، وضع زندگی بانو عذرا دهخدا، عیال مرحوم علی اکبر دهخدا، با سهمی که از حقوق وظیفه ناچیز علامه فقید دریافت می‌دارد، به سختی می‌گذرد و اقتضا دارد همان‌طور که جناب آقای نخست‌وزیر طی نامه شماره ۱۸۶۷۵، ۳۶/۹/۵ که رونوشت آن ضمیمه است، مرقوم داشته‌اند، لطفاً برقراری شهریه مناسبی را درباره این خانم ضمن لایحه‌ای به مجلس شورای ملی پیشنهاد فرمایند، البته موجب سپاسگزاری خواهد بود.

دکتر فرهاد، رئیس دانشگاه

سند شماره ۲۲**مکاتبات مربوط به تأمین اعتبار سفر لطفعلی صورتگر و پرویز ناتل خانلری به هند****جهت شرکت در مراسم بزرگداشت رابیندرانات تاگور**

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

تاریخ: ۲۶/۸/۳۹ [۱۳]، شماره: ۳/۳۳۶۳۵

جناب آقای مهندس شریف امامی، نخست‌وزیر محترم

به استحضار خاطر عالی می‌رساند: به طوری که از سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در دهلی نو اطلاع می‌دهند، دولت هند در نظر دارد در ماه مه سال ۱۹۶۱ به مناسبت صدمین سال تولد رابیندرانات تاگور، شاعر ملی و فیلسوف بزرگ هند، در سراسر مملکت جشن‌های بزرگی برپا سازد. بنا به پیشنهاد سفارت کبرای مزبور مبنی بر شرکت ایران در این جشن، موضوع در شورای دانشکده ادبیات مطرح و مقرر شده آقایان دکتر صورتگر و دکتر خانلری، استادان آن دانشکده، به نمایندگی دانشگاه تهران در جشن مزبور شرکت و به ایراد سخنرانی‌هایی مبادرت نمایند. مراتب بدین وسیله به استحضار خاطر عالی می‌رسد تا در صورت موافقت، مقرر فرمایند نسبت به تأمین اعتبار مربوط

به هزینه مسافرت و اقامت نمایندگان مزبور اقدام مقتضی معمول داشته و دانشگاه را از نتیجه آن مستحضر سازند.

از طرف رئیس دانشگاه [امضا: مسعود کیهان]

[حاشیه پایین: جناب آقای اشرف احمدی. ۸/۲۸]

[حاشیه راست: به عرض جناب آقای نخست‌وزیر برسد. ۸/۲۸]

[حاشیه بالا، اول: جناب آقای اشرف احمدی، شرح لازم به وزارت دارایی بنویسید و اگر امکان تأمین اعتبار هست، مراتب را به دانشگاه ابلاغ فرمایید. [امضا: جعفر شریف امامی] ۳۹/۸/۲۹]

[حاشیه بالا، دوم به خط علی اشرف احمدی: حسابداری، اقدام نمایید. ۳۹/۹/۱]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۳۹/۸/۲۸، شماره: ۲۳۸۵۶

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۲۲/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۳۹/۹/۶] [۱۳]، شماره عمومی: ۱۲/۲۳۸۵۶

وزارت دارایی

با ارسال رونوشت نامه شماره ۳۳۶۳۰/۳، ۳۹/۸/۲۶ دانشگاه تهران در مورد تأمین اعتبار جهت هزینه سفر و هزینه اقامت آقایان دکتر صورتگر و دکتر خانلری که جهت شرکت در جشن صدمین سال تولد رابیندرانات تاگور، شاعر ملی و فیلسوف بزرگ، به هندوستان مسافرت خواهند نمود، دستور فرمایید در صورتی که امکان تأمین اعتبار برای اجرای منظور فوق موجود می‌باشد، اقدام و نتیجه را به دانشگاه تهران اعلام فرمایید.

نخست‌وزیر

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۲۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی، اداره کل بودجه

به تاریخ: ۱۳۳۹/۹/۱۴، شماره: ۲۲۹۳۶/۲۴

نخست‌وزیر

۱۳۳۹/۹/۶، ۱۲/۲۳۸۵۶

موضوع: اعزام آقایان دکتر صورتگر و دکتر خانلری به هندوستان جهت شرکت در جشن صدمین سال تولد رایبندرانات تاگور
چون جشن مذکور در ماه مه ۱۹۶۱ مطابق با اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ برگزار خواهد شد و فرصت کافی برای اعزام نامبردگان باقی است، بنابراین در صورتی که اصولاً اعزام آنان مورد موافقت جناب آقای نخست‌وزیر قرار گیرد، بایستی اعتبار و هزینه سفر و اقامت نامبردگان در بودجه سال ۱۳۴۰ دانشگاه تهران تأمین و پس از تصویب، پرداخت گردد و وزارت دارایی محلی برای تأمین آن نخواهد داشت.

از طرف وزیر دارایی [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] جواب بدهید در اول سال جاری تقاضای خود را تجدید نمایند.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۹/۹/۱۴، شماره: ۲۵۳۴۶

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۲۲/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ:] ۱۳۳۹/۹/۱۹، شماره عمومی: ۱۲/۲۵۳۴۶

دانشگاه تهران

عطف به نامه شماره ۳۳۶۳۵/۳، ۳۹/۸/۲۶ در موضوع اعزام آقایان دکتر صورتگر و دکتر خانلری، استادان دانشکده ادبیات، به هندوستان جهت شرکت در جشن صدمین سال تولد تاگور، شاعر معروف هند. دستور فرمایید در اوایل سال آتی تقاضای مزبور را تجدید نمایند.

نخست‌وزیر

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۲۳

مکاتبات اداره کل انتشارات و رادیو در خصوص استخدام حق الزحمه‌ای سعید

نفیسی در دوره بازنشستگی وی

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و رادیو

وزارت دارایی، اداره کل بودجه

تاریخ: ۱۳۳۹/۱۰/۵، شماره: ۲۴/۲۴۵۲۰، پیوست: طرح

اداره کل انتشارات و رادیو

۱۳۳۹/۹/۲۶، به تاریخ: ۲۶۱۸۴/ک/۶۹۴۰

نظر به توضیحاتی که داده شد، وزارت دارایی با طرح تصویبنامه پیشنهادی مربوط به استفاده از وجود آقای سعید نفیسی، استاد دانشگاه، برای تسهیل در اجرای وظایف دفتر فنی و بررسی و تنظیم مطالب و مقالات مورد نیاز مطبوعات داخلی و خارجی طبق طرح تصویبنامه اصلاحی ضمیمه موافقت دارد.

از طرف وزیر دارایی

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۲۳/۱

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و رادیو

وزارت دارایی، اداره کل بودجه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ... بنا به پیشنهاد شماره ... مورخ ... اداره کل انتشارات و رادیو و موافقت شماره ... مورخ ... وزارت دارایی تصویب نمودند اداره کل انتشارات و رادیو مجاز است به منظور تسهیل در اجرای وظایف دفتر فنی و بررسی و تنظیم مطالب و مقالات مورد نیاز مطبوعات داخلی و خارجی از وجود آقای سعید نفیسی، استاد دانشگاه، استفاده نموده و حق الزحمه ایشان را با توجه به ماده ۲ قانون مربوط به استفاده از خدمت استادان و دانشیاران و دبیران در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و تبصره ۲ به شرط آن که در ماه از ده هزار ریال تجاوز ننماید، پرداخت نماید.

نخست‌وزیر

وزیر امور خارجه	نایب نخست‌وزیر
وزیر بهداشتی	وزیر بازرگانی
وزیر جنگ	وزیر پست و تلگراف و تلفن
وزیر دارایی	وزیر دادگستری
وزیر صنایع و معادن	وزیر راه
وزیر کار	وزیر فرهنگ
وزیر کشور	وزیر کشاورزی
وزیر مشاور	وزیر گمرکات و انحصارات

سند شماره ۲۳/۲

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و رادیو

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ [۱۳]، شماره: ۳۹۸/۷۵۱۹/ر

جناب آقای نخست‌وزیر

به منظور تسهیل در اجرای وظایف دفتر فنی اداره کل انتشارات و رادیو که مأمور تهیه طرح‌های انتشاراتی کشور است و اغلب مقالاتی که درباره برنامه‌های آبادانی و پیشرفت‌های مهم امور کشور مورد نیاز مطبوعات داخلی و خارجی است، توسط دفتر مذکور جمع‌آوری می‌گردد، وجود یک نویسنده محقق و بصیر کاملاً ضروری است و به همین منظور با عده‌ای از اساتید دانشگاه مذاکره شد و سرانجام آقای سعید نفیسی، استاد دانشگاه، قبولی خود را برای همکاری با دفتر فنی اعلام داشتند. اینک با تقدیم رونوشت موافقت شماره ۲۴/۲۴۰/۲۴۵۲۰، مورخ ۳۹۸/۱۰/۵ وزارت دارایی، متمنی است مقرر فرمایید طرح تصویبنامه ضمیمه که در اجرای ماده ۲ از قانون مربوط به استفاده از خدمت استادان و دانشیاران و دبیران در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تهیه شده، برای تصویب به هیأت وزیران تقدیم شود.

اداره کل انتشارات و رادیو [امضا: نصرت‌الله معینان]

[حاشیه راست]: امور تصویبنامه‌ها.

[حاشیه پایین]: جناب آقای اشرف احمدی. ۱۰/۱۲

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۲، شماره: ۲۷۶۷۴

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۲۳/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۵ [۱۳]، شماره عمومی: ۱۲/۲۷۶۷۴

اداره کل انتشارات و رادیو

عطف به نامه شماره ۲۷۳۹۸/۷۵۱۹، ۳۹/۱۰/۱۲ متضمن طرح تصویب‌نامه راجع به استفاده از وجود آقای سعید نفیسی، استاد دانشگاه، به منظور تسهیل در اجرای وظایف دفتر فنی و بررسی و تنظیم مطالب و مقالات مورد نیاز مطبوعات داخلی و خارجی و پرداخت حق الزحمه ایشان، دستور فرمایید عین نمونه طرح تصویب‌نامه وزارت دارایی را ارسال نمایند تا اقدام لازم به عمل آید.

نخست‌وزیر

سند شماره ۲۳/۴

[شیر و خورشید]

اداره کل انتشارات و رادیو

تاریخ: ۳۹/۱۰/۱۸ [۱۳]، شماره: ۲۸۴۹۶/۷۶۹۸، پیوست: ۱ برگ

نخست‌وزیری

عطف به شماره ۱۲/۲۷۶۷۴، مورخ ۳۹/۱۰/۱۵ به ضمیمه عین نمونه طرح تصویب‌نامه وزارت دارایی درباره پرداخت حق الزحمه آقای سعید نفیسی ارسال می‌گردد.

اداره کل انتشارات و رادیو [امضا: نصرت‌الله معینان]

[حاشیه پایین، اول: جناب آقای اشرف احمدی.]

[حاشیه پایین، دوم: سابقه. ۱۰/۲۰]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۳۹/۱۰/۲۰، شماره: ۲۸۳۵۰

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۲۳/۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳/۲۸۳۵۰، شماره: ۱۳/۳۹/۱۰/۲۴

اداره کل انتشارات و رادیو

پاسخ نامه شماره ۲۸۴۹۶/۷۶۹۸، ۲۸/۱۰/۳۳۹/۱ [موضوع استفاده از وجود آقای سعید نفیسی و پرداخت حق الزحمه به نامبرده به طوری که جناب آقای وزیر فرهنگ اشعار داشته‌اند، پیشنهاد آن اداره مخالف قانون است و دادن دستمزد به آقای سعید نفیسی که متقاعد شده‌اند، محتاج به استفاده از قانون خرداد ۳۷ نیست.

نخست‌وزیر

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۲۴

نامه‌های سعید نفیسی به دربار و نخست‌وزیر، علی‌امینی، در خصوص پرداخت کمک‌هزینه به وی در اروپا؛ به انضمام مکاتبات در این باره

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۱۶، شماره: ۸۳۰۷

جناب آقای دکتر امینی، نخست‌وزیر

رونوشت نامه مورخ ۹ آبان‌ماه ۱۳۴۰ آقای استاد سعید نفیسی که از شرف‌عرض مبارک ملوکانه گذشته است، جهت استحضار خاطر عالی بدین وسیله به پیوست ارسال می‌گردد. متمنی است دستور فرمایید به موضوع رسیدگی کنند و به درخواست استاد سعید نفیسی ترتیب اثر بدهند.

وزیر دربار شاهنشاهی [امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین، اول: جناب آقای ذوالفقاری، وزیر محترم مشاور. ۸/۲۲]

[حاشیه پایین، دوم: آقای خاوری، پاسخ نامه وزارت دربار شاهنشاهی را با توجه به اقدامی که در

این مورد شده است، تهیه فرمایید. ۴۰/۸/۲۲]

[حاشیه پایین، سوم: تصویب‌نامه‌ای قبلاً گذشته، آن را ضمیمه فرمایید. ۸/۲۳]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۰/۸/۲۱، شماره: ۲۵۶۲۶

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۲۴/۱

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۹، رونوشت نامه استاد سعید نفیسی

جناب آقای وزیر محترم دربار شاهنشاهی

از تلگرافی که در پاسخ تلگراف این بنده صادر فرموده بودند، کمال امتنان را دارد. همیشه به توجه خاص وجود گرامی جناب عالی بیش از همه چیز امیدوار بوده است. در ضمن خواستم خاطر مبارک را مستحضر کنم که در حین عزیمت بنده به این مأموریت چون در حرکت شتاب داشتیم، ممکن نشد ترتیب خرج سفر و اقامت این بنده را جناب آقای نخست‌وزیر یا جناب آقای وزیر فرهنگ بدهند و با تدارک مختصری که با عجله کردم، عازم شدم. درین مدت هنوز ترتیب پرداخت خرج سفر این بنده را نداده‌اند. چنان که خاطر مبارک آگاه است، نمایشگاه هفت‌هزار سال هنر ایران در پاریس تا دهم ژانویه دایر خواهد بود. آقای دکتر بهنام که از وزارت فرهنگ مأمور آوردن و مراقبت از اشیای گرانبه‌ای موزه ایران باستان شده بود، چندی پیش به تهران رهسپار شده است و چنان که در تهران گفتگو بود، این نمایشگاه از پاریس به کشورهای دیگر اروپا که تا بنده در تهران بودم، هنوز تصمیم قطعی درباره آنها نگرفته بودند، خواهد رفت و قهراً کسی باید سرپرستی و مراقبت این اشیای منحصر به فرد بکند و آنها را با کمال دقت و دلسوزی به تهران برگرداند و از قرار معلوم، این خدمت به عهده این بنده خواهد بود. این است که تمنا دارم مراتب را به شرف‌عرض پیشگاه همایون شاهنشاه برسانند و امر اکید بفرمایند دولت ترتیبی در کار این خدمتگزار بدهد و وسایل این کار را از حیث مخارج اقامت و معرفی به مقامات مربوطه فرانسو و هر دولت دیگری که این نمایشگاه را ترتیب خواهد داد، فراهم کند. مقرر فرمایید هر دستور و امری که در این زمینه به شرف این بنده صادر فرمایند، به‌عنوان ذیل به این بنده ابلاغ کنند و بار دیگر منتهای امتنان و ارادت خود را از مراحمی که سالیان دراز همواره درباره این بنده خدمتگزار مبذول فرموده‌اید، تقدیم می‌کنم.

سعید نفیسی

سند شماره ۲۴/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۱۷، شماره: ۱۳۲۲

وزارت فرهنگ

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۴۰/۸/۱۶ بنا به پیشنهاد جناب آقای وزیر فرهنگ تصویب نمودند که یک‌هزار دلار اعتبار دولت به‌عنوان فوق‌العاده مقطوع به جناب آقای استاد سعید نفیسی در مسافرت اروپا دفعتاً و زود پرداخت شود. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

از طرف نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع و اجرا ... ابلاغ می‌گردد.

از طرف نخست‌وزیر

سند شماره ۲۴/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۰/۸/۲۵ [۱۳]، شماره: ۲۵۶۲۶

وزارت دربار شاهنشاهی

عطف به مرقومه شماره ۸۳۰۷، ۴۰/۸/۱۶ راجع به تقاضای آقای استاد سعید نفیسی موضوع پرداخت هزینه سفر ایشان در اروپا به استحضار می‌رساند: هیأت وزیران در جلسه مورخ ۴۰/۸/۱۶ تصویب نمودند مبلغ یک‌هزار دلار از محل اعتبار سال جاری دولت به‌عنوان فوق‌العاده و طرح سفر به طور مقطوع به مشارک‌الیه پرداخت گردد. رونوشت تصویب‌نامه مذکور به شماره ۲۵۳۳۲، ۴۰/۸/۱۷ لفاً ایفاد می‌گردد.

نخست‌وزیر

[امضای پیش‌نویس: ناخوانا]

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۲۴/۴

پاریس، ۲۴ آبان ماه ۱۳۴۰

دوست بسیار عزیز و بسیار بزرگواریم

امروز نامه‌ای از [وزارت] فرهنگ رسید که به دستور حضرت‌عالی مبلغ هزار دلار از اعتبار دولت برای مخارج اقامت این ارادتمند تصویب فرموده‌اید. سالیان دراز است که از بزرگواری و کرامت و انواع جوانمردی‌های حضرت‌عالی اندک شک و تردیدی ندارم و سربلندم که این ارادتمند را از سرسپردگان خود می‌شمارید. امیدوارم که همواره سالیان دراز منتهای توفیق و کامیابی و تندرستی را داشته باشید و کشور ما از وجود عزیز شما همیشه برخوردار باشد.

ارادتمند [امضا: سعید نفیسی]

[حاشیه پایین، اول:]: جناب آقای دکتر رضایی، عریضه‌ای که استاد سعید نفیسی به منظور سپاسگزاری از توجهات مقام معظم نخست‌وزیری تقدیم داشته، ایفاد می‌گردد. خواهشمند است به عرض برسانید. [امضا: محمد درخشش] ۴۰/۸/۲۹

[حاشیه پایین، دوم:]: ملاحظه فرمودند. بایگانی شود.

سند شماره ۲۴/۵

پاریس، ۲۴ آبان ماه ۱۳۴۰

سرور ارجمند و دوست بسیار گرمی

در این مدت یک ماه و بیست و نه روز که به لطف حضرت‌عالی در پاریس توانسته‌ام تا اندازه‌ای رفع خستگی و معالجه‌ای بکنم، در هر قدم به یاد الطاف خاص دیرین آن سرور گرمی هستم. از توجهی که فرموده و تصویب فرموده‌اید از اعتبار دولت مبلغ یک‌هزار دلار برای فوق‌العاده سفر بنده پیردازند، کمال امتنان را دارم و آن را تنها ناشی از بزرگواری وجود عزیز شما می‌دانم. اما متأسفانه با آن که دو نامه به جناب آقای وزیر فرهنگ نوشته‌ام و تمنا کرده‌ام دستور بدهند این مبلغ را حواله تلگرافی بانک ملی ایران در پاریس به این بنده برسانند، هنوز که یک ماه از تاریخ تصویب می‌گذرد، نرسیده است. جناب آقای وزیر فرهنگ نوشته بودند کسی را بفرستم این مبلغ را از حسابداری وزارتخانه دریافت کند. چون رفتن به کمیسیون ارز و بانک ملی برای تبدیل پول به ارز و حواله کردن به پاریس وقت می‌گیرد، تمنا کردم وزارتخانه خود حواله تلگرافی به نام این بنده بگیرد و تاکنون با آن که بار دیگر در نامه‌ای این تمنا را تکرار کردم، این مبلغ نرسیده است. نتیجه این شده است

که ارداتمند در غربت گرفتار قرض کردن از این و آن شده‌ام و مقصودی که حضرت‌عالی برای رفع خستگی و مداوای جدی ارداتمند داشتید، به عمل نیامده، معکوس شد. این است که تمنا دارم به محض وصول این چند سطر امر اکید یا به وزارت فرهنگ و یا به حسابداری نخست‌وزیری صادر بفرمایید که هرچه زودتر این مبلغ هزار دلار که ارداتمند را از زیر بار قرض بیرون خواهد آورد، حواله تلگرافی به نام ارداتمند به پاریس به‌عنوان زیر برسد. همیشه برای انجام هر خدمتی به جان و دل آماده‌ام و بار دیگر از الطاف خاص آن سرور ارجمند و دوست بسیار عزیز سپاسگزارم.

[امضا: سعید نفیسی]

[حاشیهٔ پایین، اول:] با نظر آقای کروریان، جناب آقای پایدار جواب بدهید حواله شده است. [امضا:

علی اشرف احمدی] ۴۰/۹/۲۶

[حاشیهٔ پایین، دوم:] جناب آقای کروریان، مدیرکل امور مالی.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیری

تاریخ: ۴۰/۹/۲۷، شماره: ۳۶۲۳۷

[مهر:] ورود به دفتر اداره‌کل حسابداری نخست‌وزیری

شماره: ۹/۴۴۵۰، تاریخ: ۹/۲۷

سند شماره ۲۴/۶

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ:] ۴۰/۹/۱۶ [۱۳]، شمارهٔ عمومی: ۲۷۱۴۵/ح

پاریس، سفارت کبرای شاهنشاهی

۱۴۴۸ هزار دلار فوق‌العادهٔ جناب آقای سعید نفیسی توسط بانک مرکزی حواله گردید.

نخست‌وزیر [امضا: علی امینی]

[حاشیهٔ پایین:] بدهید امور مالی نخست‌وزیری

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۲۴/۷

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۴۰/۹/۲۷]، [شماره: ۳۶۲۳۷]

تلگراف، پاریس، توسط سفارت کبرای شاهنشاهی

جناب آقای سعید نفیسی

طی حواله تلگرافی شماره ۱۵۵ عهده سوسیته ژنرال پاریس حواله شده، برای دریافت مراجعه فرمایید. شماره ۳۶۲۳۷، ۴۰/۹/۲۷

نخست‌وزیر

[حاشیه پایین، اول: مدیرکل امور مالی، آمار و دارایی.]

[حاشیه پایین، دوم: درآمد. ۴۰/۹/۲۷]

سند شماره ۲۵

گزارش سرکنسولگری ایران در کوئته پاکستان از وضعیت زبان فارسی در این منطقه و فعالیت‌های فرهنگی ایران در آنجا

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۲۹، شماره: ۷۸۵۳

جناب آقای دکتر امینی، نخست‌وزیر

خلاصه‌ای از گزارش سرکنسولگری شاهنشاهی در کوئته راجع به سیاست فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران در پاکستان که از شرف‌عرض مبارک ملوکانه گذشته است، جهت استحضار خاطر عالی بدین وسیله به پیوست ارسال می‌گردد. حسب‌الامر مطاع مبارک همایونی توجه آن جناب را نسبت به گزارش و خواسته‌های سرکنسولگری شاهنشاهی در کوئته معطوف می‌دارد.

وزیر دربار شاهنشاهی [امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین: فوری است. جناب آقای ذوالفقاری، فوراً با وزارتین خارجه و فرهنگ کمیسیونی تشکیل و در مورد گزارش و نظرات سرکنسول کوئته اقدام شود. تصور می‌کنم قسمت عمده نامه ایشان توسط وزارت فرهنگ عملی گردد. [امضا: علی امینی] ۱۳۴۰/۹/۱]

[حاشیه بالا]: آقای اعتماد، رئیس دفتر کل نخست‌وزیری، دعوت بفرمایید. ۴۰/۹/۲۳

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۸۱۷۹/۴، تاریخ: ۴۰/۸/۳۰

سند شماره ۲۵/۱

[تاج]

دربار شاهنشاهی

سرکنسولی شاهنشاهی ایران، کویته و کلات (پاکستان)

محرمانه

وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی

موقعی که دو سال قبل افتخار تصدی اداره روابط فرهنگی را داشتم، با آن که در زمینه سیاست فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران در پاکستان به شهادت سوابق موجود تا حدودی که اجازه می‌داد، تلاش و مجاهده می‌شد، هرگز نمی‌توانستم تصور کنم که زمینه نشر زبان و ادبیات فارسی تا این حد که به رأی‌العین مشاهده می‌شود، فراهم شود. اکنون آرزو دارم مسئولین دستگاه‌های فرهنگی و اجرای سیاست فرهنگی دولت ایران در زمینه نشر زبان و ادبیات فارسی این حقیقت را مرکز خاطر محترم سازند که پاکستان به طور عموم و منطقه کویته و کلات علی‌الخصوص از لحاظ فرهنگی از ایران جدا نیست و اگر اوضاع و احوال سیاسی دنیا مرزی بین این دو منطقه گذاشته است، در عالم ادب و فرهنگ حتماً چنین مرزی وجود ندارد و یا اگر [به] تعبیری بتوان برای آن مرزی قائل شد، مرزی است بسیار شکننده و قابل رسوخ. بنابراین آنچه را که در موقع تصدی اداره روابط فرهنگی بدان معتقد بودم و بارها در کمیسیون‌ها و مکاتبات مربوطه ذکر و قید کرده‌ام، حالا با اطمینان خاطر بیشتر تکرار می‌نمایم و آن این است که در این زمینه به قدری اوضاع و احوال و شرایط عمومی مساعد است که اگر واقعاً سالی ده‌میلیون لیره هم خرج نشر بدر زبان فارسی در اینجا بشود، سال بعد از محل فروش کتاب و نشریات و فیلم سینما و برنامه‌های هنری دو برابر آن مبلغ قابل برداشت است. از منطقه وسیع کلات که تمام ساکنین آن بلوچ‌اند و طبعاً به زبان فارسی لهجه بلوچی تکلم می‌کنند، بگذریم، در همین منطقه کویته و حتی در حوالی پیشاور جماعت زیادی از طایفه مغولی هزاره زندگی می‌کنند که تنها در شهر کویته تعداد آنها به بیست و پنج‌هزار نفر بالغ است. هزاره‌ها به طوری که استحضار دارند، از زمان استیلای مغول در مشرق خراسان و قسمتی

از افغانستان در این حدود پراکنده بوده‌اند. در زمان سلطنت امیر عبدالرحمان خان و امان‌الله خان در افغانستان نیز که به قصد قلع و قمع به آنها فشار زیاد وارد می‌آمد، جماعت زیادی از آنها به این صفحات مهاجرت کردند و زبان فارسی را با لهجه‌ای بسیار شیرین و با لغات و کلماتی بسیار اصیل صحبت می‌کنند. از آن مهم‌تر آن که حتی مردم پنجاب نیز که با مردم این حدود هم متفاوتند و هم فاصله بسیار دارند، باز زبان فارسی را می‌شناسند. بسیاری از آنها اگر به علت طول سلطه انگلستان و اقدامات آن دولت که در برانداختن ریشه فارسی اصرار داشت، به زبان فارسی تکلم نمی‌کنند، لاقلاً چند شعری به زبان فارسی به‌عنوان مفاخره از بر دارند و یا فارسی را می‌فهمند. دسته چهارمی هم در اینجا هستند که اصلاً افغانی می‌باشند و غالباً به آنها کابلی اطلاق می‌کنند و این مردم زبان دیگری جز فارسی ندارند. جان کلام آن که اگر بگویم لاقلاً شصت درصد مردم پاکستان به زبان فارسی عشق می‌ورزند و به ایران با چشم تکریم و احترام قلبی و خاص می‌نگرند، اغراق نگفته‌ام. باز نتیجه مطالعاتی که این جانب در این مدت در اینجا به عمل آورده‌ام، این است که مردم این حدود را می‌توان به شرح زیر به سه دسته تقسیم کرد:

اول: آنها که تربیت‌شده دستگاه اداری یا نظامی انگلیسی‌ها بوده و به ارث به دولت پاکستان رسیده‌اند و اصولاً به زبان دیگر جز انگلیسی آشنایی ندارند و حتی اردو را هم بسیار کم می‌دانند و عده آنها نسبتاً قلیل است.

دوم: کسانی که مردم طبقه دوم شهرها مانند بازاری و کاسب و کارگر و غیره بوده‌اند و هنوز شکسته بسته به زبان فارسی آشنایی دارند و یا فارسی را به خوبی می‌فهمند و عده آنها کم نیست. سوم: کسانی که فارسی با لهجه بلوچی را به همان خوبی زبان اردو می‌دانند و زبان دیگر نمی‌دانند و عده آنها از هر دو دسته دیگر بیشتر است.

خطری که در بین دو دسته اخیر زبان فارسی را بیش از هر چیز تهدید می‌کند، نسل جوان آنهاست که در مدارس خود تعلیمات را به زبان‌های اردو و انگلیسی ببینند و با آن که والدینشان به زبان فارسی آشنا هستند، متأسفانه در زمینه آموختن زبان فارسی به آنها فعالیت قابل‌نشده و نمی‌شود و اگر دولت شاهنشاهی ایران هرچه زودتر در این باره اقدام عاجل و مؤثری ننماید، دیری نخواهد پایید که متأسفانه آخرین بازمانده‌های آثار تمدن و فرهنگ ایران در این دیار از میان خواهد رفت و بسیار دریغ است که دولت ایران از چنین سرمایه عظیم و میراث قابل‌که هنوز مقدار معتناهی از آن به جاست، صرف‌نظر کند.

با توجه به مراتب بالا و با توجه به این که هم‌اکنون شاید بیش از ده میلیون نفر در پاکستان به زبان فارسی آشنایی دارند و لاقلاً ده پانزده میلیون دیگر آن را می‌فهمند، آنچه به‌عنوان اقدامات فرهنگی صورت می‌گیرد، فعالیت بسیار ناچیزی است که تناسبی با زمینه موجود ندارد، زیرا اگر فی‌المثل برای هر یک نفری که به زبان فارسی آشنایی دارد، بخواهیم در یک سال تمام خوراکی تبلیغاتی فقط معادل یک شماره از مجلات هفتگی در نظر بگیریم، خرج این کار در سال از چندین میلیون تومان متجاوز خواهد شد و متأسفانه بایستی در موقع بحث از این مسائل، مشکلات مالی کشور را نیز در نظر گرفت. این است که با توجه به جمیع جهات، تقاضا دارم صرف‌نظر از طرح و تنظیم و اجرای برنامه‌های طویل‌المدت پرخرج مانند تأسیس مدارس کاملاً مجهز در تمام مراحل ابتدایی و متوسطه یا تأسیس کلوب‌ها و خانه‌های فرهنگی مجهزتر علی‌العجاله نکات زیر را مورد توجه و اقدام قرار دهند:

خانه فرهنگی کویت کتابخانه کوچکی دارد که خوشبختانه مقداری کتب خوب از قبیل انتشارات دانشگاه نیز در آن هست، ولی استفاده از چنین کتابخانه‌ای منحصر به خواصی است که معلومات پیشرفته‌ای در زبان فارسی دارند. مردم عادی بیشتر [به] مجلات و روزنامه‌های مصور و رنگین علاقه‌مندند و چون آبونمان نشریات فرهنگی به تعداد زیاد خرج برمی‌دارد و مشکلات مالی دولت اجازه این کار را نمی‌دهد و با توجه به این که این قبیل نشریات از لحاظ خبری و تاریخ برای منظوری که هست، مورد توجه نیست، پیشنهاد می‌نماید:

الف) از آقایان مدیران مجلات هفتگی تقاضا شود به نام وطن‌پرستی از مجلات فروش‌نرفته (یعنی در هر هفته نشریه هفتگی قبل) هر چند شماره که بتوانند و سخاوتمندان اجازه بدهد، برای این کار تخصیص بدهند و آنها را برای ارسال به این نمایندگی و توزیع مجانی بین مردم اینجا به وزارت امور خارجه بفرستند.

ب) از آقایان کارمندان محترم وزارت امور خارجه که همه آنها مردمی دانشمندند و یقیناً بسیاری از آنها در جوار مطالعات جدی خود نشریات هفتگی را نیز ابتیاع و مطالعه می‌فرمایند، تقاضا شود به منظور کمک و همکاری با سیاست فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران هر هفته پس از قرائت مجلاتی که ابتیاع فرموده‌اند، آنها را ولو این که اوراق شده باشد، به دفتر اداره محترم روابط فرهنگی تسلیم فرمایند تا مآلاً به اینجا فرستاده شود.

۲. در خصوص چاپ دیوان اقبال لاهوری به صورت اوراق جداگانه (فال‌نامه) که دو سال قبل درباره آن تصمیم گرفته شده بود، اقدامات تعقیب شود. این جانب به اداره محترم روابط فرهنگی اطمینان

می‌دهم که هیچ اقدام و اثری نمی‌توان[د] به اندازه این کار در جلب احترام و علاقه پاکستان به ایران و یا نشر زبان فارسی در این کشور کمک نماید. و اگر این کار خوشبختانه صورت گرفته باشد، تعدادی (لااقل پانصد نسخه) از آن بعداً به این نمایندگی ارسال فرمایند.

۳. شاهنامه فردوسی از دیوان‌هایی است که مورد عشق و علاقه مردم بلوچ است، ولی نه به صورت دیوان کاملی که هم خرج آن زیاد است و هم تمام آن نمی‌تواند مورد استفاده باشد. اگر وزارت فرهنگ بتواند بعضی داستان‌های معروف شاهنامه را مانند رستم و سهراب (که در اینجا از آن رقص فولکوریک بسیار جالبی ساخته‌اند) به صورت جزوات جداگانه با چاپ درشت و تصاویر رنگین و جالب چاپ نماید، خدمتی است به احیا یا ابقای زبان فارسی در این حدود که هیچ پاداشی برای آن زیاد نیست.

۴. ترتیبی داده شود که از فیلم‌های خوب فارسی هر سال لاقط چند حلقه با قیمت نازل به دست سینماهای پاکستان و مخصوصاً کوئته برسد. در این خصوص حتی اگر مانند جریان کار کتابفروشی ایران در کراچی عمل شود، یعنی قسمتی از مخارج آن از طرف ساواک تقبل شود، بسیار بهتر خواهد بود و این جانب یقین دارم با توجهی که قسمت فرهنگی آن دستگاه به این قبیل امور دارد، در صورت مراجعه و امکان از اقدامات مساعد دریغ نخواهند ورزید.

۵. اعزام گروه‌های هنری که معرف موسیقی و رقص‌های ایران باشد، بلاشبهه اقدامی است که تأثیر آن احتیاج به توضیح ندارد. در این مورد باید عرض کنم که آقای استاندار کوئته (که فارسی را در نهایت شیرینی و سلاست صحبت می‌کند) گله می‌کرد که چرا چندی قبل گروه اعزامی اداره هنرهای زیبا از کراچی به صفحات شمال پاکستان رفتند، ولی به کوئته که این قدر فارسی‌زبان دارد، نیامدند؟ بنابراین وظیفه خود می‌دانم که توقع مردم این حدود را در این خصوص نیز نزد وزارت متبوعه منعکس سازم تا ان شاءالله در اولین فرصت نزدیک که گروه دیگری را اعزام می‌دارند، کوئته را از نظر دور ندارند.

۶. تشویق باشگاه‌های ورزشی دستگاه‌های دولتی مانند ارتش و بانک ملی یا باشگاه‌های ملی به اعزام ورزشکاران یا دعوت از ورزشکاران برای انجام مسابقات دوستانه نیز یقیناً علاوه بر ازدیاد علایق فی‌مابین به جای خود به نشر و تعمیم فارسی کمک خواهد کرد.

۷. مطلب عمده‌ای که باقی می‌ماند، هزینه پست مفاد فقره ۱ است که این جانب یقین دارم کیسه فتوت و روح فرهنگ‌پروری دستگاه فرهنگی ساواک از قبول آن دریغ نخواهد ورزید.

با یک دنیا امید به اقدامات مساعد ادارهٔ محترم روابط فرهنگی و آرزوی آن که خواسته‌های فوق ان‌شاءالله به زودی جامهٔ عمل بپوشد، فعلاً به این گزارش خاتمه می‌دهد و از خداوند برای خدمتگزاران وطن و فرهنگ ایران توفیق خدمت می‌طلبد.

تمنای دارد از نتیجهٔ اقدامات این سرکنسولگری را مستحضر فرمایند.

کفیل سرکنسولگری، محمدرضا میر تیمور

سند شمارهٔ ۲۵/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۰/۹/۲۶ [۱۳]، شماره: ۸۱۷۹/۶، محرمانه - فوری

وزارت امور خارجه، [وزارت] فرهنگ

به منظور رسیدگی به گزارش محرمانهٔ سرکنسولگری شاهنشاهی در کویته راجع به سیاست فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران در پاکستان که رونوشت آن به ضمیمه ارسال می‌شود، ساعت هشت و نیم روز سه‌شنبه، پنجم دی‌ماه ۱۳۴۰، کمیسیونی در دفتر این‌جانب در کاخ نخست‌وزیری تشکیل خواهد شد. خواهشمند است نمایندهٔ مسئول و مطلع و بصیر آن وزارت (سازمان، اداره [و] دانشگاه) را معرفی و اعزام فرمایید تا در جلسهٔ مزبور حضور به هم رسانند.

وزیر مشاور [امضا: ناصر ذوالفقاری]

[حاشیهٔ بالا]: در ساواک و اداره کل انتشارات و رادیو در دانشگاه.

سند شمارهٔ ۲۵/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۰/۱۰/۲ [۱۳]، شماره: ۹۲۱۲/۴، پیوست: پنج برگ، محرمانه - فوری

وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ، دانشگاه تهران

سازمان امنیت و اطلاعات کشور [و] اداره کل انتشارات و رادیو

به منظور رسیدگی به گزارش محرمانهٔ سرکنسولگری شاهنشاهی در کویته راجع به سیاست فرهنگی دولت شاهنشاهی ایران در پاکستان که رونوشت آن به ضمیمه ارسال می‌شود، ساعت

هشت و نیم روز سه‌شنبه، پنجم دی‌ماه ۱۳۴۰، کمیسیونی در دفتر این‌جانب در کاخ نخست‌وزیری تشکیل خواهد شد. خواهشمند است نماینده‌ی مسئول و مطلع و بصیر آن وزارت (سازمان، اداره [و] دانشگاه) را معرفی و اعزام فرمایید تا در جلسه‌ی مزبور حضور به هم رسانند.
وزیر مشاور [امضا: ناصر ذوالفقاری]

سند شماره ۲۶

پیشنهاد سفارت ایران در تونس مبنی بر اعزام استاد زبان فارسی برای تدریس در دانشگاه این کشور

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره‌ی ششم سیاسی

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۰/۲، شماره: ۱۶۰۰۴/۶/۱۵۹۱

جناب آقای نخست‌وزیر

از سفارت کبرای شاهنشاهی در تونس گزارشی راجع به امور فرهنگی و دانشگاهی تونس رسیده و پیشنهاد اعزام یک استاد زبان فارسی را برای تدریس در دانشگاه آنجا نموده‌اند که رونوشت آن را به پیوست ارسال می‌دارد.

وزیر امور خارجه [امضا: حسین قدس نخعی]

[حاشیه‌ی پایین، اول]: نظر دانشگاه خواسته شود. [امضا: علی امینی] ۴۰/۱۰/۱۰

[حاشیه‌ی پایین، دوم]: ... رسید. ۱۰/۱۱

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۰/۱۰/۹، شماره: ۲۸۷۰۷

[مهر]: بازرسی شد.

سند شماره ۲۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۴۰/۱۰/۱۴]، شماره عمومی: ۲۸۷۰۷/الف

دانشگاه تهران

عین گزارش رسیده از سفارت کبرای شاهنشاهی در تونس^۱ در مورد اعزام استاد زبان فارسی برای تدریس در دانشگاه آنجا به پیوست ارسال می‌گردد. دستور فرمایید ضمن اعاده مرجوعه، نظریه اعلام دارند.

از طرف نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] مقابله شد. وارسته ۴۰/۱۰/۱۱ [امضا]

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۲۷

نامه نخست‌وزیری به وزارت فرهنگ در خصوص تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به توسعه فرهنگ ایران در ترکیه

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۲/۲، شماره: ۱۱۱۵۳

وزارت فرهنگ

نامه مورخ ۴۱/۱/۲۰ تیمسار سپهبد نادر باتمانقلیچ درباره ضرورت تشکیل کمیسیونی با حضور آقای بدیع‌الزمان فروزانفر به منظور اتخاذ نظرات و تصمیمات لازم برای توسعه و ترویج فرهنگ ایران در ترکیه و توجه به وضع ۴۰۰ نفر دانشجوی ایرانی که در کشور مزبور مشغول تحصیل هستند، به استحضار جناب آقای نخست‌وزیر رسید، فرمودند کمیسیونی با حضور معظم‌له (اولین جلسه) تشکیل و در این مورد رسیدگی و اقدام لازم به عمل آید. رونوشت نامه تیمسار سپهبد باتمانقلیچ^۲ برای مزید اطلاع به ضمیمه ایفاد می‌شود.

معاون نخست‌وزیر

۱. گزارش در پرونده نبود.

۲. نامه مذکور در پرونده نبود.

سند شماره ۲۸

تقاضای گذرنامه خدمت برای ایرج افشار جهت مأموریت مطالعاتی به دعوت

دانشگاه هاروارد

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۶/۴/۱۳]، شماره عمومی: ۱۶۳۴۸

وزارت امور خارجه

رونوشت نامه شماره ۱۲۰۵۵، ۴۲/۴/۱۲ دانشگاه تهران راجع به مأموریت آقای ایرج افشار، رئیس مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی دانشگاه مزبور، بنا به دعوت دانشگاه هاروارد به آمریکا و تقاضای صدور گذرنامه خدمت جهت ایشان به پیوست ارسال می‌شود. دستور فرمایید طبق مقررات اقدام نمایند.

از طرف نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

رونوشت برای اطلاع دانشگاه تهران ارسال می‌گردد.

از طرف نخست‌وزیر [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] مقابله شد. لادبن

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۲۸/۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

به تاریخ: ۱۲/۴/۱۳]، شماره: ۱۲۰۵۵

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند که در نظر است به آقای ایرج افشار، رئیس مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی دانشگاه، مأموریت داده شود بنابه دعوت دانشگاه هاروارد به آمریکا عزیمت نماید. خواهشمند است دستور فرمایند وزارت امور خارجه برای ایشان گذرنامه خدمت صادر نماید. در مدت مأموریت از دولت ایران تقاضای ارز و هزینه سفر و فوق‌العاده مأموریت ندارد.

رئیس دانشگاه، دکتر جهان‌شاه صالح [امضا]

[حاشیهٔ پایین: کارگزینی، شرح لازم به وزارت امور خارجه نوشته شود. ۴۲/۴/۱۳]

[مهر: ورود به دفتر اختصاصی نخست‌وزیر

شماره: ۴۳۰، تاریخ: ۴۲/۴/۱۳]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۲/۴/۱۳، شماره: ۱۶۳۴۸ کارگزینی

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۲۹

تقاضای گذرنامهٔ خدمت برای عبدالحسین زرین کوب جهت سفر مطالعاتی به اروپا

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۴۲/۵/۳ [۱۳]، شمارهٔ عمومی: ۱۷۴۷۴]

وزارت امور خارجه

رونوشت نامهٔ ۱۴۴۴۸، ۴۲/۵/۱ دانشگاه تهران راجع به مأموریت آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب، استاد دانشکدهٔ علوم معقول و منقول، به منظور مطالعه به اروپا و تقاضای صدور گذرنامهٔ خدمت جهت ایشان به پیوست ارسال می‌شود. دستور فرمایید طبق مقررات اقدام نمایند.

نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع دانشگاه تهران ارسال می‌شود.

نخست‌وزیر

[حاشیهٔ پایین، اول: مقابله شد. لادین [امضا] ۴۲/۵/۳]

[حاشیهٔ پایین، دوم: امضای جناب آقای تفضلی.]

سند شماره ۲۹/۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

به تاریخ: ۱۳۴۲/۵/۱ [۱۳]، شماره: ۱۴۴۴۸

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند: در نظر است به آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، استاد دانشکده علوم معقول و منقول، مأموریت داده شود به منظور مطالعه در تعطیلات تابستان به اروپا عزیمت نماید. خواهشمند است دستور فرمایند وزارت امور خارجه برای ایشان گذرنامه خدمت صادر نماید. در مدت مأموریت از دولت ایران تقاضای ارز و هزینه سفر و فوق‌العاده مأموریت ندارد. رئیس دانشگاه، دکتر [جهانشاه] صالح [امضا]

[حاشیه پایین: کارگزینی.]

[مهر: ورود به دفتر اختصاصی نخست‌وزیر]

شماره: ۵۴۸، تاریخ: ۴۲/۵/۲

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۴۲/۵/۲، شماره: ۱۷۴۷۴ کارگزینی

سند شماره ۳۰**پیام تبریک پرویز ناتل خانلری به امیراسدالله علم به مناسبت انتصاب وی به ریاست****دانشگاه پهلوی شیراز**

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ، دفتر وزیر

[تاریخ: ۱۳۴۲/۱۱/۲] [۱۳]، [شماره: ۱۶۲۴۷/دو]

جناب آقای نخست‌وزیر

اکنون که بنا به اراده سنیة اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه، ریاست دانشگاه پهلوی شیراز نیز به عهده جناب‌عالی محول گردیده است، این جانب لازم می‌داند از طرف خود و همگی فرهنگیان و دانشگاهیان کشور به جناب‌عالی صمیمانه تبریک و تهنیت بگوید. صدور فرمان مبارک ملوکانه مبنی بر تفویض این مقام شامخ به رئیس هیأت وزرا نشانه باری از توجه و بذل مرحمت شاهنشاه

نسبت به فرهنگ و دانشگاه و موجب نهایت سرافرازی و مباحثات است. امیدوارم در پرتو راهنمایی‌ها و دستورات خردمندانه شاهنشاه در سمت جدید نیز توفیق انجام خدمات شایسته نصیب جناب‌عالی گردد.

با تقدیم احترام، وزیر فرهنگ

دکتر خانلری [امضا]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۲/۱۱/۲، شماره: ۴۷۴۶۴

[مهر: بازرسی شد.

سند شماره ۳۰/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

یادداشت [به خط امیراسدالله علم]

[تاریخ: ۴۲/۱۱/۲، شماره: ۴۷۴۶۴]

جناب آقای دکتر خانلری، وزیر محترم فرهنگ

از وصول مرقومه شریف نهایت سپاسگزاری دارم. خدمت فرهنگی بسیار پرارزشی که از طرف شاهنشاه بزرگ و مفخم به من واگذار گردیده، مایه کمال افتخار است و امیدوارم نظر بلند اعلی حضرت همایونی را در هدایت و تربیت نسل جوان و پرارزش کشور به نحو اخص به مرحله اجرا درآورم.

[حاشیه راست: هر دو نامه به جراید داده شود.

سند شماره ۳۱

پاسخ حسنعلی منصور، نخست‌وزیر، به پیام تبریک نوروزی بدیح الزمان فروزانفر و
استادان دانشکده علوم معقول و منقول

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

یادداشت

جناب آقای فروزانفر، رئیس محترم دانشکده علوم معقول و منقول تبریک محبت‌آمیز جناب‌عالی و آقایان استادان و کارکنان دانشکده علوم معقول و منقول واصل و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید. متقابلاً این عید سعید ملی و باستانی را تبریک گفته، سلامت و سعادت و موفقیت عموم آقایان را در خدمت به آیین مقدس اسلام و فرهنگ ملی ایران مسألت دارم. مؤسسات فرهنگی و مذهبی همواره از مساعدت دولت برخوردار خواهند بود.

نخست‌وزیر، حسنعلی منصور

سند شماره ۳۲

نامه ابراهیم گرانفر به نخست‌وزیر، حسنعلی منصور، درباره تصحیح یا تغییر الفبا

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۴۳/۲/۲۷]، شماره عمومی: ۲۲۷۳۸

وزارت کار و خدمات اجتماعی

(اداره کل مطالعات نیروی انسانی و آمار)

آقای دکتر ابراهیم گرانفر شرحی به حضور جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم و استدعا دارد به منظور اجرای یک طرح تحقیقی جامع و علمی در زمینه وضع الفبای کنونی و نظریات مربوط به تصحیح و یا تغییر آن اقدام لازم به عمل آید. با ارسال عین نظریه کانون الفبا در مورد خط نو، خواهشمند است دستور فرمایید موضوع را مورد بررسی قرار دهند.

معاون نخست‌وزیر، مهندس همایونفر

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۳۲/۱

[تاریخ: ۴۳/۲/۱۶] [۱۳]

جناب آقای نخست‌وزیر

با کمال احترام؛ پیرو تقدیم یک جلد کتاب «لزوم تغییر خط»، اینک به پیوست یک جلد نشریه کانون الفبا را به حضور مبارک تقدیم و پیشنهاد می‌نماید:

اداره کل مطالعات نیروی انسانی و آمار وزارت کار (به مدیریت آقای دکتر عباس جمعی) که مسئول تحقیق و ارزیابی ارزش‌های نیروی انسانی و سنجش میزان مهارت‌ها در همه رشته‌ها و تأثیر طرق مختلف آموزش‌ها در افزایش ارزش انسانی به طریق علمی و آماری است و هم‌اکنون طرح‌های متعدد تحقیقاتی تحت بررسی دارد، از طرف آن جناب مأموریت یابد تا به منظور اجرای یک طرح تحقیقی جامع و صرفاً علمی (خالی از هرگونه تمایل همراه با تجربیات عملی و متکی بر آمار) در زمینه وضع و تأثیر همه‌جانبه الفبای کنونی و نظریات مربوط به «تصحیح» یا «تغییر» و آثار هر یک از آن دو در شئون مختلف کشور با توجه به تغییرات و تحرک کلیه عوامل و شرایط وابسته به موضوع اقدام نموده، گزارشی مشروح و مستند تقدیم دارد.

چون این مسأله (بخصوص در مرحله تحقیق و ارزیابی) علاوه بر ملاحظات اجتماعی، واجد جنبه‌های بسیار مؤثر اقتصادی است، ارجاع آن به سازمانی نظیر اداره کل مطالعات نیروی انسانی کاملاً متناسب و مقتضی خواهد بود. با استفاده از فرصت، از خداوند خواستار است که جناب‌عالی را در انجام خدمات ملی موفق و منصور بدارد.

با تقدیم احترامات فائقه، دکتر ابراهیم گرانفر [امضا]

خیابان بزرگمهر، شماره ۱۷۸

[حاشیه پایین، اول]: نامه ثبت شود. ۲/۱۶

[حاشیه پایین، دوم]: جناب آقای قدس. ۲/۲۱

[حاشیه راست]: شرحی به وزارت کار و خدمات اجتماعی (اداره کل مطالعات نیروی انسانی) نوشته

شود تا نظر آقای دکتر گرانفر را مطالعه فرمایند. ۴۳/۲/۲۵

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۲/۱۶، شماره: ۲۲۷۳۸

سند شماره ۳۳

نامه بدیع الزمان فروزانفر به نخست‌وزیر، حسنعلی منصور، در خصوص وضعیت

معیشتی خانواده محمدابراهیم آیتی بیرجندی، استاد دانشگاه تهران

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

به تاریخ: ۱۳۴۳/۸/۶ [۱۳]، شماره: ۱۴۲۳

جناب آقای منصور، نخست‌وزیر معظم

با نهایت توقیر و احترام، معروض خاطر عالی می‌دارد: در تاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۴۳ دکتر محمدابراهیم آیتی بیرجندی، مدرس دانشمند و بزرگوار این دانشکده، در اثر حادثه اتومبیل به سن ۵۱ سالگی بدرود حیات گفت. درگذشت آن مرحوم نه تنها برای دانشکده الهیات و دانشگاه تهران، بلکه برای فرهنگ کشور ضایعه بزرگی بشمارست، زیرا مرحوم دکتر آیتی علاوه بر زهد و تقوا، مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود و آثار علمی و تحقیقاتی وی مورد توجه طبقه فاضله کشور است. گذشته از آثار گران‌بهایی که تألیف و تصنیف و ترجمه کرده و قسمتی از آن به چاپ رسیده است و برخی افتخار جایزه سلطنتی یافته است. آن مرحوم با سخنرانی‌های سودمند رادیویی خود در ارشاد و هدایت مردم و تشویق و ترغیب جوانان به شاه‌دوستی و میهن‌پرستی سهم بزرگی داشته است.

متأسفانه مرحوم دکتر آیتی که عمری را با پرهیزکاری و کسب دانش و نشر معارف اسلامی گذرانیده است، نه تنها اندوخته‌ای نداشته، بلکه با مبلغی در حدود پانزده هزار تومان قرض از جهان رفته است و امر بازماندگان وی بکلی مختل شده است. چون سوابق و مدت خدمت دانشگاهی وی به آن میزان نیست که بازماندگانش بتوانند با حقوق وظیفه او امرار معاش نمایند و نظر به این که برقراری مستمری به میزان حقوق قاعدتاً در لایحه بودجه گنجانیده می‌شود و تنظیم و تصویب لایحه جدید نیز به سال آینده موکول می‌شود. برای آن که در امر معاش فرزندان آن مرحوم که یکی، دانشجوی دانشکده فنی و دیگری، در دبیرستان تحصیل می‌کند و سومی، بیش از ۳ سال ندارد، اختلالی حاصل نشود، از آن مقام محترم که از خانواده‌ای فضل‌دوست و دانش‌پرورند و خود از حامیان فضلا و دانشمندانند، استدعا دارد مقرر فرمایند به پاس خدمات علمی و فرهنگی آن مرحوم جهت برقراری مستمری معادل آخرین حقوق دانشگاهی وی در طی لایحه مناسبی طرحی در هیأت دولت تهیه شود و به مجلسین برای تصویب تقدیم گردد تا خانواده آن مرحوم ازین پریشانی بیرون

آیند و شکرگزار دولت آن جناب باشد. صورت افراد خانواده آن مرحوم در ضمیمه تقدیم می‌شود. قبلاً از این اظهار عنایتی که در حق خانواده یک مرد جلیل‌القدر عالم می‌فرمایند، اظهار تشکر و امتنان می‌نماید.

با تجدید احترام، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی

[بدیع‌الزمان] فروزانفر [امضا]

[حاشیه بالا، به خط حسنعلی منصور:] جناب آقای دکتر هدایتی، مذاکره فرماید. ۸/۲۴

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۸/۲۴، شماره: ۴۱۸۲۰

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۳۳/۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

صورت افراد خانواده مرحوم دکتر محمدابراهیم آیتی متولد ۱۲۹۹ شمسی

سکینه ربانی، مادر آن مرحوم

عفت‌الشریعه آیتی، متولد ۱۲۹۹، دارای شناسنامه شماره ۷۲۷۴، بیرجند، همسر

اسماعیل آیتی، متولد ۱۳۲۵، دارای شناسنامه شماره ۴۰، بیرجند، پسر

محمدسعید آیتی، متولد ۱۳۲۸، دارای شناسنامه شماره ۳۱۴، بیرجند، پسر

صدیقه آیتی، متولد ۱۳۴۰، دارای شناسنامه شماره ۳۴۰، تهران، دختر

سند شماره ۳۴

سخنان پیش از دستور شوکت‌الملک جهانبانی، نماینده مجلس، درباره اختلاف

رسم‌الخط در کتاب‌های درسی؛ به انضمام پاسخ وزارت فرهنگ

[شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی، قانونگذاری

مورخه: ۴۳/۹/۵ [۱۳]، شماره: ۳۲ق/د/۱/۲۰۷۰، پیوست: ۴ برگ

جناب آقای دکتر یگانه، وزیر مشاور

در جلسه روز یکشنبه، اول آذر ۱۳۴۳، طی نطق‌های قبل از دستور مطالبی اظهار گردید که قسمت‌های مربوطه جهت استحضار و توجه به پیوست ارسال می‌شود. خواهشمند است از نتیجه اقدامات قسمت قوانین مجلس شورای ملی را مطلع فرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی، مهندس عبدالله ریاضی

[حاشیه پایین:] رونوشت برای بررسی و اعلام نتیجه به مراجع مربوطه ارسال فرمایید. [امضا: ناصر

یگانه] ۴۳/۹/۸

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۹/۵، شماره: ۴۲۳۶۸

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۳۴/۱

[شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ: ۴۳/۹/۵ [۱۳]، شماره: ۲/۳۲/ق/د، پیوست: ۲ برگ

بیانات بانو جهانبانی درباره اختلاف شیوه خط کتاب‌های درسی

حالا ببینیم که وزارت فرهنگ در مورد شیوه خط فارسی با شتابزدگی چگونه عمل کرده است. در دولت سابق چند روزی سمیناری از عده‌ای از معلمان ادبیات تهران تشکیل شد که جمع کثیری از آنان نیز در جلسات شرکت نمی‌کردند و مسائل مختلف مربوط به درس فارسی را مطرح و مباحثاتی درباره آن انجام گرفت و درباره هیچ‌یک از آن مطالب اخذ رأی به عمل نیامد. پس از انقضای دوره کوتاه سمینار، وزیر فرهنگ وقت پیشنهاد یکی از دبیران ادبیات را در مورد شیوه خط فارسی که مورد تأیید خودشان بوده است، به شورای عالی فرهنگ بردند و پرواضح است که چون ریاست شورای عالی فرهنگ با خودشان بوده، آن را به تصویب رساندند و به سازمان انتشار کتب درسی ابلاغ کردند. سازمان هم بنا به وظیفه‌ای که داشته است، کتاب‌های درسی را طبق همان شیوه به چاپ رسانده. اکنون دو نوع شیوه در نوشتن کتاب‌ها به کار رفته. یکی، شیوه گذشته که در کتاب‌های چهار کلاس اول دبستان مراعات شده و یکی، شیوه مصوب جدید که در کتاب‌های دبیرستانی و کلاس‌های پنجم و ششم دبستان به کار رفته است و این امر موجب آشفتگی و اختلاف نظرهای فراوان شده. معلمان و دانش‌آموزان را به سرگردانی دچار ساخته است. (صحیح است) مثلاً در شیوه

جدید کلماتی از قبیل شیرینفروش (سرهم)، دانشآموز (سرهم)، الکلسنج (سرهم)، گازیشکل (سرهم)، هشتبهشت (سرهم)، سخسنج (سرهم)، پیراهنچاک (سرهم) با حذف الف مصلا یا الف: رئیس به جای همزه رئیس دو «ی» به کار رفته. بعد از این، آقایان نمایندگان مراعات این قسمت را بنمایند. کلمات مرکب اسم و فعل، اسم و صفت، اسم و پیشاوند، اسم و پساوند، اسم و عدد سرهم نوشته شده مانند خوشهیکل (سرهم)، هفتدست (سرهم)، لعلفام (سرهم). بعلاوه کلماتی را که با الف مقصوره نوشته می‌شد، به شکل الف کشیده نوشته می‌شود مثل هوا، اعلا، تقوا، مبتلا [و] مصلا که همه با الف نوشته شده و معلوم نیست هوی و هوس با هوای به معنای آسمان چرا یک‌جور شدند اما اسامی خاص را مانند گذشته با همان الف مقصوره می‌نویسند مانند یحیی، عیسی. همچنین حروف اضافه «با» را در اول اسامی جدای از آنها نوشته‌اند مثل به دریا به خود. خلاصه عرض کنم اگر نمایندگان محترم یک دیکته بنویسند، متأسفانه طبق این شیوه خط فارسی همه نمره صفر خواهند گرفت. به عقیده این‌جانب، اولاً، این کار با شتابزدگی انجام گرفته و نظر اکثریت صاحب‌نظران مراعات نشده است. ثانیاً، مرجع صلاحیت‌داری در این باره اظهار نظر ننموده و تنها صلاح‌دید وزیر وقت که بدون شک یکی از افراد صاحب‌نظر هستند و به مقام علمی ایشان احترام قائلم (ولی به هر حال یک نفر می‌باشند) باعث تصویب گردیده است. ثالثاً، به عوض آن که این شیوه تازه از ابتدا شروع شده، ناگهان برای کسانی که چند سال با شیوه گذشته عادت دارند، مقرر گردیده است. رابعاً، مراعات تجانس در کتاب عربی با سایر کتاب‌ها نشده است. مثلاً شاگرد در کلاس عربی کلمات را باید با الف مقصوره یاد بگیرد و در درس فارسی و سایر کتاب‌های درسی با الف کشیده. همچنین کلماتی را که یکی از اجزای آن همزه است، در درس عربی طور دیگر می‌آموزد و در سایر کتاب‌ها به شکل دیگر می‌بیند. خامساً، معلوم نیست به شاگردان چهار کلاس اول باید با چه شیوه‌ای کلمات را یاد داد، چون در این کتاب‌ها تغییری داده نشده.

با ملاحظه کلیه مطالبی که به عرض مجلس شورای ملی رسید، می‌خواهم از جناب آقای دکتر سام، معاون کل وزارت فرهنگ، که حقیقتاً حُسن‌نیت دارند و مورد تأیید همه نمایندگان هستند و فعلاً در مجلس تشریف ندارند، سؤال کنم واقعاً تکلیف معلمان و شاگردان چیست؟ آیا شیوه خط فعلی قطعی است؟ اگر چنین است، در جواب این همه سؤال مسئولان مدارس، بخشنامه‌ای صادر کنید و بگویید خوب یا بد، این رأی شورای عالی فرهنگ قطعی است و اگر خود شما هم با ما هم‌عقیده هستید و به طوری که اطلاع دارم، در مقابل کار انجام‌شده‌ای قرار گرفته‌اید، تکلیف قطعی اولیای مدارس را تعیین فرمایید.

جناب آقای دکتر سام! شاگردان سال ششم دبیرستان باید به زودی تکلیف قطعی داشته باشند. امتحانات آنها نهایی است، شاگرد سال ششم متوسطه نمی‌تواند سرگردان و بلا تکلیف بماند. معلم و شاگرد و اولیای شاگردان همه انتظار تصمیم شما را دارند. تکلیف شاگردان در کنکور دانشگاه چه خواهد بود و آیا دانشگاه این شیوه جدید خط را که در کتاب‌های درسی به کار برده‌اند، قبول دارد یا خیر؟ به پیروی از منویات رهبر خردمند ایران نسبت به اصلاح کامل فرهنگ به مصداق کلام الملوک، ملوک الکلام که همیشه بهبود فرهنگ را توصیه می‌فرمایند، از جانب کلیه اولیای مدارس ایران، جناب آقای دکتر سام از شما می‌خواهم به این مطلب هرچه زودتر ترتیب اثر بدهید، زیرا هر روز شاهد و ناظر مشکلات اولیای مدارس هستیم. شما با تعیین تکلیف دانش‌آموزان در خصوص شیوه خط فارسی بزرگترین خدمت را به مدارس و در مورد زبان فارسی خواهید نمود. به امید اقدام شما، ولی اقدام فوری و مؤثری که شیوه مرضیه شماس است.

سند شماره ۳۴/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۲/۹/۱۵، شماره: ۴۲۷۳۲

وزارت فرهنگ

در جلسه روز یکشنبه، اول آذرماه ۱۳۳۳، مجلس شورای ملی بانو جهانبانی درباره اختلاف شیوه خط کتاب‌های درسی اظهاراتی فرموده‌اند که فتوکی آن به پیوست جهت استحضار ارسال می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایند مفاد آن را مورد بررسی قرار داده و نتیجه را اعلام فرمایند.

وزیر مشاور، دکتر یگانه

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۳۴/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۹/۱۵ [۱۳]، شماره: ۴۲۳۶۸

ریاست محترم مجلس شورای ملی

عطف به مرقومه شماره ۳۲ق/۲/۷/۱/د، ۴۳/۹/۵ به استحضار می‌رساند که نطق‌های قبل از دستور آقایان و بانوان نماینده محترم مجلس شورای ملی در جلسه یکشنبه اول آذرماه ۱۳۴۳ برای رسیدگی به مراجع ذی‌ربط ارسال گردید.

وزیر مشاور، دکتر یگانه

سند شماره ۳۴/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۱۰/۴، شماره: ۴۲۹۶/۴، پیوست: دارد.

جناب آقای دکتر هادی هدایتی، وزیر محترم آموزش و پرورش

به پیوست رونوشت نامه شماره ۱۱۰۳۱۱، مورخ ۴۳/۱۰/۳ جناب آقای دکتر طوسی، کفیل اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، راجع به یکنواخت‌ساختن رسم‌الخط فارسی ارسال و به استحضار می‌رساند: پیرو مذاکرات جلسه هیأت دولت، خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه مطالعات و بررسی‌های معموله را اعلام فرمایند.

وزیر مشاور، دکتر یگانه

[مهر: محرمانه]

سند شماره ۳۴/۵

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

تاریخ: ۴۳/۱۰/۳ [۱۳]، شماره: ۱۰۳۹۹

جناب آقای دکتر یگانه، وزیر مشاور

در پاسخ نامه شماره ۴۲۷۳۲، مورخ ۱۳۴۳/۹/۱۵ به استحضار می‌رساند: سال‌هاست که یکنواخت‌ساختن رسم‌الخط فارسی مورد نظر فرهنگ‌دوستان و ارباب نظر است و تاکنون در این زمینه رساله‌ها پرداخته و آرای مختلف اظهار داشته‌اند و برخی از استادان مانند مرحوم احمد بهمنیار، علامه قزوینی، کاظم‌زاده ایرانشهر، مجتبی مینوی [و] سعید نفیسی در این زمینه مقالات و رسالات مخصوص منتشر ساخته‌اند. اختلاف نظر در رسم‌الخط فارسی و طرز نوشتن و قطع و وصل کلمات بخصوص در دستگاه‌های تعلیماتی اشکالات متعدد به وجود می‌آورد و هر مؤلف در کتاب خود نظر و سلیقه خاصی را اعمال می‌کرد و معلمان نیز هریک در این باره سلیقه خاصی داشتند. در نتیجه، دانش‌آموز یک کلمه را از معلمان مختلف به طرق مختلف می‌آموخت و حتی در یک سال تحصیلی در کتاب‌های درسی خود یک کلمه را به صورت‌های گوناگون می‌دید و چون در امتحانات نهایی همه باید یکنواخت امتحان بدهند، ناگزیر هنگام تصحیح املا، اختلاف نظرهای فاحش بین مصححان پدید می‌آمد.

با توجه به این مشکلات در اسفندماه سال ۱۳۴۱ پرسشنامه‌ای از طرف وزارت فرهنگ برای معلمان زبان و ادبیات فارسی فرستاده شد که در ضمن آن راجع به یکنواخت‌ساختن خط فارسی نیز پرسش‌هایی شده بود و به موجب پاسخ‌هایی که از طرف معلمان رسید و هم‌اکنون موجود است، همه در این امر متفق بودند که باید خط فارسی شیوه واحدی داشته باشد تا از اعمال سلیقه‌های مختلف جلوگیری شود و کار معلم و دانش‌آموز آسان گردد. متعاقب آن، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۲ وزارت فرهنگ سمیناری برای بحث و تبادل نظر درباره تدریس زبان فارسی تشکیل داد که در آن جمعی از دبیران و چند تن از استادان (از جمله آقایان بدیع‌الزمان فروزانفر و مجتبی مینوی و جلال‌الدین همایی) و دانشیاران و متخصصان شرکت می‌جستند و جلسات آن از هفتم اردیبهشت‌ماه تا یک ماه ادامه داشت. در این سمینار گروهی نیز مأمور مطالعه در رسم‌الخط فارسی و یکسان کردن شیوه آن بودند. این گروه پس از شور و تبادل نظر، جزوه‌ای را که یکی از دبیران پس از سال‌ها مطالعه فراهم آورده بود، زمینه بحث و تحقیق قرار داد. پس از خاتمه سمینار، وزارت فرهنگ جزوه مذکور را به شورای عالی فرهنگ فرستاد و شورای عالی نیز آن را در جلسه ۱۰۶۴، مورخ ۲۹ بهمن‌ماه ۴۲ به اتفاق آراء تصویب کرد و مقرر داشت که شیوه پیشنهادی در مدارس و در خط کتاب‌های درسی به کار برده شود. آنچه درباره رسم‌الخط به تصویب شورای مزبور رسیده، به صورت رساله‌ای مستقل چاپ شده است که نسخه‌ای از آن به ضمیمه ارسال می‌شود.

سازمان انتشار کتب درسی بنا به وظیفه‌ای که داشت، کتاب‌های درسی دبیرستان را برطبق همین شیوه جزوه به چاپ رساند. اما چنان‌که نماینده محترم، بانو جهانبانی، اشاره کرده‌اند، این شیوه در کتب چهار کلاس اول ابتدایی در سال گذشته به کار نرفته بود و از این حیث نوعی عدم هماهنگی و اختلاف بین کتب درسی مشاهده می‌شد و از هم‌اکنون برای رفع آن اقدام شده است.

اما راجع به متصل‌نوشتن برخی از کلمات که نماینده محترم اشاره فرموده‌اند، چنان‌که در جزوه ضمیمه (ص ۸) ملاحظه خواهند فرمود، چنین آمده است: «کلمات مرکبی (از دو یا چند کلمه یا کلمه و پسوند) را که آخرین حرف جزء اول آنها در خط چسبیده نمی‌شود یا در صورت پیوستن آنها به یکدیگر شکلشان دراز یا پردندانه می‌گردد، ناگزیر برای پرهیز از اشتباه باید جدا از یکدیگر اما نزدیک به هم نوشت: شکست‌ناپذیر، عقب‌نشینی، بی‌تریب‌تر» و چنانچه این اصل در کتاب‌های درسی به نحو کامل مراعات نشده باشد، از این پس رعایت خواهد شد.

کفیل اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، دکتر طوسی [امضا]

[حاشیه پایین:] جزوه پیوست است. ۱۰/۵

[حاشیه بالا:] آقای فرشید، نامه محرمانه به جناب آقای وزیر آموزش و پرورش مرقوم و با ارسال رونوشت این گزارش، قید فرمایید که پیرو مذاکرات جلسه هیأت دولت، نتیجه مطالعات و بررسی‌های معموله را اعلام فرمایید. [امضا: ناصر یگانه]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۳/۱۰/۵، شماره: ۳۴۷۰۸

سند شماره ۳۵

مکاتبات مربوط به سفر بدیع الزمان فروزانفر به کویت

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره اول سیاسی

تاریخ: ۱۳۴۴/۳/۱۳، شماره: ۵۵۵۳/۹۹۰/۱، پیوست: دارد، خیلی فوری است.

جناب آقای نخست‌وزیر

سفارت کبرای دولت کویت در تهران طی یادداشتی به وزارت امور خارجه اطلاع داده است که آقای بدیع الزمان فروزانفر، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی، از طرف مقامات فرهنگی دولت کویت دعوت شده‌اند که جهت بازدید از مؤسسات فرهنگی و هنری در خردادماه جاری آن کشور

مسافرت نمایند. متمنی است در صورتی که با مسافرت مشاراًلیه به کویت موافقت دارند، امر و مقرر فرمایند از نتیجه تصمیمات متخذه وزارت امور خارجه را مستحضر سازند تا مراتب به آقای فروزانفر ابلاغ گردد. رونوشت یادداشت سفارت کبرای دولت کویت در تهران جهت مزید استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: ناخوانا]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۴۴/۳/۱۳، شماره: ۲۸۸۸

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۳۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

[رونوشت] شماره ۳۲۷-۶۵/۱۰/۱، مورخ ۳ خرداد ۱۳۴۴ = ۱۹۶۵/۵/۲۴

سفارت کبرای دولت کویت با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران، احتراماً به استحضار آن وزارتخانه محترم می‌رساند که جناب آقای استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، رئیس محترم دانشکده الهیات و معارف اسلامی، از طرف مقامات فرهنگی دولت کویت دعوت شده‌اند که جهت بازدید از مؤسسات فرهنگی و هنری کویت در خردادماه جاری به کویت مسافرت نمایند. این سفارت کبرا ضمن اعلام مراتب فوق، خواهشمند است اقدامات لازمه را جهت انجام این مسافرت که در تشدید روابط فرهنگی میان دو کشور دوست تأثیر بسزایی خواهد داشت، هرچه زودتر اتخاذ فرمایند.

سند شماره ۳۵/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۴/۲/۲۵ [۱۳]، شماره: ۲۸۸۸، خیلی فوری

وزارت امور خارجه

عطف به نامه شماره ۵۵۵۳/۹۹۰/۱، مورخ ۴۴/۳/۱۳ در خصوص مسافرت آقای بدیع‌الزمان فروزانفر، رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی، به کویت جهت بازدید از مؤسسات فرهنگی و هنری آن

کشور، اشعار می‌دارد؛ مراتب به عرض جناب آقای نخست‌وزیر رسید، با مسافرت مشارالیه موافقت فرمودند.

معاون نخست‌وزیر، دکتر نیک‌پی

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۳۶

سخنان پیش از دستور احمد اخوان، نماینده مجلس، درباره لزوم تشکیل

فرهنگستان

[شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

تاریخ: ۱۳۴۴/۴/۱۶، شماره: ۶۰ ق ۳۰۸۵۲/د

بیانات آقای مهندس اخوان درباره تشکیل فرهنگستان

فرهنگستان ماهی دو بار به طور منفرد و در موقع ضروری به طور فوق‌العاده منعقد می‌شود. باید پرسید چرا فرهنگستان تشکیل نمی‌شود؟ مسئولیت این عدم تشکیل به عهده کیست؟ به راستی درست گفته‌اند که در مملکت ما قوانین خوب زیاد است، ولی مجری خوب نیست. نمی‌دانم در جایی که بدین آشکاری قانون تعیین کرده که جلسات فرهنگستان را باید ۱۵ روز یک مرتبه به طور معمول تشکیل داد، به چه جرأتی دولت‌ها از اجرای آن سرپیچی کرده‌اند؟ اگر قانونی بود که در ضمن اجرا معلوم می‌شد به صلاح نیست و دولت‌ها تعلل می‌ورزیدند تا در هنگام مناسب برای لغو و تغییر آن اقدام کنند، ممکن بود محلی برای آن تراشید، ولی این قانون مفید را اگر همه آن اجرا می‌شد، اینک جوانان تا ۳۰ ساله ما (که سی سال از آن تاریخ می‌گذرد) با زبان شیرین پارسی آشنایی داشتند و به خوبی می‌توانستند گفتگو کنند و بنویسند، معلوم نیست چرا اجرا نکرده‌اند؟ می‌گویند کلمات پارسی نامأنوس است و عامه مردم از آن استقبال نمی‌کنند. بسی بانصافی. باید نخست گفت هر اندازه که واژه‌ای برای مدتی نامأنوس باشد، پس زمانی که در گفتگو و نوشتن به کار رود، مأنوس می‌گردد و اگر خواسته باشد مجدداً واژه اولی مصطلح را بیاورند، آن کلمه نامأنوس خواهد بود. پس دلیلی که برای مأنوس نبودن واژه‌های فارسی آورده می‌شود، صددرصد مردود است. دوم آن که می‌گویند که کتاب‌های ادبی و دواوین شعرای ما غالباً پر از لغات عربی است. البته درست است، ولی چه دلیلی دارد اگر ما زبانمان را فارسی سره کنیم، آنها از بین برود و آن کتاب‌ها و

دواوین شعرای ما هم چون ستارگان فروزان در ادبیات ما و حتی در ادبیات جهان همچنان خواهد درخشید و پس از این هم نثر و نظم ما که پارسی باشد، جای خود را در ادبیات باز خواهد کرد. مگر شاهنامه فردوسی علاوه بر زنده کردن زبان و تاریخ قدیم ما خود شاهکار ادبی جهان نیست؟ پس می‌توان به پارسی سره نیز شاهکارهایی چه نثر و چه نظم [به وجود] آورد و از این لحاظ هم هیچ جای نگرانی نیست.

سوم آن که نوشتنی‌ها اصولاً به سمت سادگی مدت‌ها است گرایید[ه] و دیگر واژه‌های به اصطلاح قلمبه سلمبه را کسی نمی‌پسندد. اگر سابقاً کتبی از آن قبیل لغات همچون تاریخ و صاف و درّه نادری دلیل فضل نویسنده آنها بود، اینک اگر کسی هوس نوشتن آن چنان کتاب‌هایی را بکند، دلیل دیوانگی خواهد بود. پس حال که ادبیات ما به سمت سادگی پیشرفت می‌کند، چه بموقع است که آن را پارسی سره نموده و دیگران را تشویق به نوشتن نظایر آن نماییم. عرایض بنده در خارج کردن واژه‌های بیگانه از زبان فارسی است و البته عمومیت دارد.

جای بسی تأسف است که در ۳۰ سال پیش تلاش نکرده‌اند که واژه‌های عربی را از زبان فارسی خارج نمایند، ولی از چند سال پیش به جای آن که دولت‌ها قانون فرهنگستان را اجرا نمایند و مردم نیز به تبعیت از دولت‌ها از استعمال لغات بیگانه خودداری نمایند، علاوه بر واژه‌های عربی هزاران لغت و حتی جملات دیگر خارجی غیر از عربی را در زبان فارسی وارد کرده‌اند و تا جایی این کار به شوری گراییده که دیگر لغات عربی جزو زبان پارسی محسوب شده که حتی یکی از اساتید بنام اخیراً در روزنامه‌ها نوشته است که چرا به جای دموسترسسیون، تظاهرات و به جای پرتیراژ، کثیرالانتشار و به جای راکسیون، عکس‌العمل فارسی گفته نمی‌شود. بسی شگفتی که تظاهرات و کثیرالانتشار و عکس‌العمل که ترکیب‌بندی کامل عربی نیز دارد، جزو زبان فارسی درآمده است. بنده از لحاظ سیاسی فعلاً بحثی ندارم که پاک کردن زبان پارسی از لغات بیگانه تا چه اندازه لازم است، بلکه بنده همان‌طور که در مقدمه گفتارم به عربی رساندم، برای آن که ملیت ما پابرجا باشد، یکی از ارکان مهمه آن زنده کردن زبان پارسی و پاک کردن آن از واژه‌های بیگانه است (صحیح است) که باید مورد توجه قرار گیرد. اما راه عملی آن - آنچه که دولت باید بکند - اجرای کامل قانون فرهنگستان و انجام وظایفی که به موجب آن به عهده دولت است و آوردن لوایح سودمند دیگر برای پشتیبانی آن.

سند شماره ۳۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۲۲/۴/۱۳۴۴، شماره: ۲۳۹۸۴

ریاست محترم مجلس شورای ملی

عطف به مرقومه شماره ۱۶۱/د/۳۰۸۵۲، ۴۴/۴/۱۶ به استحضار خاطر شریف می‌رساند که رونوشت نطق قبل از دستور جناب آقای مهندس اخوان، نماینده مجلس شورای درخصوص تشکیل فرهنگستان به مرجع مربوط ارسال گردید تا مورد بررسی و توجه قرار گیرد. نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

وزیر مشاور، دکتر یگانه [امضا]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۳۶/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۲۲/۴/۱۳۴۴، شماره: ۲۴۲۳۲

جناب آقای مهندس اخوان، نماینده محترم مجلس شورای ملی

رونوشت نطق قبل از دستور جناب عالی در جلسه روز یکشنبه، ۴۴/۴/۶ در خصوص تشکیل فرهنگستان وسیله نامه شماره ۶۰ ق/د/۳۰۸۵۲، ۴۴/۴/۱۶ مجلس شورای ملی واصل و شرح لازم به مرجع مربوط نوشته شد که مفاد آن را مورد بررسی قرار دهند و نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

وزیر مشاور، دکتر یگانه [امضا]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۳۷

گزارش سفارت ایران در کویت از مصادره بعضی از کتاب‌های فارسی توسط

اداره سانسور وزارت ارشاد کویت

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات، اداره تبلیغات خارجی

تاریخ: ۴۴/۴/۳۱ [۱۳]، شماره: ۴۴/۴۲۴۴/۳۰۳۲/م

جناب آقای نخست‌وزیر

به پیوست رونوشت شماره ۱۷۰، مورخ ۴۴/۴/۱۶ آقای فرامرزی وابسته مطبوعاتی سفارت کبرای شاهنشاهی در کویت درباره مصادره کتاب از طرف اداره سانسور وزارت ارشاد برای استحضار تقدیم می‌گردد.

از طرف وزیر اطلاعات، امیرمعز [امضا]

[حاشیه بالا:] مراتب به عرض جناب آقای نخست‌وزیر رسید. بایگانی فرمایید. [امضا: غلامرضا

نیک‌پی] ۵/۹

سند شماره ۳۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات

رونوشت گزارش شماره ۱۷۰، مورخ ۴۴/۴/۱۶، دفتر اطلاعات و مطبوعات ایران در کویت

وزارت اطلاعات

از طرف اداره سانسور وزارت ارشاد کویت کتاب‌های زیر مصادره شده و از انتشار آنها در کویت جلوگیری به عمل آمده است:

۱. کتاب آهنگ بدیع (شامل تبلیغات بهایی)

۲. کتاب اخبار امری (نشریه محفل روحانی بهاییان)

۳. کتاب تاریخ ایران دوره اسلامی، تألیف آقای دکتر پرویز خانلری

ضمناً صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ اطلاعات سالانه سانسور شده است.

وابسته مطبوعاتی

سند شماره ۳۸

گزارش سفارت ایران در کویت از دیدار بدیع الزمان فروزانفر با مقامات فرهنگی و

سیاسی این کشور

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات، اداره تبلیغات خارجی

تاریخ: ۳۱/۴/۴۴ [۱۳]، شماره: ۴۲۶۶/۳۹/۳۰م

گزارش دهنده: آقای فرامرز، وابسته مطبوعاتی سفارت کبرای شاهنشاهی، کویت

کشور: کویت، شماره نامه: ۳۶۶، تاریخ: ۱۱/۴/۱۳۴۴

موضوع: استاد بدیع الزمان فروزانفر

مسافرت استاد بدیع الزمان فروزانفر به کویت بسیار مغتنم بود و از اعزام امثال ایشان به کویت برای ایراد نطق و خطابه و شناسایی ایران منافع بسیار خواهیم برد. آقای فروزانفر با مدیر روزنامه الرأی العام و آقای دکتر احمد زکی، دانشمند مصری که مدیر مجله العربی است، ملاقات کرد. دکتر زکی مجذوب استدلالات استاد واقع شد. این دانشمند مصری که سالها استاد دانشگاههای مصر و رئیس دانشگاه قاهره بود و در کابینه قبل از انقلاب مصر سمت وزارت داشته و از مخالفان رژیم فعلی مصر است و از هفت سال به این طرف در کویت زندگی می کند، یکی از آرزوهایش این است که به ایران سفر کند. نامبرده به شدت به روش ناصر درباره فردپرستی و تکیه روی وحدت عرب حمله کرد. سپس خواهش کرد وسیله ای فراهم شود که استاد فروزانفر مقاله ای درباره حضرت امام جعفر صادق (ع) و فقه آن حضرت برای مجله العربی بنویسد و استاد نیز به وی قول داد.

در ملاقات استاد با معاون وزارت امور خارجه صحبت بسیار از نزدیکی دو کشور کویت و ایران به عمل آمد. در وزارت اوقاف بین یک قاضی مصری و استاد بحثی در مورد اقتباس قانون مدنی ایران از شریعت اسلام بحث شد. استاد همچنین توضیحاتی درباره کرسی و عظ و خطابه اسلامی دادند و ضمن یک مصاحبه کوتاه رادیویی از توجه شاهنشاه به علما و دین مبین اسلام و رفع اختلاف بین مذاهب سخن گفتند. به علت بی نظمی دستگاه وزارت ارشاد و کمی مدت اقامت آقای فروزانفر ملاقات ایشان با امیر کویت عملی نشد.

گیرندگان: جناب آقای نخست وزیر

جناب آقای وزیر دربار شاهنشاهی

جناب آقای وزیر امور خارجه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

ریاست دفتر ویژه اطلاعات

[حاشیه چپ: ملاحظه شد. امضا: غلامرضا نیکپی]

سند شماره ۳۹

مکاتبات مربوط به دوره کارآموزی کارکنان مؤسسه فرانکلین کابل در

چاپخانه‌های تهران

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۲]، [شماره: ۱۵۵۳/۴]

جناب آقای وزیر محترم اطلاعات

جناب آقای وزیر محترم فرهنگ و هنر

[به پیوست رونوشت مرقومه شماره ۵۰۹۰، مورخ ۱۳۴۵/۴/۱۶ جناب آقای وزیر محترم امور خارجه را درباره ایجاد تسهیلات برای پانزده نفر از کارکنان مؤسسه فرانکلین کابل که در چاپخانه‌های تهران به کارآموزی و کسب تجربه بپردازند، ایفاد می‌دارد. برحسب دستور جناب آقای نخست‌وزیر، خواهشمند است مقرر فرمایید در این مورد مساعدت لازم به عمل آورده شود و از نتیجه نخست‌وزیری را مستحضر فرمایند.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، دکتر نیکپی

رونوشت جهت استحضار وزارت امور خارجه ایفاد می‌گردد.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، دکتر نیکپی

[مهر: محرمانه]

سند شماره ۳۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی

تاریخ: ۱۶/۴/۱۳۷۳، شماره: ۵۰۹۰، پیوست: ندارد.

جناب آقای نخست‌وزیر

از سفارت شاهنشاهی در کابل اطلاع می‌دهند که وزارت امور خارجه افغانستان تقاضا کرده است از طرف دولت شاهنشاهی به یک هیأت ۱۵ نفری از کارکنان مؤسسه فرانکلین کابل یک رشته بورس‌های عملی اعطا شود تا بتوانند در چاپخانه‌های تهران به کارآموزی و کسب تجربه بپردازند. به نظر وزارت امور خارجه، با توجه به وجود چاپخانه‌های مدرن و مجهز در کشور ما مناسب خواهد بود که به تقاضای وزارت امور خارجه افغانستان پاسخ مثبت داده شود، زیرا همان‌طور که تأیید خواهند فرمود، تحقق این امر از نظر بسط و گسترش زبان فارسی و نفوذ فرهنگی و معنوی ایران در آن کشور خالی از حسن اثر نخواهد بود. با گزارش جریان امر، خواهشمند است مقرر فرمایند تعلیمات لازم برای این منظور جهت پذیرفتن بورسیه‌های دولت افغانستان به وزارتخانه‌های فرهنگ و هنر و اطلاعات داده شود.

وزیر امور خارجه [امضا: غلامعباس آرام]

[مهر: محرمانه]

سند شماره ۳۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات، اداره مطبوعات

تاریخ: ۲۲/۵/۱۳۷۳، شماره: ۱۵۹۰/طم/۷۶۱

جناب آقای دکتر نیک‌پی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

عطف به شماره ۴/۱۵۵۳، مورخ ۲۲/۴/۴۵ منضم به رونوشت نامه شماره ۵۰۹۰ وزارت امور خارجه در مورد کارآموزی پانزده نفر کارکنان مؤسسه فرانکلین کابل، به استحضار می‌رساند: برای تأمین نظریه وزارت نامبرده و ایجاد تسهیلات در کارآموزی افراد مزبور اقدامات لازم معمول و مراتب طی نامه جداگانه به وزارت امور خارجه اعلام گردید.

از طرف وزیر اطلاعات [سرتیپ سعادت‌مند]

[حاشیهٔ پایین: ملاحظه شد. امضا: غلامرضا نیک‌پی] ۵/۲۳

[مهر: محرمانه]

سند شمارهٔ ۴۰

موافقت محمدرضا شاه با سفر بدیع‌الزمان فروزانفر به عراق به دعوت دانشگاه بغداد

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، ادارهٔ اول سیاسی

تاریخ: ۴۴/۴/۲۲ [۱۳]، شماره: ۴۶۸۰، خیلی فوری است.

جناب آقای نخست‌وزیر

رونوشت تلگراف مورخ ۱۳۴۴/۴/۱۷ سفارت کبرای شاهنشاهی در بیروت متضمن دعوت دانشگاه بغداد از جناب آقای فروزانفر به پیوست تقدیم می‌گردد. مستدعی است مقتضای رأی عالی را امر به ابلاغ فرمایند.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: احمد میرفندرسکی]

[مهر: محرمانه]

سند شمارهٔ ۴۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

تلگراف واصله از بیروت به تاریخ ۴۴/۴/۱۸ [۱۳]

وزارت امور خارجه

جناب آقای فروزانفر اظهار می‌دارند دانشگاه بغداد توسط سفارت کبرای عراق برای بازدید از ایشان دعوت کرده و تقاضا دارند موضوع به شرف‌عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسیده و رأی مبارک را ابلاغ فرمایند.

فتوحی

سند شماره ۴۰/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۴۴/۴/۲۸، شماره: ۱۵۱۲/۴، خیلی فوری

جناب آقای وزیر امور خارجه

عطف به نامه شماره ۴۶۸۰، مورخ ۴۴/۴/۲۲ اشعار می‌دارد: مراتب به شرف‌عرض مبارک ملوکانه رسید، اجازه فرمودند جناب آقای فروزانفر دعوت دانشگاه بغداد را قبول نمایند.

نخست‌وزیر

[مهر: محرمانه]

سند شماره ۴۱

پیام تبریک سعید نفیسی به امیرعباس هویدا به مناسبت عید نوروز

بور لارن، پاریس، اول فروردین ۱۳۴۵

دوست بسیار عزیزم

این که تاکنون پاس نعمت نگزارده و عرض ارادت نکرده‌ام، بدین جهت بود که رنجوری به جایی رسیده بود که دستم می‌لرزید و قادر به نوشتن نبودم. اینک مانند این است که طبیعت در آستانه سال نو مرا از آن نحوست مادی و معنوی بیرون آورده و اندک نیرویی به‌عنوان ارمغان نوروزی بخشیده است و به شکرانه این موهبت نخستین کار را این می‌دانم که سال نو را بر وجود عزیزتان تبریک بگویم و امیدوار باشم که درین سال نو از هر حیث شادکام و تندرست و کامیاب باشید و ایران ما که تاکنون چنین نعمتی آنچه من به یاد دارم، به خود ندیده است، از وجود فیاض کریم شما برخوردار بماند. احساساتی که دارم، چنان لبریز است که در قالب کلام نمی‌گنجد و به ناتوانی خود در این زمینه معترفم.

ارادتمند حقیقی [امضا: سعید نفیسی]

[حاشیه پایین: آقای سعید نفیسی.]

سند شماره ۴۱/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۱/۶

استاد محترم، جناب آقای سعید نفیسی

نامه تبریک محبت‌آمیز جناب‌عالی واصل و موجب نهایت تشکر گردید. متقابلاً سال نو را تبریک گفته، مزید سلامت و سعادت شما را آرزومندم.

امیرعباس هویدا [مهر امضا]

سند شماره ۴۲

گزارش پرویز ناتل خانلری، دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران، از سفر به افغانستان و

شرکت در سمینار ترجمه

[آرم]

بنیاد فرهنگ ایران

تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۱، شماره: ۲۳۴

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر محترم ایران

چنان‌که خاطر عالی مسبوق است، بنده در سمیناری که درباره ترجمه به زبان فارسی دو هفته قبل در کابل تشکیل شده بود، گزارشی از مذاکرات و مشاهدات این سفر نوشته است که به ضمیمه برای ملاحظه آن جناب تقدیم می‌شود. این گزارش به دفتر مخصوص شاهنشاهی و پیشکاری علیاحضرت شهبانوی ایران تقدیم شده است.

با عرض ارادت، دکتر پرویز خانلری [امضا]

خیابان قوام‌السلطنه، مقابل موزه. تلفن: ۳۲۹۲۲ و ۳۶۰۸۷. صندوق پستی شماره ۳۲۴۷. تهران

[حاشیه بالا]: پوروالی.

[حاشیه پایین]: وصول اعلام و تشکر شود.

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۷، شماره: ۱۴۳۶۰

سند شماره ۴۲/۱

بنیاد فرهنگ ایران

گزارش سمینار ترجمه در کابل

سمینار ترجمه به زبان فارسی به ابتکار و هزینه مؤسسه فرانکلین و برحسب دعوت رسمی وزارت معارف افغانستان برپا شده بود. مراد از این سمینار در ابتدا تنها این بود که در ترجمه کتاب‌های خارجی به زبان فارسی میان کشورهای که فارسی را به‌عنوان زبان رسمی علمی و ادبی به کار می‌برند، همکاری ایجاد شود تا از کارهای مکرر پرهیز کنند و در اصطلاحات علمی و فنی حتی‌الامکان وحدتی به وجود آورند تا کتابی که در یک کشور ترجمه و چاپ می‌شود، برای خوانندگان کشورهای دیگر نیز قابل استفاده باشد.

در ابتدا قرار بود چهار کشور (ایران، افغانستان، تاجیکستان [و] پاکستان) در این مجمع شرکت کنند. پس از ورود به کابل معلوم شد که سفارت هندوستان گله کرده است که چرا نماینده او را دعوت نکرده‌اند و گفته است علاقه هند به زبان فارسی اگر بیش از پاکستان نباشد، کمتر نیست. به این سبب در روزهای آخر از هند هم دعوت شده بود و دو نماینده از دانشگاه‌های هند برای شرکت در سمینار حاضر شده بودند.

هیأت نمایندگی ایران مرکب بود از آقای احمد آرام، مؤلف و مترجم کتاب‌های متعدد علمی و فلسفی و تاریخی، و آقای منوچهر بزرگمهر، عضو کنسرسیوم نفت و مترجم و مؤلف کتاب‌های فلسفی، و آقای نجف دریابندری، مترجم و نویسنده و عضو مؤسسه فرانکلین، و بنده که ریاست این هیأت را بر عهده داشت. غیر از این اعضای رسمی، پنج نفر نیز به‌عنوان عضو ناظر از ایران آمده بودند که اسامی ایشان از این قرار است: آقای همایون صنعتی و بانو، آقای داریوش همایون، عضو فرانکلین، آقای اسماعیل پوروالی، مدیر روزنامه بامشاد، [و] آقای کیومرث شبیانی، عضو کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی.

روز یکشنبه، ۲۹ خرداد، با هواپیمای شرکت ملی هواپیمایی ایران که بسیار منظم و مانند سرویس‌های خوب هواپیمایی دنیا بود، به کابل رسیدیم. سفیر و اعضای سفارت ایران در فرودگاه استقبال کردند. پس از صرف ناهار با حضور سفیر و کارمندان سفارت کمیسیونی تشکیل شد تا درباره مسائل عمومی و روش کار و طرز مذاکرات تبادل نظر به عمل بیاید.

صبح دوشنبه جلسه اول با حضور سفیر ایران و چند نفر از رجال افغانستان تشکیل شد و وزیر اطلاعات و کلتور جلسه را افتتاح کرد. بنده آقای استاد عبدالحی حبیبی را که از ادیبان و نویسندگان معروف افغانستان است، برای ریاست سمینار پیشنهاد کردم و علت این انتخاب آن بود که چون این شخص از پشتوزبانان است و با آن که بیشتر به فارسی می‌نویسد، تعصبی درباره زبان پشتو دارد، به این وسیله از مخالفت و کارشکنی‌های احتمالی او کاسته شود. این پیشنهاد تصویب شد و بسیار حسن اثر بخشید. چنان که دو سه بار در رادیو کابل گفتند و در روزنامه‌ها نوشتند که نماینده ایران استاد حبیبی را برای ریاست نامزد کرد. آقای ناصر جان معصومی، رئیس هیأت تاجیکستان، و بنده نیز به نیابت ریاست و عبدالشکور احسان، استاد دانشگاه لاهور، به منشی‌گری سمینار انتخاب شدیم.

روش هیأت تاجیکستان در همه جلسات این بود که هیچ نظر خاص و پیشنهاد معینی را مطرح نکنند و تابع نظر اکثریت باشند. این هیأت از چهار نفر ادیب و مترجم تاجیک مرکب بود که هر یک به نوبت درباره اقداماتی که در کشورشان در امر ترجمه انجام می‌گیرد و طرز عمل گزارشی دادند. ولی در خارج به یکی از اعضای هیأت ایرانی گفته بودند که برای هرگونه همکاری مادی و معنوی حاضرند.

نمایندگان پاکستان و هندوستان هم نظر خاصی نداشتند و از هر پیشنهاد مفیدی که درباره غرض سمینار ارائه می‌شد، استقبال می‌کردند. اما نمایندگان افغانستان که از پنج عضو رسمی و بیست و یک عضو ناظر تشکیل شده بود، با احتیاط و پرهیز و احتراز درباره هر نکته‌ای گفتگوهای مکرر می‌کردند و بیشتر وقت سمینار به مباحثات ایشان مصروف می‌شد و غالباً نکته‌های خارج از موضوع و گاهی مسائل داخلی کشور خود را مطرح می‌کردند.

در جلسه اول آقای صدیق رشتین، رئیس پشتو تولنه یعنی انجمن پشتو با حال عصبانی برخاست و با جمله‌های بریده اعتراض کرد که پشتو زبان ملی افغانستان است و ایرانیان آن را قبول ندارند. به طوری که حتی در دانشگاه‌های خودشان درباره این زبان مطالعه نمی‌کنند. پیدا بود که می‌خواهد غوغایی به پا کند و اساس سمینار را با ایجاد کشمکش در هم بریزد. بنده با خونسردی جواب دادم که زبان پشتو یکی از زبان‌های مهم آریایی است و در دانشگاه تهران در رشته زبان‌شناسی آریایی به لزوم مطالعه در این زبان توجه شده است و خود بنده هم که در این قسمت تدریس می‌کنم، بر عهده می‌گیرم که در مراجعت توصیه کنم تا این رشته از زبان‌شناسی آریایی در دانشکده ادبیات

تهران از اول سال تحصیلی آینده تدریس شود. این جواب آبی بر آتش تعصب طرفداران پشتو ریخت. در روزنامه‌ها نوشتند و در رادیو گفتند که نماینده ایران چنین گفته است. بعد هم در طی جلسات سمینار چند نفر از افغانان مکرر این وعده را یادآوری و ضمناً اظهار تشکر کردند.

هدف هیأت نمایندگی ایران آن بود که این سمینار نتیجه‌ای بدهد و دنباله داشته باشد و برای اجرای این منظور در نظر داشت پیشنهاد کند که یک مرکز دائمی برای مبادله اطلاعات درباره اصطلاحات علمی و فنی در پنج کشور (و بخصوص میان دو کشور ایران و افغانستان) ایجاد شود. ولی بنده درباره طرح این پیشنهاد تأمل داشت و برای آن که افغان‌های بدگمان آن را بر فرض سیاسی حمل نکنند، در پی فرصت می‌گشت. خوشبختانه در طی بحث‌هایی که پیش آمد، احتیاج به چنین کاری را همه حس کردند و یکی از نمایندگان افغانستان آن را طرح کرد. بنده هم فرصت را غنیمت شمردم و پیشنهاد او را تأیید کردم و این پیشنهاد مورد موافقت عموم قرار گرفت. کمیسیونی مأمور شد که در این باب مطالعه کند و نتیجه آن را برای اتخاذ تصمیم به جلسه عمومی سمینار بیاورد. اعضای این کمیسیون از بنده و نماینده‌ای از کشورهای تاجیکستان و پاکستان و هند و دو نماینده از افغانستان معین شدند. جلسه کمیسیون را در اتاق بنده در میهمانخانه اسپین زر تشکیل دادم. مذاکرات عمومی با اتفاق نظر انجام گرفت و قرار شد طرح و پیشنهاد تأسیس این مرکز را بنده تهیه کنم. در آن جلسه نمایندگان شوروی و پاکستان و هند موافقت داشتند که محل این مرکز در کابل باشد. بنده هم نظر به آن که احتراز و پرهیز و حتی وحشت افغان‌ها را از تسلط معنوی ایران دانسته بودم، این معنی را تأکید کردم. ولی نمایندگان افغانستان در این باب تأمل و تردید داشتند. علت تردید ایشان را به دو نکته حمل می‌توان کرد. یکی آن که همه افغانها آرزو دارند وسیله و بهانه‌ای پیدا کنند که به خارج کشور خود، و مخصوصاً ایران، بیایند و تأسیس این مرکز در کابل ایشان را از این آرزو محروم می‌کند. دیگر آن که می‌ترسیدند این امر از جنبه مالی برای دولت افغانستان مشکلی ایجاد کند و بر اثر آن هم کار بی‌نتیجه بماند و هم خودشان مورد مؤاخذه واقع شوند.

دو روز بعد، بی‌آن که جلسه کمیسیون قبلاً معین شده باشد، یکی از اعضای افغانی کمیسیون (حبیب‌الله تزی، معلم دانشکده ادبیات کابل) در ساعت ۴/۵ بعدازظهر به اتاق بنده آمد و گفت گمان کرده است که جلسه دوم کمیسیون امروز است و آقای استاد عبدالحی حبیبی هم به او چنین گفته است. بنده گمان برد که این اشتباه از طرف او عمدی بوده است و مأمور است که بعضی نکته‌ها را

به بنده یادآوری کند. با گشاده‌رویی او را دعوت به نشستن کردم و به او مجال دادم که هر چه می‌خواهد، بگوید.

دو سه ساعت نشست و گفتگو کرد. خلاصه گفته‌های او این بود که مسأله زبان پشتو برای افغانستان مسأله حیاتی است. نزدیک به دوسوم افغان‌ها پشتوزبانند. عده گویندگان این زبان در پاکستان هم بسیار و قریب هفت هشت میلیون نفر است. در دانشگاه لاهور زبان پشتو را تدریس می‌کنند و این خود وسیله جلب پشتوزبانان افغانستان به آن سوی مرز است. اما گذشته از این، در ناحیه پشتوزبان پاکستان در طی هشت ساله اخیر ترقیات اقتصادی بسیار حاصل شده، کارخانه‌ها و دانشگاه‌های پیشه‌وری به کار افتاده، در کشاورزی پیشرفت‌هایی انجام گرفته، و خلاصه آن که وضع اقتصادی آن ناحیه بسیار بیشتر شده است. حال آن که در قسمت پشتوزبان افغانستان هنوز تغییر و پیشرفتی دیده نمی‌شود. این وضع موجب شده است که پشتوهای افغانی به آن سوی مرز متمایل شده‌اند و اگر این اوضاع دوام بیاید، این خطر افغانستان را تهدید می‌کند که قسمتی از آن یا به پاکستان ملحق شود یا پشتونستان مستقل تأسیس شود که باز موجب تجزیه قسمتی از افغانستان خواهد شد و اگر چنین شود، دیگر افغانستان نمی‌تواند به صورت یک کشور آزاد و مستقل بر سر پای خود بایستد. بنابراین یگانه وسیله‌ای که در دست افغانستان هست، تحریک احساسات ملی پشتوزبان‌ها است که ایشان را نژاد اصلی و مهم افغانستان بداند و برای آنها شأن و مقام اول را قائل شود تا از این راه نگذارد که این قسمت به پاکستان ملحق گردد. همین نکته موجب شد که ابتدا فقط زبان پشتو را زبان رسمی افغانستان بشمارند و در قانون اساسی اخیر که دو زبان دری و پشتو را متساوی زبان‌های رسمی افغانستان دانسته‌اند، بلافاصله در ماده بعد نوشته‌اند که دولت‌های افغانستان موظفند در ترویج و ترقی پشتو که زبان ملی است، اقدام نمایند و حال آن که این مطلب جنبه اجرایی دارد و جای آن در قانون اساسی نیست.

بنده با او اظهار همدردی کردم و ضمناً دلداری دادم که مصلحت پاکستان هم در این نیست که با تحریک پشتوهای آن سرزمین مقدمه تشکیل یک کشور پشتوزبان را فراهم بیاورد، زیرا که در آن حال متکلمان به زبان‌های دیگر که در سرزمین پاکستان زندگی می‌کنند، نیز البته توقع خواهند داشت که زبان محلی یا ملی خود را رسمیت بدهند و مستقل شوند و این امر مقدمه تجزیه خود پاکستان خواهد شد. تصدیق کرد و انصاف داد که در کشاکش میان دو کشور، پاکستان به هیچ اقدام شدید و مهمی برای تحریک پشتوها به ایجاد وحدت دست نزده است. بعد خود او گفت که می‌داند زبان پشتو به درد زندگی نمی‌خورد و دولت افغانستان در طی سی سال که به ترویج و ترقی

زبان پشتو همت گماشته و سرمایه بسیار در این راه خرج کرده است، هنوز نتوانسته است بیست جلد کتاب علمی به این زبان منتشر کند. اما چون موضوع زبان پشتو برای افغانستان مسأله حیات و ممات است، ناچار باید آن را دنبال کند.

بنده به طور ضمنی به او فهماندم که ایران هیچ خیال ندارد مشکلی بر مشکلات افغانستان بیفزاید و حتی میل دارد به هر طریق که میسر باشد، در حل و رفع مشکلات آن کشور کمک کند و در این راه از هیچ گونه همکاری مضایقه ندارد.

ضمناً این شخص درباره وضع مالی افغانستان اظهار نگرانی کرد و گفت که در حال حاضر بیش از ۷۰٪ از سرمایه گذاری در خاک افغانستان را شوروی‌ها انجام می‌دهند و معلوم نیست که آینده این کار چه خواهد بود. رژیم دموکراسی که اخیراً در آن کشور به ظاهر اجرا شده است، نیز مایه نگرانی او بود و می‌گفت از همین حالا بعضی از نمایندگان مجلس حرف‌هایی می‌زنند که موجب اضطراب است و معلوم نیست که در پشت پرده چه می‌گذرد. به موجب گفته‌های این شخص، اکنون بیش از چهارهزار نفر اتباع شوروی برای اجرای طرح‌های عمرانی در کابل و شهرهای دیگر به سر می‌برند.

درباره زبان پشتو یک نکته دیگر را نیز باید متذکر شود و آن این که آقای استاد حبیبی، رئیس سمینار، از بنده وقت ملاقات خصوصی خواست و اظهار کرد که شوروی‌ها و مصری‌ها هر دو در رادیوهای خود برنامه‌های خاص به زبان پشتو دارند و مردم پشتوزبان را سخت به خود جلب می‌کنند و این خود خطری ایجاد می‌کند و دولت ایران که ناچار باید به سرنوشت این قسمت از آسیای وسطی (که شامل ۱۵ میلیون پشتوزبان است) علاقه‌مند باشد، بکلی خاموش است و حتی حاضر نیست برنامه‌ای در رادیوی خود به زبان پشتو اجرا کند. گوینده این مطلب اظهار نگرانی می‌کرد که با این وضع پشتونستان بکلی زیر تأثیر دست‌چپی‌ها قرار بگیرد و توقع داشت که کشور ایران در این میان بی‌طرف ننشیند.

اما درباره اظهارات این شخص اخیر باید به عرض برساند که خود او چندی از افغانستان متواری بود و گمان می‌کنم در پاکستان موضوع استقلال پشتونستان را مطرح می‌کرد. سپس ظاهراً با دولت خود آشتی کرد و مورد عفو واقع شد و به کابل برگشت. اما از خلال گفتگوهای او چنین دریافتیم که هنوز داعیه رهبری پشتونستان مستقل را در سر دارد و با دولت افغانستان همراه و موافق نیست و اشاره او به تأثیر اقدامات شوروی و مصر، اگرچه حقیقت امر نیز چنین باشد، از طرف او به عنوان بهانه و وسیله‌ای برای تحریک احساسات بنده و ایرانیان به کار رفته است. با این حال،

بنده اظهارات او را تصدیق کردم و گفتم که امکان دارد یکی از فرستنده‌های رادیویی ایران برنامه‌ای به زبان پشتو تنظیم کند و در این باب با اولیای دولت ایران صحبت خواهیم کرد. اساساً نظر بنده دربارهٔ زبان پشتو با آنچه افغان‌ها در این باب گفتند، کاملاً یکسان نیست. دو دسته فارسی‌زبان (یا دری‌زبان) و پشتوزبان هم در افغانستان با یکدیگر رقابت شدید دارند. فارسی‌زبانان کسانی را که به زبان پشتو تکلم می‌کنند، پست و فرومایه می‌شمارند و ایشان را مُشتی دزد و کوه‌نشین و دور از تمدن به حساب می‌آورند. حتی یکی از ایشان می‌گفت که زبان پشتو دروغ و ساختگی است و اگر باور ندارید، چند کلمه از آنچه مایهٔ مباهات این فرقه است، یادداشت کنید و بروید از مردم پشتوزبان بپرسید که این کلمات چه معنی می‌دهد و اگر دیدید که آنها معنی این کلمات را نمی‌دانند، باور کنید که اصلاً زبان پشتو دروغ است.

اما در مقابل این نظر افراطی، یک نظر تفریطی هم هست که پشتوزبانان دارند و دولت افغانستان هم از آن حمایت می‌کند. این طرف می‌گوید: پشتو زبان مهمی است که بیش از پانزده میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند. هفت میلیون در افغانستان و هشت میلیون در پاکستان. اما بنده هرچه در کتاب‌های مهم و معتبر زبان‌شناسی جهان تأمل کرد، راهی برای تطبیق آمارهای رسمی با آمارهایی که افغان‌ها در این باب می‌دادند، به دست نیاورد. در کتاب‌های مختلف فرانسوی و انگلیسی که در سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۵۶ چاپ شده، شمارهٔ متکلمان به پشتو را از ۴ تا ۵ میلیون نوشته‌اند و آنجا که این عدد ۴ میلیون است، قسمتی را که در پاکستان سکونت دارند، به ۱ [میلیون] و ۷۰۰ هزار تخمین زده‌اند. اگر این رقم‌ها درست باشد، گفتهٔ افغان‌ها که سکنهٔ کشور خود را چهارده میلیون و شمارهٔ نسبی پشتوزبانان را ۷۰٪ می‌گویند، بکلی نادرست درمی‌آید. هفتاد درصد از چهارده میلیون نزدیک ده میلیون نفر می‌شود و حال آن‌که قریب سه‌چهارم خاک افغانستان منطقهٔ زبان‌های فارسی و ترکی و پامیری است.

بنده گمان می‌کند که علت نفوذ و غلبهٔ پشتوزبانان در افغانستان چند امر است: یکی آن‌که این طایفه هنوز به صورت ایلی زیست می‌کنند. در جنگ‌های استقلال افغانستان عامل مهم و اصلی این طایفهٔ جنگجو بوده‌اند. اکنون هم همهٔ این قبایل به قول فرنگی‌ها، تا دندان مسلح هستند و قوام دولت افغانستان به وجود ایشان است. این نکته در آغاز تشکیل کشور افغانستان علت اصلی توجه به زبان پشتو بود، اما پس از تجزیهٔ هندوستان قصد الحاق ناحیهٔ پشتوزبان پاکستان نیز به آن افزوده شد.

درباره نسبت تعداد فارسی‌زبان به پشتوزبان قرینه دیگری در دست است و آن شماره کتاب‌های سال اول دبستان است که در ایران چاپ می‌شد. صدهزار کتاب اول سفارش می‌دادند که هشتاد هزار فارسی و بیست هزار پشتو بود. اگر این نسبت مأخذ سنجش قرار بگیرد، باید گفت که از کل جمعیت افغانستان ۲۰٪ پشتوزبان و ۸۰٪ فارسی‌زبانند. در هر حال علاقه مردم باسواد به زبان فارسی به حدی است که سیاست دولت در تخفیف آن اثری ندارد.

در جلسه سوم که وزیر معارف افغانستان به جلسه سمینار آمد، بنده در جواب نطق او، گفتم در اهمیت این مجلس همین بس که اولین مجمع بین‌المللی است که در آن زبان فارسی دری رسمیت دارد و هیچ یک از اعضای مجمع برای فهمیدن و فهماندن محتاج مترجم نیستند. شنوندگان که نزدیک به تمامشان دانشجو بودند، چنان تحت تأثیر این گفته واقع شدند که تا مدتی دست می‌زدند. همچنین در روز آخر مقداری کتاب فارسی از انتشارات بنیاد فرهنگ و بنگاه ترجمه و نشر کتاب که بنده برای اهدا به اعضای سمینار و رجال و ادبای افغانستان همراه برده بودم، در تالار کتابخانه توزیع می‌شد، جوانان دانشگاه مانند مگس دور شیرینی در تالار جمع شده بودند و با شوق و ولع کتاب‌ها را تماشا می‌کردند و ورق می‌زدند. این نکته را نیز باید معروض داشت که افکار دست‌چپی میان دانشجویان افغانستان رسوخ بسیار کرده است و با وجود مراقبت شدید حکومت از خلال گفته‌های جوانان این تمایل شدید را می‌توان دریافت.

جلسات شش‌گانه سمینار به بحث درباره ترجمه انواع موضوع‌ها از قبیل کتاب‌های علمی، فنی، فلسفی، رمان، شعر، کتاب‌های دانشگاهی، کتاب‌های کودکان و جوانان، و شرایط و قواعد ترجمه هر نوع کتاب گذشت.

هیأت ایرانی بیشتر روی ترجمه کتاب‌های علمی و فنی و لزوم وحدت اصطلاحات علمی تکیه می‌کرد و این تخصیص از دو جهت بود: یکی آن‌که در این زمینه احتمال غرض سیاسی نیست یا کمتر است و دیگر آن‌که همه کشورهای شرکت‌کننده احتیاج مبرم خود را به این رشته دریافته بودند. تنها هیأت تاجیکستانی بود که بیشتر از ترجمه شعر و رمان و انواع ادبی گفتگو می‌کرد و به مباحث علمی توجهی نداشت. علت این امر هم به طوری که تحقیق شد، این است که در تاجیکستان علوم را به زبان روسی می‌خوانند نه تاجیکی. البته این مطلب را صریحاً نگفتند، اما پرسش‌هایی که در این باب می‌شد، جواب‌های مبهم می‌دادند. از ایشان خواستم که یک دوره از کتاب‌های علمی دبیرستانی را که به زبان‌های تاجیکی است، برای بنیاد فرهنگ ایران بفرستند و ایشان وعده مساعد دادند، اما گمان نمی‌کنم بتوانند به وعده وفا کنند.

پیش از انعقاد این سمینار در نظر بود که مذاکرات فقط مربوط به وحدت اصطلاحات در زبان فارسی دری باشد، اما در طی مباحثی که مطرح شد، به نظر آمد که مناسب‌تر و به صلاح نزدیک‌تر است که این مطلب بسط داده شود و همهٔ زبان‌های آریایی معمول در کشورهای شرکت‌کننده (فارسی، دری، پشتو، اردو [و] هندی) را در بر بگیرد و اعضای مجمع همه با این نظر موافقت کردند. حاصل مذاکرات سمینار به صورت قطعنامه‌ای درآمد و به تصویب رسید که اصول آن از این قرار بود:

اعضای سمینار تصدیق و تأیید کردند که وحدت اصطلاحات علمی در زبان‌های آریایی به نفع همهٔ کشورهای عضو این مجمع خواهد بود.

توصیه شد که این سمینار در آینده نیز مرتباً هر سال یا دو سال یک بار تشکیل شود. طرحی تهیه شود و به تصویب رسید که مرکزی برای جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ کتاب‌های علمی که در هر یک از پنج کشور ترجمه و تألیف شده یا می‌شود، تأسیس گردد و این مرکز اطلاعاتی را که به دست می‌آورد و به صورت بولتن چاپ کند و به مراکز مطالعات و تحقیقات علمی و دانشگاه‌ها ارسال دارند.

همچنین نسخه‌هایی از کتاب‌های علمی و قاموس‌های خاص اصطلاحات علمی و فنی به دست بیاورد و برای مراکز که در هر کشور به‌عنوان رابط با مرکز اصلی معین می‌شود، ارسال دارد. محل مرکز اصلی بعداً با موافقت مقامات دولتی و رسمی کشورها تعیین خواهد شد. اینک نکته‌هایی که دربارهٔ این موضوع به نظر بنده رسیده است:

نفوذ فرهنگی ایران در این کشورها بسیار اهمیت دارد و در این راه اگر سرمایه‌گذاری هم لازم باشد، دریغ نباید کرد، زیرا کوچک‌ترین فایدهٔ آن ایجاد بازار فروش برای کتاب‌های فارسی است که در آینده این سرمایه را با سود فراوان بازمی‌گرداند. اما این کار موجب وحدت فرهنگی این کشورها نیز خواهد شد که از جنبهٔ سیاسی بی‌اهمیت نیست. برای نیل به این مقصود باید از احتراز و بیمی که در افغانستان نسبت به نفوذ فرهنگی ایران وجود دارد، کاست و محبت و صمیمیت ایشان را جلب کرد. خوشبختانه روش دولت افغانستان نسبت به این امر اخیراً تغییر فاحشی کرده است و مبدأ این تحول بی‌شک مسافرت اعلی‌حضرت شاهنشاه آریامهر به کابل و وساطت میان افغانستان و پاکستان بوده است.

اکنون اقدامات ذیل را در این راه می‌توان کرد:

۱. تأسیس یک درس زبان پشتو در قسمت زبان‌شناسی دانشکده ادبیات تهران که گذشته از فایده علمی موجب کمال خوشوقتی افغان‌ها خواهد شد.
۲. ایجاد یک برنامه رادیویی به زبان پشتو. اگر در تهران امکان این امر نباشد، این برنامه را در رادیو زاهدان که در افغانستان و پاکستان خوب شنیده می‌شود، می‌توان اجرا کرد. البته هرگاه چنین برنامه‌ای ایجاد شود، باید کمال مراقبت به عمل آید که موجب رنجش و گله پاکستان نشود. ممکن است در ابتدا تنها به پخش اخبار اکتفا کرد. این امر یکی از مقدمات ترویج فارسی میان پشتوزبانان نیز خواهد بود، زیرا که اکثریت نزدیک به تمام ایشان فارسی را هم می‌دانند و همین که علاقه ایشان جلب شود، چون در زبان خودشان خواندنی نیست، به آموختن و خواندن فارسی راغب‌تر خواهند شد.
۳. سمینار ترجمه به زبان فارسی (یا زبان‌های آریایی) در سال آینده در تهران تشکیل شود. اگر مناسب نباشد که این امر جنبه رسمی و دولتی به خود بگیرد، ممکن است دعوت از طرف بنیاد فرهنگ ایران یا یک مؤسسه دیگر غیررسمی یا نیم‌رسمی به عمل بیاید.
۴. اقدامی بشود که کتاب‌های فارسی بیشتر و ارزان‌تر در دسترس افغان‌ها و علاقه‌مندان به زبان فارسی در کشورهای دیگر قرار بگیرد. افغان‌ها بسیار فقیر هستند و قیمت کتاب‌های چاپ ایران برای ایشان گران است. اگر ممکن باشد وزارت اقتصاد یک جایزه صدور کتاب‌های فارسی چاپ ایران به میزان ۵۰٪ با شرایطی که باید مطالعه شود، منظور بدارد یا به طریق دیگری اقدام شود که کتاب‌ها و مجله‌های فارسی را به نصف قیمت در افغانستان بتوان فروخت.
۵. ساختمان یک کتابخانه مجهز از طرف دولت ایران در کابل اقدام مهمی برای ترویج زبان فارسی خواهد بود. البته این اقدام یک جنبه سیاسی نیز دارد و جلب موافقت اولیای دولت افغانستان لازم است. در این باب با آقای سفیر ایران مذاکره شد. این فکر را بسیار پسندیدند و گفتند که به تدریج و با مراعات نکته‌های مختلف زمینه این کار را فراهم خواهند کرد.
۶. غالب آموزشگاه‌های عالی افغانستان هر کدام با یکی از مؤسسات علمی کشورهای اروپا و آمریکا پیوند دارند. یعنی کتاب و برنامه و معلم مبادله می‌کنند. دانشکده ادبیات کابل از این نوع کمک محروم است. استادان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات دری آرزومند بودند که چنین رابطه‌ای میان دو دانشکده ادبیات تهران و کابل ایجاد شود و گاهی استادان ایرانی برای تدریس و ایراد خطابه به کابل بروند. به نظر بنده، این اقدام بسیار مؤثر و سودمند است و وسیله خوبی برای تحکیم روابط فرهنگی و ترویج زبان فارسی در افغانستان خواهد بود.

سند شماره ۴۲/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۸، شماره: ۱۴۳۶۰

جناب آقای دکتر پرویز خانلری

نامه شماره ۲۳۴، مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۱ و گزارش پیوست آن واصل و موجب نهایت تشکر گردید. مزید سلامت و سعادت جناب‌عالی را آرزومندم.

نخست‌وزیر، امیرعباس هویدا [مهر امضا]

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۴۲/۳

[تاج]

دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۳، [شماره]: ۲۰۶۷

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر محترم

جناب آقای دکتر پرویز خانلری، دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، گزارشی از جریان مسافرت خود به کابل و سمینار ترجمه به پیشگاه مبارک علیاحضرت فرح پهلوی، شهبانوی ایران، تقدیم و ضمناً به طوری که تلفناً به این‌جانب اطلاع دادند، رونوشت گزارش تقدیمی به پیشگاه مبارک علیاحضرت معظم‌لها را حضور محترم عالی تقدیم نموده‌اند.

علیاحضرت شهبانوی ایران مقرر فرمودند به اطلاع جناب‌عالی برسانم که جناب آقای دکتر خانلری را احضار فرمایید که توضیحات لازم را به عرض عالی برسانند و با توجه به موقعیت سیاسی کشور برای تحکیم روابط فرهنگی و ترویج زبان فارسی در افغانستان در مورد پیشنهادات ایشان بررسی و دستور اقدام لازم صادر فرمایید. متشکر می‌شوم از نتیجه این‌جانب را آگاه فرمایند که به عرض مبارک برسد.

پیشکار علیاحضرت فرح پهلوی، شهبانوی ایران

فضل‌الله نبیل [امضا]

[حاشیه پایین، اول]: سابقه. ۴۵/۴/۲۵

[حاشیه پایین، دوم]: دفتر بایگانی کل. ۴/۲۵

[حاشیه پایین، سوم]: خانم معرفت، وقت دهید.

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۴/۲۵، شماره: ۲۴۵۱۶

سند شماره ۴۲/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۵/۳۱، شماره: ۲۴۵۱۶

جناب آقای نبیل سمیعی، پیشکار علیاحضرت فرح، شهبانوی ایران عطف به نامه شماره ۲۰۶۷، مورخ ۴۵/۵/۲۳ خواهشمند است به شرف‌عرض مبارک علیاحضرت شهبانو برسانید پس از مذاکره با جناب آقای دکتر خانلری، قرار شد کمیسیونی زیر نظر وزیر فرهنگ و هنر و با شرکت آقایان وزیر اطلاعات، وزیر اقتصاد، بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر [حسین] خطیبی با حضور جناب آقای دکتر خانلری تشکیل شود تا پیشنهادات را بررسی و تصمیمات لازم اتخاذ گردد.

نخست‌وزیر [مهر امضا: امیرعباس هویدا]

[حاشیه پایین]: اداره مراسلات، پیش‌نویس این نامه را جناب آقای راجی تهیه فرموده‌اند و در اوراق محرمانه هم مابین شده است. راجع به نامه عطفی ۲۱۶۷ تلفنی به آقای راجی عرض شد، فرمودند فعلاً با شماره آزاد صادر شود، بعداً سابقه را اعلام خواهند فرمود. [امضا: ناخوانا] ۵/۳۱

سند شماره ۴۳

نامه سعید نفیسی به امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر، در خصوص افزایش حقوق

بازنشستگی‌اش

دوست بسیار عزیزم

چون اجازه فرمودید مسئول خود را به اطلاع خاطر شریف‌تان برسانم، این است که مصدع می‌شوم: ارادتمند در نتیجه ابتلای به سل ریوی در کودکی که مدت‌ها بود خاموش شده بود، درین چند سال اخیر که قوا تحلیل رفته، گرفتار تنگ نفس شده است و هر سال حاجت به چند ماه استراحت دارد.

سال گذشته نزدیک سه ماه در یکی از ساناتوریم‌های^۱ اطراف مسکو راحت کردم و حالم بهتر شد، ولی خستگی این ایام اخیر در تهران باز باعث نگرانی شده است و مخصوصاً اختلاف هوا و خشکی هوا در تهران بسیار مضر است و ناچار باید باز چندی در خارج از ایران استراحت کند و در نظر دارد در حدود دهم آبان ماه به پاریس برود و امسال زمستان را در آنجا راحت کند و از پیشگاه اعلی حضرت نیز اجازه خواهد گرفت. نه سال پیش در نتیجه حق کشی که در دانشگاه کردند، تقاضای بازنشستگی کردم، ولی پس از چندی در غیاب مخلص درس‌هایی را که می‌دادم، کسی نتوانست به عهده بگیرد. در قانونی که از دو مجلس [ملی و سنا] گذشت، تصویب کردند که دروس خود را بدهم و حق التدریس دریافت کنم. اینک تنها ماهی دوهزار و چهارصد و کسری حقوق بازنشستگی رتبه ده استادی را دریافت می‌کنم. وجود عزیز شما بهتر از هر کس گواهی می‌دهد که سالیان دراز به دانش و فرهنگ این کشور گرامی خدمت کرده‌ام. اکنون بیش از چهل و هفت سال است که شب و روز در این راه جان‌فشانی می‌کنم و دویست و چهل جلد کتاب چاپ شده برای ایران گذاشته‌ام و اینک برای استراحت درین دو سه سالی که از زندگی درین جهان مانده است، حق دارم از بزرگان ایران توقع حق‌شناسی داشته باشم. به گمانم اگر دستور بفرمایند ماده‌ای از تصویب مجلسین بگذرانند که به پاس خدمات چهل و هفت ساله و رنجی که درین راه برده‌ام، حقوق بازنشستگی ارادتمند را همیشه به میزان حداکثری که به استادان رتبه ده دانشگاه به موجب قانون، تمام وقت می‌پردازند، منظور دارند. جوانانی که در مجلس هستند، شاید رأی خود را دریغ نکنند. یا اگر شورای مرکزی دانشگاه‌ها قانوناً چنین اختیاری دارد، از تصویب آن شورا بگذرانند. در هر صورت، اگر هم در ایران نباشم، از خدمت به ایران در هر جا باشم، دمی غافل نخواهم نشست و به هر حال همیشه از لطف خاص آن دوست بسیار عزیز برخوردار بوده‌ام و یقین دارم که توجه خاطر عزیز شما در آسایش این مخلص دیرین بیش از هر چیز مؤثر خواهد شد و اگر لازم شد، درین زمینه توضیح دیگری بدهم، همیشه در آرزوی چند دقیقه که از حضور شریف کامیاب شوم، خواهم بود.

ارادتمند، سعید نفیسی

[حاشیهٔ بالا، اول:] از آقای سعید نفیسی.

[حاشیهٔ بالا، دوم:] جناب آقای دکتر نیک‌پی، لطفاً مذاکره شود. ۷/۲۰

[حاشیهٔ بالا، سوم:] اوامر جناب آقای نخست‌وزیر ابلاغ شد که موضوع بررسی شود. بایگانی فرماید.

[امضا: غلامرضا نیک‌پی] ۷/۲۰

۱. Sanatorium: آسایشگاه، بیمارستان مسلولین.

سند شماره ۴۴

نامه سعید نفیسی به محمدرضا شاه در خصوص وضعیت معیشتی اش

[تاج]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۴۵/۸/۳ [۱۳]، شماره: ۸۳۹۶

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر

آقای استاد سعید نفیسی عریضه‌ای در استدعای مساعدت به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر تقدیم نموده است. رونوشت عریضه آقای سعید نفیسی که به شرف‌عرض مبارک ملوکانه رسیده است، از جهت ملاحظه آن جناب به پیوست ایفاد می‌گردد و به استحضار می‌رساند که هرگاه میسر باشد، طریقی اتخاذ فرمایید که تسهیلی در امر معیشت ایشان حاصل شود. عنایت و مساعدت بجایی است که نسبت به یک خدمتگزار کهنسال قدیمی فرهنگ‌خواه می‌فرمایید.

وزیر دربار شاهنشاهی [امضا: حسین قدس نخعی]

[حاشیه پایین: بایگانی شود.]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۴۵/۸/۵، شماره: ۷۵۴۴

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۴۴/۱

پیشگاه مبارک اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر

چون بالاترین افتخار و موهبتی که در نتیجه هفتاد سال زندگی و پنجاه سال خدمت صادقانه شبانه‌روزی بهره این خدمتگزار شده است، توجه خاص و عنایت و سرپرستی اعلی حضرت شاهنشاه بزرگ ایران است، اجازه می‌خواهد خاطر مبارک را به این نکته جلب کند که از سه سال پیش علت مزاج که نتیجه اختلال ریه و تنگ نفس و پیری و فرسودگی و این مدت اخیر قسمت [؟] خدمتگزار را ناچار می‌کند با اجازه از پیشگاه همایون شاهنشاه سالی چند بار از محیط آسایش اروپا که هوای آن سازگارتر و وسایل درمان و پرستاری بیشتر است، اقامت کند تا بتواند باز چند سالی خدمات دیرین خود را دنبال کند و تا جانی در تن هست، فرو ننشیند. شاید بتواند دویست و چهل و چهار

مجلد کتابی که را که تاکنون انتشار داده است، به سیصد برساند و در ضمن معرفی و منادی عظمت و شکوه فرهنگ و تمدن ایران در خارج باشد. حقوق بازنشستگی که به این خدمتگزار تعلق می‌گیرد، تنها بیست و چهارهزار ریال است که کفاف گذران وی را در خارج از ایران نمی‌دهد. در این چند ماه گذشته مبلغ ناچیزی که از فروش کتابخانه خود به دست آورده بود، اندک گشایشی در کار فراهم می‌کرد و اینک جز همان مختصر حقوق بازنشستگی راه دیگری در پیش نیست. چون این خدمتگزار پیش از اجرای قانون تمام وقت دانشگاه بازنشسته شده است، چاره [ای] جز توسل به پیشگاه همایون اعلی حضرت شاهنشاه ندارد تا به هر وسیله‌ای که فرمان شاهانه شرف صدور یابد، بتواند تا چند سال دیگر که درین جهان است، در پرتو توجه خاصه شاهنشاه بزرگوار ایران به خدمتگزاری مشغول باشد.

خدمتگزار: سعید نفیسی

سند شماره ۴۵

پیام تسلیم صدر هیأت وزیران جمهوری تاجیکستان شوروی به مناسبت درگذشت

سعید نفیسی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۵/۸/۲۶، شماره: ۱۸۳۵۰، پیوست: دارد، فوری است.

وزارت امور خارجه

تلگراف تسلیم که به مناسبت درگذشت استاد سعید نفیسی از دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، رسیده است، به پیوست فرستاده می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید ترجمه و پاسخ آن را تهیه و ارسال دارند تا به امضای جناب آقای نخست‌وزیر برسد.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر، دکتر غلامرضا مؤدبی [امضا]

[مهر تاریخ: ۱۳۴۵/۸/۲۶]

[مهر: صادر شد.]

سند شماره ۴۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه تلگرام آقای عبدالسعد قباروف، صدر هیأت وزیران و وزیر امور خارجه جمهوری تاجیکستان
شوروی

جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران، تهران

درگذشت نابهنگام سعید نفیسی، دانشمند و ادیب برجسته و شخصیت اجتماعی ایران، برای ملت تاجیکستان حیرت‌انگیز و مورد تألم فراوان گردید. ملت تاجیکستان برای ابد خاطره استاد سعید نفیسی را که دوست بزرگ ملت شوروی بود، حفظ خواهد نمود. او برای توسعه ادبیات ایران و تاجیکستان و همچنین تاریخ این دو ملت همکیش و تحکیم دوستی و همکاری بین ملت ایران و شوروی زحمات زیادی کشیده بود. دولت تاجیکستان مراتب تسلیت خود را به ملت ایران اعلام و از جناب آقای نخست‌وزیر خواهشمندم مراتب تسلیت ملت تاجیکستان را به خانواده آن مرحوم ابلاغ فرمایند.

صدر هیأت وزیران و وزیر امور خارجه تاجیکستان

عبدالسعد قباروف

[حاشیه بالا:] وزارت خارجه پاسخ داده است. بایگانی شود.

سند شماره ۴۵/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی

تاریخ: ۱۳۴۵/۹/۲، شماره: ۲۲۵۵۹/۱۲۶۸/۲، پیوست: دارد.

ریاست کل دفتر نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۱۸۳۵۰، ۴۵/۸/۲۹ منضم به تلگرام تسلیت واصل از شهر دوشنبه، مرکز جمهوری تاجیکستان شوروی، به‌عنوان جناب آقای نخست‌وزیر، اشعار می‌دارد: ترجمه تلگرام مزبور با عین آن به پیوست ارسال و متذکر می‌گردد که به موجب امریه جناب آقای نخست‌وزیر به سفیر شاهنشاهی در مسکو، تلگرافی دستور داده شد که از طرف معظم‌له پاسخ تلگرافی مقتضی به تلگرام مزبور صادر نمایند.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: محمدحسین امیرتیمور]

سند شماره ۴۵/۳

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی

تاریخ: ۱۳۴۵/۹/۱۰، شماره: ۲۳۲۸۳/۱۳۰۴/۲

ریاست کل دفتر نخست‌وزیر

پیرو نامه شماره ۲۲۵۵۹/۱۲۶۸/۲، مورخ ۴۵/۹/۲، موضوع صدور پاسخ به تلگرام تسلیتی که از شهر دوشنبه، مرکز جمهوری تاجیکستان شوروی، به مناسبت درگذشت استاد سعید نفیسی به‌عنوان جناب آقای نخست‌وزیر مخابره شده بود، اشعار می‌دارد: تلگرام واصل از سفارت شاهنشاهی در مسکو حاکی است که سفیر شاهنشاهی پاسخی مبنی بر امتنان از طرف معظم‌له و خانواده مرحوم سعید نفیسی به فرستنده تلگرام مخابره نموده است.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: محمدحسین امیرتیمور]

[حاشیه پایین، اول]: دفتر بایگانی کل. ۹/۱۲ [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، دوم]: آقای بازقلعه. ۹/۱۳

[حاشیه بالا]: اقدامی ندارد. بایگانی شود. ۴۵/۹/۱۳

[حاشیه پایین، سوم]: فکس شد. بازقلعه. ۹/۱۴

[حاشیه پایین، چهارم]: سابقه.

[حاشیه پایین، پنجم]: سابقه پیوست گردید. ۴۵/۹/۱۴

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۵/۹/۱۲، شماره: ۸۷۶

سند شماره ۴۶**مکاتبات بنیاد فرهنگ ایران در خصوص کمبود بودجه این بنیاد**

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۴۸/۱۲/۴ [۱۳]، شماره: ۳۸۶

مقام معظم جناب آقای نخست‌وزیر محبوب

به عرض می‌رساند: جناب آقای دکتر خانلری، دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، هنگام عزیمت به اروپا مراحم آن جناب را (در مورد اعطای دومیلیون ریال از مخارج پیش‌بینی‌نشده برای تأمین کسر

بودجه بنیاد) به اعضای بنیاد فرهنگ ایران ابلاغ کردند و به بنده مأموریت دادند که برای انجام تشریفات و دریافت این کمک به وزارت دارایی مراجعه کنم. با مراجعه‌ای که به وزارت دارایی شد، اظهار بی‌اطلاعی فرمودند. نظر به این که هنوز قسمتی از دستمزد بهمن‌ماه محققان بنیاد پرداخته نشده است و طلبکاران سازمان انتشارات بنیاد نیز مرتب مراجعه و مطالبه دارند، مراتب به عرض رسید که در صورت امکان، مقرر فرمایند این مساعدت هرچه زودتر انجام گیرد.

با عرض احترام، از طرف دبیر کل [علی‌اکبر] سعیدی [سیرجانی] [امضا]

نشانی: تهران، خیابان قوام‌السلطنه، تلفن: ۳۰۵۳۰۷ و ۳۶۰۸۷، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.
[حاشیه پایین، اول]: وزیر دارایی نمی‌داند سعیدی مشاور رئیس است.

[حاشیه پایین، دوم]: اصلاح بودجه.

[حاشیه بالا]: به نظر جناب آقای نخست‌وزیر رسید و نتیجه اطلاع داده شد. بایگانی شود. [امضا:

ناخوانا] ۱۳۴۸/۱۲/۱۱

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۸/۱۲/۱۲، شماره: ۵۰۳۱۰

سند شماره ۴۶/۱

[تاج]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

[تاریخ: ۱۳۴۹/۹/۲۵، شماره: ۶-۱۰۰، پیوست: فتوکپی نوزده برگ

در پاسخ به شماره بالا اشاره فرمایید.

جناب آقای نخست‌وزیر

حسب‌الامر مبارک ملوکانه، فتوکپی گزارش شماره ۳۵۴، ۴۹/۷/۲۰ بنیاد فرهنگ ایران و ضمایم آن به پیوست ایفاد می‌گردد.

این گزارش از شرف‌عرض گذشت و اوامر مطاع مبارک به این شرح شرف‌صدور یافت: «دولت

مطالعه نمایند برای تأمین احتیاجات مالی این بنیاد چه راهی می‌توان در نظر گرفت؟»

خواهشمند است مقرر فرمایند نتیجه بررسی و مطالعه را گزارش دهند تا به شرف‌عرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا: نصرت‌الله معینیان]

[حاشیهٔ پایین، اول:] به استحضار جناب آقای دکتر هدایتی، وزیر محترم مشاور، می‌رساند. ۴۹/۹/۲۸

[حاشیهٔ پایین، دوم:] دفتر، بایگانی: در این مورد چندی قبل شرحی به وزارت دارایی و تخصیص سه میلیون ریال از محل اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده نوشتیم.

[حاشیهٔ پایین، سوم:] رونوشت پیرو نامهٔ شمارهٔ ۲۹۱۷۶ برای جناب آقای قوام صدوری ارسال و نتیجهٔ اقدام درمورد دستور جناب آقای نخست‌وزیر دایر بر تخصیص سه میلیون ریال از اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده برای بنیاد فرهنگ ایران را سؤال نمایند. [امضا: هادی هدایتی] ۱۰/۵

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۹/۹/۲۶، شماره: ۳۷۷۳۰۴

سند شمارهٔ ۴۶/۲

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۱۳۴۹/۸/۲۰، شماره: ۴۱۵

جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر محترم ایران

چنان که خاطر عالی مستحضر است، بنیاد فرهنگ ایران که به فرمان مبارک اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه آریامهر تأسیس شده و تحت ریاست عالیۀ علیاحضرت شهبانوی ایران قرار دارد، یک مؤسسهٔ علمی و تحقیقاتی دربارهٔ زبان و تاریخ و ادبیات و هنر ایران است و در پنج سال که از تاریخ تأسیس آن می‌گذرد، به خدمات شایسته‌ای توفیق یافته که در محافل ایرانشناسی جهان مورد توجه بسیار واقع شده است و حاصل تحقیقات و مطالعاتی که در این دستگاه انجام یافته، در یکصد جلد کتاب به طبع رسیده و نزدیک به پنجاه جلد دیگر تحت طبع است که به زودی انتشار خواهد یافت. این دستگاه توانسته است همکاری دانشمندان و ادیبان کشورهای همسایه و فارسی‌زبان و چند مؤسسهٔ علمی را در اروپا و آمریکا جلب کند و به این طریق بر نفوذ فرهنگ ایران در این کشورها بیفزاید. از دانشمندان ایرانی نیز قریب شصت نفر در رشته‌های مختلف با بنیاد فرهنگ ایران همکاری دارند.

بودجهٔ این دستگاه تاکنون از محل ده میلیون ریال عطیۀ سالانۀ علیاحضرت شهبانوی ایران تأمین شده و تا سال گذشته سازمان برنامه نیز سالانه مبلغ پنج میلیون ریال به‌عنوان کمک می‌پرداخت که در سال ۱۳۴۸ متأسفانه این کمک مختصر نیز قطع شد و مؤسسه در خطر انحلال قرار گرفت. ناچار به جناب عالی متوسل شد و با مبلغ دو میلیون ریال که از بودجهٔ دولت به دستور عالی کمک

گرفته شد و دومیلیون ریال که این جانب به اعتبار شخصی وام گرفت، با زحمت سال را به پایان رسانید.

در سال جاری چنان که به عرض پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران و اعضای هیأت امنا رسانید، برای ادامه کارهای جاری به شرط آن که هیچ طرح تازه‌ای آغاز نشود و نهایت صرفه‌جویی به عمل آید، مبلغ بیست و پنج میلیون ریال ضرورت دارد. درآمد سال جاری از محل عطیۀ علیاحضرت شهبانو ده میلیون ریال بوده است. سازمان برنامه نیز به موجب طرحی، مبلغ چهار میلیون ریال تعهد کرده که تاکنون یک میلیون و پانصد هزار ریال از آن را پرداخته است. اما از این مبلغ دومیلیون ریال بابت استرداد وام سال گذشته پرداخت شد و چون به حکم ضرورت از محل سابق که رایگان بود، به محل استیجاری جدید نقل مکان کرده شد، سالانه در حدود دومیلیون ریال نیز به هزینه این دستگاه افزوده شده است. به این طریق بنیاد فرهنگ ایران تا پایان سال جاری لااقل ده میلیون ریال کسر بودجه دارد که جز مساعدت آن جناب و هیأت محترم دولت راهی برای تأمین آن موجود نیست.

ضمناً هرگاه این مؤسسه علمی و تحقیقاتی که اکنون در ایران و همه کشورهای جهان به‌عنوان یک انستیتوی مهم مطالعات ایرانی شناخته شده است، باید دوام یابد و به کار خود ادامه دهد، محتاج اعتبار ثابتی است که در بودجه پیش‌بینی شود تا بتوان به حسب آن طرح‌های لازم را تهیه و اجرا کرد.

بنابراین مراتب را به عرض آن جناب می‌رساند و استدعا دارد درباره تأمین کسر بودجه بنیاد فرهنگ ایران در سال جاری دستور مقتضی صادر فرمایید و برای سال آینده نیز مقرر فرمایند در بودجه مبلغ کافی و متناسبی برای این دستگاه علمی منظور نمایند. از اوامری که در این باب صادر خواهید فرمود، قبلاً تشکر می‌کند.

دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، پرویز خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان قوام‌السلطنه، تلفن: ۳۰۵۳۰۷ و ۳۶۰۸۷، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.
[حاشیۀ بالا:] فرمودند شنبه اول وقت.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۹/۸/۲۰، شماره: ۲۷۰۸۰

سند شماره ۴۶/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۹/۱۷، شماره: ۲۹۱۷۶، فوری است.

جناب آقای قوام صدری، معاون وزارت دارایی

پیرو مذاکرات جلسه مورخ ۴۹/۹/۱۶ که در حضور جناب آقای نخست‌وزیر تشکیل شد و برحسب دستور معظم‌له، خواهشمند است دستور فرمایید طرح لازم برای پرداخت مبلغ ۳۰ میلیون ریال از محل اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده بودجه کل کشور برای کمک به بنیاد فرهنگ ایران را تهیه و از طریق تقدیم به مراجع قانونی اقدام فرمایند.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۳۴۹/۹/۱۷، ۱۲:۵۵]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۴۶/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۶، شماره: ۳۷۷۳۴

جناب آقای قوام صدری، معاون وزارت دارایی

پیرو نامه شماره ۲۹۱۷۶، مورخ ۴۹/۹/۱۷ درباره دستور جناب آقای نخست‌وزیر دایر به تخصیص سی میلیون ریال از محل اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده بودجه کل کشور برای کمک به بنیاد فرهنگ، به پیوست رونوشت نامه شماره ۱۰۰/۶، مورخ ۴۹/۹/۲۵ دفتر مخصوص شاهنشاهی متضمن ابلاغ اوامر مطاع مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در مورد تأمین احتیاجات مالی بنیاد مذکور به انضمام فتوکپی ضمیمه آن ایفاد می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامی که در این خصوص معمول فرموده‌اند، نخست‌وزیری را مطلع فرمایند.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[حاشیه پایین، اول: ده روز بعد سؤال شود. ۴۹/۱۰/۵]

[حاشیه پایین، دوم: در دفتر تعقیب ثبت گردید. [امضا: ناخوانا] ۱۰/۶]

[حاشیة پایین، سوم]: لطفاً پس از صدور، سابقه را برای نخست‌وزیر ارسال نمایید. ۴۹/۱۰/۶
 [مهر ساعت و تاریخ]: ۱۳:۳۰، ۱۳۴۹/۱۰/۹
 [مهر]: صادر شود.

سند شماره ۴۶/۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۱۷، شماره: ۳۹۲۵۰

جناب آقای قوام صدری، معاون وزارت دارایی
 پیرو نامه شماره ۳۷۷۳۴، مورخ ۴۹/۱۰/۶ درباره تأمین احتیاجات مالی بنیاد فرهنگ ایران،
 خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامی که در این مورد معمول فرموده‌اند، نخست‌وزیری
 را مطلع فرمایند.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[حاشیة پایین، اول]: ده روز بعد سؤال شود. [امضا: هادی هدایتی] ۴۹/۱۰/۱۶

[حاشیة پایین، دوم]: ثبت شد. [امضا: ناخوانا] ۱۰/۲۰

[مهر ساعت و تاریخ]: ۱۹:۳۰، ۱۳۴۹/۱۰/۱۶

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۴۶/۶

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی، اداره کل تشکیلات و بودجه

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۲۳، شماره: ۱۰۲۰۲/۲۴

جناب آقای هدایتی، وزیر محترم مشاور

عطف به نامه شماره ۲۹۱۷۶، ۱۳۴۹/۹/۱۷، اعلام می‌دارد: مبلغ سی میلیون ریال از محل اعتبار
 هزینه‌های پیش‌بینی نشده برای هزینه‌های جشن شاهنشاهی تأمین و به تصویب کمیسیون بودجه
 مجلس شورای ملی رسیده و مراتب به وزارت دربار شاهنشاهی هم برای استفاده از اعتبار مصوب
 اطلاع داده شده است.

از طرف وزیر دارایی [امضا: محمود قوام صدری]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر
 تاریخ: ۴۹/۱۰/۲۴، شماره: ۳۹۷۱۰
 [مهر ساعت و تاریخ:] ۱۳:۵، ۱۳۴۹/۱۰/۲۴
 [مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۴۶/۷

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۲۸، شماره: ۳۹۷۱۰

جناب آقای قوام صدری، معاون محترم وزارت دارایی

عطف به نامه شماره ۱۰۲۰۲/۲۴، مورخ ۴۹/۱۰/۲۳ در مورد تأمین مبلغ سی میلیون ریال اعتبار برای هزینه جشن‌های شاهنشاهی به استحضار می‌رساند که اولاً، نامه نخست‌وزیری که در امتثال امریه مطاع مبارک ملوکانه برای کمک به بودجه بنیاد فرهنگ ایران ارسال گردیده بود، مربوط به بنیاد مزبور می‌باشد نه جشن‌های شاهنشاهی. اوامر مطاع مبارک ملوکانه در این مورد نیز طی نامه شماره ۱۰۰/۶، مورخ ۱۳۴۹/۱۰/۶ نخست‌وزیری به جناب‌عالی ابلاغ گردیده است.

ثانیاً، مبلغ مورد تقاضا برای کمک به بودجه بنیاد فرهنگ ایران سه میلیون ریال می‌باشد نه سی میلیون ریال.

ثالثاً، دستور جناب آقای نخست‌وزیر در این مورد حضوراً و مستقیماً توسط معظم‌له در جلسه هیأت‌وزیران به جناب‌عالی ابلاغ گردید و جناب‌عالی قول دادید این کار را در ظرف یک هفته انجام دهید.

اینک با توجه به اوامر مبارک ملوکانه و دستور صریح و مستقیم جناب آقای نخست‌وزیر و تعهد شخص جناب‌عالی در هیأت وزیران، برای این‌جانب اسباب تعجب است که در پاسخ مکاتبات مکرری که در این مورد به عمل آمده است، مرقوم فرموده‌اید که اعتبار هزینه جشن‌های شاهنشاهی به تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی رسیده و ابلاغ گردیده است. در حالی که این دو موضوع کاملاً از هم جدا می‌باشند و ارتباطی به هم ندارد. انتظار می‌رود که با مراجعه و مرور مجدد به نامه‌ها و مکاتباتی که به عمل آمده و مخصوصاً امریه مبارک ملوکانه اقدام فوری در مورد تأمین سه میلیون ریال اعتبار مورد نیاز بنیاد فرهنگ ایران معمول و نتیجه را اعلام فرمایید.

وزیر مشاور [امضا: هادی هدایتی]

سند شماره ۴۶/۸

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

به تاریخ: ۱۳۴۹/۱۰/۲۸، شماره: ۱۱۶۰۶/۲۴

جناب آقای هدایتی وزیر محترم مشاور

عطف به نامه شماره ۳۹۲۵۰، ۱۳۴۹/۱۰/۱۷ اعلام می‌دارد: پاسخ نامه‌های شماره ۳۷۷۳، ۱۳۴۹/۱۰/۶ و ۲۹۱۷۶، ۱۳۴۹/۹/۱۷ موضوع تأمین مبلغ سی میلیون ریال از اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده سال جاری برای هزینه جشن‌های شاهنشاهی طی نامه شماره ۱۰۲۰۲/۲۴، ۱۳۴۹/۱۰/۲۳ ارسال گردیده. خواهشمند است دستور فرمایید به نامه مزبور مراجعه نمایند.

از طرف وزیر دارایی [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول]: دفتر، ضمن دستوری که روی نامه قبلی دادم، در رأس موعد مقرر نتیجه اقدام سؤال شود. [امضا: هادی هدایتی]

[حاشیه پایین، دوم]: اداره محترم بایگانی، در دفتر تعقیب یادداشت گردید. [امضا: ناخوانا] ۱۰/۲۹

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۹/۱۰/۲۸، شماره: ۳۹۹۲۴۰

[مهر]: اندکس شد.

سند شماره ۴۶/۹

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

به تاریخ: ۱۳۴۹/۱۱/۱۱، شماره: ۱۱۸۹۲/۲۴، پیوست: دارد.

جناب آقای هدایتی، وزیر محترم مشاور

عطف به نامه شماره ۳۹۷۱۰، ۱۳۴۹/۱۰/۲۸ اعلام می‌دارد: مبلغ اعتبار موردنیاز در مذاکراتی که به عمل آمده سی میلیون ریال تعیین گردید و در نامه‌های شماره ۳۷۷۳۴، ۱۳۴۹/۱۰/۶ و ۲۹۱۷۶، ۱۳۴۹/۹/۱۷ جناب عالی نیز همین مبلغ ذکر شده است. فتوکپی نامه‌های مذکور برای ملاحظه به ضمیمه ارسال می‌شود. ضمناً به استحضار می‌رساند که مبلغ مورد بحث به‌عنوان هزینه جشن‌های

شاهنشاهی از محل اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده تأمین و به تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی رسیده است.

از طرف وزیر دارایی [امضا: محمود قوام صدری]

[حاشیهٔ پایین، اول]: سابقه.

[حاشیهٔ پایین، دوم]: سرکار سرهنگ صدقی لطفاً مذاکره فرمایند. [امضا: هادی هدایتی] ۱۲/۱۲

[حاشیهٔ پایین، سوم]: در پرونده ضبط شود. [امضا: هادی هدایتی]

[حاشیهٔ پایین، چهارم]: ۱۰ روز بعد یادآوری نمایید. [امضا: هادی هدایتی] ۱۲/۱۲

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۹/۱۱/۱۱، شماره: ۵۰۵۸۴

[مهر]: اندکس شد.

سند شماره ۴۶/۱۰

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

دوست عزیزم جناب آقای قوام صدری

با عرض معذرت از مذاکرات تلفنی امروز، به پیوست عین نامهٔ شماره ۱۱۸۹۲/۲۴، مورخ ۱۳۴۹/۱۱/۱۱ با این که در دفاتر نخست‌وزیری واصل گردیده، اعاده می‌شود تا هرطور که مقتضی می‌دانند، نسبت به تغییر مفاد آن دستور لازم صادر فرمایند. امیدوارم این بار نتیجهٔ مثبت کار را اطلاع فرمایند. موجب کمال تشکر است.

ارادتمند [امضا: هادی هدایتی] ۴۹/۱۱/۱۲

سند شماره ۴۶/۱۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۲/۲، شماره: ۲۷۰۸۰، پیوست: دارد.

دفتر مرکزی بودجه

پیرو مذاکرات تلفنی روز ۱۳۴۹/۱۲/۲، به پیوست رونوشت نامه شماره ۴۱۵، مورخ ۴۹/۸/۲۰ بنیاد فرهنگ ایران درباره تأمین اعتبار لازم در بودجه سال ۱۳۵۰ آن بنیاد ایفاد می‌شود. برحسب دستور جناب آقای نخست‌وزیر، خواهشمند است دستور فرمایید معادل مبلغ ده میلیون ریال اعتبار برای بنیاد مزبور در بودجه سال ۱۳۵۰ پیش‌بینی نمایند.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[حاشیه راست: خیلی خیلی فوری است.]

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۰:۲۵، ۱۳۴۹/۱۲/۲]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۴۶/۱۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۴۹/۱۲/۱۵، شماره: ۵۲۶۲۴، پیوست: دارد.

جناب آقای دکتر خانلری، مدیرعامل محترم بنیاد فرهنگ ایران

رونوشت نامه شماره ۵۱۴۲/ب، مورخ ۴۹/۱۲/۱۱ سازمان برنامه در مورد تأمین اعتبار لازم برای آن بنیاد در بودجه کل کشور برای اطلاع جناب‌عالی به پیوست ایفاد می‌شود.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۴:۱۵، ۱۳۴۹/۱۲/۱۵]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۴۶/۱۳

[شیر و خورشید]

سازمان برنامه

تاریخ: ۴۹/۱۲/۱۱ [۱۳]، شماره: ۵۱۴۲/ب

جناب آقای هادی هدایتی، وزیر محترم مشاور

پاسخ نامه شماره ۲۷۰۸۰، مورخ ۱۳۴۹/۱۲/۲ در مورد تأمین اعتباری به مبلغ ده میلیون ریال جهت بنیاد فرهنگ ایران، به استحضار می‌رساند: در موقع بررسی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور در حضور

جناب آقای نخست‌وزیر، پیشنهاد مزبور مطرح گردید و برحسب دستور معظم‌له ضمن بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور گردیده است.

علی هزاره، معاون نخست‌وزیر و رئیس دفتر مرکزی بودجه، با احترام [امضا]
[حاشیه پایین، اول]: رونوشت برای اطلاع جناب آقای خانلری، مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران، ارسال شود. [امضا: هادی هدایتی]
[حاشیه پایین، دوم]: سابقه.
[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر
تاریخ: ۴۹/۱۲/۱۱، شماره: ۵۲۶۲۴۰
[مهر]: اندکس شد.

سند شماره ۴۶/۱۴

[تاج]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

[تاریخ: ۱۳۵۰/۱/۲۸، شماره: ۱۰۰/۶]

در پاسخ به شماره بالا اشاره فرماید.

جناب آقای نخست‌وزیر

پیرو نامه شماره ۱۰۰/۶، مورخ ۴۹/۹/۲۵ درباره تأمین احتیاجات مالی بنیاد فرهنگ ایران، خواهشمند است مقرر فرمایند نتیجه بررسی و مطالعاتی را که در این مورد به عمل آمده است، گزارش دهند تا به شرف‌عرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا: نصرت‌الله معینان]

[حاشیه پایین، اول]: به استحضار جناب آقای دکتر هدایتی، وزیر محترم مشاور، برسد. ۵۰/۱/۲۹
[حاشیه پایین، دوم]: رونوشت نامه شماره ۵۱۴۲/ب، مورخ ۴۹/۱۲/۱۱ دفتر مرکزی بودجه برای جناب آقای معینان ارسال و اضافه شود به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، مبلغ ۱۰ میلیون ریال به‌عنوان کمک به بنیاد فرهنگ ایران در بودجه سال ۱۳۵۰ پیش‌بینی گردیده است. [امضا: هادی هدایتی]

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۵۰/۱/۲۹، شماره: ۱۵۱۴۰

[مهر]: اندیکس شد.

سند شماره ۴۶/۱۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

جناب آقای معینیان، رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۶-۱۰۰، مورخ ۵۰/۱/۲۸ درباره تأمین احتیاجات مالی بنیاد فرهنگ ایران رونوشت نامه شماره ۵۱۴۲/ب، مورخ ۴۹/۱۲/۱۱ دفتر مرکزی بودجه به پیوست ارسال می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، مبلغ ده میلیون ریال به عنوان کمک به بنیاد فرهنگ ایران در بودجه سال ۱۳۵۰ پیش‌بینی گردیده است.

وزیر مشاور، هادی هدایتی

[امضای پیش‌نویس: ناخوانا]

سند شماره ۴۶/۱۶

[آرم]

بنیاد فرهنگ ایران

تاریخ: ۱۳۵۰/۱۰/۲۱، شماره: ۱۰۰۸

جناب آقای قوام صدری، وزیر مشاور

پیرو مذاکره تلفنی، رونوشت نامه‌ای که درباره منظور کردن مبلغ ده میلیون ریال کمک به بنیاد فرهنگ ایران در بودجه ۱۹۵۱ کل کشور به جناب آقای علی هزاره نوشته شده است، به ضمیمه برای اطلاع خاطر عالی ارسال می‌شود. متمنی است مقرر فرمایید مراتب به دفتر مرکزی بودجه یادآوری شود. موجب امتنان است.

دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، سناتور پرویز خانلری [امضا]

[حاشیه پایین، اول]: مذاکره شد بایگانی. [امضا: ناخوانا] ۱۰/۲۶

[حاشیه پایین، دوم]: بایگانی نمایید. [امضا: محمود قوام صدری] ۱۰/۲۷

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۵۰/۱۰/۲۱، شماره: ۴۴۵۴۰

[مهر]: اندکس شد.

سند شماره ۴۷

نامه وزارت علوم به سازمان امور اداری و استخدامی در خصوص برقراری

مستمری اضافه برای همسر سعید نفیسی

[شیر و خورشید]

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

تاریخ: ۴۹/۳/۴ [۱۳]، شماره: ۷۳۳/ب، پیوست: یک برگ

جناب آقای کشفیان، وزیر محترم مشاور

جناب آقای رهنما، وزیر علوم و آموزش عالی، طی نامه شماره ۴۵۰۶، مورخ ۱۳۴۹/۲/۱۳ که رونوشت آن به ضمیمه ایفاد می‌گردد، پیشنهاد فرموده‌اند که چون حقوق وظیفه‌ای که به همسر استاد فقید سعید نفیسی به قرار ماهانه ۱۲۵۰۰ ریال پرداخت می‌شود، تکافوی مخارج ایشان را نمی‌نماید، لذا معادل همین مبلغ به عنوان مستمری علاوه بر حقوق وظیفه از بودجه دانشگاه تهران برقرار و پرداخت گردد. چون طبق نظر کمیسیونی که برای رسیدگی به پیشنهادات برقراری حقوق مستمری به ریاست آن جناب و با شرکت نمایندگان وزارت دارایی و دفتر مرکزی طرح و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور در تاریخ ۴۶/۸/۲۲ تشکیل شده بود، مقرر گردید درباره پیشنهادهای مربوط به برقراری مستمری برای کسانی که بر اساس موازین قانون استخدام، حقوق وظیفه دریافت می‌کنند، اقدامی نشود و با این ترتیب اظهار نظر درباره پیشنهاد وزارت علوم برای این سازمان مقدور نخواهد بود. لذا مراتب برای استحضار جناب عالی اعلام گردید تا در صورتی که بررسی این پیشنهاد و پیشنهادهای مشابه دیگر ضرورت داشته باشد، مقرر فرمایند در کمیسیون مربوط مطرح گردد.

وزیر مشاور و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور

[امضا: حسن کاظم‌زاده]

[حاشیه راست:] آقای بشیری، جواب داده شود طبق تصمیم متخذة هیأت وزیران، برای کسانی که بر اساس موازین قانون استخدام حقوق وظیفه تعیین می‌شود، برقراری مستمری دیگری مقدور

نیست. [امضا: محمود کشفیان]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۴۹/۳/۵، شماره: ۱۴۲۳۲

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۴۷/۱

[شیر و خورشید]

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

وزارت علوم و آموزش عالی

تاریخ: ۱۳/۲/۴۹ [۱۳]، شماره: ۴۵۰۶

جناب آقای کاظمزاده

وزیر مشاور و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی

به طوری که استحضار دارند، استاد فقید سعید نفیسی از دانشمندان و فضایی بنام و عالی قدر کشور بوده و طی سالیان دراز به دانش و ادبیات ایران خدمات ارزنده و مؤثری انجام داده و در سیر تحولات فرهنگی میهن ما سهمی مهم داشته است و چون حقوق وظیفه‌ای که به همسر استاد فقید پرداخت می‌گردد، تکافوی هزینه زندگی او را نمی‌نماید، لذا به منظور تأمین هزینه زندگی همسر آن مرحوم، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به تهیه طرح قانونی جهت برقراری ماهانه دوازده هزار و پانصد ریال به‌عنوان مستمری علاوه بر حقوق وظیفه از بودجه دانشگاه تهران، اقدام و نتیجه را اعلام دارند.

وزیر علوم و آموزش عالی

[مهر: رونوشت برابر اصل است.]

سازمان امور اداری و استخدامی کشور، اداره کل بازنشستگی

سند شماره ۴۷/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۹/۳/۲۰، شماره: ۱۴۲۳۲

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

عطف به نامه شماره ۷۳۲/ب، مورخ ۴۹/۳/۴ در مورد برقراری مستمری برای همسر استاد فقید سعید نفیسی، اشعار می‌دهد که طبق تصمیم هیأت وزیران، برای کسانی که بر اساس قانون استخدام کشوری حقوق وظیفه تعیین می‌شود، برقراری مستمری دیگری مقدور نخواهد بود.

وزیر مشاور، محمود کشفیان [امضا]

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۴: ۳۰، ۱۳۴۹/۳/۲۰]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۴۸

گزارش اقدامات و فعالیت‌های بنیاد فرهنگ ایران

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۱۳۴۹/۷/۲۰، شماره: ۳۵۴

جناب آقای معینیان، رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

در اجرای فرمان مطاع شاهنشاهی «برای کوشش در تهذیب و تکمیل و ترویج زبان فارسی و حفظ و صیانت میراث گران‌بهای فرهنگ ایران» که در مهرماه سال ۱۳۴۳ شرف‌صدور یافت، به موجب دستخط مبارک علیاحضرت شهبانوی ایران، این‌جانب به سمت دبیرکل و مدیرعامل «بنیاد فرهنگ ایران» منصوب شد و پس از تدوین و تصویب اساسنامه به کار پرداخت.

اینک گزارش مختصری از اقداماتی که این مؤسسه تاکنون انجام داده است، تقدیم می‌شود و موجب افتخار خواهد بود که آن را از شرف‌عرض پیشگاه مبارک ملوکانه بگذرانند.

دبیرکل، پرویز نائل خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان قوام‌السلطنه، تلفن: ۳۰۵۳۰۷ و ۳۶۰۸۷، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.

[مهر: دفتر مخصوص شاهنشاهی، دبیرخانه]

تاریخ ورود: ۱۳۴۹/۷/۲۰

سند شماره ۴۸/۱

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

گزارش بنیاد فرهنگ ایران

بنیاد فرهنگ ایران برای اجرای خدماتی که بر عهده دارد، به موجب اساسنامه مصوب، طرح‌هایی تهیه می‌کند و پس از تصویب علیاحضرت فرح پهلوی، شهبانوی ایران، ریاست عالی و هیأت امنای

این مؤسسه، به مورد اجرا می‌گذارد. طرح‌های مزبور و اقداماتی که تاکنون دربارهٔ هر یک انجام گرفته، به شرحی است که ذیلاً معروض می‌گردد:

فرهنگ بزرگ و کامل فارسی

با وجود اقدامات متعددی که در سال‌های اخیر برای تألیف فرهنگ زبان فارسی به عمل آمده و کتاب‌های مختلفی که در این زمینه تألیف شده است، هنوز زبان فارسی فاقد یک فرهنگ جامع و کامل است. برای انجام دادن این کار عظیم بنیاد اقدامات ذیل را بر عهده گرفت:

الف) فرهنگ تاریخی: به منظور آن که در این فرهنگ چگونگی بسط و توسعه و تکامل لغات فارسی در طی یک‌هزار سال مشخص گردد، مقرر شد که لغات کلیهٔ متون این زبان از قدیمی‌ترین زمان مورد تحلیل قرار گیرد و چون این کار بسیار پردامنه است، به مراحل تقسیم شد تا پس از خاتمه کار در یک مرحله به دورهٔ بعد پرداخته شود. مرحلهٔ اول از آغاز تا پایان دورهٔ سامانیان تعیین گردید و کلیهٔ لغات متون این دوره استخراج گردید و به این طریق متجاوز از سیصد هزار یادداشت فراهم آمد. سپس تدوین لغات آغاز شد و اکنون قسمتی از این کتاب آمادهٔ چاپ شده است.

ب) لغتنامه‌های عربی به فارسی: در قرون گذشته لغتنامه‌های متعددی از عربی به فارسی تألیف شده که از نظر اطلاع بر معانی دقیق کلمات بسیار اهمیت دارد و متأسفانه غالب آنها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران و کشورهای دیگر باقی مانده و منتشر نشده است. بنیاد فرهنگ به چاپ دقیق و تصحیح شدهٔ کتب مزبور پرداخت و تاکنون از این سلسلهٔ این کتاب‌ها انتشار یافته است: السامی فی الاسامی، المرقات [و] البلغه. و سه کتاب دیگر از این جمله تحت طبع است.

ج) فرهنگ‌های اصطلاحات علمی و فنی: پیشرفت علوم و فنون و صنایع مختلف در ایران امروز احتیاج مبرمی به فرهنگ‌های خاص هر رشته ایجاد کرده است. برای رفع این احتیاج ملی مؤسسه به تألیف یک سلسله کتاب پرداخت تا تعریف هر اصطلاح فنی را با معادل آن در زبان‌های مهم جهات در آن درج کند. از این سلسله تاکنون کتاب‌های ذیل منتشر شده است:

فرهنگ اصطلاحات صنعت نفت: فارسی، انگلیسی [و] روسی

فرهنگ اصطلاحات حسابداری: فارسی [و] انگلیسی

فرهنگ اصطلاحات علمی (ریاضی، فیزیک، شیمی [و] طبیعیات) با تعریف دقیق به فارسی و معادل

هر اصطلاح به انگلیسی و فرانسوی

برای تألیف کتاب اخیر بیست و دو نفر از متخصصان رشته‌های مختلف مدت پنج سال همکاری کرده‌اند و کتاب در قریب نهصد صفحه منتشر می‌شود.

سه (۳) فرهنگ دیگر به شرح ذیل آماده چاپ است:

فرهنگ اصطلاحات فلزشناسی و فلزکاری: فارسی، فرانسوی، انگلیسی [و] روسی

فرهنگ اصطلاحات پزشکی: فارسی [و] انگلیسی

فرهنگ اصطلاحات حقوقی و قضایی: فارسی [و] فرانسوی

زبان پهلوی

تا این اواخر تحقیق درباره زبان و ادبیات پهلوی تنها توسط دانشمندان خارجی انجام می‌گرفت و از ایرانیان چند نفری کار ارزنده در این زمینه کرده بودند. در کنگره‌های زبان‌شناسی جهان بارها پیشنهاد شده بود که پهلوی‌دانان کشورهای مختلف برای تألیف یک فرهنگ کامل پهلوی با یکدیگر همکاری کنند، اما به سبب اختلاف سلیقه ایشان این پیشنهاد به نتیجه نرسید. بنیاد فرهنگ ایران این اقدام را از وظایف خود شمرد و چند تن از جوانان فاضل ایرانی را که نزد دانشمندان معروف خارجی تحصیل کرده و از همه حیث صلاحیت داشتند، به این کار گماشت. نتیجه‌ای که تاکنون حاصل شده، به حدی است که مورد توجه سراسر جهان قرار گرفته و در مجلات مهم خاورشناسی با تحسین و تقدیر از آن یاد شده است. کتاب‌هایی که تاکنون در این رشته منتشر شده، از این قرار است:

واژه‌نامه بندهشن

واژه‌نامه مینوی خرد

واژه‌نامه درخت آسوریک

فرهنگ پهلوی

فرهنگ هزوارش‌های پهلوی

دستور زبان پارسی میانه

و چهار کتاب دیگر در دست تهیه و طبع است.

تاریخ زبان فارسی

یکی از شعبه‌های بنیاد فرهنگ به تحقیق و مطالعه درباره قواعد دستوری زبان فارسی و سیر تحول و تکامل آن در طی تاریخ اختصاص دارد. در این شعبه چهار نفر پژوهنده تربیت شده‌اند. جلد اول این کتاب که شامل اصول علمی زبان‌شناسی و بحث در ساختمان زبان‌های ایرانی پیش از اسلام

است، از چاپ بیرون آمده است. قسمتی از جلد دوم نیز منتشر شده و تدوین و تألیف چهار جلد دیگر ادامه دارد. این کتاب مفصل‌ترین و جامع‌ترین کتابی است که در این رشته تاکنون به زبان فارسی تألیف شده است.

علم در ایران

خدماتی که دانشمندان ایرانی به پیشرفت رشته‌های علم در جهان کرده‌اند، غالباً مجهول مانده و اکثر نسخه‌های خطی موجود از آثار این بزرگان انتشار نیافته و به این سبب برای بیشتر ایرانیان و دیگران این شبهه پیش آمده است که نیاکان ما تنها به ادبیات می‌پرداخته و در رشته‌های علمی کاری نکرده‌اند. بنیاد فرهنگ ایران انتشار نسخه‌های خطی کتاب‌های علمی را که دانشمندان ایرانی به زبان فارسی تألیف کرده‌اند، از وظایف خود شمرد و بر عهده گرفت که آنچه را ایشان به زبان عربی تألیف کرده‌اند، نیز به فارسی ترجمه و منتشر کند و به این وسیله سهم عمده‌ای را که ایرانیان در پیشرفت علم در جهان داشته‌اند، آشکار سازد. در این زمینه تاکنون کتاب‌های ذیل منتشر شده است:

شمارنامه (در علم حساب به فارسی که در حدود هزار سال پیش تألیف یافته)

صورالکواکب (در علم نجوم به قلم خواجه نصیرالدین طوسی و به خط او)

الاعراض الطبّیه (که در حکم دایره‌المعارف پزشکی به زبان فارسی است،

احصاءالعلوم (فارابی، ترجمه از متن عربی)

مخارج الحروف (ابوعلی سینا، در علم فونتیک، متن عربی با ترجمه فارسی)

میزان الحکمه (فارسی، در تعیین وزن مخصوص اجسام)

استخراج آب‌های پنهانی (تألیف به عربی در قرن چهارم، ترجمه از عربی)

الابنیه عن حقایق الادویه (در داروشناسی، قدیمی‌ترین نسخه موجود به زبان فارسی)

یواقیت العلوم (خلاصه‌ای از علوم متداول در قرن ششم)

بهجت الروح (در علم موسیقی)

مفاتیح العلوم (خوارزمی در زمان سامانیان، ترجمه از عربی)

کتاب الايضاح (در علم مساحت و هندسه)

تنسوخنامه ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، در معدن‌شناسی)

کانی‌شناسی (بحث در سیر پیشرفت زمین‌شناسی در ایران)

عجایب هند (دریانوردی ایرانیان در قرن چهارم هجری)

ده کتاب دیگر از این رشته تحت طبع است.

منابع تاریخ و جغرافیای ایران

اکثر کتاب‌های مهم و معتبر مربوط به تاریخ و جغرافیای ایران تا حمله مغول به زبان عربی تألیف شده و از دسترس بیشتر علاقه‌مندان که با آن زبان آشنایی تام ندارند، دور مانده است. بنیاد فرهنگ ایران لازم دانست که این کتب را به فارسی ترجمه و منتشر کند و آنچه را که به فارسی نوشته شده و هنوز انتشار نیافته، نیز به چاپ برساند. در این زمینه کارهای ذیل انجام گرفته است:

صوَرَقَالارَض (از ابن حوقل، قرن چهارم هجری، ترجمه از عربی)

سفرنامه ابن فضلان (تألیف در زمان سامانیان، ترجمه از عربی)

تاریخ پیامبران و شاهان (از حمزه اصفهانی، قرن چهارم، ترجمه از عربی)

رسوم دارالخلافه (زمان استیلای آل بویه بر خلافت بغداد، ترجمه از عربی)

اخبار الطوال (تألیف دینوری، تاریخ ایران و جهان، ترجمه از عربی)

فتوح البلدان (قرن سوم هجری، تاریخ فتح ایران به دست مسلمانان، ترجمه از عربی)

ناصر خسرو و اسماعیلیان (ترجمه از روسی)

سفر به ارمنستان و ایران (تألیف سفیر ناپلئون در ایران، ترجمه از فرانسه)

آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (ترجمه از عربی)

یونانیان و بربرها (ترجمه از فرانسه)

ملاحده اسماعیلیه (تألیف لويس، استاد دانشگاه لندن، ترجمه از انگلیسی)

اورارتو (تاریخ قومی که در قرن ۱۳ پیش از میلاد در شمال ایران فرمانروایی داشته‌اند، ترجمه از

روسی)

سلسله‌های اسلامی (ترجمه از انگلیسی)

ترکستان‌نامه (تاریخ ناحیه شمال شرقی ایران، ترجمه از روسی)

آفرینش و تاریخ (تألیف در قرن چهارم هجری، ترجمه از عربی)

علاوه بر این، یک رشته کتاب‌های مهم تاریخی و جغرافیایی که تاکنون انتشار نیافته بود، از روی

نسخه‌های خطی معتبر تصحیح شده و به چاپ رسیده است:

زین‌الخبار (گردیزی، تألیف در قرن پنجم هجری)

تاریخ رویان و مازندران

ترجمه تاریخ بلعمی (از دوره سامانیان)

تاریخ بیداری ایرانیان (حوادث دوره مشروطیت، در سه جلد)

تحریر تاریخ و صّاف

جغرافیای هرات (حافظ ابرو)

نادرنامه (تاریخ دوره نادرشاه افشار)

تاریخ گیلان (مرعشی، قرن نهم)

بیش از ده جلد کتاب دیگر از این سلسله زیر چاپ یا آماده چاپ است.

فلسفه و عرفان در ایران

در این قسمت هم بحث درباره اندیشه‌های فلسفی و عرفانی بزرگان ایران و تأثیری که در افکار

ملل داشته‌اند و هم انتشار متن کتاب‌های فیلسوفان ایرانی که هنوز منتشر نشده، در نظر بوده است.

کتاب‌هایی که در این رشته تاکنون تألیف و نشر یافته، از این قرار است:

فلسفه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)

کتاب التعرف لمذهب التصوف

مفتاح النجات

التصفيه فی احوال المتصوفه

زندگی منصور حلاج

نامه‌های عین‌القضات همدانی

فتوتنامه سلطانی

انس التائبین

متون ادبی و تاریخی فارسی

انتشار چاپ عکس آثار مهم ادبی که نسخه منحصر به فرد آنها در بعضی از کتابخانه‌های جهان

موجود است و همچنین تصحیح و چاپ کتاب‌های منتشر نشده در این رشته مورد نظر بوده است.

تاکنون کتاب‌های ذیل از این سلسله منتشر شده است:

تفسیر قرآن پاک (از قرن پنجم هجری)

دستور الوزرا

تفسیر سوراآبادی (از قرن پنجم)

لمعه السراج

سمک عیار (چهار جلد)

ترجمه سواد اعظم (از دوره سامانیان)

مثنوی سوز و گداز

تحقیق در زبان و ادبیات فارسی

این قسمت شامل تحقیقات و مطالعات دقیق و با اسلوب جدید درباره زبان‌های ایرانی و صرف و نحو و سبک‌های متعدد و مختلف ادبیات فارسی است. آنچه تاکنون انتشار یافته:

وزن شعر فارسی

ساختمان فعل در فارسی

داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی

دستور زبان فارسی میانه

زبان‌شناسی و زبان فارسی

فرهنگ ادبیات فارسی

زبان آسی

مکتب وقوع در شعر فارسی

همکاری با دانشمندان خارجی

بنیاد فرهنگ ایران کوشیده است که ادیبان و دانشمندان از کشورهای دیگر را در زمینه وظایفی که بر عهده دارد، به همکاری دعوت کند و در این امر توجه خاص به کشورهای فارسی‌زبان داشته است. این همکاری تاکنون در کشورهای ذیل انجام گرفته است:

افغانستان: چهار نفر از ادیبان کشور افغانستان با بنیاد فرهنگ ایران همکاری داشته‌اند و تاکنون شش کتاب به تصحیح یا ترجمه ایشان در سلسله انتشارات بنیاد به طبع رسیده است. این همکاری به حدی مؤثر بوده که دیگر ادبای این کشور همسایه آن نفاق و جدایی را که با ایران داشته‌اند، بسیار کاهش داده‌اند و با طیب خاطر کتاب‌هایی مانند تاریخ هرات و تاریخ بلخ را در ذیل عنوان «منابع تاریخ و جغرافیای ایران» در انتشارات بنیاد به طبع می‌رسانند.

پاکستان: آقای ریاض الاسلام، استاد تاریخ دانشگاه کراچی، کتابی درباره روابط تاریخی ایران و هند به زبان انگلیسی تألیف کرده است که به خرج بنیاد فرهنگ تحت نظر خود او در کراچی چاپ شده و به زودی در سراسر جهان منتشر می‌شود.

هندوستان: در طی چند قرن که فارسی زبان اداری و ادبی هندوستان بوده، صدها کتاب در آن سرزمین به این زبان تألیف شده که شاخهٔ بزرگ ادبیات کهنسال و پردامنهٔ ایران است. بنیاد فرهنگ ایران استادان زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه‌های متعدد هندوستان تشویق کرده است که مقابله و تصحیح این کتاب‌ها را بر عهده بگیرند و برای چاپ و انتشار آماده سازند. تاکنون چهار کتاب از این رشته توسط چهار تن از دانشمندان هندوستان تدوین و تصحیح شده که دو جلد ذیل از چاپ درآمد است:

پدماوت (داستانی هندی به شعر فارسی)

سوز و گداز (مثنوی)

تاجیکستان: چند نفر از اعضای آکادمی علوم و ادبیات تاجیکستان تقاضای همکاری کرده‌اند که از آن جمله آقای کمال‌الدین عینی دو کتاب خواجوی کرمانی را از روی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های تاجیکستان تصحیح کرده و در سلسلهٔ انتشارات بنیاد فرهنگ به طبع رسانیده است. گرجستان: آکادمی شرق‌شناسی گرجستان کتاب «ویس و رامین» را با نسخه‌های متعدد و همچنین با ترجمهٔ گرجی آن که چندی بعد از تألیف انجام گرفته، مقابله و تصحیح کرده و متن این تحقیق ارزشمند را به بنیاد فرهنگ ایران تقدیم داشته تا در سلسلهٔ انتشارات خود به چاپ برساند. لنینگراد: آکادمی شرق‌شناسی لنینگراد توسط انجمن فرهنگی ایران و شوروی تقاضا کرده است کتاب «بدایع‌الوقایع» تصحیح پرفسور بولدیرف در بنیاد فرهنگ ایران چاپ شود. این کار انجام گرفته و کتاب آمادهٔ توزیع است.

هلند: پرفسور آسموسن، استاد و متخصص زبان پهلوی، با بنیاد فرهنگ ایران قراردادی برای تألیف یک واژه‌نامهٔ پهلوی منعقد کرده و با همکاری یکی از ایرانیان مقیم هلند به تدوین این کتاب پرداخته است.

فرانسه: پرفسور پردومناش، استاد سالخوردهٔ زبان پهلوی که یکی از بزرگترین دانشمندان در این رشته است و سال‌هاست که به ترجمه و تفسیر یکی از کتاب‌های مهم پهلوی به‌عنوان «دینکرد» اشتغال دارد، تقاضا کرد که برای تکمیل این کتاب، بنیاد فرهنگ ایران با او همکاری کند. بنیاد فرهنگ یکی از جوانان دانشمند را که در این دستگاه کار می‌کرد و اخیراً به خدمت دانشگاه تهران درآمده بود، با موافقت دانشگاه تهران برای مدت یک سال به پاریس فرستاد و اکنون به کار علمی و تحقیقی مزبور اشتغال دارد.

از کشورهای دیگر نیز تقاضاهای متعدد برای همکاری رسیده است که مورد مطالعه است.

زردشتیان هند: عده‌ای از کتاب‌های پهلوی که نسخهٔ منحصر به فردی از آنها باقی است، چند قرن پیش، از ایران به هندوستان برده شده و در تصرف افراد زردشتی است که هنوز منتشر نشده و دست محققان و دانشمندان از آنها کوتاه است. بنیاد فرهنگ درصدد برآمد تا این نسخه‌ها را که در معرض نابودی است، به دست بیاورد و منتشر کند. پس از اقدامات متعدد بالأخره یکی از موبدان زردشتی هند را به ایران دعوت کرده و او دو کتاب پهلوی را با خود آورد و در مدتی کوتاه از آنها عکس‌برداری شد و به صورت افست به طبع رسید. آنچه از آثار پهلوی تاکنون منتشر شده، توسط دانشمندان خارجی در کشورهای غربی بوده و اینک نخستین بار است که نسخه‌های اصلی ادبیات پهلوی در ایران منتشر می‌شود. امید است این اقدام موجب شود که مالکان کتب دیگر پهلوی که هنوز ناشناخته مانده، تشویق شوند و نسخه‌های ادبیات پهلوی را که از ذخایر آثار مربوط به فرهنگ و زبان ایران است، برای انتشار در اختیار این مؤسسه بگذارند.

در ترکیه: دو تن از ادیبان ترکیه یک فرهنگ ترکی به فارسی تألیف کرده بودند که برای چاپ آن به کمک مالی احتیاج داشتند. بنیاد فرهنگ ایران تعدادی از نسخه‌های آن کتاب را پیش‌خرید کرد و فرهنگ مزبور به نام نامی اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه انتشار یافت. سپس به ایشان پیشنهاد شد که یک فرهنگ فارسی به ترکی نیز تألیف کنند و این فرهنگ به موجب قراردادی تألیف یافت و چون وسایل چاپ کتاب به خط فارسی در چاپخانه‌های ترکیه فراهم نیست، مقرر شد که در تهران به طبع برسد. این فرهنگ که فوق‌العاده مورد احتیاج است و در روابط فرهنگی و بازرگانی دو کشور تأثیر فراوان دارد، زیر چاپ است و به زودی منتشر خواهد شد.

مبادلات فرهنگی: از جملهٔ وظایف بنیاد فرهنگ ترویج کتاب‌ها و مجلات فارسی در کشورهای دیگر بوده است. در طی پنج سال اخیر هر ساله بیش از شش‌هزار نسخه کتاب و مجله برای مؤسسات علمی و دانشگاهی کشورهای همسایه و فارسی‌زبان یا فارسی‌دان مانند افغانستان و پاکستان و تاجیکستان و هندوستان و ترکیه و عراق ارسال شده است. علاوه بر آن، برای تمام مؤسسات علمی و تحقیقاتی کشورهای اروپا و آمریکا از انتشارات بنیاد فرهنگ به رایگان اهدا شده است. غالب پژوهندگان خارجی که با زبان و ادبیات و تاریخ و هنر ایران سروکار دارند، به توسط این مؤسسه کتاب‌های مورد احتیاج خود را به رایگان دریافت می‌کنند و هر روز تقاضاهای متعدد چه از مؤسسات علمی و چه از اشخاص برای دریافت کتاب‌های فارسی به بنیاد فرهنگ می‌رسد. در مقابل، مؤسسات و اشخاص مزبور نیز مرتباً نسخه‌ای از انتشارات خود را به این دستگاه می‌فرستند که برای تکمیل مجموعهٔ کتابخانه بسیار سودمند است.

انعکاس اقدامات بنیاد در جهان

اکنون در همهٔ مراکز علمی جهان که با زبان و تاریخ و ادبیات خاصه آنچه مربوط به ایران است، سروکار دارند، بنیاد فرهنگ ایران را به‌عنوان یک مؤسسهٔ تحقیقاتی معتبر شناخته‌اند و از متخصصان و اهل فن نامه‌های مکرر تشویق‌آمیز می‌رسد.

آکادمی مسکو برای تألیف فرهنگ فارسی به روسی توسط یونسکو تقاضا کرد که رئیس هیأت مؤلفان آن را برای کسب اطلاع بیشتر و کارآموزی به تهران بفرستد و این شخص که روبین چک نام داشت، سال گذشته به ایران آمد و مدت دو ماه در بنیاد فرهنگ ایران به آموختن نکات مربوط به این رشته پرداخت و در کتاب مزبور که اخیراً منتشر شده، تألیف فرهنگ بزرگ تاریخی زبان فارسی را از طرف این مؤسسه مژده داده است.

مؤسسهٔ مک گرو هیل آمریکا درصدد تألیف یک دایره‌المعارف بزرگ تاریخ جهان برآمده و از بنیاد فرهنگ در قسمت‌های مربوط به ایران و خاور نزدیک تقاضای همکاری کرده است. پرفسور فرای در مجلهٔ خاورشناسان آمریکا نوشته است: «نفاست انتشارات فرهنگ ایران باید مایهٔ شرمساری ناشران غربی باشد.»

کتابخانه

برای مراجعهٔ پژوهندگانی که در رشته‌های مختلف این مؤسسه به تحقیقات و مطالعه می‌پردازند، تأسیس کتابخانهٔ مجهزی در نظر گرفته شد که جامع کلیهٔ کتاب‌ها و رسالات و اسناد و مدارک مهم و لازم باشد. اکنون کتابخانهٔ بنیاد که دارای دوازده‌هزار جلد کتاب راجع به ایران‌شناسی به تمام زبان‌های جهان است، شامل کامل‌ترین مجموعه در ایران شمرده می‌شود و دانشمندان خارجی و استادان دانشگاه‌های ایران به آن مراجعه و استفاده می‌کنند.

بودجه و اعتبارات

قسمت اصلی درآمد بنیاد از محل عطیهٔ سالانهٔ علیاحضرت شهبانوی ایران به مبلغ ده‌میلیون ریال تأمین می‌شود. در سال‌های ۴۶ و ۴۷ سازمان برنامه کمکی به مبلغ پنج‌میلیون ریال سالانه تعهد کرده بود و پرداخت. اما در سال ۴۸ در نیمهٔ دوم سال اعلام کرد که دیگر هیچ‌گونه کمکی نخواهد کرد و بر اثر آن، این مؤسسه در خطر تعطیل قرار گرفت و برای آن که بتوان هزینه‌های جاری و تعهدات نسبت به چاپخانه‌ها و کاغذفروشان و غیره را تأمین کرد، ناچار این جانب به اقدامات مختلفی پرداخت. بالأخره تا پایان سال مبلغ دو میلیون ریال از اعتبار دولت دریافت شد. دو میلیون ریال بابت فروش حق تألیف فرهنگ اصطلاحات علمی از مؤسسهٔ فرانکلین اخذ شد و چون این مبالغ نیز

کفاف مخارج را نمی‌داد، ناچار دومیلیون ریال نیز به اعتبار شخصی وام گرفت تا سال را به پایان برساند.

در سال ۴۹ چنان که به عرض پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران و هیأت امنای رسید، هرگاه هیچ اقدام تازه‌ای انجام نگیرد و فقط به اتمام طرح‌های نیمه‌تمام که در دست اجراست، پرداخته شود، در نهایت صرفه‌جویی لااقل بیست و پنج میلیون ریال اعتبار لازم خواهد بود. از این مبلغ ده میلیون ریال از عطیۀ علیاحضرت تأمین و پرداخت شده و سازمان برنامه قرار است مبلغ چهارمیلیون ریال بپردازد. بنابراین تا پایان سال حداقل یازده میلیون ریال کمبود اعتبار است که فقط یک میلیون ریال آن از محل فروش کتب تأمین می‌شود.

برحسب امر علیاحضرت شهبانوی ایران سه ماه قبل با جناب آقای نخست‌وزیر در این باب مذاکره شد و ایشان وعده مساعدت دادند، اما هنوز نتیجه‌ای به دست نیامده است.
طرح‌های آینده

انتخاب پژوهندگانی که استعداد و ذوق تحقیق و مطالعه داشته باشند و همه وقت خود را در این راه صرف کنند، کار دشواری است و مدت‌ها وقت برای تربیت و آماده‌کردن ایشان لازم است. بنیاد فرهنگ ایران در رشته‌های مختلف همکارانی یافت که حاصل کارشان تاکنون بسیار مورد توجه بوده است. اما اعتبار بسیار ناچیز این مؤسسه موجب شد که حقوق و دستمزد ایشان فوق‌العاده کم باشد و متأسفانه پس از چندی اکثر ایشان به مؤسسات دیگر منتقل شده و بیش از سه چهار برابر حقوق دریافت می‌کنند و به این طریق زحماتی که در طی سه چهار سال برای تربیت ایشان کشیده شده، ضایع می‌شود و در غالب رشته‌ها کار معطل و معوق می‌ماند.

دو سال پیش طرحی برای تأسیس «پژوهشکده فرهنگ ایران» تهیه و برای تصویب، به وزارت علوم تقدیم شد که هنوز جوابی نرسیده است. منظور از تأسیس این مؤسسه این بود که از میان فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه‌های داخلی و خارجی عده معدودی که لیاقت و صلاحیت داشته باشند، انتخاب شوند و در این دستگاه به کار عملی بپردازند و درجات علمی بالاتر دریافت کنند و ضمناً برای شرکت در طرح‌های تحقیقاتی این مؤسسه آماده شوند. علاوه بر این، بنیاد فرهنگ ایران با کتابخانه مجهز و شعبه‌های متعددی که دارد، محتاج محل مناسبی است. تا چند ماه پیش موقتاً از چند اتاق در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی استفاده می‌شد، اما چون اتاق‌های مزبور مورد احتیاج مؤسسات جدید سازمان قرار گرفت، بنیاد فرهنگ ایران ناچار دو طبقه از عمارتی را در بلوار

الیزابت اجاره کرد و با آن که محل جدید برای این مؤسسه کافی و مناسب نیست، بر اثر این انتقال، سالانه در حدود دومیلیون ریال به هزینه این دستگاه افزوده شد. هرگاه اراده مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی بر ادامه خدمات این دستگاه قرار گیرد، از پیشگاه همایون استدعا می شود اوامر مطاع درباره تأمین نیازمندی های بنیاد فرهنگ و تأمین بودجه ثابتی که مناسب این خدمات باشد، شرف صدور یابد.

دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران، پرویز خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان قوام السلطنه، تلفن: ۳۰۵۳۰۷ و ۳۶۰۸۷. صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.

سند شماره ۴۹

سخنان قبل از دستور سناتور شمس الملوك مصاحب در خصوص زبان فارسی

[شیر و خورشید]

مجلس سنا

تاریخ: ۱۱/۲/۱۳۵۰ [۱۳]، شماره: ۱۴۷۷/ق، پیوست: دارد.

جناب آقای دکتر یگانه، وزیر محترم مشاور

احتراماً، نطق های قبل از دستور جلسه علنی روز دوشنبه، ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰، مجلس سنا را جهت ملاحظه جناب عالی به پیوست تقدیم می دارد.

رئیس اداره قوانین و کمیسیون ها و مطبوعات

مجلس سنا، نصرالله لسانی [امضا]

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

تاریخ: ۱۱/۲/۵۰، شماره: ۲۵۱۲

[مهر]: بازرسی شد.

سند شماره ۴۹/۱

جلسه ۱۵۷

نایب رئیس: بانو دکتر مصاحب، بفرمایید.

بانو دکتر مصاحب: در جراید شرحی دیدم که حقوق «گرید» فلان سازمان به فلان مبلغ رسیده است. راستش چند لحظه مردّد ماندم که این «گرید» چگونه چیزی می‌تواند باشد؟ متخصص و کارشناس خارجی است، سود است، زبان است، ماشین و اسباب مخصوصی است و خلاصه تصوراتی نظیر این‌ها. وقتی شرح زیرش را خواندم، دستگیرم شد که اگر خدای نخواست، کسر شأن «گرید» نشود، مقصود از «گرید» همان «پایه» خودمان است. نهایت امر اگر بگویند کسی «گرید» هفت است، چند سر و گردن از «پایه» هفت سرفرازی و برتری دارد. شاید هم واقعاً «گرید» چیز دیگری باشد. به هر صورت، خبری به این صورت به جراید داده شده و آنها هم عین خبر را درج کرده‌اند و بر آنها ایرادی نیست.

بنده بارها در این مجلس و همین چندی پیش در بحث از وظایف فرهنگستان بالصراحه عرض کردم که من تعصبی ندارم در این که در مورد لزوم و بنا به احتیاج لغات علمی و فنی خارجی برای مفاهیم و تعبیرات تازه که ما نداریم یا نتوانیم معادلش را بسازیم، به کار ببریم و یا لغات خارجی که استعمال آنها بین‌المللی شده است، بپذیریم، یعنی مفرداتی را بر حسب ضرورت و احتیاج و از روی بررسی و فهم و دانش بپذیریم نه این که سرحد زبان را باز بگذاریم تا هر کس یا هر دستگاه و هر مؤسسه از روی تفنّن، از روی فضل‌فروشی، از روی ندانم‌کاری، از روی بی‌علاقگی به حفظ و تقویت زبان فارسی و از روی ندانستن مضار استعمال بی‌مورد لغات خارجی هر کلمه خارجی که به زبانش آمد و یا دلش خواست، به کار برد و رواج دهد.

ضرر به کار بردن لغات خارجی در زبان فارسی در موارد غیرضروری بسیار زیاد است:

به استغنای زبان و به فصاحت و بلاغت آن صدمه می‌زند.

نسل جوان را به دل‌بستگی به زبان فارسی و آموختن آن بی‌اعتنا می‌کند.

به غرور ملی لطمه می‌زند.

به فرهنگ ملی لطمه می‌زند و آن را تحت استیلا و نفوذ فرهنگ بیگانه درمی‌آورد.

چه نیکو گفته است سناک د. مله‌ان SENAC DE MELHAN، نویسنده و متفکر اجتماعی فرانسوی در قرن هیجدهم، که گفته است: «ملتی که به زبانی به غیر از زبان خودش تکلم کند، بدون این که بفهمد و احساس کند، سجایا و فضایل و ممیزات ملی خود را از دست می‌دهد.»

چرا آنچه خود داریم، ز بیگانه تمنا کنیم و با داشتن گنجینه‌های سرشار از لغات و اصطلاحات و تعبیرات تنها از روی بی‌توجهی و بی‌علاقگی به دریوزه نزد این و آن شویم؟ و آن را شأن و افتخاری بدانیم و به وسیله آن به «گرید» بالاتر ارتقا یابیم.

متأسفانه بی‌توجهی به زبان فارسی در یک یا چند مرحله محسوس نمی‌شود، بلکه تقریباً در همه مراحل محسوس است و از همه مهم‌تر، در تعلیم زبان فارسی. در نوشته‌های عده زیادی از فارغ‌التحصیلان دبیرستان و دانشگاه اغلاط فاحش و عجیب و غریب املائی و انشایی و بی‌اطلاعی از سبک و سیاق و قاعده فارسی‌نویسی به چشم می‌خورد. این‌ها چند صباح دیگر خود معلم می‌شوند و ملاحظه فرمایید که از زیر دست آنها چه شاگردانی بیرون خواهند آمد. البته و خوشبختانه این موضوع تعمیم ندارد و ما جوانان علاقه‌مند و خوب تحصیل کرده بسیار داریم و ان شاءالله در آینده هم زیادتر خواهیم داشت.

در آبان ماه گذشته، شاهنشاه آریامهر هنگام معرفی اعضای فرهنگستان به پیشگاه معظم‌له اوامر مؤکدی صادر فرموده و هشدار عمومی در اهمیت زبان فارسی و حفظ و حراست آن به عموم داده و فرمودند: «حفظ و حمایت زبان فارسی مسلماً از مهم‌ترین مسئولیت‌های ملی ماست. بخصوص با توجه به این که این زبان، زبانی شیرین، توانا، اصیل و متکی به میراثی پر از مفاخر فرهنگی، هنری و انسانی است.» و سپس تأکید فرمودند که «تلاش مقدس برای حفظ و توسعه زبان فارسی که نه تنها سرمایه عظیم و گرانبه‌ای ملی ماست، بلکه در طول قرون وسیله تکمیل و گسترش تمدن انسانی و بشری بوده و یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های جهان را پدید آورده است، به عمل آید.»

خوب، عوامل حفظ و حمایت زبان فارسی در نزد ما کدام است؟ کدام تلاش مقدس برای حفظ و توسعه زبان فارسی شده است جز این که هر روز به نحوی از انحا لطمه‌ای به پیکر آن زده می‌شود. چهار سال پیش که در فرانسه بودم، شنیدم در امتحان دوره کامل متوسطه غلط املائی و انشایی در زبان فرانسه در هر رشته‌ای و نه تنها در رشته ادبی باعث رد شدن شاگرد می‌شود و ما اینجا از چند صفحه کتاب همین شاگرد از بیست نمره هفت آورده، قانعیم.

ما خوشبختانه داریم جشن دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی را برپا می‌کنیم. دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی و سروری و اقتدار شاهنشاهی که کوروش کبیر و بنیانگذار حقوق بشری اساس آن را بر روی رعایت حقوق بشری و انسان دوستی بنا نهاد. تا به امروز که شاهنشاه آریامهر این بنای سر به آسمان برافراشته را با انقلاب سفید با رعایت آزادی‌های فردی و اجتماعی و تحکیم حقوق بشری در جهان و تعمیم عدالت و انصاف محکم‌تر می‌سازند. این دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی، دوهزار و پانصد سال فرهنگ و افکار و اندیشه‌های تابناک و آثار اصیل و نجیب و مفخم و گرانبها دارد، اصولاً پایه‌اش بر روی این فرهنگ مستحکم است و زبان ما همین زبان شیرین و گهربار فارسی مبین این فرهنگ است. دریایی است که گوهرها و شاهوار علم و ادب و عرفان و پند و اندرز و غرور و سروری و اقتدار و همه چیز ما را در بر دارد. چرا در آموزش آن، در حفظ و حراست آن و در غنی‌کردن آن کوشش نمی‌شود؟ و با استعمال لغات نابجای خارجی وصله‌های ناهم‌رنگ و ناجور بر آن می‌زنند؟ (صحیح است)

این خفت و سرشکستگی و باعث کمال اندوه و تأسف است که حتی یک درصد دانش‌آموزان و دانشجویان ما نتوانند پنج بیت از ابیات شاهنامه را درست بخوانند و معنی کنند. یک عده زیادی از دیپلمه‌های ما که در دبیرستان چیزی از زبان فارسی نیاموخته بودند، راه دیار خارجه را در پیش گرفتند و پس از به دست آوردن مدارکی به ایران بازگشته و از تدریس در دانشگاه تا مقامات دیگر را احراز کردند و چون هیچ وقوفی به زبان فارسی نداشتند، مطالبی را که در خارجه و با زبان خارجی آموخته بودند، با لغات خارجی بیان کردند یا در ضمن نوشتن، لغات خارجی را در نوشته‌های خود آوردند و با کمال تأسف مشاهده می‌شود که آنانی که اصراری در به کار بردن لغات خارجی در موارد غیرضروری دارند، همان‌هایی هستند که نه زبان مادری خود را خوب می‌دانند و نه آن زبان خارجی را و در نتیجه، زبان تکلم و زبان کتابت آنها چیزی گنگ و مبهم و نارسا از آب درمی‌آید. حاجت به توضیح نیست که این توصیفی که کردم، فقط در حق عده‌ای صدق می‌کند، و الا چه بسا اساتید ارجمند و دانشمندان دیگری که سال‌ها در خارجه تحصیل کرده‌اند و در عین حال زبان فارسی را در کمال خوبی می‌دانند و از به کار بردن لغات خارجی جز در مورد ضرورت بکلی اجتناب می‌کنند.

عامل دیگری که تیشه به ریشه زبان فارسی می‌زند، چیزهایی است که به نام شعر نو عرضه می‌شود که با کمال تأسف باید گفت به تدریج در کنار شعر نو هیولایی هم به نام نثر نو دارد به وجود می‌آید. از خاصیت این شعر نو و نثر نو این است که عاری از معنی و مفهوم و ذوق سلیم است.

گرچه بارها عرض کرده‌ام، باز هم تکرار می‌کنم که شعر صحیح و معنی‌دار که دلالت‌کننده بر معنی و مفهومی و حاکی از ذوق و اندیشه باشد و از لحاظ سبک و سیاق زبان فارسی درست باشد، کهنه و نو ندارد و تحت هر عنوان گفته شود، نیکوست و پذیرفته می‌شود. اما آنچه مقصود من از این بیان است، گفته‌هایی است که نه مبتنی بر اندیشه‌ای است و نه معنایی دارد و نه ذوق و هنری در آن به کار رفته است. (صحیح است)

عامل مهم‌تر از همه این‌ها در تخریب زبان فارسی دفاع غیرمعتول و غیرمنطقی است که از این چیزهایی که به نام شعر نو مورد بحث است، می‌شود و مخصوصاً این که این‌ها را ادبیات معاصر و ادبیات جدید و ادبیات نسل جوان می‌نامند. ما امیدواریم و مایلیم یقین داشته باشیم که ذهن اکثریت جوانان ما سرشار از ذوق و لطافت و حسن تشخیص و تمیز است و این نامعقولات را که به زور به نام ادبیات نسل جوان به او تحمیل می‌کنند، نمی‌پذیرد. اما چه می‌شود کرد که طبع و نشر و رواج این‌ها برای نابالغان و نوجوانان دبستان و دبیرستانی مضر است و ذوق و اندیشه لطیف را در آنان می‌کشد. بالاخص که از ادبیات اصیل فارسی چیزی در دسترس آنان گذارده نمی‌شود و اصولاً ذهن و فکر آنان در راه درک و تفهیم و علاقه و دلبستگی به آثار ادبی و فرهنگی اصیل ایران پرورش داده نمی‌شود.

این مطلب مهم است. خانم‌ها، آقایان. خیلی هم مهم است.

با پرورش فکر و تلطیف ذوق و اندیشه نونهالان ما سروکار دارد. در همین روز سه‌شنبه، ۳۱ فروردین سال جاری، علیاحضرت شهبانوی ایران که به حفظ فرهنگ و آثار فرهنگی ایران کمال علاقه را دارند، در شرفیابی هیأت امنای [کانون] پرورش فکر [ی] کودکان چه تأکیدی فرمودند که «کودکان باید از همان سنین اولیه حیات با فرهنگ ملی آشنا شوند، زیرا فرهنگ عامل اصلی همبستگی و مایه قوام ملت است.»

مگر این زبان ما، زبان فصیح و غنی و شیرین فارسی و این ادبیات و شعر اصیل و فخیم فارسی نیست که مبین این فرهنگ و از ارکان محکم آن است. از فحول ادبا و دانشمندان در تعریف شعر گفته‌اند شعر در اصل لغت، دانش است و ادراک معانی به حدی صائب و اندیشه و استدلال راست و از روی اصطلاح سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متساوی، حروف آخرین آن به یکدیگر مانده و در این حد گفتند سخن مرتب و معنوی تا فرق باشد میان شعر و هذیان و کلام نامرتب بی‌معنی... الخ. روحشان شاد باد که آینده‌ای را می‌دیدند که هذیان و کلام نامرتب بی‌معنی به نام شعر عرضه شود.

حالا به این گفته‌ها توجه فرمایید:

شوم می‌تراود این شادی

و می‌بینم بوم بر حافظهٔ جوانش

از نمک می‌ترکد

و هفت بند تاریک

از مژه‌اش می‌چکد

می‌لمد رگ در باد

و می‌هراسد

هفت بند در هفت سلول

آویخته‌اند در سبز

گلوی بیگانه‌ای نقره‌ای

و چیزی دیگر به این نحو:

تو چشم‌بسته بر سیماب

تا انتظار دود و شرچی

و نمکِ گردن‌های گشاده

اینک - لیکن

تو جدایی از مات (خندهٔ سناتورها)

این‌ها را من انتخاب نکرده‌ام، کاغذ صدها جزوات و کتابچه و کتاب حرام شده و نظایر این چیزها رویش چاپ شده و به حد وفور در دسترس قرار دارد. یکی از این خوش‌ذوقان، ماه را زخم زرد شب خوانده و دیگری، آسمان پرستاره را با آن شکوه و جلال خیره‌کننده به صورت پرابله‌ای تشبیه کرده که آبله‌هایش به چرک نشسته. این‌ها تأسف‌آور است. این فکرها نارسا و مریض و علیل است. بنده حرفی ندارم و هیچ‌کس نمی‌تواند حرفی داشته باشد که فلان کس شعر بگوید و مطلب بنویسد یا نگوید و بنویسد و یا به چه نحو بنویسد. هر کس این آزادی را دارد، ولی رواج ترهات و نوشته‌های غلط و نامفهوم و بی‌معنی صحیح نیست. و گرنه ممکن است کسانی در ضمن تب یا اختلال مشاعر هذیان بگویند. بر هذیان گفتن که حَرَجی نیست. رسمیت‌دادن به آن و نشر و رواجش ناشایست است. این مسائل را با تبسم تلقی کردن و بدتر از همه، این‌ها را ادبیات نسل جوان خواندن دوستی با نسل جوان و حمایت از نسل جوان نیست. باعث ضلالت و گمراهی آنان است. وقتی جوانان از

تمام زبان و ادبیات فارسی جز چند صفحه کتاب دبستانی و دبیرستانی نخوانده و از آن هم فقط با نمره هفت قبول شده باشند، اصلاً با زبان فارسی بیگانه و با افکار بلند و اندیشه‌های تابناک و تخیلات وسیع و تشبیهات لطیف و دلنشین و از همه مهم‌تر، با وسعت و غنای زبان فارسی ناآشنا و بیگانه‌اند و در عوض آن همه تشبیهات دل‌نشینی که در ادبیات فارسی برای آسمان و ستارگان است، آسمان را به صورت پرآبله تشبیه می‌کنند و در عوض آن همه توصیفات که از چشمه‌های زیبا شده، آن را به کویر تشبیه می‌کنند.

اصولاً قضاوت کردن در این که زبان فارسی رسا یا نارساست، کار همه کس نیست. کار تقلیدی هم نیست. کار سیاستمداران هم نیست. کار کسانی است که یک عمر در این دریای بیکران غوطه خورده باشند، مطالعات کافی داشته باشند، گفته‌هایشان مستند به دلیل و برهان و مأخذ باشد. بی‌مطالعه و تحقیق و یا برای اظهار وجود کردن یا برای خوشامد عده‌ای که نمی‌شود گفت زبان نارساست و باید هر لغت خارجی که به دستمان رسید یا بر زبانمان گذشت، در آن وارد کنیم یا هر رطب و یابسی را به‌عنوان ادبیات نو بپذیریم.

من با کمال تأثر و تأسف از سهل‌انگاری‌های متمادی که تاکنون در تعلیم زبان و ادبیات فارسی در شناساندن ...^۱

نایب رئیس: آقای پروفیسور جمشید اعلم، فرمایشی دارید؟

پروفیسور جمشید اعلم: خواستم توضیحی بدهم.

بفرمایید.

پروفیسور جمشید اعلم: بنده بسیار متأثرم که خانم دکتر مصاحب چنین فرمایش‌هایی پشت تریبون فرمودند و گوشه‌ای هم به کتاب‌های دانشگاه زدند. خانم دکتر، کتاب‌هایی که در دانشگاه نوشته شده است، درش بسیار زحمت کشیده شده است و انصافاً خوب هم نوشته شده است. خود من هم از کسانی هستم که از آن کتاب‌ها نوشته‌ام. ولی اگر اجبار و نداشتن لغت بنده را مجبور کرد که در آن کتاب لغت خارجی استعمال کنم، تقصیر من نیست. ان‌شاءالله فرهنگستان تشکیل می‌شود و لغت می‌گذراند و ما لغاتی را که فرهنگستان تصویب کرده است، به جای آن لغات خارجی می‌گذاریم. این که فرمودند که اگر در اروپا به لغات خارجی حرف بزنند، مردود می‌شوند، چنین نیست. بنده «باکالارا» خود را در فرانسه گذرانده‌ام، دیپلم (دتای) فرانسه دارم، پروفیسور (اگر ژه) فرانسه هستم و کلمه خارجی انگلیسی هم گفتم و کسی مرا رد نکرد.

۱. بقیه متن در پرونده نبود.

شما الآن زبانتان عربی است؟ کلمه ان شاءالله چیست؟ مگر عربی نیست؟ پس زبان خارجی است. خود شما را چندین بار دیدم که فرمودید مرسی. لفظ مرسی مگر خارجی نیست؟ کلمه اتوبوس [و] کمیسیون مگر لغات خارجی نیست؟ در همین مجلس شما کمیسیون می‌کنید و این لفظ را بارها به زبان می‌آورید. اینها یک لغاتی است که مصطلح است. در خود فرانسه لغات مصطلحی پیدا شده که از انگلیسی آمده است و همچنین در زبان انگلیسی لغاتی است که مصطلح است و از زبان فرانسه آمده است.

اینها ایراد نیست. گمان نمی‌کنم خانم که کار به آنجا رسیده باشد که سرکار عالی این‌طور ناراحت باشید. البته یک لغاتی است که مصطلح است و کتاب‌هایی هم که در دانشگاه نوشته شده است، به وسیله استادانی بوده است که زحمت کشیده‌اند مانند مرحوم دکتر امیراعلم مانند دکتر لقمان‌الملک و همچنین مانند آقای دکتر صالح و بنده و دکتر شمس و پروفسور عدل. ما زحمت کشیده‌ایم و جان کنده‌ایم و این کتاب‌ها را نوشته‌ایم و طوری نوشته‌ایم که دانشجویان بفهمند و مسلماً خانم، آنان می‌فهمند. منتها در آن لغات خارجی وجود دارد و این هم تقصیر کسی نیست. در کتاب‌های فرانسوی هم گاهی از مواقع لغات خارجی دیده می‌شود.

راجع به شعر نو بگذارید هر کس هرچه دلش می‌خواهد، بگوید. آیا شما گوش می‌کنید یا من گوش می‌کنم؟ بگذارید ماه را به زخم زرد شب تشبیه بکنند. ماه ما همان است که هست و ماه حافظ و سعدی می‌باشد. هیچ کس هم نمی‌تواند این ماه را تغییر بدهد.

نایب رئیس: خانم دکتر مصاحب، فرمایشی دارید؟

دکتر مصاحب: می‌خواستم توضیحی بدهم.

بفرمایید.

بانو دکتر مصاحب: چون در عرایض بنده تحریفی شد، مجبورم توضیحاتی بدهم.

بنده که در ابتدای عرایضم عرض کردم که با به کار بردن لغات علمی و فنی که معادل آن‌ها را در زبان فارسی نداریم، به دست اشخاص و مطلع و بصیر مخالفتی ندارم. ولی نه این که سرحد زبان باز باشد و هر لغتی را که بخواهند، در آن وارد کنند.

راجع به کتب دانشگاه مطلقاً من حرفی نزدم و این استنباط ایشان است. این که فرمودند ما عربی صحبت می‌کنیم، بسیار متأسفم. ما عربی صحبت نمی‌کنیم، ما فارسی صحبت می‌کنیم. ما لغات عربی را گرفته‌ایم، ولی به سبک و سیاق و روش فارسی آنها را به کار می‌بریم.

اگر من راجع به زبان فارسی و فرهنگ ملی حرف می‌زنم و با علاقه هم حرف می‌زنم، برای این است که عمر خود را بر سر آن نهاده‌ام و به آن واقعاً علاقه‌مندم و عشق می‌ورزم. در مورد شعر نو آن قسمتی که نارسا است، فرمودند در ایشان تأثیر نمی‌کند. البته در بنده و ایشان دیگر تأثیر نمی‌کند، ولی در نوجوانان ذوق لطیف را می‌کشد.

سند شماره ۴۹/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۵۰/۲/۱۸، شماره: ۳۱۷۰، پیوست: دارد.

وزارت فرهنگ و هنر

احتراماً، در جلسه روز دوشنبه، ۵۰/۲/۶، مجلس سنا ضمن نطق‌های قبل از دستور، سرکار بانو سناتور مصاحب در خصوص فرهنگستان و زبان فارسی مطالبی اظهار فرموده‌اند که رونوشت آن به پیوست ارسال می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید مفاد آن را مورد بررسی قرار داده و از نتیجه‌ای که باید به اطلاع ایشان برسد، نخست‌وزیری را مستحضر فرمایند.

وزیر مشاور، یگانه

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۳۵۰/۲/۱۸، ۱۰:۵۰]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۵۰

پیشنهاد امیرعباس هویدا مبنی بر اعطای نشان به حسین خطیبی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۵۰/۸/۱۸، شماره: ۲۹۷۳۶

جناب آقای هرمز قریب، رئیس کل تشریفات شاهنشاهی

در شرفیابی یکشنبه، ۵۰/۸/۱۶، از پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر استدعا شد به پاس خدمات آقای حسین خطیبی، مدیرعامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران، اجازه فرمایند نامبرده به دریافت نشان مفتخر گردد. این استدعا مورد تصویب ذات ملوکانه واقع گردید. لذا خواهشمند است در اولین فرصت که فهرست اسامی کسانی که به دریافت نشان مفتخر می‌گردند، به شرف‌عرض همایونی می‌رسد، نام آقای حسین خطیبی را منظور و اوامر مطاع ملوکانه را ابلاغ فرمایید.

امیرعباس هویدا [مهر امضا]

[مهر ساعت و تاریخ]: ۱۴:۱۰، ۱۳۵۰/۸/۱۸

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۵۱

پیام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر، در خصوص بزرگداشت اقبال لاهوری

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات

جناب آقای میرفخرایی

پیرو مذاکره تلفنی به قراری که تحقیق شد، در سال ۱۳۴۹ دبیر افتخاری جمعیت دوستداران اقبال از طریق سفارت شاهنشاهی تقاضا می‌کند که اعلی حضرت شاهنشاه به مناسبت پنجاهمین سال مرگ اقبال پیامی مرحمت فرمایند. مراتب به شرف‌عرض می‌رسد، مقرر می‌فرمایند اگر در سال‌های گذشته پیامی فرستاده نشده، در سی و دومین سال هم ضرورت ندارد و سفیر در مراسم شرکت

کند. در سال گذشته نیز از طرف سفیر شاهنشاه آریامهر در پاکستان چنین تقاضایی می‌شود، وزارت امور خارجه جواب می‌دهد با توجه به سابقه امر انجام پیشنهاد میسر نیست.

علی‌هذا با توجه به سابقه متنی برای پیام جناب آقای نخست‌وزیر تهیه و ارسال می‌شود. فرداً ملاحظه نماید. اگر جناب آقای نخست‌وزیر پیامی ارسال فرمایند، تصور می‌رود محل دریافت پیام میان جمعیت دوستداران اقبال در پاکستان باشد، نه جمعیت محدود پاکستانی‌های مقیم تریپولی.

با تشکر [امضا: ناخوانا] ۱۳۵۱/۱/۱۷

[حاشیه راست: خیلی فوری است. مذاکره با وزارت امور خارجه.]

سند شماره ۵۱/۱

قائم مقام وزیر امور خارجه

آقا امیرمسعود میرفخرایی

پیام ضمیمه بسیار خوب و طنز تنظیم شده است. اگر به همان سلاست به انگلیسی برگردانده شود، بس نیکو خواهد بود.

[امضا: احمد میرفندرسکی]

[حاشیه پایین، اول: خیلی فوری است.]

[حاشیه پایین، دوم: فرمودند به انگلیسی و فردا تقدیم شود. از سفیر پاکستان هم سؤال شود که به فارسی یا انگلیسی باید ارائه گردد. ۵۱/۱/۲۱]

سند شماره ۵۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت اطلاعات

پس از من شعر من خوانند و دریابند و می‌گویند

جهانی را دگرگون کرد یک مرد خودآگاهی

علامه اقبال

سخن از سراینده بزرگی است که پرتو اندیشه والایش شرق و غرب جهان را درنوردیده است. سخن از بزرگمردی است که تا پاکستان در جهان است (که همیشه پایدار و جاودانه باد) و تا زمانی که

شعر و ادب فارسی به خود می‌بالد (که همواره بالنده و سرفراز باد)، نام او جاودانه بر تاریخ این سرزمین‌ها خواهد بود.

پاکستان، کشور برادر و هم‌مرز ایران، اگرچه مملکتی جوان است، ولی فرهنگی بس کهن و تاریخی دارد؛ فرهنگی که پا به پای تاریخ و تمدن دیرپای همسایه دیوار به دیوارش، ایران، رشد کرده، بالغ شده و به ثمر رسیده است. و در این میان، بزرگمردی که اینک از او سخن می‌گوییم، محمد اقبال، شاعر بزرگ پاکستان، مظهر این فرهنگ و تمدن برتر است که با پشتوانه‌ای از نهصد سال سنت‌های اصیل و دیرپای زبان فارسی در شبه‌قاره هند به این فرهنگ سیمای تازه‌ای می‌بخشد.

درست است که پیش از اقبال صدها نویسنده پارسی‌گوی آثار جاودانی از ادب فارسی در این شبه‌قاره بر جای نهاده‌اند، اما اقبال از آن گروه اندک و انگشت‌شمار اندیشمندانی است که دفتر همه پیشینیان را درنوردید و خود بر تارک تاریخ ادب و فرهنگ ملت خویش و منطقه وسیعی از جهان جای گرفت. همان‌طور که حافظ نه فقط گذشتگان، بلکه بزرگان هم‌زمان و پس از خویش را نیز تحت‌الشعاع قرار داد.

اقبال نخستین سخن‌سرای غیرایرانی است که عرفان عمیق و اندیشمندانه شعر فارسی را در کار خود راه می‌دهد و به شیوه بزرگانی چون سنایی و مولانا جلال‌الدین یا فخرالدین عراقی سخن می‌گوید.

نکته اینجاست که دشواری این شیوه، یعنی آمیختن عرفان و ادب فارسی و این واقعیت که سخن‌سرایان ایرانی چنین شیوه‌ای را به حد کمال رسانیده بودند، باعث شده بود که تا قرن‌ها پس از آنان هیچ‌کس را شهامت دست‌یازیدن به حریمشان یا حتی پیروی از مکتبشان نباشد. و در حقیقت کسی را جرأت آن نبود که سر به سر سروده‌های عطار یا مثنوی مولانا بگذارد. ویژگی کار اقبال قبل از هر چیز در این است که با شهامتی بسیار به مقابله ابرمردان شتافت و شگفت این که به خوبی نیز از عهده برآمد. برهان قاطع بر این ادعا مجموع سروده‌های اقبال است که اینک جاودانه در معرض داوری ما و نسل‌های پس از ما قرار دارد. اما این تنها ویژگی کار بزرگ اقبال نیست. مهم این است که تفکرات این اندیشمند بزرگ به همان نسبت که از اندیشه‌های والا و پسندیده مشایخ تصوف ایران برخوردار است، معارف جدید، فلسفه‌ها و حکمت‌های نوین شرق و غرب را نیز منعکس کرده است. یعنی مجموعه‌ای از تصوف قرون پنجم و ششم هجری است که با اندیشه و دانش پیشرو قرون نوزدهم و بیستم میلادی در هم آمیخته تصوفی است که اندیشه‌های سنایی و مولانا را با هگل و کانت و شوپنهاور و نیچه و بودا و برهما و کنفسیوس آشتی داده است.

اقبال نه فقط درخشان‌ترین اختر ادبیات پاکستان، بلکه زنده‌کننده ادبیات فارسی در میان دوستداران کثیر زبان فارسی قاره آسیا نیز هست. وطبعاً اگر ما ایرانیان از اقبال تجلیل و ستایش می‌کنیم، جز یک ادای دین و سپاسگزاری نسبت به شخص او و ملت برادر پاکستان نمی‌تواند باشد. از همه این موارد که بگذریم، اقبال چون زنجیری استوار پیوند دیرین فرهنگی و ادبی ایران و پاکستان را به مراتب مستحکم‌تر ساخت و از این دیدگاه نیز بر هر دو ملت برادر دینی عظیم و تاریخی دارد. و مخصوصاً مردم پاکستان هیچ‌گاه نقش ارزنده او را در استقلال پاکستان از یاد نمی‌برند. چرا که اقبال مردی است که محمدعلی جناح، قائد اعظم پاکستان، درباره او گفته است: اقبال نه تنها یک متفکر، بلکه راهنما و رفیق من بود. در تاریک‌ترین روزگار مسلم لیگ چون صخره‌ای مستحکم و پابرجا ماند و هرگز متزلزل نشد. سخن را با تک‌بیتی از این بزرگمرد آغاز کردیم و به‌عنوان حُسن ختام با چند بیت از مثنوی او که منعکس‌کننده افتخارات و پیشکسوتی ملل شرق و در رأس آنها ایران و پاکستان است، به پایان می‌بریم:

عشق را ما دلبری آموختیم	شیوه آدمگری آموختیم
هم هنر، هم دین ز خاک خاور است	رشک گردون خاک پاک خاور است
وانمودیم آنچه بود اندر حجاب	آفتاب از ما و ما از آفتاب
هر صدف را گوهر از نیسان ماست	شوکت هر بحر از طوفان ماست
فکر ما جویای اسرار وجود	زد نخستین زخمه بر تار وجود
داشتیم اندر میان سینه داغ	بر سر راهی نهادیم این چراغ

سند شماره ۵۱/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

حسب‌الامر عالی ترجمه انگلیسی پیام به مناسبت روز علامه اقبال به‌عنوان جامعه پاکستانی مقیم تریپولی (لیبی) همراه با متن فارسی آن (تهیه‌شده در وزارت اطلاعات) که مورد تأیید وزارت امور خارجه (جناب آقای میرفندرسکی) نیز قرار گرفته، تقدیم می‌گردد.

چنانچه مورد تصویب عالی قرار گیرد، ترتیب مخابره و ارسال فوری آن از طریق وزارت امور خارجه داده خواهد شد. ضمناً در اجرای اوامر عالی از سفیر پاکستان سؤال شد، اظهار داشت بهتر است متن انگلیسی به‌عنوان جامعه پاکستانی ارسال شود.

با احترام [امضا: میرفخرایی] ۵۱/۱/۲۲

[حاشیه پایین، اول:] فرمودند متن پیام انگلیسی به آدرس جامعه پاکستانی تریپولی تلگراف شود. ۵۱/۱/۲۲ [امضا: میرفخرایی]

[حاشیه پایین، دوم:] اقدام شد. ۵۱/۱/۲۲

[حاشیه پایین، سوم:] در پرونده مجزا بایگانی شود. ۵۱/۲/۲۲ [امضا: میرفخرایی]

[حاشیه چپ:] آقای مصلحی، توجه و اقدام فرمایید. ۵۱/۳/۲۳

سند شماره ۵۱/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

رونوشت کلیه اوراق و سوابق مربوط به پیام جناب آقای نخست‌وزیر به مناسبت روز اقبال

[حاشیه پایین:] اصل تقدیم حضورشان گردد. ۵۱/۱/۲۲

سند شماره ۵۲

فهرست هیأت همراه نخست‌وزیر در سفر به افغانستان

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۵۱/۱۲/۱۶، شماره: ۵۶۰۱۸

وزارت امور خارجه

به پیوست فهرست اسامی ۲۸ نفر همراهان جناب آقای نخست‌وزیر در مسافرت به کشور افغانستان ایفاد می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به صدور گذرنامه معظّمه و همراهان ایشان اقدام لازم معمول فرمایند.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی
رونوشت به انضمام فهرست مذکور برای اطلاع و اقدام لازم به اداره کل امور مالی نخست‌وزیری ارسال می‌شود. وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی
رونوشت برای اطلاع آقای محمد صفا، مدیرکل دفتر اختصاصی نخست‌وزیر ارسال می‌شود. وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی
[مهر ساعت و تاریخ: ۱۰:۲۰، ۱۳۵۱/۱۲/۱۶]

سند شماره ۵۲/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

صورت اسامی همراهان جناب آقای نخست‌وزیر در مسافرت به افغانستان (۲۱ الی ۲۳/۱۲/۵۱) نخست‌وزیری:

جناب آقای صفی اصفیا، وزیر مشاور و نایب نخست‌وزیر در امور عمرانی و اقتصادی

جناب آقای پرویز راجی، سفیر شاهنشاه آریامهر و مشاور نخست‌وزیر

آقای محمد صفا، مدیرکل دفتر اختصاصی نخست‌وزیر

سروان خسرو رأفت

آقای اصغر سلیمی علمداری

آقای محمد موسوی

آقای حیدر عرب
 آقای قدرت‌الله منصور، مستخدم مخصوص
 وزارت امور خارجه:
 جناب آقای فرتاش، معاون سیاسی وزارت امور خارجه
 جناب آقای حسین شهیدزاده، رئیس اداره پنجم سیاسی
 آقای هوشنگ عامری، رئیس دفتر جناب آقای فرتاش
 خانم شیرین امیرطهماسبی (دبیر دوم)
 جناب سناتور پرویز ناتل خانلری
 جناب آقای ذبیح‌الله صفا
 گروه رادیوتلوویزیون:
 آقای مرتضی لطفی، خبرنگار رادیو ایران
 آقای ناصر گیوه‌چی، فیلمبردار
 آقای امیر نظران، دستیار فیلمبردار
 آقای حسن ایل‌بیگی، صدابردار
 آقای منصور شمس، رپرتر تلویزیون
 آقای تورج فرازمنده، سرپرست گروه
 گروه مطبوعات:
 آقای امیر طاهری، روزنامه کیهان انگلیسی
 آقای نصیر امینی، روزنامه کیهان فارسی
 آقای علی باستانی، روزنامه اطلاعات
 آقای پوردا، روزنامه اطلاعات
 آقای داریوش همایون، روزنامه آیندگان
 آقای مهدی قریب، ندای ایران نوین
 خبرگزاری پارس:
 آقای جوانشیر، خبرگزاری پارس
 آقای عباس پیروزبخت، عکاس خبرگزاری پارس

سند شماره ۵۳

مکاتبات مربوط به تندنویسی و اختصارنویسی در فارسی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۱۳۵۲/۶/۱۱، شماره: ۱۲۵۲۴

جناب آقای دکتر منوچهر شاهقلی

وزیر علوم و آموزش عالی

اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر امر و مقرر فرموده‌اند که مطالعاتی درباره امکان ایجاد سیستم اختصارنویسی (شورت هند) در ایران به عمل آید.

در اجرای اوامر مطاع ملوکانه از وزارت امور خارجه خواسته شد کتاب‌هایی راجع به روش اختصارنویسی زبان عربی از سفارتخانه‌های شاهنشاهی بخواهند تا مورد مطالعه قرار گیرد. به پیوست پنج جلد کتاب که از وزارت امور خارجه ارسال شده است، فرستاده می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید کمیسیونی از اشخاص ذی‌صلاحیت به منظور مطالعه کتب مزبور تشکیل شود تا موضوع اختصارنویسی در ایران را بررسی نمایند. از نتیجه امر این‌جانب را مستحضر فرمایید.

امیرعباس هویدا [مهر امضا]

سند شماره ۵۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت علوم و آموزش عالی، دفتر وزیر

[تاریخ: ۱۳۵۲/۹/۱۱]

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۱۲۵۲۴، مورخ ۵۲/۶/۱۱ متضمن اوامر مطاع مبارک ملوکانه مبنی بر مطالعه درباره امکان ایجاد سیستم اختصارنویسی فارسی به استحضار می‌رسد:

موضوع در کمیسیونی مرکب از متخصصین امر مورد مطالعه قرار گرفت و کتاب‌های روش اختصارنویسی به زبان‌های مختلف در اختیار ایشان قرار داده شد و پس از بحث و مذاکره نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

اختصارنویسی (شورت هند) در زبان‌های لاتین که بیشتر حروف صدادار و اعراب در خود کلمات نوشته می‌شود، مفید می‌باشد. در خط فارسی تقریباً از تمام حروف صدادار و اعراب کلمات در نوشتن صرف نظر می‌شود و اگر به طور شکسته از نقطه‌گذاری نیز صرفه‌جویی گردد، همان اختصارنویسی خواهد بود و ایجاد علامات اختصاری برای خط فارسی به منظور خلاصه‌نویسی شاید کار را مشکل‌تر کند.

روش فوق یعنی استفاده از خط شکسته بدون نقطه و اعراب هرگاه توأم با تمرین زیاد و همچنین با ایجاد بعضی علامات اختصاری جهت کلمات طولانی و کثیرالاستعمال باشد، نتیجه مطلوبی عاید خواهد کرد.

چندی قبل یک نفر متخصص پاکستانی برای همین موضوع به ایران آمده بود و مدت شش ماه در سازمان‌ها و مدارس عالی مشغول تعلیم و تمرین اختصارنویسی گردید. نتیجه‌ای که گرفته شد، این بود که زمان لازم برای تندنویسی و اختصارنویسی فارسی تقریباً مساوی و برابر یکدیگر تشخیص داده شد.

از طرف اعضای کمیسیون توصیه شد که در مورد تندنویسی (نه اختصارنویسی) خط فارسی و یادداشت‌برداری مطالعه و روش مناسبی برای آن انتخاب شود که متضمن یکسان‌کردن املا و کلمات نیز باشد.

مراتب بدین وسیله به استحضار می‌رسد تا چنانچه با اصل پیشنهاد یعنی مطالعه در تندنویسی به جای اختصارنویسی (شورت هند) موافقت فرمایند، کار مطالعه دنبال شود و نتیجه به عرض عالی برسد.

با تقدیم احترام، وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر منوچهر شاهقلی [امضا]

[حاشیه پایین: سابقه.]

[حاشیه بالا: ۱. عمل کنند. [درباره بند ۱. ۲. نامه به دفتر مخصوص شاهنشاهی.]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

تاریخ: ۱۳۵۲/۹/۱۲، شماره: ۶۷۱۷۸

سند شماره ۵۳/۲

گزارش به مقام وزارت علوم از دکتر سلیم نیساری

استاد دانشگاه تهران

[تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۳۵۲]

کوتاه‌نویسی در خط فارسی

منظور از کوتاه‌نویسی استفاده از روشی خاص در خط است که بتوان مطالب را به همان سرعت عادی سخن گفتن ثبت کرد. به زبان انگلیسی چنین خطی Shorthand گفته می‌شود و یادداشت‌برداشتن با این خط را در اصطلاح انگلیسی Stenography می‌گویند. از چنین خطی غالباً برای ضبط مذاکرات در مجالس قانونگذاری و دادگاه‌ها استفاده می‌شود. همچنین خبرنگارها و منشی‌ها برای یادداشت‌کردن مطالب (که از گفتار شخص دیگری جهت تهیه خبر یا نامه یا گزارش استفاده می‌کنند) این خط را به کار می‌برند.

شواهدی در دست است که معلوم می‌سازد که کوتاه‌نویسی و استفاده از روش‌های گوناگون اختصار در خط لاتین از نخستین سدهٔ میلادی مورد توجه بوده است. همهٔ روش‌هایی که در آغاز به کار می‌رفت، بر اساس ادغام‌هایی در خط بود. ولی در سال ۱۷۵۰ یک نفر انگلیسی به نام William Tiffin راهنمایی برای کوتاه‌نویسی منتشر ساخت که بر اساس تلفظ (فونتیک) تنظیم شده بود. پس از او چندین نفر روش او را دنبال و به تدریج تکمیل کردند.

روش کوتاه‌نویسی پیتمن: در سال ۱۸۳۷ ایزاک پیتمن (Isaac Pitman) کتاب معروف خود را در این باب منتشر ساخت و از آن تاریخ تاکنون روش او به نام روش پیتمن مشهور و در کشورهای اروپایی و آمریکا مورد استفاده می‌باشد. خط پیتمن همان‌طور که اشاره شد، بر اساس تلفظ تنظیم شده است و اصولی که در آن رعایت شده، به طور خلاصه از این قرار است:

در ترسیم اشکال حروف از خط‌های سادهٔ هندسی به صورت مستقیم یا منحنی استفاده می‌شود. روی‌هم‌رفته ۲۶ شکل برای معرفی صامت‌های انگلیسی به کار می‌رود. ۱۶ شکل اول از این ۲۶ شکل در واقع ۸ شکل بیشتر نیست، اما به وسیلهٔ باریک یا پهن نوشتن معرف ۱۶ صامت می‌باشد. دوازده مصوت به وسیلهٔ استفاده از یک نقطه یا تیرهٔ کوچک مشخص می‌شود. برحسب این که این نقطه یا تیره در برابر قسمت بالا یا وسط یا پایین علامت صامت گذاشته شود و همچنین برحسب این که نقطه یا تیره نازک یا درشت نوشته شود، معرفی مصوت‌ها به عمل می‌آید.

خط پیتمن بر روی کاغذهای خطدار نوشته می‌شود و قرار گرفتن هر حرف در بالا یا پایین یا روی سطر معرف آن است که یک مصوت در اول یا آخر یا وسط کلمه وجود دارد.

روش کوتاه‌نویسی گرگ: جان رابرت گرگ (John Robert Gregg) در سال ۱۸۸۸ روش خود را به چاپ رساند و سپس به آمریکا رفت و در آنجا به معرفی روش خود پرداخت. این روش در حال حاضر بیش از هر روش دیگر در آمریکا رواج دارد و در غالب آموزشگاه‌ها تدریس می‌شود. اصول آن به شرح زیر است:

برعکس روش پیتمن نازکی و پهنی خطوط دخالتی در اختلاف میان حروف ندارد. شکل حروف کوتاه‌نویسی به شکل حروف در خط عادی لاتین نزدیک‌تر و شبیه‌تر است. مصوت‌ها بدون این که قلم از روی کاغذ برداشته شود، به طور منظم در جای معین خود نوشته می‌شود.

برای شناسایی صامت‌ها و مصوت‌ها برعکس روش پیتمن از عامل قرارگرفتن حروف در بالا و پایین یا روی خط استفاده نمی‌شود.

شکل حروف بیشتر به صورت منحنی نوشته می‌شود.

در روش‌های کوتاه‌نویسی علاوه بر اختصار در نوشتن حروف بعضی از کلمه‌های اساسی نیز که بیش از دیگر کلمه‌ها تکرار می‌شود، به صورت‌های کوتاه قراردادی نوشته می‌شود. علامت‌های اختصاری: یک وسیله کوتاه‌نویسی (که در همه زبان‌هایی که از خط لاتین استفاده می‌کنند، معمول است) حذف قسمت‌های اخیر کلمه‌های معروف و اکتفاکردن به قید در سه حرف اول آن می‌باشد. مانند اسامی ماه‌های انگلیسی که مثلاً به جای January تنها Jan و به جای December تنها Dec. نوشته می‌شود. همچنین قید نخستین حرف کلمه‌ها به جای تمام کلمه از زمان‌های قدیم معمول بوده است. مانند نوشتن P.S به جای Postscripture. این روش در نام‌های خاص و اصطلاحات علوم و معارف گوناگون به کار می‌رود و بعضی از فرهنگ‌ها سیاهه‌ای از آنها درج می‌کنند.

کوتاه‌نویسی در خط فارسی: اصولاً باید توجه داشت که یکی از ویژگی‌های خط معمولی فارسی همان گرایش به کوتاه‌نویسی است. با مقایسه با خط لاتین، حروف در خط فارسی اگرچه در سطر، فاصله عمودی بیشتری را اشغال می‌کنند، اما پهلوی هم جای کمتری می‌گیرند و کوتاه‌تر و در نتیجه، سریع‌تر نوشته می‌شوند. حذف مصوت‌های o.e.a اگرچه گاهی قرائت را دچار اشکال می‌سازد، اما به کوتاه‌نویسی کمک می‌کند. تلحیف‌هایی مانند نوشتن ترکیب «ی» به صورت «ء» در مثال‌هایی چون خانه بزرگ و یا ادغام حروف مشدد یا حذف حروف مکرر مانند گرایش به نوشتن داود به جای داوود از جمله موارد متعدد کوتاه‌نویسی در خط فارسی است. البته دو خاصه در خط

فارسی این امتیاز تندنویسی و کوتاه‌نویسی را تضعیف می‌کند که یکی، کثرت نقطه‌ها و دیگری، بی‌نظمی و غیرمنطقی بودن خط از نظر اتصال و انفصال برخی از حروف در برابر بعضی دیگر است. مشکل کثرت نقطه‌ها: در خط فارسی یک شکل شبیه به زاویه قائمه برحسب قرار گرفتن یک یا دو یا سه نقطه در بالا و پایین آن معرف شش حرف ب. ی. پ. ن. ت. ث می‌باشد. گذشته از آن، ضرورت دقت در نوشتن نقطه‌ها در محل صحیح خود و گاهی ضرورت تحریر آنها به طور مجزا (همچنان که در خط نستعلیق معمول است) موجب کندی در نوشتن می‌شود.

برای رفع این محذور دو راه معمول است: یکی، صرف نظر کردن از نوشتن نقطه‌هاست که اگرچه سرعتی محسوس حاصل می‌شود، اما در مقابل بسیاری از کلمه‌ها با کلمه‌های دیگر (که اختلاف آنها به وسیله نقطه امکان دارد) موجب اشتباه می‌شود و یا به صورت نقوشی ناخوانا درمی‌آید. طریق دوم نوشتن دو نقطه (..) به صورت تیره (-) و نوشتن سه نقطه (...) به صورت‌های () و شبیه آنهاست که در خط شکسته و خط تحریری امروزی معمول می‌باشد.

مسئله حروف منفصل: مخلوط شدن فاصله‌های اصلی و فرعی در خط فارسی به عبارت دیگر، مشخص نبودن فاصله بین کلمه‌ها و فاصله بین اجزای متعلق به یک کلمه (البته در کلمه‌هایی که در وسط آنها حرف منفصل قرار دارد) نه تنها موجب بروز اشتباه در تشخیص کلمه‌ها و اشتباه در تلفظ می‌شود، بلکه از دید تندنویسی، نوشتن هر حرف منفصل سبب می‌شود که قلم از روی کاغذ برداشته شود و در نتیجه، از سرعت تحریر کاسته می‌شود.

کدام راه را باید برگزید؟

برای تنظیم یک روش کوتاه‌نویسی برای خط فارسی سه راه مختلف به نظر می‌رسد:

الف) کوتاه‌نویسی فارسی به روش جهانی: باتوجه به این که خط بین‌المللی پیتن و گِریگ هر دو بر اساس تلفظ تنظیم شده‌است، می‌توان روش ویژه‌ای برای کوتاه‌نویسی فارسی بر مبنای مثلاً خط گِریگ تنظیم کرد. اگر چنین پیشنهادی مورد تأیید باشد، باید پس از آن که خط کوتاه‌نویسی فارسی به وسیله افراد ذی صلاحیت تنظیم شد، در یکی دو کلاس مورد آزمایش و ارزشیابی قرار گیرد.

ب) ابلاغ خط ویژه کوتاه‌نویسی بر مبنای خصوصیات خط قبلی: در چنین خطی باید کوشش بشود که شکل حروف به نحوی ممتاز بشود که نیاز به استفاده از نقطه نباشد و استثنای حروف منفصل نیز ملغی شود. احتمال موفقیت در تنظیم چنین خطی خیلی ضعیف به نظر می‌رسد.

ج) تکمیل خط شکسته و استفاده از علامات اختصاری: تصور می‌شود که در حال حاضر راه ساده و عملی برای کوتاه‌نویسی و تندنویسی در فارسی استفاده از خط شکسته است. البته امکان اقدامات

مکملی نیز در جهت ازدیاد خاصه کوتاه‌نویسی و تندنویسی در خط شکسته وجود دارد. اقدامات زیر تنها به قصد مثال ذکر می‌شود:

۱. کوشش شود برای بعضی از حروف نقطه‌دار تا آنجا که موجب پیچیدگی و دشواری دیگری نشود، شکل متفاوتی معمول گردد. به طور مثال چون نوشتن کلماتی مانند سود با شود و سال با شال پس از حذف نقطه موجب اشتباه می‌شود. ممکن است قرار گذاشت که حرف س به طور کاملاً افقی و حرف ش به صورت مؤرب نوشته شود. در این صورت اختلاف میان شود با سود یا سال با شال محسوس خواهد بود.

۲. برای مقداری از کلمه‌های اساسی که زیاد مصطلح است، یک شکل ساده با حذف نقطه و سرکش معین شود. همچنان که در خط شکسته فعلی هم کلمات راه، که، دو، این، برای به ترتیب به صورت نوشته می‌شود.

۳. در هر رشته از مباحث علمی و فنی و هنری برای اصطلاحاتی که زیاد تکرار می‌شود، حروف یا علامات اختصاری معین شود. مثلاً در حرف ت، ت که به این صورت نوشته می‌شود:.... ممکن است برحسب موضوع بحث معرف «تعلیم و تربیت»، «تلفن و تلگراف» یا «تاکسی تلفنی» باشد. این گزارش در واقع به منزله یک مقدمهٔ موجز در باب کوتاه‌نویسی تلقی می‌شود. هرگونه توضیح بیشتر در هر قسمت ضرورت داشته باشد، متعاقباً تقدیم می‌گردد.

سند شماره ۵۳/۳

[شیر و خورشید]

وزارت علوم و آموزش عالی، واحد: دفتر ترویج علوم

تاریخ: ۲۲/۱۱/۵۲ [۱۳]، شماره: ۲۲/۵۸۷، پیوست: دارد.

دوست ارجمند، جناب آقای هادی هدایتی

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

موضوع: بررسی سیستم کوتاه‌نویسی در ایران

عطف به نامه‌های ۷۰۳۵۶، ۱۳۵۲/۱۰/۲۵ و ۴۸۰۱۴، ۵۲/۱۱/۱۰، جهت بررسی سیستم اختصارنویسی در ایران جلسات متعددی مرکب از اساتید دانشگاه و استادان فن در وزارت علوم و آموزش عالی تشکیل و تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ گشت:

چون تندنویسی و اختصارنویسی فارسی نیاز به کوتاه‌نویسی دارد، لذا بهتر است از این پس برای آن اصطلاح «کوتاه‌نویسی» به کار برده شود. مبنای کار بر استفاده از خط شکسته و صرف‌نظر نمودن از نقطه‌گذاری که خود نوعی کوتاه‌نویسی است، قرار خواهد گرفت. برای کلمات مرکب و بسیاری از اسامی باید علامت اختصاری تهیه شود چون کلمه «ماد» که برای «مؤسسه اعتباری دانشگاه» ساخته شده است. آقای سلیم نیساری، استاد دانشگاه تهران، مأمور تهیه طرح مقدماتی سیستم کوتاه‌نویسی شدند. به ضمیمه طرح مقدماتی فوق ارسال می‌گردد. نتیجه بررسی طرح مقدماتی مزبور به استحضار خواهد رسید.

وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر منوچهر شاهقلی [امضا]

[حاشیه پایین، اول:] سابقه.

[حاشیه پایین، دوم:] این موضوع در مدت زمان نسبتاً طولانی به نتیجه خواهد رسید.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۵۲/۱۱/۲۷، شماره: ۷۲۶۷۶

سند شماره ۵۳/۴

[شیر و خورشید]

وزارت علوم و آموزش عالی، دفتر وزیر، واحد: دفتر ترویج علوم

امر قرین‌الشرف همایونی را درباره انجام مطالعاتی در روش‌های کوتاه‌نویسی در ایران به تاریخ ۵۲/۶/۱۱، وزارت علوم و آموزش عالی افتخار استحضار پیدا کرد و مأموریت اجرای آن را به دفتر ترویج علوم محول داشت. بلافاصله این دفتر افراد ذی‌صلاحیت را با جستجوی وافی در نظر گرفته و کمیسیون‌های متعددی را تاکنون تشکیل داده است. پس از تحلیل عوامل این امر جهان‌مطاع، فعالیت کمیته مأمور به سه بخش متمایز از هم تقسیم شد.

کوتاه‌نویسی بر اساس خط بین‌المللی کوتاه‌نویسی (Stenographie)

تندنویسی بر اساس خط شکسته

تعیین ضوابط برای علائم اختصاری

در مورد ۱ از این تقسیم سه‌گانه یا کوتاه‌نویسی بر اساس خط بین‌المللی با مطالعه نمونه‌های معمول از اصول کوتاه‌نویسی Stenographie در ممالک مختلف غرب و شرق منجمله مصر و سوریه و کویت، نخست به بررسی تألیفی که در حدود بیست سال پیش از جانب مرحوم ویلیام میرزا (پیوست شماره ۱) براساس شیوه پتمن برای خط فارسی به‌وجود آمده بوده، پرداخت و با مقایسه با امتیازاتی که روش Gregg نسبت به پتمن دارد (پیوست شماره ۲)، قرار شد که براساس روش گِریگ برای خط فارسی نیز شیوه کوتاه‌نویسی به‌جهت متخصصان و منشیان و افراد حرفه‌ای ابداع گردد. دروس مقدماتی این شیوه تهیه گردیده است. (پیوست شماره ۳) اگر اصول این پیشنهاد مورد تصویب قرار گیرد، در مورد شیوه‌های آموزشی و تعمیم آن بررسی‌هایی خواهد شد.

در مورد ۲ از این تقسیم سه‌گانه یعنی تندنویسی بر اساس خط شکسته. با مطالعه در آثار خطاطان گذشته، دو نکته به چشم می‌خورد:

برخی از ترکیبات خط شکسته فارسی صرفاً برای زیبایی به وجود آمده است.

برخی دیگر از ترکیبات این خط برای سهولت تحریر و تندنویسی.

با تفکیک این دو قصد و تأکید بر روی اصل ۲، امکانات ابداع شیوه تندنویسی با استفاده از خط شکسته (پیوست شماره ۴) مورد تحقیق قرار گرفت. از آنچه تاکنون به دست آورده‌ایم، روشن شده است که با تغییراتی در اصول این خط می‌توان نوعی تندنویسی برای اشخاص عادی که هنگام یادداشت‌برداری مورد استفاده قرار خواهند داد، به وجود آورد. لیکن این مسأله احتیاج به مطالعاتی مفصل در متون قدیم و کشف شیوه تحول سنتی آن دارد. اما پیش‌بینی می‌شود که خطی که بتواند بر اساس تندنویسی جواب نیازهای زندگی امروز را بدهد، چیزی شبیه شیوه‌ای خواهد بود در غرب Briefhand یا Shorthand – Longhand می‌گویند. (پیوست شماره ۵)

در مورد ۳ از تقسیم سه‌گانه فوق یعنی ضوابط علایم اختصاری، بعد از بررسی‌های لازم چنین نتیجه‌گیری شد که انتخاب علایم اختصاری در فارسی اصولاً ضروری است. همچنان که در پرونده نیز مفصلاً مشهود می‌باشد. (پیوست شماره ۶) قرار شد که در اتخاذ علایم اختصاری دو روش به موازات هم قبول گردد:

انتخاب حروف اول کلمات اصلی و قرائت آنها به طور جداگانه با نام حروف.

ترکیب کلمه‌ای مستقل از مجموع حروف اختصاری.

برای عملی‌شدن این منظور نام‌های حروف خط فارسی که اغلب موجب اشتباه بود، در طی پیشنهادی مشخص گردید. (پیوست شماره ۷) و نیز ضوابطی برای این که ترکیبات مناسب به وجود

آید، پیشنهاد شد. (پیوست شماره ۷) همچنین پیشنهاد شد که دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات ستونی هم برای ثبت علایم اختصاری تخصیص دهند. ضوابط این امر به طور مشروح تقدیم شده است. (پیوست شماره ۸)

اساس کار کمیته مستند به قواعد زبان‌شناسی و سنت‌های دیرین و اصول علمی جاری در این زمینه بوده است. (پیوست شماره ۸ و ۹)

در طرح پیوست یازده درس در این زمینه به شرح خیلی خلاصه زیر ارائه شده است:
درس اول: نسبت علایم یعنی بزرگی و کوچکی آنها در بیان صداهای مختلف و جهت نوشتن علایم.

درس دوم: نشان‌دهنده صداهای حروف مصوت ی ص ث ز گ ک ج چ ش و صدای آی با علامت دایره بزرگ شکسته.

درس سوم: سایر موارد علامت‌های دایره‌ای مربوط به صداهای ای و آ و ای و خ و علامات اختصاری و ترکیب آنها، صداهای مختلف در روش کوتاه‌نویسی گِ ر گ و تطبیق آنها با صداها یا الفبای متداول در زبان فارسی. علایم نقطه‌گذاری.

درس چهارم: علامات قوسی شکل و بحث درباره آنها.

درس پنجم: تمرین بیشتر و یادآوری و دو صدای رول. همچنین ج چ ش.

درس ششم: صدای آی و خ و علامات اختصاری برای کلمات کثیرالاستعمال و ترکیبها (از درهم‌آمیختن کلمات یا علایم اختصاری)

درس هفتم: صدای س، علامت مصدر، اصول الحاق علایم (خطوط مستقیم قوسی‌ها، دایره‌ها، نیم‌دایره‌ها) الحاق دایره‌ها به خطوط مستقیم، الحاق دایره‌ها به قوس‌ها.

درس هشتم: موارد کاربرد بعضی از صداها، علامات‌های اختصاری (قسمت دوم) دنباله درس گذشته در مورد علامات اختصاری.

درس نهم: علامات اختصاری برای بعضی دیگر از کلمات و جملات کوتاه، اعداد و تمرین در این زمینه.

درس دهم: علامات برای بعضی صداهای دیگر مانند آها و اها و غیره و صدای یای پسوند مند و علامات‌های اختصاری برای بعضی از کلمات و جملات کوتاه دیگر و تمرین در زمینه درس دهم.

درس یازدهم: مورد استعمال علامت دایره بزرگ برای صدای ای و آ علاوه بر صدای او. ترکیب دو صدای ن و گ، ن و د. نمایش صدای ع و ترکیب دو صدای پ و ن.

گزارش نهایی یا درس دوازدهم:

به منظور صرفه‌جویی در وقت لازم است از علائم اختصاری استفاده شده (مانند علامت اختصاری هُما برای هواپیمایی ملی ایران).

کلمات یک‌هجایی که از الفبای کوتاه‌نویسی پیشنهادی بر مبنای گِرگ ارائه شده است، کمتر از الفبای معمولی فارسی در هنگام نوشتن وقت می‌گیرد. (به علت داشتن حروف منفصله کمتر و استفاده خیلی کمتر از نقطه).

پرکاربردترین کلمات روزمره در شئون مختلف در سطح کشور جداگانه مورد مطالعه و تحقیق علمی دقیق قرار گیرد و علائم اختصاری برای هر یک و حتی بعضی از عبارات پرکاربرد وضع شود.

تدریس روش پیشنهادی برای معلمان که در رشته‌های منشی‌گری کشور درس تندنویسی فارسی می‌دهند و پس از مطالعات لازم در سطح کشور در دبیرستان‌های منشی‌گری پیاده شود.

ایجاد یک مرکز تربیت معلم برای تعلیم این اصول.

ده تمرین در زمینه پیشنهادی و برگردان آنها به شیوه مورد پیشنهاد.

درباره خط شکسته: ایجاد یک روش تندنویسی با بهره‌گیری از تلفیق این دو روش (روش تندنویسی غرب و مطالعه روش‌های سنتی خط شکسته) و تهیه مجموعه‌ای از شکل شکسته واژه‌های پرکاربرد.

اختصارنویسی: در این زمینه با مجلسین شورا و سنا و همچنین ستاد بزرگ ارتشتاران، وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ارتباط حاصل شود و طرح راهنمای لازم تهیه گردد و سپس دیکسیونر مربوطه تهیه شود.

در پایان درباره تعریف علائم اختصاری، تلفظ اختصارات، چگونگی ساخت اختصارات، پیشنهادات درباره اختصارات‌نویسی در فارسی و مثال‌هایی از فرهنگ معین، دهخدا [و] دکتر مصاحب ارائه شده است و نیز یادآوری این قبیل علائم است برای نام‌های اختصاری جدید بین‌المللی که پس از ترجمه و صورت اختصاری باید برای آنها ساخته شود و کلمات متداول کنونی مانند اوپک و اکافه همچنان مانند سابق به کار خواهند رفت.

با عرض احترام، حریری [امضا] ۵۴/۹/۱۸

سند شماره ۵۳/۵

[شیر و خورشید]

سازمان برنامه و بودجه، دفتر وزیر

تهران، ۱۳۵۳/۱۲/۳، شماره: ۵۶۸۹/ه/ن/۱۷۶۸۹

جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر

همان‌طور که استحضار دارند، برای تندنویسی (Shorthand) در زبان فارسی روش خاصی ابداع نشده که بتوان مانند کشورهای غربی از علامات به جای کلمات استفاده نمود و کوششی هم که تاکنون در این زمینه از طرف گروه‌ها و مؤسسات آموزشی به عمل آمده، موفقیت‌آمیز نبوده است و فقط تندنویسان مجلس طبق سلیقه شخصی برای معدودی کلمات تکراری علامات اختصاری به کار می‌برند. ضمن تحقیقی که از طریق سفارتخانه‌های شاهنشاهی ایران در کشورهای عربی‌زبان به عمل آمد، معلوم گردید در این کشورها نیز شیوه معینی برای تندنویسی وجود نداشته و آنچه مورد عمل قرار می‌گیرد، نوشتن کامل کلمات است.

با توضیح فوق، چنانچه آن جناب مصلحت بدانند، دستور فرمایند از طرف وزارت علوم و آموزش عالی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و در صورت امکان، نسبت به تهیه و تنظیم قاعده‌ای برای تندنویسی اقدام نمایند.

با تقدیم احترامات: عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه [امضا]

آدرس تلگرافی: تهران، برنامه.

[حاشیه پایین، اول:] به استحضار جناب آقای دکتر هدایتی، وزیر محترم مشاور، برسد. ۵۳/۱۲/۴

[حاشیه پایین، دوم:] سابقه.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۵۸۷۶۶، تاریخ: ۵۳/۱۲/۳

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۳/۶

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۵۳/۹/۱۱ [۱۳]، شماره: ۵۰۵۳۲

عطف به نامه شماره ۲۱/۳۲۸، مورخ ۵۳/۸/۲۸ درباره طرح کوتاه‌نویسی در سیستم زبان فارسی حسب الامر مطاع ملوکانه، خواهشمند است دستور فرمایید مطالعات را در این مورد تا حصول نتیجه نهایی تعقیب فرمایند.

وزیر مشاور و معاون اجرایی، هادی هدایتی

[حاشیه پایین:] مقابله شد.

[مهر ساعت و تاریخ:] ۱۱:۲۰، ۵۳/۹/۱۱

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۵۳/۷

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۵۴/۱۱/۲۷ [۱۳]، شماره: ۷۰۳۵۰، پیوست: ۱ برگ

جناب آقای معینان، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به مرقومه شماره ۲۰۰/۳۸، مورخ ۱۳۵۴/۱۰/۲۷ متضمن ابلاغ اوامر مطاع مبارک ملوکانه درباره نقطه‌گذاری در سیستم تندنویسی و امکان استفاده از دیکتافون، رونوشت نامه شماره ۹۰۹۸، مورخ ۱۳۵۲/۱۱/۲۰ وزارت علوم و آموزش عالی برای استحضار به پیوست ایفاد می‌شود.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

[حاشیه پایین:] بهروز سیاه‌پوش [امضا: کامکار] ۵۴/۱۱/۲۶

[مهر ساعت و تاریخ:] ۸:۵، ۱۳۵۴/۱۱/۲۶

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۵۳/۸

[شیر و خورشید]

وزارت علوم و آموزش عالی، دفتر وزیر

تاریخ: ۵۴/۱۱/۲۰ [۱۳]، شماره: ۹۰۹۸

دوست گرامی، جناب آقای هادی هدایتی

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

بازگشت به نامه شماره ۶۷۸۶۰ مورخ ۵۴/۱۱/۱ متضمن اوامر ملوکانه موضوع نامه ۲۰۰/۳۸، مورخ ۵۴/۱۰/۲۷ دفتر مخصوص شاهنشاهی به این شرح «در این گزارش راجع به نقطه‌گذاری توضیحی نداده شده است. ضمناً آیا دیکتافون نمی‌تواند جای این کار را بگیرد؟ گو این که ممکن است اقتصادی نباشد.»

گزارشی به شرح زیر ایفاد می‌گردد:

همان طوری که استحضار دارند، در اولین گزارشی که به شرف‌عرض همایونی رسید، پیشنهاد شده بود که در خط شکسته (یکی از راه‌های پیشنهادی جهت تندنویسی) از نقطه‌گذاری صرف‌نظر شود. لکن حسب‌الامر ملوکانه مبنی بر این که «مطالعات لازم در این مورد به عمل آورید، ولی در نظر داشته باشید که نقطه‌نگذاشتن ممکن است نوشتن را آسان‌تر کند، ولی خواندن را مشکل‌تر می‌کند و در نتیجه، برای خواندن وقت بیشتری را اشغال خواهد کرد» که طی نامه شماره ۱۵۰۶۳، مورخ ۵۲/۱۲/۱۲ دفتر مخصوص از طریق دفتر وزیر مشاور و معاون اجرایی طی نامه شماره ۷۴۲۷۲، مورخ ۵۲/۱۲/۱۸ به این وزارت ابلاغ گردید، لذا از آن پیشنهاد صرف‌نظر شد. چنانچه در گزارش اخیر مشاهده می‌شود که شکسته آن... پیشنهاد شده است. حرف الف به س چسبیده و نقطه ت به صورت خطی از دنباله ت روی ت از چپ به راست کشیده می‌شود. و یا برای سه نقطه علامتی به صورت صفر (۰) استفاده می‌گردد. یعنی همان روشی که کم و بیش معمول است.

در مورد استفاده از دیکتافون: کمیسیون مسئول بررسی امکان ایجاد سیستم کوتاه‌نویسی در خط فارسی پس از مطالعات پیگیرانه به این نتیجه رسید که استفاده از آن، سرعت مورد انتظار را در بسیاری از موارد ندارد، زیرا چه بسا که برای ماشین‌کردن یک مطلب ضبط‌شده چندین بار لازم است نوار از اول تکرار شود. ضمن این که در پاره‌ای موارد به علت آماده‌نبودن وسایل اولیه استفاده از دیکتافون غیرممکن و نت‌برداری به وسیله تندنویسی ضروری است، همین احساس احتیاج است که مخترعین سیستم‌های تندنویسی مشهور چون Pitman و Gregg همچنان در جستجوی

راه‌های ساده‌تر برای نت‌برداری می‌باشند و پیتمن آخرین تلاش متخصصین خود را در تاریخ ۱۹۷۵ تحت عنوان شورت هند/ ۲۰۰۰ منتشر نمود.

لذا اعضای کمیسیون استفاده از خط گرک (به علت این که پیش از خط پیتمن در ایران رایج است) و انطباق آن را با الفبای فارسی ضروری دانست که گزارش آن طی نامه شماره ۲۱۵۲۴، مورخ ۵۴/۹/۸ برای آن که از شرف‌عرض همایونی بگذرد، ارسال گشت.

دکتر عبدالحسین سمیعی، وزیر علوم و آموزش عالی [امضا]

[حاشیه پایین، اول]: به عرض می‌رسد. ۵۴/۱۱/۲۲

[حاشیه پایین، دوم]: سابقه.

[حاشیه راست]: رونوشت این نامه به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی تقدیم شود. [امضا: هادی هدایتی]

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۷۰۳۵۰، ۵۴/۱۱/۲۲

[مهر]: اندیکس شد.

سند شماره ۵۳/۹

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۵۴/۱۲/۲۴ [۱۳]، شماره: ۷۳۱۵۲

جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی

عطف به نامه شماره ۹۰۹۸، مورخ ۵۴/۱۱/۲۰ درباره نقطه‌گذاری در سیستم تندنویسی و امکان استفاده از دیکتافون، رونوشت نامه شماره ۲۰۰/۳۸، مورخ ۵۴/۱۲/۱۷ دفتر مخصوص شاهنشاهی به پیوست ایفاد می‌شود.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

[حاشیه پایین]: ۲۴ اسفند.

[مهر ساعت و تاریخ]: ۱۲:۴۰، ۵۴/۱۲/۲۴

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۵۳/۱۰

[تاج]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

[تاریخ: ۱۳۵۴/۱۲/۱۷، شماره: ۲۰۰/۳۸]

جناب آقای هدایتی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

موضوع: استفاده از خط Gregg در سیستم تندنویسی به علت انطباق آن با الفبای فارسی
گزارش شماره ۷۰۳۵۰، مورخ ۱۳۵۴/۱۱/۲۷ و یک برگ ضمیمه آن از شرف‌عرض گذشت و خاطر
مبارک ملوکانه مستحضر گردید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا: نصرت‌الله معینان]

[حاشیه پایین: رونوشت جناب آقای علم.]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

شماره: ۷۳۱۵۲، تاریخ: ۱۳۵۴/۱۲/۱۸

[مهر: اندیکس شد.]

سند شماره ۵۳/۱۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

به عرض عالی می‌رساند: احتراماً؛ در اجرای دستور ذیل نامه شماره ۲۱/۵۲۶، ۵۳/۱۲/۲۶ درباره طرح کوتاه‌نویسی در سیستم زبان فارسی، چون وزارت علوم و آموزش عالی مدت شش تا هشت ماه وقت برای انجام این کار در نظر گرفته، لذا برای اطلاع از چگونگی پیشرفت طرح فوق با خانم خطیبی، مدیرکل دفتر ترویج وزارت مزبور، تماس حاصل شد. اظهار داشتند کلاسی برای این طرح با شانزده برنامه از نیمه دوم اسفندماه ۱۳۵۳ در دبیرستان بازرگانی تهران تشکیل شده و اکنون برنامه چهارم مورد عمل می‌باشد. بنابراین اجرای کل این برنامه تقریباً چهار ماه دیگر وقت لازم دارد تا نتیجه آن معلوم گردد. مراتب جهت مزید استحضار به عرض می‌رسد.

با عرض ادب، احمد حریری [امضا] ۵۴/۲/۱۴

[حاشیه پایین، اول: بسیار خوب.]

[حاشیهٔ پایین، دوم: ادارهٔ بایگانی و آرشیو، لطفاً در تاریخ ۵۴/۶/۱۵ یادآوری فرمایید. متشکرم.

[امضا: جدیدی] ۵۴/۲/۱۵

[مهر: تاریخ تعقیب: ۵۴/۸/۲۸]

سند شمارهٔ ۵۴

تبریک نخست‌وزیر به شجاع‌الدین شفا و پرویز ناتل خانلری برای دریافت جایزهٔ

ادبی فردوسی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳۵۴/۴/۱۴، شماره: ۳۲۱۴۸]

جناب آقای شجاع‌الدین شفا

معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی

جناب آقای پرویز ناتل خانلری

دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران

تعلق جایزهٔ ادبی فردوسی مشترک ایران و شوروی به جناب‌عالی که تلاش‌های مستمر و ارزنده‌ای در زمینهٔ پژوهش ادب و فرهنگ ایران داشته‌اید، موجب نهایت خوشوقتی گردید. این توفیق را که نشانهٔ بارز شناسایی و اعتلای باز هم بیشتر فرهنگ و ادب ایران می‌باشد، به جناب‌عالی تبریک می‌گویم و مزید موفقیتان را آرزومندم.

امیرعباس هویدا [مهر امضا]

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۰:۰۰، ۵۴/۴/۱۴]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۵۴/۱

[تاج]

دربار شاهنشاهی

مرکز امور فرهنگی و مطبوعاتی

[تاریخ: ۱۳۵۴/۴/۱۶]

سرور ارجمند، جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر

اجازه می‌خواهد مراتب کمال سپاسگزاری قلبی خود را از بابت اظهار لطف خاص آن جناب به مناسبت دریافت جایزه ادبی فردوسی توسط این جناب به حضور عالی تقدیم دارد. عنایات و مراسم همیشگی آن جناب مسلماً در آینده نیز مانند گذشته مشوق این جناب و همه خدمتگزاران فرهنگ کشور در کوشش‌هایی خواهد بود که در راه فرهنگ و ادب پرافتخار ایران انجام می‌گیرد. با تقدیم خالصانه‌ترین مراتب احترام و ارادت، شجاع‌الدین شفا [امضا]

سند شماره ۵۵

پیشنهاد شورای عالی فرهنگ و هنر به محمدرضا شاه برای عضویت عیسی صدیق

در هیأت امنای بنیاد مولوی؛ به انضمام سوابق وی

[آرم]

شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

استدعا می‌شود با صدور فرمان همایونی، جناب عیسی صدیق^۱ را به عضویت هیأت امنای بنیاد مولوی و مرکز تحقیقات عرفانی مباهی و مفتخر فرمایند.

جان‌نثار، مهرداد پهلبد [امضا]

[حاشیه پایین: از شرف‌عرض پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر خواهد گذشت.

چاکر، امیرعباس هویدا

۱. این عضویت برای احمد آرام، فتح‌الله مجتبیایی، حسین خطیبی، مهدی محقق و علی دشتی نیز درخواست شده است.

سند شماره ۵۵/۱

اسم: عیسی، نام خانوادگی: صدیق، تاریخ تولد: ۱۲۷۳ شمسی، تهران
 تحصیلات: فارغ‌التحصیل از دارالفنون و مدرسه علوم دینی تهران. دانشسرای ورسای را در سال ۱۲۹۷ به اتمام رساند. از دانشگاه پاریس دانشنامه لیسانس دریافت کرد و در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخته است. در سال ۱۳۰۹ به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از دانشگاه مذکور به اخذ درجه دکتری در فلسفه نایل شد.
 بعضی از مشاغل قبلی:

بازرسی مدارس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلیمات عالی، معلم دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه حقوق، نماینده مجلس مؤسسان (۱۳۰۴)، ریاست تعلیمات عمومی کشور، ریاست و استادی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و دانشکده علوم، مأمور تهیه طرح دانشگاه تهران (مأمور تأسیس دانشگاه تهران از طرف دولت).

از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۶ پنج بار وزیر فرهنگ شد. در سال ۱۳۲۸ به نمایندگی مجلس مؤسسان و سپس به نمایندگی دوره اول مجلس سنا انتخاب گردید.

در سال ۱۳۳۲ مجدداً از تهران به نمایندگی دوره دوم سنا برگزیده شد.

در سال ۱۳۳۹ سمت وزیر فرهنگ در کابینه آقای شریف امامی.

بعضی از مشاغل کنونی: استاد ممتاز دانشگاه، عضو شورای عالی آموزش و پرورش، عضو فرهنگستان زبان، عضو شورای فرهنگی سلطنتی [و] عضو شورای عالی فرهنگ و هنر.
 آثار: تألیف ۱۶ جلد کتاب که مهم‌ترین آنها: ایران نوین و فرهنگ آن به زبان انگلیسی چاپ دانشگاه کلمبیا، تاریخ فرهنگ ایران، تاریخ فرهنگ اروپا، یک سال در آمریکا، یادگار عمر [و] سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین می‌باشد.

سند شماره ۵۶

نامه دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزارت فرهنگ در خصوص درخواست استادان

زبان‌شناس افغان برای همکاری با فرهنگستان زبان ایران

[تاج]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

[تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۱۱، شماره: ۱۸-۵۴۰، پیوست: دارد.]

جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر

موضوع: استدعای دانشمندان و استادان زبان‌شناس افغانستانی به منظور همکاری با فرهنگستان زبان ایران
حسب‌الامر مطاع مبارک ملوکانه، فتوکپی گزارش شماره ۳۵۳۰/دب، مورخ ۱۳۵۴/۸/۲۸ وزارت امور خارجه به پیوست ایفاد می‌گردد. اوامر مطاع مبارک ملوکانه به این شرح شرف‌صدور یافت: «دولت مطالعه نماید.»

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا: نصرت‌الله معینان]
[حاشیه پایین:] رونوشت به انضمام رونوشت خانم... متضمن ابلاغ امریه مبارک ملوکانه به جناب آقای وزیر فرهنگ و هنر ابلاغ شود. [امضا: هادی هدایتی] ۵۴/۹/۱۳
[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر
شماره: ۶۳۰۸۲، تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۱۲
[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۵۴/۹/۱۶ [۱۳]، شماره: ۶۳۰۸۲، پیوست: دارد، ۲ برگ

جناب آقای وزیر فرهنگ و هنر

رونوشت نامه شماره ۱۸-۵۴۰، مورخ ۵۴/۹/۱۱ دفتر مخصوص شاهنشاهی متضمن ابلاغ امریه مطاع مبارک اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه آریامهر درباره مطالعه استدعای دانشمندان و استادان زبان‌شناس افغان برای همکاری با فرهنگستان زبان ایران همراه رونوشت ضمیمه نامه مزبور ایفاد می‌شود. در امثال امریه مطاع مبارک ملوکانه و بر حسب دستور جناب آقای نخست‌وزیر، خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه مطالعه را اعلام فرمایند.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

[مهر ساعت و تاریخ:] ۱۱:۱۵، ۵۴/۵/۱۶

سند شماره ۵۶/۲

[شیر و خورشید]

دبیرخانه وزیر امور خارجه

تاریخ: ۱۳۵۴/۸/۲۸، شماره: ۳۵۳۰/دب، محرمانه

جناب آقای نصرت‌الله معینیان، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

به قرار نامه واصل از جناب آقای حسین داودی، سفیر شاهنشاه آریامهر در کابل، عده زیادی از دانشمندان و استادان زبان‌شناس افغانستان نزد ایشان گلابه نموده‌اند که متأسفانه اشخاص مختلف و مطبوعات در ایران خودسرانه لغاتی وضع می‌کنند که برای سایر فارسی‌زبانان جهان نامفهوم و بیگانه است و با بیان این مطلب که شما ایرانیان با این عمل به طور ناخودآگاه خود را از ما افغان‌ها جدا می‌سازید، زیرا به این ترتیب کم‌کم زبان فارسی متداول در ایران از سایر زبان‌های فارسی موجود در جهان جدا می‌شود. پیشنهاد کرده‌اند چنانچه از نظر ایرانیان، افغان‌ها فارسی‌زبان شناخته می‌شوند، به آنان و حتی فارسی‌زبانان دیگر جهان اجازه داده شود با فرهنگستان ایران در وضع لغات جدید همکاری نمایند.

جناب آقای داودی تقاضا نموده‌اند از آنجایی که موضوع اصولاً حایز اهمیت بسیار می‌باشد، از طرف وزارت فرهنگ و هنر که همواره سعی وافی در جهت اشاعه زبان فارسی دارد، در این مورد فکری بشود.

وزیر امور خارجه، عباسعلی خلعتبری [امضا]

سند شماره ۵۶/۳

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ و هنر

تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۲۵، شماره: ۱۶۴۶۷/۱۹۵۸

جناب آقای هادی هدایتی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

بازگشت به نامه شماره ۶۳۰۸۲ مورخ ۵۴/۹/۱۶ موضوع شرکت‌دادن دانشمندان افغانستان و کشورهایی که در آنها به زبان فارسی سخن گفته می‌شود یا زبان‌های آنان با فارسی در ارتباط نزدیک است، در واژه‌گزینی نوین فارسی، از چندی پیش مورد بررسی قرار گرفت و به زودی نتیجه آن به اطلاع خواهد رسید.

مهرداد پهلید، وزیر فرهنگ و هنر [امضا]

[حاشیة پایین:] به عرض عالی برسد. ۵۴/۹/۲۶

[حاشیة راست، اول:] جناب آقای هدایتی. ۹/۲۶

[حاشیة راست، دوم:] رونوشت پاسخ نامه وزارت. [امضا: هادی هدایتی]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۶۴۵۲۲، تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۲۵

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۷

مکاتبات مربوط به تغییر تقویم از هجری خورشیدی و مبدأ آن؛ به انضمام نظرات

شاهرخ مسکوب و محمد ابراهیم باستانی پاریزی درباره آن

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

[تاریخ:] ۱۳۵۴/۱۰/۷، [شماره:] ۳۰-۲۰۰/م، محرمانه

دوست ارجمند، جناب آقای متقی، معاون دربار شاهنشاهی

در امثال امریه مطاع مبارک ملوکانه که توسط جناب آقای نخست‌وزیر ابلاغ گردید، برای بررسی گاهنامه شاهنشاهی ایران جلسه‌ای با حضور جناب آقای شفا، معاون دربار شاهنشاهی، و جناب آقای بهروز، معاون سازمان برنامه و بودجه، در دفتر این‌جانب تشکیل شد. در این جلسه نامه شماره ۳۰۰-۱۰-۲، مورخ ۵۴/۹/۲۰ جناب آقای شفا به‌عنوان آن جناب مطرح و پس از مذاکراتی که انجام گرفت، سه پیشنهاد در مورد چگونگی تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی مطرح گردید که پس از بررسی‌های لازم شرح هر سه گزارش ضمن گزارش شماره ۴/۵۹۸۰، مورخ ۱۳۵۴/۹/۲۷ به استحضار جناب آقای نخست‌وزیر رسید. این گزارش به انضمام گزارش جناب آقای شفا، معاون دربار شاهنشاهی، و گزارش جناب آقای بهروز، معاون سازمان برنامه و بودجه، در شرفیابی مورخ ۲۹ آذر جناب آقای نخست‌وزیر در کیش به شرف‌عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسید. ذات مبارک ملوکانه سال جلوس کوروش کبیر (۵۵۹ ق.م) را به‌عنوان آغاز تاریخ شاهنشاهی ایران تصویب و امر و مقرر فرمودند تقویم شاهنشاهی ایران بر مبنای همین پیشنهاد تهیه و تنظیم گردد.

اینک رونوشت گزارش شماره ۵۹۸۰/۴، مورخ ۱۳۵۴/۹/۲۷ نخست‌وزیری و رونوشت گزارش‌های مورخ ۱۳۵۴/۹/۲۷ جناب آقای شفا، معاون دربار شاهنشاهی، و شماره ۵۰۵۲/۱۴/الف، مورخ ۱۳۵۴/۱۰/۱ جناب آقای بهروز، معاون سازمان برنامه و بودجه برای استحضار آن جناب ایفاد می‌شود که این موضوع را به هر نحو مقتضی می‌دانند، جزء برنامه‌های بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی منظور فرمایند.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

[مهر: با تجدید مراتب ارادت، هادی هدایتی]

[مهر: اداره رمز و محرمانه دربار شاهنشاهی]

شماره: ۱۰-۲۷۰-م، تاریخ: ۱۳۵۴/۱۰/۸

[مهر: محرمانه]

سند شماره ۵۷/۱

[شیر و خورشید]

دربار شاهنشاهی، مرکز امور فرهنگی و مطبوعاتی

تاریخ: ۱۳۵۴/۹/۲۰، شماره: ۳۰۰-۱۰-۲

جناب آقای امیر متقی، معاون دربار شاهنشاهی

پیرو مذاکره تلفنی درباره تهیه گزارشی در مورد پیشنهاد تغییر تاریخ هجری قمری و تاریخ هجری شمسی. علاوه بر این، تاریخ میلادی نیز از نظر آن که مرجعیت جهانی دارد، عملاً به صورت یک تاریخ رایج کشور درآمده است.

از نظر ملی و بین‌المللی، از این سه تاریخ دو تای آنها که تاریخ میلادی و تاریخ هجری قمری است، اصالت دارد، ولی تاریخ هجری شمسی یک ابداع استثنایی است که با آن که بر اساس اسلامی وضع شده، در هیچ یک از کشورهای اسلامی دیگر جهان مورد قبول نیست. به طوری که می‌دانیم در عموم کشورهای اسلامی یا منحصراً تقویم هجری قمری رایج است که جنبه مذهبی دارد و بر اساس سال ۳۵۴ رومی متکی است (و در ایران مسلمان نیز تا قرن حاضر صرفاً همین تقویم رعایت می‌شده است) و یا تقویم مسیحی و تقویم هجری قمری مشترکاً ملاک عمل است. به کار بردن تقویم هجری شمسی که از یک طرف، جنبه مذهبی دارد و از طرف دیگر، سال قمری در آن رعایت نشده است، در سه ربع قرن اخیر کشور ما را از این حیث بکلی از کلیه کشورهای مسلمان

و غیرمسلمان دیگر جهان جدا کرده است. اگر اتخاذ چنین روشی مورد قبول باشد، به نظر منطقی تر می‌آید که چنین تاریخ استثنایی لااقل یک تاریخ کاملاً ایرانی یعنی «تاریخ شاهنشاهی» باشد که طبعاً یادآور اصالت و استمرار تاریخی و ملی ما است و تاریخ اسلامی به همان صورتی مورد استناد و قبول باشد که در نزد سایر ملل اسلامی رایج است، نه به صورتی که در عین اسلامی بودن، برای دنیای اسلامی کاملاً ناآشنا است.

بر این اساس، سه تاریخ جداگانه: ملی، اسلامی [و] بین‌المللی به صورت تاریخ شاهنشاهی، تاریخ هجری قمری [و] تاریخ میلادی مسیحی می‌تواند به حسب نیازمندی‌های مختلف در ایران رایج باشد که در این صورت، این سه تاریخ برای سال جاری به ترتیب سال ۲۵۱۳ شاهنشاهی (بر مبنای بنیانگذاری شاهنشاهی ایران به دست کوروش بزرگ) سال ۱۳۹۵ هجری و سال ۱۹۷۵ میلادی خواهند بود. البته در صورت اتخاذ این روش، کار تبدیل مدارک و اسنادی که در طول نیم قرن اخیر ایران بر اساس تاریخ هجری شمسی تنظیم شده‌اند، تا مدتی ایجاد اشکال خواهد کرد. ولی با توجه به این که تبدیل این دو تاریخ فقط با افزودن رقم ۱۱۶۰ به تاریخ شمسی انجام می‌گیرد و اشکال فراوان تبدیل تاریخ هجری قمری را به تاریخ خورشیدی ندارد، از نظر عملی قابل قبول است. در صورتی که تبدیل تاریخ قمری به تاریخ خورشیدی با دشواری‌های بسیار همراه است. البته در صورت لزوم، می‌توان سال هجری شمسی را به صورت یک تاریخ رسمی کشور حفظ کرد و در این صورت، تاریخ شاهنشاهی را نیز به صورت یک تاریخ رسمی اضافی به تاریخ‌های هجری شمسی و هجری قمری کشور افزود.

با تقدیم مراتب احترام

معاون فرهنگی و مطبوعاتی دربار شاهنشاهی

[امضا: شجاع‌الدین شفا]

سند شماره ۵۷/۲

[شیر و خورشید]

دربار شاهنشاهی، مرکز امور فرهنگی و مطبوعاتی

[تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۵۴]

جناب آقای هادی هدایتی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

پیرو مذاکرات جلسه کمیسیون روز گذشته در دفتر آن جناب در مورد تعیین مبدأ «تاریخ شاهنشاهی» ایران که بر اساس گزارش تقدیمی مراکز امور فرهنگی دربار شاهنشاهی به پیشگاه مبارک ملوکانه در این مورد صورت گرفت، چون قرار شد نظریات مختلف کتباً مشخص گردد، بدین وسیله به استحضار می‌رساند:

از سه فرمول مختلف که برای شروع تاریخ شاهنشاهی پیشنهاد شد (تولد کوروش کبیر، جلوس کوروش کبیر به سلطنت [و] بنیانگذاری شاهنشاهی ایران همراه با صدور اعلامیه معروف کوروش) به نظر این جانب، اتخاذ دو فرمول اول و دوم به جهات ذیل قابل توجیه نیست:

سال تولد کوروش بزرگ اصولاً مشخص نیست و در هیچ منبع تاریخی نیز ذکر نشده است و بنابراین یک سال مبهم نمی‌تواند منشأ تاریخ قرار گیرد. مضافاً به این که اساساً تولد کوروش از لحاظ تاریخ ایران مظهر واقعه خاصی نیست که آن قدر اهمیت داشته باشد که مبدأ تاریخ ملی قرار گیرد.

سال آغاز سلطنت کوروش نیز که ۵۵۸ قبل از میلاد است، در واقع سالی است که وی پس از مرگ پدرش، کامبیز اول، به‌عنوان یک شاهزاده محلی به تخت سلطنت پارس نشست و بعد از آن تاریخ، قریب بیست سال به جنگ با مادها و لیدی و قبایل شرق ایران و غیره پرداخت تا آن که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد با فتح بابل و سقوط دنیای کهن، بنیانگذاری شاهنشاهی ایران را اعلام کرد و اعلامیه معروف خود را منتشر ساخت. در این مورد نیز تذکر این نکته ضروری است که جلوس یک پادشاه در تاریخ ایران ولو این پادشاه بنیانگذار سلسله هخامنشی باشد، امری استثنایی نیست که بتواند مبدأ تاریخ ملی قرار گیرد.

تاریخ ۵۳۹ پیش از میلاد که به‌عنوان مبدأ این تاریخ پیشنهاد شده، دارای این جنبه استثنایی است که از نظر تاریخی در واقع سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بر اساس اعلامیه معروف کوروش است که صدور آن را غالباً آغاز عصر نوینی در تاریخ جهان شمرده‌اند و به همین جهت بود که در سال ۱۳۵۰ این واقعه به صورت «بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بر اساس اعلامیه کوروش بزرگ» با شکوه و جلال خاص و به صورت جهانی مورد تجلیل قرار گرفت. با اعلام این سال به‌عنوان مبدأ تاریخ شاهنشاهی و ملی ایران در واقع بنیاد معنوی و انسانی و آزادمنشانه شاهنشاهی ایران اساس این تاریخ قرار می‌گیرد، نه تولد یا جلوس یک پادشاه که در تاریخ امری عادی است.

تذکر این تضاد تاریخی نیز بسیار جالب است که از سال صدور «منشور کوروش» (۲۵۱۴ سال پیش) با سال صدور منشور «انقلاب شاه و ملت» اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر (۱۴ سال

پیش) درست ۲۵۰۰ سال فاصله است و از نظر تاریخی، این تصادف جالبی است که دو منشوری که پرافتخارترین مدارک سراسر تاریخ ایران بشمار می‌آیند، دقیقاً با فاصله ۲۵۰۰ سال به‌عنوان بهترین مظهر استمرار عالی‌ترین اصول انسانی و معنوی در تاریخ این کشور به دست دو شاهنشاه استثنایی این تاریخ صادر شده باشند.

بر اساس توضیحات فوق، نظر این‌جانب کماکان این است که مبدأ تاریخ شاهنشاهی ایران سال بنیانگذاری این شاهنشاهی بر اساس اعلامیه کوروش کبیر باشد که در حال حاضر ۲۵۱۴ سال از آن می‌گذرد و بر این اساس، برای تبدیل تاریخ شمسی جاری به تاریخ شاهنشاهی کافی است رقم ۱۱۶۰ به ارقام سال شمسی افزوده شود.

با تقدیم احترامات فائقه

معاون فرهنگی و مطبوعاتی دربار شاهنشاهی

[امضا: شجاع‌الدین شفا]

سند شماره ۵۷/۳

[شیر و خورشید]

سازمان برنامه و بودجه

محرمانه

جناب آقای هادی هدایتی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

به پیوست خلاصه‌ای از مبدأ تاریخ شاهنشاهی تقدیم می‌گردد و به استحضار می‌رساند: مبدأ تقویم نیاز به محاسبات دقیق ریاضی و نجومی دارد و لازم است که مکان مبدأ تاریخ مشخص باشد و مختصات دقیق جغرافیایی آن تعیین گردد. لحظه‌ای که به‌عنوان مبدأ زمانی تاریخ در نظر گرفته می‌شود، باید با حساب دقیق ریاضی و نجومی و با دقت یک‌صدم ثانیه نسبت به مکان مشخص شده محاسبه و تعیین گردد.

در تقویم‌های ایران باستان مبدأ مکان، رصدخانه نیمروز واقع در عرض جغرافیایی ۳۳/۵ درجه شمالی و طول جغرافیایی ۶۰ درجه شرقی رصدخانه گرینویچ می‌باشد.

مبدأ زمان همیشه در تقویم‌های شمسی ایران با دقت حیرت‌آوری که از زمان زرتشت به یادگار مانده و خیام محاسبات آن را مجدداً روشن نموده است، لحظه تحویل آفتاب به نقطه اعتدال ربیعی است که به نام نوروز باستانی نامیده می‌شود و مطابق اول فروردین ماه و ۲۱ مارس مسیحی و اول

برج حمل در تاریخ رصد است. در این لحظه باید مکان آفتاب و ماه و سال‌های شمسی و قمری را روشن نمود تا در محاسبات تاریخی و نجومی اشکالات و اختلافات پیش نیاید. به همین مناسبت است که امروز ثابت می‌شود که سال شمسی هجری غلط است، چون هجرت حضرت رسول در اول فروردین‌ماه نبوده و مکان آن هم از مکه به مدینه می‌باشد که با مبدأ تاریخ شمسی هجری مطابقت ندارد. در حقیقت این یک تقویم ساختگی است که مبدأ زمان و مکان آن روشن نمی‌باشد. به همین دلیل نمی‌توان تاریخ فتح بابل یا هر نوع فتوحات دیگر یا وقایع از این قبیل را مبدأ تاریخ قرار داد، زیرا لحظه‌های زمان و مکان آن روشن نیست و مسلم است که مبدأ مکانی تاریخ شاهنشاهی را نمی‌توان شهر بابل در نظر گرفت و وقایع مهم مانند یکپارچه‌شدن اقوام آریایی پارس و ماد را خارج از تاریخ شاهنشاهی دانست. در حالی که تولد کوروش کبیر یا جلوس کوروش کبیر می‌تواند به‌عنوان مبدأ زمانی قرار گیرد که هرکدام که مورد تصویب ذات اقدس شاهانه قرار گرفت، لحظه دقیق تحویل آفتاب به نقطه اعتدال ربیعی و تعیین روز هفته و روزهای ماه قمری و مسیحی در این مبدأ با محاسبات ریاضی و نجومی تعیین و تقدیم خواهد شد. با تقدیم احترام: خسرو بهروز

معاون سازمان برنامه و بودجه [امضا]

شماره تلکس: ۲۶۴۲، شماره تلفن: ۳۰۷۱، آدرس تلگرافی: تهران، برنامه

سند شماره ۵۷/۴

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

به نظر این‌جانب، تقویم و مبدأ آن با تاریخ در این بحث‌ها مخلوط شده است. تقویم وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری و اختیار تقویم معینی در چگونگی تاریخ اثر ندارد. مثلاً اکثر نقاط و کشورهای جهان تقویم مسیحی را انتخاب کرده‌اند و حال آن‌که تاریخ‌های جداگانه‌ای دارند با ملیت‌های جداگانه. مثلاً تقویم ژاپنی‌ها، اعراب یا اروپای غربی مسیحی است و حال آن‌که دارای ملیت‌های جداگانه‌ای هستند.

این امر رابطه ملت‌ها را با گذشته‌شان نیز قطع نمی‌کند. همچنان‌که مثلاً تقویم مسیحی رابطه یونانیان را با تمدن گذشته آنها قطع نمی‌کند. به همین ترتیب تقویم هجری قمری یا شمسی نیز نمی‌تواند رابطه ایران را با تاریخ قبل از اسلام این کشور قطع کند. تغییر تقویم هجری شمسی اثر

اساسی در تقویت حس و غرور ملی ندارد. ایجاد این غرور و آگاهی ملی بیشتر از راه فهم و تدریس درست آن در مدارس ممکن و میسر است و راه‌های دیگر چندان کمکی نمی‌کند. در شرایط کنونی چون تقویم هجری شمسی با هجری قمری نسبتاً نزدیک است، ایجاد اختلاط فعلاً کمتر است تا آن که تقویم تازه‌ای اتخاذ شود.

شاهرخ مسکوب [امضا] ۵۴/۱۱/۱۸

سند شماره ۵۷/۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

[محمدابراهیم] باستانی پاریزی

به گمان من، از جهت این که تقویم یک مقیاس است، هر چه به اندازه‌های بین‌المللی نزدیک‌تر باشد، بهتر است. من خودم شخصاً در تاریخ‌هایی که می‌نویسم، همیشه سال میلادی را کنار سال قمری می‌گذارم که دنیا آگاه شود. این روزها سال میلادی جنبه بین‌المللی دارد و کشورهای آسیایی و اروپایی و آمریکایی و آفریقایی بدان رفتار می‌کنند و دنیا تاریخ خود را با پیش از میلاد و بعد از میلاد حساب می‌کند.

تاریخ شمسی بعد از ۱۲۹۰ که مورد محاسبه قرار گرفته، جز از جنبه‌های مالیاتی و خراجی ارزش دیگری ندارد. نه ملی و نه مذهبی. اما تاریخ‌های هجری بعد از اسلام را که در تمام تواریخ ما منعکس است، به سادگی نمی‌شود تبدیل به تاریخ جدید کرد و در کلاس و درس و تحقیق، تطبیق آن با سال‌های جدید مشکلات تازه به وجود خواهد آورد. من در کتاب از پاریز تا پاریس مشکلات کار و لزوم گرایش به یک تاریخ بین‌المللی را تأیید کرده‌ام. (مثل متر و کیلو و ساعت و هفته و سایر واحدهای بین‌المللی) علاوه بر آن، نمی‌دانم آیا واقعاً انتخاب سال جدید از جنبه ملی و میهنی آن قدر می‌تواند مؤثر باشد و ارزش آن را داشته باشد که همه کتب و آثار و اسناد تاریخی را مجدداً با آن تطبیق و مقایسه و توجیه کرد و آیا امکان خواهد داشت یا نه؟ اگر ما تقویم را تنها به‌عنوان یک مقیاس و واحد سنجش قبول کنیم، گمان کنم باید به صورت دیگر درین مورد تصمیم گرفت. چیزی که مسلم است باید وسایلی فراهم کرد که این تشتت و تکرار از جهت سال‌های قبل از میلاد و بعد از میلاد و هجری قمری و معتضدی و جلالی و خراجی و اکبری و امثال آنها لااقل در

کتب عمومی و دبیرستانی و آنها که مبتلابه همه است، نباشد و یک تاریخ بین‌المللی در برابر تاریخ مورد استثنا قرار بگیرد. با توجه به منابع تاریخ ما خصوصاً بعد از اسلام امکان پذیرفتن یک تاریخ جدید به جای تواریخ آنها بسیار مشکل است: اگر درست عمل نشود، باید یا منابع را کنار گذاشت یا تاریخ جدید را. بدین جهت فقط در مورد تاریخ پنجاه سال اخیر باید یک تصمیم عاقلانه گرفت و احتیاج به بحث در کمیسیونی از صاحب‌نظران دارد.

تاریخ ما البته از دوهزار و پانصد سال بیشتر است. اگر بنا باشد منبع و مأخذی انتخاب شود، چه دلیل دارد که این سال به عصر مادها و مثلاً ایامی که نینوا به دست هووخشتر سقوط کرد، یا دیاکو اکباتان را توسعه داد، نباشد؟ حق این است که استادان پیش از اسلام ما درین مورد اظهار نظر کنند. بنده چون تاریخ اسلام درس می‌دهم، ناچارم توضیح دهم که تطبیق تواریخ بعد از هجرت به سادگی صورت‌پذیر نیست خصوصاً که سال هجری در گردش است و دو زمان در عرض سال جابه‌جا می‌شوند. بنابراین اگر کاری شروع شود که امکان ختم و نتیجه‌گیری از آن مسلم و به سادگی میسر نباشد، از جهت حفظ حیثیت و پرستیژ، مصلحت آن است که شروع نشود یا لااقل قبل از انجام همه موارد لازم، شروع نشود. ما که هنوز یک تقویم تطبیقی سال‌های میلادی و قمری و شمسی نداریم، چگونه بتوانیم در سال آینده این کار مهم را انجام دهیم؟

سند شماره ۵۸

مکاتبات مربوط به برگزاری دوره آموزش زبان فارسی توسط بنیاد فرهنگ ایران

برای استادان و دانشجویان هندی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۱۷، شماره: ۱۰۷۸۲، پیوست: دارد.

وزارت امور خارجه

رونوشت نامه شماره ۱۱، مورخ ۲۵۳۵/۱/۱۵ بنیاد فرهنگ ایران درباره تقاضای آشناکردن مقامات سفارت شاهنشاهی ایران در دهلی نو یا چگونگی طرح مربوط به دعوت از استاد و دانشجوی هندی برای مسافرت به ایران به انضمام فتوکپی ضمائم برای اطلاع و اقدام لازم به پیوست ایفاد می‌شود. علی‌اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری

رونوشت عطف به نامه شماره ۱۱، مورخ ۲۵۳۷/۱/۱۵ برای اطلاع بنیاد فرهنگ ایران ایفاد می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید نماینده بنیاد در موارد لزوم به این‌جانب مراجعه نمایند.

علی‌اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری

[حاشیه پایین: یوسف مجتهدی. ۲۵۳۵/۱/۱۷]

[مهر تاریخ و ساعت: ۳۵/۱/۱۷، ۹:۰۰]

سند شماره ۵۸/۱

بنیاد فرهنگ ایران

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر معظم

به طوری که خاطر شریف مستحضر است، بنیاد فرهنگ ایران در اجرای اوامر ریاست عالی بنیاد برای گسترش زبان فارسی و معارف ایرانی و تشویق دانشجویان و استادان رشته زبان فارسی در ممالک همسایه، در سال گذشته از دو تن معلم فارسی دانشگاه اسلامی علیگر برای مسافرت سه‌ماهه‌ای به ایران دعوت کرد تا ضمن دیدار از ترقیات ایران امروز، به تمرین مکالمه فارسی بپردازند و نتیجه اقامت سه‌ماهه این دو دانشیار فوق‌العاده بود. در ادامه اجرای این طرح کم‌خرج و پراثر، برنامه‌ای برای دعوت در حدود پنجاه تن استاد و دانشجوی هندی در تابستان امسال تنظیم شده است که نسخه‌ای از شرایط آن همراه این نامه تقدیم می‌شود.

توفیق بنیاد فرهنگ ایران در اجرای این برنامه ظریف و سنگین موکول به عنایت خاص آن جناب است. مستدعی است مقرر فرمایند وزارت امور خارجه مقامات سفارت شاهنشاهی را در دهلی‌نو با چگونگی این طرح آشنا نمایند تا موجبات تسهیل کار خانم سعیدی، نماینده بنیاد، را فراهم سازند. در ضمن یکی از مقامات عالی نخست‌وزیری برای مراجعات بنیاد در این مورد تعیین شود که پس از این مزاحم وقت گران‌بهای جناب‌عالی نشویم.

با تجدید ارادت، دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران

پرویز خانلری [امضا]

[حاشیه پایین، اول: به استحضار جناب آقای خطابخش، معاون وزیر مشاور، برسد. ۲۵۳۵/۱/۱۵]

[حاشیه پایین، دوم: رونوشت نامه بنیاد فرهنگ ایران و رونوشت برنامه را برای اطلاع و اقدام وزارت امور خارجه ارسال و در پی‌نوشت نامه در پاسخ بنیاد بنویسید نماینده بنیاد می‌تواند به

این‌جانب مراجعه نمایند. [امضا: علی‌اصغر خطابخش] ۲۵۳۵/۱/۱۶]

[حاشیهٔ پایین، سوم]: جناب آقای مجتهدی. ۲۵۳۵/۱/۱۶

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیری

شماره: ۱۰۷۸۲، تاریخ: ۳۵/۱/۱۵

[مهر]: اندیکس شد.

سند شماره ۵۸/۲

اینجانب... متولد سال استاد/ دانشیار/ دبیر... ایالت... هندوستان که تاکنون از هیچ دعوت یا بورس ایرانی برای مسافرت به ایران استفاده نکرده‌ام، از بنیاد فرهنگ ایران تقاضا دارم نام مرا در ردیف داوطلبان استفاده از بورس مسافرت مطالعاتی سه‌ماهه به ایران منظور دارند.

سوابق کار و مشخصات دیگر من بدین شرح است:

مدرک تحصیلی... از دانشگاه... در سال... گرفته‌ام.

هم‌اکنون درس... را در کالج/ دانشکده... تدریس می‌کنم.

سابقهٔ تدریس من در زبان فارسی... سال است.

کتاب‌ها و مقاله‌هایی که تاکنون از طرف من به زبان فارسی یا دربارهٔ تاریخ و فرهنگ ایران به زبان‌های دیگر منتشر شده است و نسخه‌ای از آنها همراه این نامه است، بدین شرح است:

الف) اسم کتاب‌ها و سال انتشار

ب) عنوان مقالات و نام و شمارهٔ مجله

محل امضا

این ورقه را پر کنید و همراه نسخه‌ای از کتاب یا مقاله‌هایی که منتشر کرده‌اید، به این آدرس

بفرستید: Miss Saidi, P.B.3043, NEW DELHI

بنیاد فرهنگ ایران به تقاضانامه‌ها رسیدگی و مناسب‌ترین را انتخاب می‌کند.

در صورت پذیرفته‌شدن درخواست شما تا دهم ماه می برنامهٔ سفر برایتان فرستاده خواهد شد.

هزینهٔ رفت و برگشت از دهلی‌نو به تهران و همچنین مبلغ چهل و پنج‌هزار ریال هزینهٔ اقامت

سه‌ماهه در ایران از طرف بنیاد فرهنگ ایران پرداخت خواهد شد.

سند شماره ۵۸/۳

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۲۳، شماره: ۴۹

آقای علی اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری نخست‌وزیر عطف به نامه شماره ۱۰۷۸۲، مورخ ۲۵۳۵/۱/۱۷، بدین وسیله آقای علی اکبر سعیدی، معاون اجرایی این‌جانب در بنیاد فرهنگ و سرپرست طرح گسترش فرهنگ بنیاد، معرفی می‌شوند. خواهشمند است دستور فرمایند در اجرای برنامه گسترش فرهنگ ایران که مورد توجه خاص علیاحضرت شهبانوی ایران است، با ایشان مساعدت و همکاری شود.

دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران، پرویز خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان بلوار الیزابت، کوچه ورنوس، تلفن: ۶۵۲۰۰۰، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.

[حاشیه پایین، اول:] ملاحظه شد. خانم نیروان هنگام مراجعه آقای علی اکبر سعیدی راهنمایی لازم معمول فرمایند. [امضا: علی اصغر خطابخش] ۲۵۳۵/۱/۲۵

[حاشیه پایین، سوم:] فتوکپی این نامه تقدیم شد و خانم نیروان معرفی گردید. ۲۵۳۵/۱/۲۶

[حاشیه پایین، چهارم:] بایگانی. ۳۵/۱/۲۶

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیری

شماره: ۱۲۱۲۲، تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۲۴

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۸/۴

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۲۹، شماره: ۶۸

جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر معظم در تعقیب نامه شماره ۱۱، مورخ ۳۵/۱/۱۵، به آقای سعیدی سیرجانی، معاون اجرایی این‌جانب در بنیاد فرهنگ ایران، مأموریت داده شده است که برای انتخاب و دعوت سه‌ماهه استادان و

دانشجویان هندی در اواسط اردیبهشت ماه امسال به دهلی نو عزیمت و با ارشاد سفیر شاهنشاه آریامهر و همکاری مأموران رایزنی فرهنگی از میان داوطلبان سفر به ایران شایسته‌ترین افراد را انتخاب نماید.

با توجه به اوامر مؤکد ریاست عالیۀ بنیاد و اهمیت خاصی که این طرح فرهنگی و ملی دارد و ضمن تشکر از عنایت خاص آن جناب به پیشرفت برنامه‌های بنیاد، خواهشمند است مقرر فرمایند وزارت خارجه با در جریان گذاشتن مقامات سفارت شاهنشاهی موجبات تسهیل مأموریت آقای سعیدی سیرجانی را فراهم سازند و ضمن بررسی سوابق سیاسی داوطلبان، ایشان را در انتخاب مؤثرترین و مناسب‌ترین افراد راهنمایی کنند.

دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران، پرویز خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان بلوار الیزابت، کوچه ورنوس، تلفن: ۶۵۲۰۰۰، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.

[حاشیۀ پایین، اول:]: رونوشت نامه به وزارت امور خارجه ارسال شود. [امضا: علی اصغر خطابخش] ۲۵۳۵/۱/۳۰

[حاشیۀ پایین، دوم:]: آقای مجتهدی، اقدام فرمایید. ۳۵/۱/۳۰

[حاشیۀ پایین، سوم:]: سابقه.

[مهر:]: ورود به دفتر نخست‌وزیری

شماره: ۱۲۹۱۶، تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۳۰

[مهر:]: اندیکس شد.

سند شماره ۵۸/۵

بنیاد فرهنگ ایران

[آرم]

تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۲۹، شماره: ۶۹

جناب آقای خطابخش، معاون اجرایی وزیر مشاور

در تعقیب نامه شماره ۱۱، مورخ ۳۵/۱/۱۵، چون در نظر است قریب پنجاه نفر استاد و دانشجوی هندی برای اقامت سه ماهه تابستان به ایران دعوت شوند و آمد و رفت این میهمانان بنیاد به وسیله هواپیما خواهد بود، خواهشمند است دستور فرمایند شرحی به هواپیمایی ملی ایران نوشته شود که

در بهای بلیت این پرواز دسته‌جمعی تخفیف قابل توجهی منظور دارند و در یکی از پروازهای نیمه دوم خرداد محلی برای پنجاه نفر میهمانان بنیاد ذخیره نمایند.

دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران، پرویز خانلری [امضا]

نشانی: تهران، خیابان بلوار الیزابت، کوچه ورنوس، تلفن: ۶۵۲۰۰۰، صندوق پستی شماره ۳۲۴۷، تهران.

[حاشیه پایین، اول:] پاسخ تهیه فرمایند که در این مورد مستقیماً با هواپیمایی ایران مکاتبه فرمایند.

[امضا: علی اصغر خطابخش] ۲۵۳۵/۱/۳۰

[حاشیه پایین، دوم:] آقای مجتهدی. ۲۵۳۵/۱/۳۱

[حاشیه پایین، سوم:] سابقه.

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیری

شماره: ۱۲۹۱۴، تاریخ: ۲۵۳۵/۱/۳۰

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۸/۶

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۲۵۳۵/۲/۱، شماره: ۱۲۹۱۴، پیوست: دارد.

جناب آقای پرویز خانلری، دبیرکل و مدیرعامل بنیاد فرهنگ ایران

عطف به نامه شماره ۶۹ مورخ ۲۵۳۵/۱/۲۹، موضوع استفاده پنجاه نفر استاد و دانشجوی هندی

از تخفیف بهای بلیط هواپیما و پیشنهاد ذخیره جا برای آنان، خواهشمند است دستور فرمایند در

این مورد مستقیماً با هواپیمایی ملی ایران مکاتبه فرمایند.

علی اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری

[حاشیه پایین:] یوسف مجتهدی. ۲۵۳۵/۱/۳۱

[مهر ساعت و تاریخ:] ۶:۴۵ ۳۵/۱/۳۱

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۵۸/۷

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۲۵۳۵/۲/۱، شماره: ۱۲۹۱۶، پیوست: دارد.

وزارت امور خارجه

پیرو نامه شماره ۱۰۷۸۲، مورخ ۲۵۳۵/۱/۱۷، موضوع اجرای طرح مربوط به دعوت از استاد و دانشجوی هندی برای مسافرت به ایران، رونوشت نامه شماره ۶۸، مورخ ۲۵۳۵/۱/۲۹ بنیاد فرهنگ ایران مبنی بر تقاضای همکاری مقامات سفارت شاهنشاهی ایران در دهلی‌نو با آقای سعیدی سیرجانی به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای انتخاب شایسته‌ترین افراد به پیوست ایفاد می‌شود. علی‌اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری

[حاشیه پایین، اول]: یوسف مجتهدی. ۲۵۳۵/۱/۳۱

[حاشیه پایین، دوم]: پس از صدور نسخه اول، سابقه اعاده شود. دبیرخانه. ۲۵۳۵/۱/۳۱

[حاشیه پایین، سوم]: رفع نیاز شد. ۲۵۳۶/۲/۱

[مهر ساعت و تاریخ]: ۳۵:۱۲، ۳۵/۱/۳۱

[مهر]: صادر شود.

سند شماره ۵۸/۸

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

تاریخ: ۲۵۳۵/۲/۲۹، شماره: ۴۹۰۶، پیوست: دارد.

بنیاد فرهنگ ایران

پیرو نامه شماره ۱۲۹۱۶، مورخ ۲۵۳۵/۲/۱، درباره همکاری مقامات سفارت شاهنشاهی ایران در دهلی‌نو با آقای سعیدی سیرجانی به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای انتخاب شایسته‌ترین افراد، به پیوست رونوشت نامه شماره ۲۹/۳۱۵۴ مورخ ۲۵۳۵/۲/۲۷ وزارت امور خارجه برای استحضار ایفاد می‌شود.

علی‌اصغر خطابخش، معاون وزیر مشاور در امور اداری

[مهر ساعت و تاریخ: ۳۵/۲/۲۸]

[مهر: صادر شود.]

سند شماره ۵۸/۹

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی و علمی و فنی

[آرم پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۵]

تاریخ: ۲۵۳۵/۲/۲۷، شماره: ۲۹/۳۱۰۴

جناب آقای علی‌اصغر خطابخش

معاون وزیر مشاور در امور اداری نخست‌وزیری

بازگشت به نامه شماره ۱۲۹۱۶، مورخ ۲۵۳۵/۲/۱ راجع به تقاضای بنیاد فرهنگ ایران درباره ایجاد تسهیلات جهت انجام مأموریت آقای سعیدی[ی] سیرجانی، اشعار می‌دارد: مراتب به سفارت شاهنشاهی ایران در دهلی‌نو اطلاع داده شد تا مساعدت‌های لازم در انجام مأموریت مشارالیه معمول دارند.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا: بهمن آهنی]

[حاشیه پایین: رونوشت به بنیاد فرهنگ ایران ارسال شود. [امضا: علی‌اصغر خطابخش]

۲۵۳۵/۲/۲۸

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیری

شماره: ۴۹۰۶، تاریخ: ۲۵۳۵/۲/۲۷

[مهر:] اندیکس شد.

سند شماره ۵۹

پاسخ فرهنگستان زبان ایران در خصوص پیشنهاد کنفرانس ملی کار مبنی بر انتخاب

واژه کارآما به جای کارفرما

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[آرم پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۵]

صورت‌جلسه هیأت وزیران

[تاریخ: ۲۵۳۵/۶/۱، شماره: ۳۳۶۰۶]

جناب آقای وزیر کار و امور اجتماعی

قسمتی از صورت‌جلسه و تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۲۵۳۵/۶/۱ هیأت وزیران به شرح زیر برای استحضار و اقدام ایفاد می‌شود:

گزارش شماره ۸۰۰۹، مورخ ۲۵۳۵/۵/۹ وزارت فرهنگ و هنر درباره اظهارنظر در مورد واژه کارفرما و کارآما، مقرر شد با توجه به نظر اعلام‌شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر، فعلاً اصطلاح کارفرما تغییر داده نشود. رونوشت گزارش وزارت فرهنگ و هنر به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

گیرنده رونوشت: برای استحضار جناب آقای وزیر فرهنگ و هنر ایفاد می‌گردد.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

[حاشیه پایین: رونوشت برای آقای مجتهدی، دفتر حقوقی نخست‌وزیری، یک نسخه.

[مهر ساعت و تاریخ: ۱۲:۳۰، ۳۵/۶/۲]

سند شماره ۵۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ و هنر

[آرم پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۵]

جناب آقای هادی هدایتی، وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

بازگشت به نامه شماره ۸۷۸۸، مورخ ۲۵۳۵/۳/۳۱، فتوکپی اظهارنظر فرهنگستان زبان ایران درباره دو واژه کارفرما و کارآما پیوست است.

مهرداد پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر [امضا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم: در جلسه مورخ ۳۵/۶/۱ هیأت وزیران مطرح و با توجه به نظر اعلام شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر، مقرر شد فعلاً اصطلاح کارفرما تغییر داده نشود.

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیری

تاریخ: ۲۵۳۵/۵/۹، شماره: ۳۳۶۰۶

[مهر: اندیکس شد.

سند شماره ۵۹/۲

[آرم پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۵]

فرهنگستان زبان ایران

[آرم بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران]

تاریخ: ۲۵۳۵/۴/۱۸، شماره: ۸۸۸، پیوست: دارد.

جناب آقای مهرداد پهلبد، وزیر محترم فرهنگ و هنر

بازگشت به نامه شماره ۸۷۸۸، مورخ ۲۵۳۵/۳/۳۱ نخست‌وزیری و نامه شماره ۵۷۴۱۴، مورخ ۲۵۳۵/۴/۲۱ وزارت کار و امور اجتماعی، نتیجه بررسی‌هایی را که درباره دو واژه کارفرما و کارآما

در فرهنگستان زبان ایران انجام گرفته است، به شرح زیر به آگاهی می‌رساند:

کارفرما واژه تازه‌ای نیست و در برخی از نوشته‌های کهن فارسی (نظم و نثر) به کار رفته است. در

واژه‌نامه‌های فارسی چند معنی برای آن داده شده که از آن جمله است: صاحب کار، آتش بناری،

فرمان‌دهنده، کارفرماینده، صاحب و آمر.

کارآما در واژه‌نامه‌های فارسی که مورد بررسی قرار گرفت، یاد نشده، ولی در معنی آماده‌کننده کار ترکیب درستی است.

با تقدیم احترام، [امضا: صادق کیا]

[مهر: وزارت فرهنگ و هنر]

ورود به دفتر اداره دبیرخانه مرکزی

شماره: ۷۴۱۱، تاریخ: ۳۵/۴/۲۹

سند شماره ۵۹/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[آرم پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۶]

صورت‌جلسه هیأت وزیران

جناب آقای وزیر فرهنگ و هنر

جناب آقای وزیر کار و امور اجتماعی

قسمتی از صورت‌جلسه و تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۲۵۳۵/۳/۳۱ هیأت وزیران به شرح زیر برای استحضار و اقدام ایفاد می‌شود.

آقای آموزگار، وزیر کشور، اظهار داشتند در کنفرانس ملی کار که اخیراً در تهران تشکیل شد، ضمن قطعنامه کنفرانس، پیشنهاد شده است کارفرما به کارآما تبدیل شود. چون معلوم نیست ریشه کلمه کارآما از لحاظ زبان فارسی چیست و اصولاً لازم است در این قبیل مواقع از امکانات فرهنگستان ایران که مقام صلاحیت‌دار برای پیشنهاد تغییر کلمات می‌باشد، استفاده شود، پیشنهاد می‌نماید فرهنگستان ایران موضوع را بررسی و پس از ارائه پیشنهادی از طرف فرهنگستان ایران تصمیمی درباره تغییر این اصطلاح که سال‌ها است به کار برده می‌شود، اتخاذ شود. این پیشنهاد تأیید و مقرر شد مراتب به وزارت فرهنگ و هنر [و] وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع گردد.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر، هادی هدایتی

سند شماره ۶۰

طرح ایجاد کانون پژوهش ریاضیات ایران

دکتر فروزنده برلیان جهانشاهی، استاد دانشگاه تهران

[تاریخ: چهارم آذر ۲۵۳۵]

جناب آقای هویدا، نخست‌وزیر

پیرو فرمایش جناب‌عالی در نوشهر راجع به این که برادرم، دکتر علیرضا امیرمعز، گزارشی برای تأسیس یک انستیتوی ریاضی تهیه نماید، عین گزارش تهیه‌شده را حضورتان تقدیم می‌کنم. اگر در برنامه سنگین جناب‌عالی وقتی بود و گزارش احتیاج به توضیح بیشتری داشت، ایشان با نهایت اشتیاق به حضورتان شرفیاب خواهد شد.

با تقدیم احترام و صمیمانه‌ترین ارادت قلبی [امضا: فروزنده جهانشاهی]

آدرس: کوی صاحبقرانیه، خیابان مریم، شماره ۱۹، تلفن: ۵۳۰۵۷۶-۲۸۱۹۶۷، مرکز انتقال خون، دانشگاه تهران.

[حاشیه پایین، به خط هویدا:] جناب آقای علیرضا مهران، لطفاً پس از قرائت و تهیه پاسخ باشید چنانچه مذاکره نمایید. ۱۰/۱۲

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیری

سند شماره ۶۰/۱

تاریخ: ۲۵۳۵/۹/۱۲، شماره: ۶۲۶۹۶

گزارش علیرضا امیرمعز

کانون پژوهش ریاضیات ایران

آنچه در این مختصر به عرض می‌رسد، از الگوی معینی بریده نشده است و جنبه تقلید از کشور خاصی ندارد. تنها عملی بودن آن در کشور ما در نظر گرفته شده است و احتمال قوی می‌رود که به حقیقت کانونی نمونه بتوان به وجود آورد که دیگران از آن تقلید کنند. علما و محققین معمولاً از سیاستمداری بی‌بهره‌اند. از طرف دیگر، بیشتر دانشگاه‌های دنیا روی سیاست‌بازی اداره میشوند. از اینرو زمینه مساعدی برای پژوهش و مطالعه برای دانشمندان وجود ندارد. فقط چند دانشگاه در دنیا وجود دارد که به شخصیت علمی (SCIENTIFIC PRESTIGE) و ارزش دانشمندان اهمیت می‌دهند و محیط آرامی برای آنان درست می‌کنند که بتوانند به کارشان ادامه دهند. لذا برای

بهره‌برداری کامل از استعداد و معلومات ریاضیدان‌ها که همواره به مطالعه و پژوهش پرداخته‌اند، شایسته است که مرکزی به نام کانون پژوهش ریاضیات بنیانگذاری شود و فقط در آن را به روی طالبان علم و پژوهشگران حقیقی باز کنند.

اکنون چند کلمه دربارهٔ هدف، محل و طرز کار کانون به عرض می‌رسد:

هدف: هدف اصلی کانون زنده نگاه‌داشتن پژوهش و مطالعه در ریاضیات اصلی است (PURE MATHEMATICS AND BASIC RESEARCH) که در دو مرحلهٔ کلی انجام می‌شود. یکی، پشتیبانی از ریاضیدان‌هایی که برای تحقیق آماده‌اند مثل آنهایی که دکترای دولتی (DOCTEUR D'ETAT) یا دکترای فلسفی (DOCTOR OF PHILOSOPHY :Ph.D) گرفته‌اند. دیگر، آماده ساختن دانشجویان ممتاز برای درجهٔ دکترا که مساوی دکترای دولتی یا دکترای فلسفی باشد.

اشخاصی که آمادهٔ تحقیق شده‌اند، باید بی‌دردسر بتوانند به تحقیق بپردازند و نتایج کارشان را در مجله‌های درجه اول ریاضی دنیا منتشر کنند. بعلاوه باید بتوانند به دیگران نیز کمک کنند. آنانی که برای دانشجویی آمده‌اند، باید فقط دو امتحان یکی، به طور عمومی و دیگری، در تخصصشان بدهند و سپس رساله‌ای ارزنده [برای] انتشار در یک مجلهٔ درجه اول دنیا تهیه کنند. (دانشجویی و پژوهش تواضع می‌خواهد. عالم متواضع است، او را باید از افاده‌فروشی (INTELLECTUAL SNOBBERY) دانشگاهی دور داشت. دانشمند را باید در رفاه نگاه داشت، نه در تجمل که بتواند استعداد و ذوق خود را عرضه کند.)

آبروی علمی یک کشور بستگی زیادی به عدهٔ علمای آن دارد و این با داد و فریادکردن در روزنامه و تلویزیون درست نمی‌شود. در ریاضیات هر چهار سال یک بار نام ریاضیدانان دنیا در کتابی منتشر می‌شود و این را دنیا ملاک می‌گیرد. در سال ۱۹۷۰ فقط نام هفت ریاضیدان ایرانی در کتاب بود، در صورتی که از مملکت آفریقایی نیجریه (NIGERIA) سه برابر آن ریاضیدان نام برده شده بود. صورت ۱۹۷۴ را در اختیار ندارم. امید است که در کنگرهٔ بین‌المللی ریاضی سال ۱۹۷۸ عدهٔ ریاضیدانان ایران چندین برابر شود.

عضویت در کانون ریاضیات: اعضای کانون شامل دو دستهٔ عمده‌اند:

الف) اعضای موقت چندین نوع دارند:

ریاضیدانان جوان که تازه درجهٔ دکترا گرفته‌اند و رساله‌شان هم در مجله‌ای که در جهان شناخته شده است، منتشر شده است، به زبان دیگر آمادگی خود را در تحقیق نشان داده‌اند. این اعضا برای مدت چهار سال موقتی می‌مانند تا آن‌که واقعاً قابلیت خود را در پژوهش و راهنمایی دیگران در پژوهش

نشان دهند. در این صورت به عضویت دائمی پذیرفته می‌شوند. سپس ترفیع و اضافه‌حقوق آنان بستگی به ارزش کارشان دارد.

اعضای مهمان: ریاضیدانان مشهور دنیا (ایران و ممالک دیگر) را باید برای یک یا دو سال دعوت کرد که عضو شوند و به تحقیق و راهنمایی بپردازند.

اعضای دانشجو: این اعضا از دانشجویان ممتاز که گواهینامه عالی یا مافوق عالی دارند، انتخاب می‌شوند. اینان یک امتحان عمومی باید بدهند که به شرط پذیرفته شدن، بتوانند در قسمت خاصی از ریاضیات به تحقیق بپردازند و در صورت موفقیت کامل، یعنی تهیه یک رساله که در مجله اول ریاضی قبول شده باشد، درجه دکترا بگیرند. معنی حقیقی موفقیت کامل آماده شدن برای پژوهش است.

اعضای دیگری که دکترا دارند، ولی برای پژوهش و مطالعه می‌آیند و سپس به کار خود بازمی‌گردند. اعضای دائمی: این اعضا از ریاضیدان‌هایی که با انتشاراتشان قابلیت در تحقیق و پژوهش خود را به محک امتحان رسانده‌اند، تشکیل می‌شوند. وظیفه این اعضا در درجه اول تحقیق است و در درجه دوم، راهنمایی و همکاری با اعضای موقت بخصوص دانشجویان است.

موقعیت کانون: کانون را باید از مراکز پرسروصدا دور کرد و حتی الامکان جایی برای آن در نظر گرفت که پس [از] چند سال با ساختمان‌های هیولا احاطه نشوند. باید شهرکی نزدیک آن باشد که اعضا بتوانند مایحتاجشان را بخرند و اطفالشان را به مدرسه بفرستند.

محل کار: هر عضو باید اتاق دفتر خاص خود داشته باشد که بتواند با آسایش خاطر به تحقیق بپردازد و گاهی هم با شخص یا اشخاص دیگری بحث کند. اتاق دفتر باید به غیر از میز تحریر، چراغ خوب، قفسه کتاب، ... دارای تخته باشد. ثانیاً، اتاق‌های کوچکی به گنجایش پانزده یا بیست نفر برای سمینار داشته باشد. ثالثاً، دو یا سه اتاق به گنجایش پنجاه نفر برای گلوکیوم (GOLLOQUIUM) داشته باشد. رابعاً، اتاق بزرگی برای سخنرانی‌های عمومی داشته باشد. بعلاوه یک اتاق پذیرایی با وسایل برای چای و قهوه نزدیک محل کار لازم است. محل اداری کانون باید نزدیک محل کار باشد، ولی کاملاً باید مجزا باشد که اسباب اختلال کار اعضا نشود.

محل زندگی: نزدیک محل کار باید مقداری خانه و آپارتمان باشد که اعضا بتوانند با قیمت‌های مناسب اجاره کنند و وقتشان برای آمدورفت تلف نشود. خانه‌ها و آپارتمان‌های بزرگی باید مخصوص اشخاص زن و بچه‌دار باشد و آپارتمان‌های کوچک‌تر را به اشخاص تنها اختصاص دهند.

تفریح: کانون باید وسایل ورزشی، بازی و محل نمایش برای موسیقی، تئاتر و سینما داشته باشد که اعضا و هیأت مدیره و وابستگان بتوانند از آنها استفاده کنند. (باید متذکر بود که تجمل منظور نیست، فقط احتیاجات را باید در نظر گرفت.)

هیأت مدیره: ریاست کانون باید به دست ریاضیدانی باشد که در تحقیق و پژوهش دست داشته باشد. بخصوص بهتر است سش بین چهل و پنجاه باشد که هم قوه و قدرت جوانی را از دست نداده باشد و هم به بلوغ اجتماعی رسیده باشد. از این رو بتواند مسائل روحی و مادی ریاضیدانها را تشخیص دهد. (ریاضیدانهای حقیقی صفای کودکی را از دست نداده‌اند و از فن زد و بند اجتماعی بی‌بهره‌اند.) تحقیق و پژوهش کاری است بسیار دشوار. کارگر را به زور می‌توان به کار وادار کرد، ولی شخص را نمی‌شود به زور مجبور کرد که تمرکز حواس دهد. لذا رابطه بین هیأت مدیره و اعضای کانون بسیار حساس است. نتیجه علمی وقتی حاصل می‌شود که اعضا با فکر راحت بتوانند تمرکز حواس بدهند. هیأت مدیره کانون از جهت‌های دیگر شبیه به قسمت اداری مؤسسات علمی دیگر است. معاون و خزانه‌دار و... لازم دارد. لذا شرح و بسطی بیش از این به عرض نمی‌رسد.

تذکر: عده بسیار معدودی از ریاضیدانهای ایرانی که تحصیلات بسیار شایان دارند، در ایران مشغول کار خدمتی ریاضی‌اند و فرصتی زیاد برای تحقیق به آنان داده نمی‌شود. معلوم نیست که به پژوهش ادامه داده‌اند یا نه. چند ریاضیدان ایرانی هم که اروپا و آمریکا به گیر افتاده‌اند، سش از پنجاه گذشته است و قدرت و حوصله سر و کله‌زدن زیاد ندارند. گناه است که کانون پژوهش را به دست خارجی‌ها بدهیم که خواهی نخواهی نفوذشان زیاد شود و به ایرانی بی‌احترامی شود. این است که خوب است در چند نقطه اروپا و آمریکا که چند ریاضیدان فعال ایرانی وجود دارد، عده‌ای برای آماده‌شدن در تحقیق تعلیم بگیرند و پس از اخذ دکترا به کانون پژوهش بروند. باید تذکر داد که ممالک اروپایی و آمریکا گواهینامه‌هایی به نام دکترا می‌دهند که ارزش دکترای دولتی یا دکترای فلسفی ندارند. اینان فقط رساله‌ای به طور مقاله‌ای (EXPOSITORY) یعنی شرح مطالب دانسته‌شده تهیه می‌کنند. در آمریکا معمولاً درجه ماستر (MASTER) به اینان می‌دهند. گاهی هم دکترای آموزش و پرورش می‌دهند که احتمال دارد که دکترای آموزش ریاضی باشد یعنی روش تدریس ریاضی در دبیرستان. از این لحاظ باید قلابی بودن (PHONY) کارها را تحت کنترل قرار داد که کانون به حقیقت کانون پژوهشی بشود.

سند شماره ۶۱

مکاتبات مربوط به ادامه ریاست غلامحسین مصاحب بر مؤسسه ریاضیات دانشگاه

تربیت معلم

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

[تاریخ: ۱۶ آذر ۲۵۳۵]

سرور ارجمند، جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر

پیرو دستور مورخ ۲۵۳۵/۹/۱۴ آن جناب در مورد مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم و همچنین طرح آقای علیرضا امیرمعز بررسی لازم انجام گرفت و نتیجه به صورت زیر به استحضار آن جناب می‌رسد:

آنچه که مربوط است به آقای غلامحسین مصاحب، استاد بازنشسته و رئیس سابق مؤسسه، مسأله خاصی وجود ندارد. این استاد عالی‌قدر کمافی‌السابق به امر تدریس و تحقیق مشغولند و اصولاً مؤسسه ریاضیات به علت کوچکی، مشکل مدیریت ندارد. مدیر فعلی (آقای فرودی) از شاگردان قدیمی مؤسسه است و با صوابدید آقای مصاحب به این کار گمارده شده‌اند.

مؤسسه ریاضیات با یک سابقه ۱۳ ساله، اکنون دارای ۱۲ شاگرد است که چون گذشته از بین داوطلبان ممتاز لیسانسیه انتخاب شده‌اند. اکثر دانش‌آموختگان مؤسسه برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شده‌اند و اکنون عده‌ای از آنان با عناوین استادیاری یا بالاتر در مؤسسات آموزش عالی ایران مشغول خدمتگزاری می‌باشند.

این مؤسسه قابل گسترش و در طرح حصارک پیش‌بینی لازم شده است. از این لحاظ پیشنهاد آقای امیرمعز در این برنامه و قالب می‌تواند به موقع اجرا درآید.

با تقدیم احترام، علیرضا مهران، مشاور نخست‌وزیر [امضا]

پیوست: یادداشت آقای عبدالعلی غفاری [و] طرح آقای علیرضا امیرمعز.

[حاشیه بالا: جناب آقای علیرضا مهران، مشاور نخست‌وزیر، جناب آقای نخست‌وزیر فرمودند

خواهش کنم اولاً^۱

[حاشیه راست، بند ۱: اطلاع به آقای همایون صنعتی.

سند شماره ۶۱/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

[تاریخ: ۱ دی ماه ۲۵۳۵]

همکار محترم، آقای کامبیز پارسای

امروز با آقای همایون صنعتی‌زاده (۳- ۸۴۸۵۸۰) مفصلاً صحبت نمودم. عقیده دارند که «مسأله بازنشستگی آقای دکتر مصاحب را حل کنیم تا بتوانند کمافی‌السابق در مقام ریاست مؤسسه ریاضیات تأمین‌کننده حیثیت علمی این مؤسسه باقی باشند.» به ایشان اطمینان دادم که در این مؤسسه تصمیم مهمی بدون نظر ایشان اتخاذ نمی‌شود و ضمناً استاد بازنشسته یکی دو تا نیست و باید به فکر دیگران نیز بود.

[امضا: علیرضا مهران]

[حاشیه پایین: بایگانی].

سند شماره ۶۱/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

به عرض می‌رساند: در مورد آقای غلامحسین مصاحب از وزیر علوم سؤال شد و چنین معروض داشتند:

«مؤسسه ریاضیات دانشسرای عالی از سال ۱۳۴۳ تأسیس شده است. این مؤسسه استاد ریاضی برای دانشگاه تربیت می‌کند و هر سال معمولاً بین ۶ تا ۱۰ دانشجو می‌پذیرد و از استادان برجسته خارجی در رشته ریاضیات نیز استفاده می‌کند. از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۹ آقای مصاحب به‌عنوان رئیس و استاد مؤسسه در آنجا خدمت کرده‌اند. در سال ۱۳۴۹ بازنشسته شده، ولی به سمت استاد باقی مانده و کماکان خدمات آموزشی خود را ادامه می‌دهند. چون لازم بوده است کسی مدیریت آنجا را به عهده گیرد، آقای زمانی، معاون دانشسرای عالی، کارهای اداری و سرپرستی آنجا را تا مهرماه ۳۵ [۲۵] به عهده داشته و در مهرماه گذشته بازنشسته می‌شوند، لازم بوده است که کسی آنجا را اداره کند. آقای مشایخی، رئیس دانشگاه تربیت معلم، با مشورت آقای مصاحب، آقای فردی، دانشیار، را به‌عنوان سرپرست این مؤسسه تعیین می‌نمایند.

سند شماره ۶۲

نامه سناتور پرویز یارافشار به فرهنگستان زبان ایران در خصوص به فارسی

برگرداندن نام شهرها و روستاها

[آرم]

بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران

فرهنگستان زبان ایران

[تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۸، شماره: ۳۹۴۱]

جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر

فتوکپی نامه مورخ ۲۵۳۶/۷/۱۸ جناب آقای پرویز یارافشار، نماینده مجلس شورای ملی، درباره به فارسی برگرداندن نام شهرها و روستاها و همچنین نام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و واژه‌های عربی، لویحی که دولت آماده می‌نماید، برای آگاهی به پیوست تقدیم می‌گردد. یادآور می‌شود که این فرهنگستان برای هر اقدامی که در این باره از طرف دولت ابلاغ گردد، آمادگی دارد.

با تقدیم احترام، صادق کیا، رئیس فرهنگستان زبان ایران [امضا]

[حاشیه پایین: جناب وزیر کشور، پاسخ بدهید که خود جناب کیا آگاهی دارند که از چند سال پیش وزارت کشور این کار را آغاز کرده و اکنون هم دنبال می‌کند. [امضا: جمشید آموزگار] ۳۶/۹/۱۰ [۲۵]

سند شماره ۶۲/۱

پرویز یارافشار

[تاریخ: ۲۵۳۶/۷/۱۸]

فرهنگستان زبان ایران، با درود فراوان، به تازگی دو شماره (۵-۶) «پیشنهاد شما چیست؟» که پیشگفتار هر دو همانند بود، از سوی فرهنگستان رسید و مرا بسیار شاد نمود که آن فرهنگستان به این اندیشه افتاده است که از مردم پیشنهاد بجوید.

نخستین پیشنهاد من این است اگر ممکن (واژه پارسی ممکن را نمی‌دانم) باشد، شماره‌های ۱، ۲، ۳ و چهار آن را هم به نام من بفرستند، سپاسگزار خواهم گردید.

سپس پیشنهاد می‌کنم:

با دولت برنامه‌ای داشته باشند که اندک اندک واژه‌های معرب‌شده نام‌های شهرها و روستاها را به نام‌های پارسی که خود مردم هنوز آن را به کار می‌برند، برگردانند. برای نمونه غرق‌آباد (۳۶)

کیلومتری خاور شهرستان ساوه) کرگ‌آباد است و کرگ در فارسی مرغ می‌باشد، ولی اکنون در نوشته‌های دولتی غرق‌آباد نوشته می‌شود و مانند آن بسیار است. با همراهی دولت نام‌های وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی که در همین نزدیکی‌ها نامگذاری شده و بیشتر عربی است مانند تعاون امور روستاها یا وزارت صنایع و تعاون یا سازمان تنقیح و تدوین مقررات کشور به پارسی برگردانند. برنامه دیگری با دولت داشته باشند که در لوایحی (پارسی لایحه را نمی‌دانم) که دولت آماده می‌نماید، کوشش شود به جای واژه‌های عربی، واژه‌های پارسی به کار برده شود. البته به کار بردن واژه‌های پارسی در نخست اندکی سخت می‌نماید، اما پس از گذشت دورانی مانند شهربانی به جای نظمی و شهرداری به جای بلدی به اندازه [ای] شیرین می‌نماید که هیچ‌کس نمی‌خواهد واژه عربی آن را به کار برد. واژه‌هایی هستند که همگانی [و] جهانی شده‌اند مانند تلفن، تلویزیون، تلگراف و مانند آنان که نمی‌شود آنها را برگرداند و باید به نام اصلی خوانده شوند. پیشرفت آن بنیاد را خواستارم.

سناتور پرویز یارافشار [امضا]

[مهر: دبیرخانه فرهنگستان زبان ایران]

شماره: ۲۹۸۵، تاریخ ۳۶/۷/۱۸

سند شماره ۶۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

تاریخ: ۲۵۳۶/۹/۱۶، شماره: ۲۲۸۷۰/۶۱۳

جناب آقای سناتور پرویز یارافشار

عطف به نامه مورخ ۲۵۳۶/۷/۱۸ آن جناب عنوان فرهنگستان زبان ایران که طی نامه شماره ۳۹۴۱، مورخ ۲۵۳۶، فتوکپی آن از طریق فرهنگستان زبان جهت استحضار جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر، ارسال گردیده و طی شماره ۸۴۸۱۸، مورخ ۲۵۳۶/۹/۱۲ نخست‌وزیری منضم امریه مورخ ۳۶/۹/۱۰ جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر، به وزارت کشور ارسال شده است، به استحضار می‌رساند:

هرگونه تغییر نام یا نامگذاری و تعیین نام برای اماکن جغرافیایی اعم از شهری و روستایی در اجرای قانون تقسیمات کشوری، در وزارت کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با ذکر دلایل توجیهی با تقدیم طرح تصویب‌نامه برای تصویب هیأت وزیران به نخست‌وزیری پیشنهاد می‌گردد. در مورد تغییر نام‌های نام‌نوس و معرب و غیرفارسی مخصوصاً طی سال‌های اخیر با همکاری فرهنگستان زبان ایران پژوهش‌های لازم انجام و اکنون نیز بر اساس برنامه‌ی زمان‌بندی‌شده این امر مهم تعقیب می‌شود.

اهم تغییرات و نامگذاری به شرح زیر می‌باشد:

تغییر نام شهرستان بیضا به نام سپیدان.

تغییر نام جزیره شیخ شعیب به نام لاوان.

تغییر نام جزیره حاج صلبوخ به نام جزیره مینو.

تغییر نام بخش خلف‌آباد به نام رامشیر.

تغییر نام شهر سراسکند به نام آذران.

تغییر نام بخش ملک‌کندی به نام ملکان.

تغییر نام شهرستان خانه به نام پیرانشهر.

تغییر نام بخش بندر حسن‌کیاده به نام فرحناز.

تغییر نام بخش ابرقو به نام ابرکوه.

تغییر نام بخش زرقان به نام زرگان.

اصلاح نام شهر و شهرستان اصطبانات به نام استهبان.

تغییر نام دهستان ابوالعباس به نام منگشت.

تغییر نام روستای ابوالفارس به نام اسوار.

تغییر نام روستای ام‌الصخر به نام بردان.

تغییر نام بخش قصبه به نام اروندکنار.

تغییر نام روستای ام‌الدیای به نام ماکیان.

تغییر نام روستای ام‌الغزلان به نام آهووند.

تغییر نام روستای ام‌الحزین به نام جویسار.

تغییر نام روستای کوس‌محلّه به نام کوش‌محلّه.

تغییر نام روستای کرمو به نام بهدشت.

تغییر نام بخش هویزه به نام هوزگان.

تغییر نام استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان به نام هرمزگان.
نامگذاری شهرستان متشکل از جزایر قشم، هرمز، لارک، هنگام، تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی
به نام آبان.

تغییر نام روستای قریه العرب به نام گلزار.

تغییر نام شهر و بخش اشترینان به نام اشناد.

تغییر نام و نامگذاری ۹۶ جزیره دریاچه رضاییه.

و همچنین تعیین و تغییر و نامگذاری صدها نام روستا، شهر، معدن، تأسیسات کشاورزی و صنعتی،
مدارس، میادین، دانشگاه، پارک، خیابان و سایر اماکن شهری و روستایی به اسامی پارسی و نام‌های
خاندان جلیل سلطنت و شعرا و دانشمندان و شهدا.

در مورد تغییر نام روستای غرق آباد که در نامه مزبور به آن اشاره نموده‌اید، به استحضار می‌رساند:
نتیجه بررسی‌های همه‌جانبه‌ای که توسط پژوهشگران تقسیمات کشوری و فرهنگستان زبان به
عمل آمده است، نشان می‌دهد که در هیچ یک از مآخذ و فرهنگ‌های موجود دلیلی بر معرب شدن
واژه کرگ آباد به غرق آباد ذکر نشده است. مع هذا چون جزئی از نام روستای غرق آباد عربی بوده و
همچنین معنای ویرانی از آن مستفاد می‌شود، لذا شورای بررسی نام‌های جغرافیایی نام مناسبی را
انتخاب و طی نامه شماره ۷۹۸۰/۶۱۳، مورخ ۲۵۳۶/۵/۱۹ به استانداری استان مرکزی پیشنهاد
نموده است تا در صورت تأیید نسبت به تهیه طرح تصویب‌نامه اقدام لازم به عمل آید.

جهت استحضار فتوکپی پیشنهاد مزبور ارسال می‌شود. خواهشمند است در صورت موافقت، نظریه
اعلام نمایند تا نسبت به تغییر نام غرق آباد اقدام لازم به عمل آید.

علی نگهبان، معاون پارلمانی و اداری و مالی

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۶۳

نامه خانابا بیانی به نخست‌وزیر، جمشید آموزگار، در خصوص استفاده از نام ماهه

به جای عدد در مکاتبات اداری

جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر محبوب معظم

با کمال احترام به استحضار عالی می‌رساند: از آنجایی که اطمینان دارم تا چه اندازه آن سرور گرامی به زبان و تاریخ و فرهنگ ایران دلبستگی دارید و پیوسته در این راه از راهنمایی و کوشش دریغ نفرموده‌اید، به عرض این نکته حساس مبادرت ورزید.

از مدت‌ها پیش در دستگاه‌های دولتی رسم بر این شده است که در هنگام تاریخ‌گذاری به جای نام‌های ماه‌ها از اعداد استفاده می‌کنند. چون خود سال‌های دراز است که با تاریخ و اسناد و مدارک سروکار دارم، می‌دانم که این روش نادرست در گمراه کردن مورخان و پژوهشگران آینده تا چه اندازه اثر خواهد گذاشت و زمانی نه چندان دور خواهد رسید که نام‌های زیبا و تاریخی ماه‌های ایرانی که یادگار نیاکان پاک‌سرشت ما می‌باشد، از خاطره‌ها فراموش شده، اعداد جایگزین آنها می‌شود که این خود لطمه بزرگی به حیثیت و فرهنگ ملی ما خواهد بود. بنابراین از آن مقام منبع تمنا دارد در صورتی که صلاح می‌دانند، مقرر فرمایند ضمن بخشنامه‌ای دستگاه‌های دولتی را متوجه این نکته حساس کرده، آنها را وادار نمایند به جای اعداد، نام ماه‌ها را در مکاتبات خود قید نمایند و مراتب را در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها به اطلاع مردم برسانند.

با عرض سپاس فراوان، ارادت و احترامات فائقه خود را تقدیم می‌دارم.

استاد ممتاز دانشگاه و مشاور فرهنگی وزیر امور خارجه

خانبابا بیانی [امضا] ۱۴ اسفندماه ۲۵۳۶

[حاشیه پایین:] جناب وزیر فرهنگ و هنر، بررسی و در هیأت وزیران مطرح شود. [امضا: جمشید

آموزگار] ۳۶/۱۲/۱۴

[مهر:] وزارت فرهنگ و هنر

ورود به دفتر اداره دبیرخانه و بایگانی مرکزی

شماره: ۲۱۳۳۱، تاریخ: ۲۵۳۶/۱۲/۱۶

[مهر:] دبیرخانه فرهنگستان زبان ایران

شماره: ۵۶۱۷، تاریخ: ۳۶/۱۲/۲۰

سند شماره ۶۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ و هنر

جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر

بازگشت به شماره ۱۲۳۹۴۴، مورخ ۲۵۳۶/۱۲/۱۵، فتوکپی نامه مورخ ۱۴ اسفندماه ۲۵۳۶ آقای خانابا بیانی، استاد ممتاز دانشگاه تهران، و فتوکپی گزارش شماره ۵۶۶۶، مورخ ۲۵۳۶/۱۲/۲۲ فرهنگستان زبان ایران پیوست است.

مهرداد پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر [امضا]

سند شماره ۶۳/۲

فرهنگستان زبان ایران

[تاریخ: ۲۵/۳۶/۱۲/۲۲]، [شماره: ۵۶۶۶]، پیوست: دارد.

جناب آقای مهرداد پهلبد، وزیر محترم فرهنگ و هنر

بازگشت به پی‌نوشت مقام عالی وزارت در زیر نامه مورخ ۱۴ اسفندماه ۲۵۳۶ آقای خانابا بیانی به جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر، به آگاهی می‌رساند که این نامه در شورای فرهنگستان زبان ایران مطرح گردید و چنین نظر داده شد که در نامه‌نویسی اداری با توجه به کارهای ماشینی بهتر است که از عدد به جای نام ماه استفاده شود، ولی در مورد های دیگر، چنان که معمول است، نام ماه همه جا یاد گردد.

با تقدیم احترام، صادق کیا [امضا]

[مهر: وزارت فرهنگ و هنر]

ورود به دفتر اداره دبیرخانه و بایگانی مرکزی

شماره: ۲۱۷۷۱، تاریخ: ۲۵۳۶/۱۲/۲۲

سند شماره ۶۴

نامه نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو، ذبیح‌الله صفا، به نخست‌وزیر، جمشید آموزگار، در خصوص تشکیل مجمع منطقه‌ای یونسکو در آسیا درباره امور جوانان

[آرم]

کمیسیون ملی تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در ایران

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی، شماره ۳۰۰، صندوق پستی: ۱۵۳۳، تلفن: ۸۲-۸۳۱۴۷۸

تاریخ: ۲۵۳۷/۲/۱۸، شماره: ۷۵۰/۱/۷/۱، ضمیمه: دارد.

جناب آقای جمشید آموزگار، نخست‌وزیر محترم

معاون مدیرکل یونسکو در قسمت علوم اجتماعی و کاربرد آنها ضمن نامه‌ای به‌عنوان رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران اعلام داشته است که در اجرای قطعنامه شماره ۱۶۱-۱ نوزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی، در نظر است یک مجمع منطقه‌ای آسیایی درباره امور مربوط به جوانان از ۱۷ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸ در کاتماندو (نیپال) تشکیل گردد. هدف از تشکیل این مجمع بررسی مناسب‌ترین روش‌ها برای جلب جوانان به خدمت در امر توسعه است و در این بررسی تجارب، شرایط اجتماعی - اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و نظام‌های اجتماعی ویژه هریک از کشورهای آسیا در نظر گرفته خواهد شد. نیازها و آرمان‌های طبقات مختلف جوانان در ارتباط با سطح آموزش و نحوه زندگی و محل آن (روستا یا شهر) مشخص و معین خواهد گشت و فقط به صدور قطعنامه در مورد سیاست‌های مربوط به جوانان اکتفا نخواهد شد، بلکه برنامه‌های جاری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و بر اساس آنها فعالیت‌هایی که عملاً می‌توانند در آینده نزدیک به مورد اجرا درآیند، طرح‌ریزی خواهد شد و ضمن تعیین روش‌های عملی، امکانات همکاری بین کشورهای آسیایی از یک طرف، و بین سازمان‌های بین‌المللی از طرف دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. چون در این مجمع فرصت مبادله گسترده نظرها و تجارب پیش خواهد آمد، شرکت‌کنندگان باید اطلاعات عمیق و روشن از وضع جوانان کشورهای خود داشته باشند و بنابراین شایسته است از بین کارمندان دولت که در سطح بالا مسئولیت تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ریزی مربوط به جوانان را بر عهده دارند یا از کارشناسان جوانی که در زمینه طرح‌های مربوط به اشتغال جوانان در امر توسعه مسئول می‌باشند، انتخاب و معرفی شوند.

جمعاً ۳۰ تا ۳۵ نفر به انتخاب مدیرکل یونسکو در این مجمع شرکت خواهند کرد و بنابراین از کمیسیون ملی یونسکو در ایران خواسته شده است حداکثر تا آخر مه ۱۹۷۸ (۱۰ خرداد ۲۵۳۷) نام

و مشخصات یک یا دو فرد واجد شرایط را اعلام کند تا فرصت کافی برای انتخاب شرکت کنندگان وجود داشته باشد.

چون زبان کار مجمع انگلیسی خواهد بود، معاون مدیرکل یونسکو درخواست کرده است معرفی شوندگان حتی الامکان از کسانی باشند که به آن زبان تسلط کامل دارند و در غیر این صورت، می‌توان یک نفر مترجم به هزینه یونسکو به همراه شرکت کننده اعزام داشت.

هزینه مسافرت و اقامت شرکت کنندگان بر عهده یونسکو خواهد بود و کشورهای عضو می‌توانند به هزینه خود ناظرانی به این مجمع اعزام دارند. تعداد ناظران نیز باید بموقع به یونسکو اعلام شود تا ترتیبات لازم برای برگزاری مجمع از پیش داده شود.

رونوشت نامه معاون مدیرکل یونسکو جهت مزید استحضار به ضمیمه ایفاد می‌گردد. متمنی است مقرر فرمایند در صورت موافقت، نام و مشخصات شرکت کنندگان و ناظران را اعلام دارند تا پاسخ یونسکو داده شود.

ذبیح‌الله صفا، نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران

با تقدیم احترام [امضا]

[حاشیه بالا:] جناب صادق کاظمی، رسیدگی و پاسخ بدهند. [امضا: جمشید آموزگار]

تصوير نمونة اسناد

قسمت
دینا اکثر عرض حاجت می کنند در این نگاه اولم
نکته

اداره نظارت - این نماز گنجه
مردم سرکار ما اولاً، فرموده اند
نیز این بنام دارد -

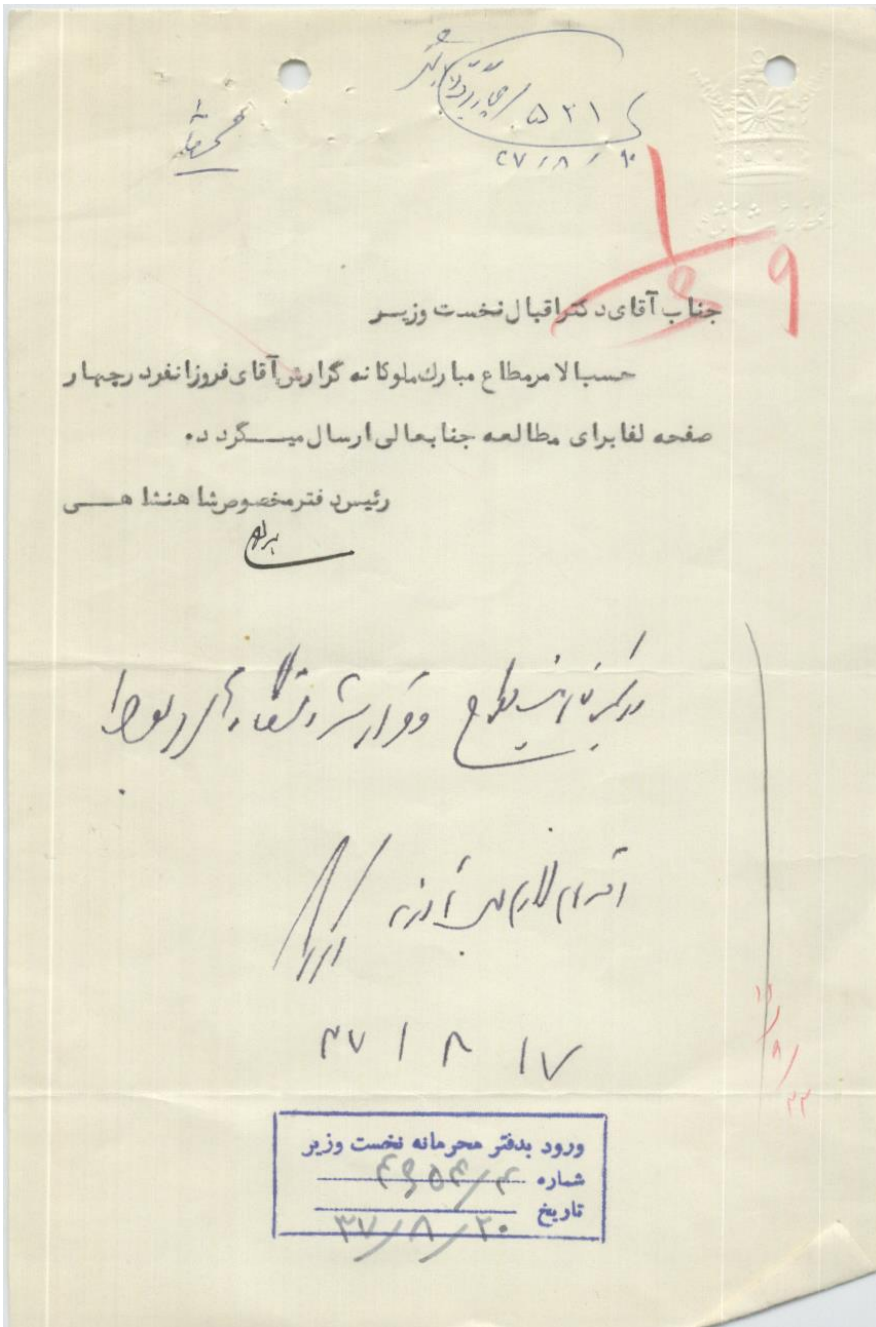
۵

ورود بدفتر وزارت دربار بهای	
تاریخ	۱۳۱۱ / ۵ / ۲۷
شماره اندیکاتور	۱
طبقه بندی ضابط	۱۸۴۲

سند شماره ۳/۱۵

رقم القید: ۳۰۷۸ ۱۳۶۷ / ۵ / ۱۹ ۱۹۴۸ / ۱ / ۵	بسم الله الرحمن الرحيم	دارالتقريب بین المذاهب الاسلامیة تلفون ۵۸۹۸۴
جناب آقای حکیمی نخست وزیر معظم		
<p>با تقدیم احترامات فائقه باستحضار عالی میرساند بطوریکه چندی قبل در ضمن نامه از دفتر مخصوص شاهنشاهی اشعار داشته بودند، برای کمک هزینه دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه ماهيانه مبلغ شش هزار ريال در هيئت دولت بتصويب رسیده که از اعتبار دولت باز پرداخت شود و نیز اخیراً در طی نامه ای همین معنی را رئیس محترم دولت سابق متذکر بتصويب نامه هيئت وزیران دائر پرداخت کمک هزینه ماهيانه دارالتقريب اشاره میکنند .</p>		
<p>در صورتیکه تا این تاریخ چنین مبلغی بدارالتقريب نرسیده و هنوز دارالتقريب ماهيانه ای دریافت نداشته است و همواره انتظار داشته است که علی الاقل این سهمیه از مدتها پیش باور رسیده باشد که هر چند یکنواختی بدهی بابت این سهمیه تولید نشود .</p>		
<p>تصور میکنم تشابهی که از حیث مبلغ بین کمک هزینه شخصی اینجانب است زیرا آنهم مبلغ شش هزار ريال و از اعتبار دولت (به پیشنهاد وزارت فرهنگ از مدتها قبل از تأسیس دارالتقريب) پرداخت شده، موجب اشتباه متصدیان تهیه تصویب نامه شده باشد که تصور کرده اند مقصود از این کمک هزینه دارالتقريب همان است در حالیکه دارالتقريب یکمؤسسه جهانی اسلامي و مستقلي است و دارای اعضای از تمامی فرق و مذاهب اسلامي میباشد که یکفرآنها محمد تقی قمی است - منتهی حسن نظر آن رجال اسلامي کشورهای مختلف شامل این فرد شیعی و ایرانی شده و اورا بسبب دیرکلی برگزیده اند که امیدوار است در این راه آنچه را در قوه دارد از خدمتگذاری بدین دولت خود در حدود وظیفه ای که در این سازمان دینی دارد غفلت نکند</p>		
<p>در پایان خاطر مبارک را معطوف میدارد که بر اثر نرسیدن کمک مقرری و ثابت بودن مخارج هر چند یکنواختی تولید چنانکه بعد دافعاً (۳۵) یونجه متروش و در اول نوبه ۳۰۰ میشود . با تجدید احترام</p>		
<p>۷۱۷۸ ۳۰۰ نیست زمان وقت ترمیم در تمام دست نوشته های کمی در این روز (تیم) در القاهرة - الزمک ۱۹ سن حجت </p>		

سند شماره ۲۰



جناب آقای دکتر اقبال نخست وزیر

حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه گزارش آقای فروزان فرد رجب چهار

صفحه لغای برای مطالعه جناب عالی ارسال میسر گردید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[Handwritten signature]

[Large handwritten signature in cursive]

[Handwritten signature in cursive]

۳۷ / ۸ / ۲۰

ورود بدفتر محرمانه نخست وزیر
شماره ۴۹۵۴/۴
تاریخ ۲۰/۸/۳۷

سند شماره ۲۰/۱



دانشگاه تهران

یادداشت

از تاریخ ۱۳۳

- ۱- تعیین مرکز مرکب از اشخاص مطلع و بصیر با وضع و احوال گذشته و فعلی افغانستان و سوابق ایران با آن
- ۲- این هیأت پس از مطالعه سوابق و بررسی اوضاع امروزی برای خط‌هشی دولت در مورد افغانستان پیش‌بینی کرده بعرض پیشگاه مبارک خواهد رسانید
توضیحاً بعرض میرساند که چنین استنباط می‌شود که دولت افغان
خط‌مشی خود را از مدتی پیش معین کرده است
- ۳- گزارش‌های مختلف مربوط با افغانستان را بررسی نموده نظر خود را عرض خواهد داشت
- ۴- اخبار و مقالات مربوط با افغانستان را قبل از انتشار در رادیو و جرائد دقیقاً بررسی خواهد کرد
- ۵- برای آشنای مردم افغانستان بوضع ایران و رقیبات آن بهادر آشنا شوند و بازندگانی عقیدت‌آماده خود عقابیه کنند



دانشگاه تهران

یادداشت

۲

از تاریخ ۱۳۳۰

- مقصود است که مأمورین دولت شاهنشاهی تسهیلات مملکتی معمول دارند
- ۶- رفتار مأمورین مرزی و شهربانی بالنسبه بمسافرین افغانی دوستانه بلکه فوق العاده مهربانتر باشد
- ۷- در مشهد که غالباً افغانها بدانجا سفر می کنند اشخاصی ^{بعضا} راهها بجهت پذیرایی و راهنمایی و تعهد و مراقبت آنان ^{گزارده} شوند تا از انجاف کسبه و مقصدیان مهاجرتخانه ها و تحریک سو و وطن در مسافرین افغانی جلوگیری کنند
- ۸- مأمورین دولت شاهنشاهی مسافرین محترم و مستغنی را از هر طبقه پیش از غریبت و ورود بایران معرفی کنند تا نسبت با آنان توجه بیشتر مبذول گردد
- ۹- بسیار بجاست اگر در مشهد و طهران هتل های مناسبی برای مسافرین افغانی با رعایت مقصودات مذهبی منظور گردد
- اجرای این نظر و بند ۷، از طرف آستان قدس در مشهد مبسوط است



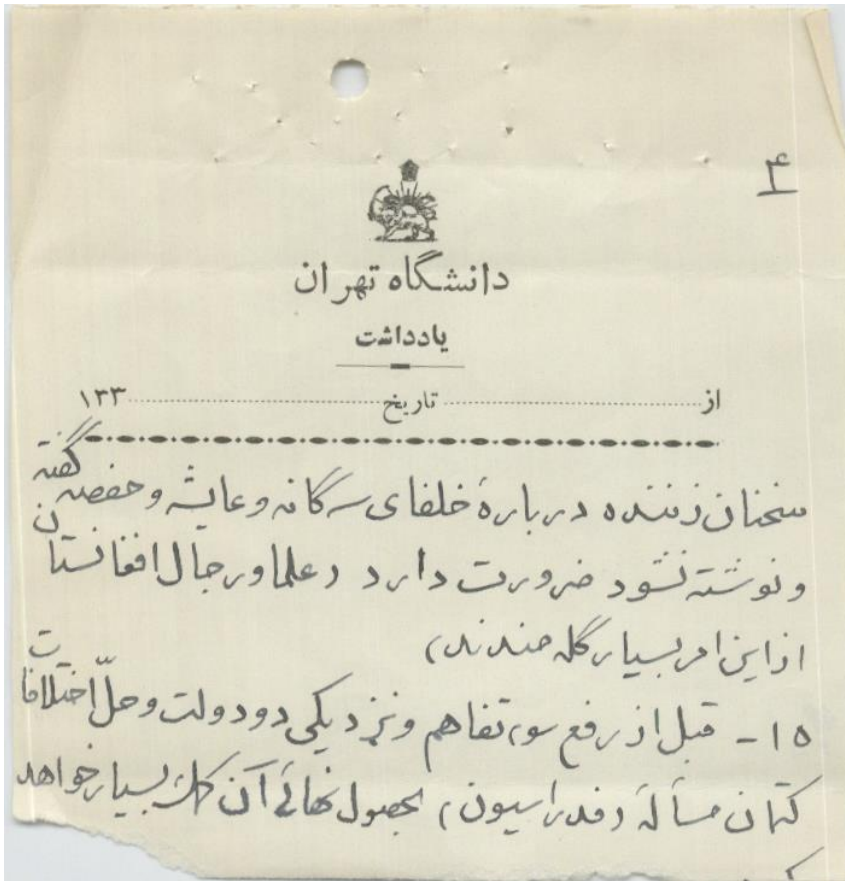
دانشگاه تهران

یادداشت

۳

از تاریخ ۱۳۳۰

- ۱- امور مربوط به سفرین کاملاً بصورت عادی انجام گیرد و وضع طوری نباشد که خود را تحت مراقبت خرض کند و یا با آنها را مرتبط بدولت تصور نمایند
- ۱۱- امور مرزی مسئولیت یک نفر حاکم مستقل که کار در سطح گمرک و شهر بانی و زاندر مرز مسئول وی باشد انجام گیرد و بهر صورت امور مرزی مرکز ثابت داشته باشد
- ۱۲- چنانکه مشاهده شد اکثر مردم افغانستان از آزادی و تحول اوضاع مذهبی ایران بی خبرند رفع این اشتباه و چاره این بی خبری بوسیله مقصطنی ضرورت دارد
- ۱۳- هرگاه دولت شاهنشاهی موفق شود که رده ضخیم بی اطلاعی را از پیش چشم مردم افغانستان بردارد تشکیل کمیته مؤلف و تدوین کنندگان امکان بیشتر خواهد یافت
- ۱۴- برای حصول چنین نتیجه شگرفی مراقبت در امر مبارک (مخصوص در خراسان) و نشریات رادیو و جرائد وسیعی در اینک



سند شماره ۲۴/۵

پاریس ۱۲ آبان ۱۳۴۰

سرور ارجمند دوست بسیار گرامی

در پیادت کینه و محبت و خردی که عطف حضرتان در پیاری توانستم تا آنکه در مرغ حبکت و صبا ایستادم در محرم
 بزرگوار و صاف در این آن سرور گرامی منم. از آن جهت که فرزند و تقویه زود، ایام از این محنت و صحت معجز گرامی و در
 بر اثر وقت اسرار سوزنده بر او زنده کمال اعتماد در او هم دارم و از آن جهت که از آن بزرگوار و صبر عزیز شکر کنم. ای صفا
 با آنکه نام بیاید، قافری در دهکده نوسانم و تکرار می‌کنم، همه این معراج را در آن نگرانی است ۱۲ آبان پاریس
 با این بنده و سانه همز که کینه از این معجزه شکر می‌کنم و بسیار است. صفا با قافری در دهکده نوسانم و تکرار می‌کنم
 از این معراج و در دهکده نوسانم و تکرار می‌کنم. چون رفتن بکسیران از روی نسیج و در سینه بر اول بزرگوار و در آن پاریس
 و در سینه نگرانی و نداشت خانه خود را در نگرانی این سینه بجز در نماندن با آنکه در نماندن در نماندن این نگرانی
 که در این معراج بسیار است. همه این سینه است که از آن نماندن در نماندن که در آن نماندن در نماندن و مستعد در نماندن
 بر مرغ حبکت و در او در معراج او در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن
 و نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن
 بر نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن
 از آن جهت که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن در نماندن که در نماندن

سید

Prof. Saïd nafiqy
 53-57, Avenue du Maréchal Joffre
 Bourg-la-Reine

پیشانی لریک
 ۲۱۴۴۵
 ۲۱۲۷
 ۴-۱۹۱۱۵

دود و بوشه تخت و وزیر
 تاریخ ۲۷/۱۰/۴۰
 شماره ۲۹۲۲۷
 ۷۸۹۱۱۱۱۲۱۲۳۴۵۶۷

Sain

X
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

سند شماره ۳۰

۴۲/۱۱/۲ و ۱/۱۶۲۴۷



وزارت فرهنگ
دقرونیر

جناب آقای نخست وزیر

اکنون که پناه اراده سینه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست
دانشگاه پهلوی شیراز نیز بعهده جنابعالی محول گردیده است اینجانب
لازم میدانم از طرف خود و همگی فرهنگیان و دانشگاهیان کشور
جنابعالی صمیمانه تبریک و تهنیت بگویم . صدور فرمان مبارک ملوکانه
مبنی بر تشویق این مقام شاخ به رئیس هیئت وزراء نشانه باوری از توجه
و بذل مرحمت شاهنشاه نسبت به فرهنگ و دانشگاه و موجب نهایت سرفرازی
و مباهات است . امیدوارم در صورتی که اینها در دستورات خردمندانه
شاهنشاه در سمت جدید نیز توفیق انجام خدمات شایسته نصیب جنابعالی

گردد . با تقدیم احترام

وزیر فرهنگ - دکتر خاندلوی

۴۷۴۴
۴۲/۱۱/۲

وزارت فرهنگ و تفریح
تاریخ
شماره
۴۷۴۴
۷۸۹۱۰۱۱۲۱۲۳۴۵۶۷

سند شماره ۴۱

پور لارن - پاریس اول فروردین ۱۳۴۵

دوست بسیار عزیزم
 ای که تاکنون پاک صفت نگزارد و عین ارادت کند ام به نیت بود که در مجرای
 بلاغ رسیده بود که در تمام روزهای د قار خوشتر بودم. اکتف مانند حیثیت که طبیعت در آستانه سال نو از آن
 محبت مادر و منور بودن آورده و آنکه یزدی به عنوان در سخنان زنده در بخشیه هست و بشکرا آن دو صفت
 نخستین کار را این ترا ام که سال در باره در عزیزان آن یک کلیم و امیدوار باشم که در این سال نو از هر عیبش کام
 دتن درست و کامیاب باشید و ایران ما که تاکنون چنین نعمت آن پنج من میاد دلم بخود نه بهیست از وجه حیثی که در
 شایر خرد در با نه. اما سآه که لازم چنان بر درست که در قابل کلام غر غنجه و منها کوانی خود در این زمانه مستم
 ارادتمند حقیر

بیست
 سید نفیسی

سند شماره ۴۵



تاریخ ۱۳۴۵/۸/۲۶
شماره ۱۸۴۸۰
پیوست ۱

فوریست

وزارت آموزش عالی

تذکره تسلیت کمیته سبیت درگذشت استاد سعید
نفیسی ازدوشنبه پایتخت تاجیکستان رسیده است
پیوست فرستاده میشود * خواهشمند است دست و فرمافید
ترجمه و پاسخ آنرا تهیه و در سال دارند تا باضافه جنس
آقای نخست وزیر برسد *


۱۱/۱۲/۳۳
۱/۱

رئیس کل دفتر نخست وزیر * در کمره نام رسانود بی

۱۳۴۵ / ۸ / ۲۶

۱۸۴۸۰
۱

سند شماره ۴۵/۱


 وزارت پست و تلگراف و تلفن - بی سیم پهلو
 Ministère des P. T. T. RADIO PAHLEVI
 RADIOGRAMME

00344
17/11 0930

مبدأ Origine	شماره No.	کلمه Mots	تاریخ Date	ملاحظات Observations
B633	DUCHANBE 96/95 16 1820 =			لیتایلی په
EGO PREWOSHODITELSTWU GOSPODINU AMIR ABBAS HOWAYDA PREMIER MINISTRU IRANA TEHERAN =				
TABJIKSKII NAROD POTRIASLA WEST O BEZWREMENNOI KONCHINE WYDAIUSCHEGOSIA UCHENOGO PISATELIA I OBSHESTWENNOGO DEIATELIA IRANA SAIDA NAFISI TADJIKSKII NAROD NAWSEGDA SOHRANIT PAMIAT O SAIDE NAFISI KAK BOLSHOM DRUGE SOWETSKOGO SOIUZA ON MAOGO SDELAL DLIA RAZWITIIA PERSIDSKO TADJIKSKOI LITERATURY IZUCHENIIA ISTORII ETIH = PGE2=				
RODSTWENNYH NARODOV IKREPLENIIA DRUJBY I SOTRUDNICHESTWA MEJDU IRANSKIM I SOWETSKIM NARODAMI PRAWITELSTWO TADJIKSKOI SSR WYRAJAEET GLUBOKOE SOBOLEZNOWANIE IRANSKOMU NARODU WAS GOSPODIN PREMIER MINISTR PROSHU WAS PEREDAT NASHI ISKRENNIE CHUWSTWA GLUBOKOGO SOBOLEZNOWANIA CHLENAM SEMI POKOINOGO =				
PRESEDATELSOWETA MINISTROW MINISTR INOSTRANNYH DEL TADJIKSKOI SSR ABDUL SAD KAHHAROW				

نمونه ۲۱۵
 س ۸۰

سند شماره ۵۰



تاریخ ۱۳۴۰/۸/۱۸

شماره ۲۹۷۳۶

پیوست

۵۴۴/۱/۳۵

جناب آقای هرمز قریب
رئیس کل تشریفات شاهنشاهی

در شرفیاب یکشنبه ۱۶/۸/۵۰ از پیشگاه مبارک
اعلیحضرت هماهنگ شاهنشاه آریامهر استعظاشد بهاس خدمات
آقای حسین خطیبی مدیر عامل جمعیت شیروخورشید سرخ
ایران اجازه فرمایند نامبرد به دریافت نشان مفتخر گردد .
این استعظامورد تصویب ذات ملوگانه واقع گردید . لکن
خواهشمند است در اولین فرصت که فهرست اسامی کسانی که
به دریافت نشان مفتخری گردند به شرفعرض همایونی میرسد
نام آقای حسین خطیبی را منظور و او را مرطخ ملوگانه را ابلاغ
فرمائید .

امیر عباس هویدا

صاندر

۱۳۵۰/۸/۱۸



سند شماره ۵۵

